

آسان بیاموزیم

ترجمه و چسبایی در ایران، تحت انتشار
انتشارات وایلی توسط انتشارات آوند دانش

WILEY

چاپ دوم



آموزش زبان آلمانی

for
dummies
A Wiley Brand

آلمانی صحبت کنید

با گرامر، صرف افعال و تلفظ‌های آلمانی
آشنا شوید

با تمرین‌های کاربردی کتاب مهارت خود را
محک بزنید



پائولینا کریستسنسن، آن فاکس، وندی فاستر

برگردان: شادی حسن‌پور





آموزش زبان آلمانی

نوشته‌ی پائولینا کریستنسن، آن فاکس، وندی فاستر
برگردان: شادی حسن‌پور

for
dummies
A Wiley Brand

ترجمه و چاپ در ایران، تحت انتشار
انتشارات وایلی توسط انتشارات آوند دانش

WILEY



آوند دانش

سرشناسه: کریستنسن، پاتولینا Christensen, Pauline
عنوان و نام پندگزار: آموزش زبان آلمانی For Dummies / نوشته‌ی پاتولینا کریستنسن، آن فاکس، وندی فاستر؛ برگردان شادی حسن‌پور؛ ویراستار میا وحیدپورسی.
مشخصات نشر: تهران: آوند دانش، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۲۸۴ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۱-۴۰۰-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فبا
پادداشت: عنوان اصلی: German For Dummies, 2011.
موضوع: زبان آلمانی -- مکالمه و جمله‌سازی -- فارسی
موضوع: German language -- Conversation and phrase books -- Persian
موضوع: زبان آلمانی -- خودآموز
موضوع: German language -- Self-instruction
شناسه‌ی افزود: فاکس، آن
شناسه‌ی افزود: Fox, Anne (Language teacher)
شناسه‌ی افزود: فاستر، وندی
شناسه‌ی افزود: Foster, Wendy
شناسه‌ی افزود: حسن‌پور، شادی. - ۱۳۶۹. - مترجم
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۸ ۴۳۹ / ۵۴۲۸/۲۴
رده‌بندی دیوئی: ۵۴۲۸/۲۴
شارعی کتاب‌شناسی ملی ۵۴۲۹۵۰۲



آوند دانش

آموزش زبان آلمانی

نوشته‌ی پاتولینا کریستنسن، آن فاکس، وندی فاستر
ویراستار: میا وحیدپورسی
طراحی گرافیک: استودیو آوند دانش
تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۸ - چاپ اول
لینوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ محمد
نشانی ناشر: ابتدای خیابان پاسماران، خیابان گل نیس، خیابان ناطق لوری، پست‌تلاش، پلاک ۴، تلفن: ۲۲۸۹۳۹۸۸
نمابر: ۲۲۸۷۱۵۲۲
فروشگاه: صلع جنوبی پارک فطریه، خیابان روشنایی، خیابان شهاب، نیش روشنشان، پلاک ۲۵، تلفن: ۲۲۲۹۵۲۹۲
مرکز پخش: میدان انقلاب، خیابان جماراده‌ی شمالی، بعد از چهارراه نصرت، کوچه‌ی دعوتی، شماره‌ی ۱۲، تلفن: ۶۶۵۹۱۹۰۹
صدوق پستی: ۱۹۵۸۵/۶۷۳
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۶۶۱-۴۰۰-۹
کلیه‌ی حقوق این کتاب نزد ناشر محفوظ است

محدودیت مسئولیت / سلب مسئولیت از ایجاد ضمانت: هیچ مسئولیتی یا ضمانتی منوجه نشر یا نویسنده در قبال دقت یا کامل بودن متن این اثر نیست و هرچند از تمامی ضمانتها شامل و نه محدودیت، ضمانت مناسب بودن برای هدفی خاص، سلب مسئولیت می‌گردد. به‌واسطه‌ی فروش یا مواد تبلیغاتی هیچ ضمانتی ایجاد نخواهد شد یا تعمیم نخواهد یافت. توصیه‌ها و راهکارهای ارائه‌شده در این اثر ممکن است برای هر موقعیتی مناسب نباشند. این اثر با استناد بر این تفاهم فروخته می‌شود که ناشر درگیر هیچ‌گونه کار حقوقی، حسابداری یا هرگونه خدمات حرفه‌ای دیگر نمی‌شود. چنانچه مشاوری حرفه‌ای موردنیاز باشد، از خدمات یک فرد حرفه‌ای باید بهره گرفته شود. نه ناشر و نه نویسنده نباید در قبال ضمانتی که از این ناحیه حادث می‌گردد مسئول باشند. این مطلب که به سازمانی یا وبسایتی در این اثر ارجاع داده و/ یا به‌دعوی منبع احتمالی اطلاعاتی بیشتر معرفی می‌شود نباید به‌معنای آن باشد که ناشر یا نویسنده اطلاعات یا توصیه‌هایی را که سازمان یا وبسایت ارائه می‌کند صحت می‌گذارد. علاه‌براین، خوانندگان باید از این مطلب آگاه باشند که وبسایت‌های اینترنتی که در این اثر فهرست شده‌اند ممکن است در حداثی که این اثر نوشته شده است تا زمانی که خوانده می‌شود، تغییر کنند یا معی شوند.

درباره‌ی نویسندگان

پائولینا کریستتسن ده‌ها سال به نگارش، ویرایش و ترجمه مشغول بوده است. او مدرک ادبیات انگلیسی و آلمانی دارد و کتابچه‌های درسی و کتاب‌های راهنمای معلم بسیاری را به زبان آلمانی برای انتشارات بین‌المللی برلیتز (Berlitz International) تألیف و ویرایش کرده است. او در حوزه‌های بسیار متنوعی ترجمه می‌کند که از هنرهای رسانه‌ای جدید تا کتاب‌های علمی تخیلی (مجله‌ی *Starlog*) را در بر می‌گیرد. خانم کریستتسن گاهی در جایگاه مترجم دادگاه نیز فعالیت می‌کند، در کنفرانس‌های آموزشی به مشاوره و ترجمه‌ی شفاهی می‌پردازد و صداگذاری‌های برخی از سی‌دی‌ها و ویدئوهای آموزشی را نیز انجام می‌دهد. دکتر کریستسن مدرک کارشناسی ارشد و دکترای خود را از دانشگاه دوسلدورف آلمان دریافت کرده و در مدارس زبان مؤسسه‌ی برلیتز، دانشگاه نیویورک و دانشگاه فوردهام تدریس کرده است.

آن فاکس سال‌ها در جایگاه مترجم، ویراستار و نویسنده مشغول فعالیت بوده است. او در مدرسه‌ی عالی مترجمان زوریخ در سوئیس تحصیل کرده است و مدرک ترجمه دارد. همچنین در مدارس عالی زبان برلیتز تدریس کرده و در جایگاه مصحح فنی در دیپارتمان‌های ویرایش چندین شرکت حقوقی مشغول به کار بوده است. خانم فاکس اخیراً در مؤسسه‌ی برلیتز مشغول تهیه، نگارش و ویرایش چند کتاب درسی برای دانشجویان و کتاب‌های راهنما برای معلمان بوده است.

وئدی فاستر از مدت‌ها قبل در عرصه‌ی تدریس، نویسندگی، ویرایش و ترجمه فعالیت می‌کرده است. او از مؤسسه‌ی زبان و ترجمه‌ی مونینگ آلمان، مدرک زبان آلمانی دریافت کرده و دوره‌ی کارشناسی ارشد زبان فرانسه را در کالج میدلبری گذرانده است. همچنین مدرک تدریس زبان آلمانی و فرانسوی در مدارس عمومی را نیز دریافت کرده است. خانم فاستر به‌مدت دو سال در فرانسه مشغول تحصیل بود؛ سپس در شهر مونینگ آلمان ساکن شد و توانایی‌های مختلف خود در زمینه‌ی تدریس و نگارش را در مؤسسات گوناگونی از جمله، زمینس، هایپوفراین باتک، اتاق بازرگانی مونینگ و چند انتشارات دیگر به کار گرفت.

برلیتز بیش از ۱۴۰ سال است که خدمات مربوط به آموزش زبان را با کیفیت عالی عرضه می‌کند. این مؤسسه که بیش از چهارصد شعبه در پنجاه کشور مختلف دارد، طیف کاملی از خدمات را در حوزه‌ی زبان ارائه می‌کند: آموزش، تمرینات، بینا فرهنگی، ترجمه‌ی مدارک، بومی‌سازی نرم‌افزار و خدمات ترجمه‌ی شفاهی.

مؤسسه‌ی برلitz گستره‌ی وسیعی از کتاب‌های خودآموز، کتاب‌های زبان در سفر، فرهنگ اصطلاحات و فرهنگ لغات نیز منتشر می‌کند.

متد مشهور برلitz، هسته‌ی اصلی آموزش زبان این مؤسسه به شمار می‌آید. از زمان معرفی این متد در سال ۱۸۷۸، میلیون‌ها نفر برای یادگیری زبان‌های مختلف از آن استفاده کرده‌اند.

فهرست مطالب در یک نگاه

۱	مقدمه
۷	بخش ۱: شروع به کار
۹	فصل ۱: چقدر زبان آلمانی می‌دانید
۲۳	فصل ۲: پایه‌ریزی: گرامر اولیه‌ی زبان آلمانی
۴۵	فصل ۳: آشنایی با تلفظ و اصطلاحات اساسی
۶۵	فصل ۴: اعداد، زمان و واحدهای اندازه‌گیری
۷۷	فصل ۵: صحبت کردن درباره‌ی خانه و خانواده
۸۷	بخش ۲: زبان آلمانی به صورت کاربردی
۸۹	فصل ۶: معرفی خودتان با گفت‌وگویی کوتاه
۱۰۹	فصل ۷: پرسیدن آدرس و پیدا کردن مسیر
۱۲۹	فصل ۸: بیرون غذاخوردن و رفتن به بازار
۱۵۵	فصل ۹: خرید کردن آسان شده است
۱۷۱	فصل ۱۰: گشت‌وگذار در شهر
۱۹۱	فصل ۱۱: کسب‌وکار و ارتباطات از راه دور
۲۱۱	فصل ۱۲: تفریحات و سرگرمی‌های بیرون از خانه
۲۳۱	بخش ۳: آلمانی در سفر
۲۳۳	فصل ۱۳: برنامه‌ریزی برای سفر
۲۴۳	فصل ۱۴: سروکار داشتن با پول در یک کشور خارجی
۲۵۳	فصل ۱۵: گشت‌وگذار با هواپیما، قطار، تاکسی و غیره
۲۷۳	فصل ۱۶: یافتن مکانی برای اقامت
۲۸۹	فصل ۱۷: رسیدگی به امور اورژانسی

بخش ۴: بخش ده تایی‌ها..... ۳۰۷

فصل ۱۸: ده روش برای یادگیری سریع زبان آلمانی..... ۳۰۹

فصل ۱۹: ده چیزی که هرگز نباید به زبان آلمانی بگویید..... ۳۱۳

فصل ۲۰: ده اصطلاح محبوب آلمانی..... ۳۱۹

فصل ۲۱: ده جمله‌ای که شما را آلمانی نشان می‌دهد..... ۳۲۳

بخش ۵: پیوست..... ۳۲۵

پیوست الف: فرهنگ لغت..... ۳۲۷

پیوست ب: جدول افعال..... ۳۳۹

پیوست ج: وبگاه..... ۳۶۱

پیوست د: پاسخ‌نامه..... ۳۶۳

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۱	درباره‌ی این کتاب
۲	قواعد رعایت‌شده در این کتاب
۳	تصویرات خنده‌دار
۴	ترتیب مطالب این کتاب
۴	بخش اول: شروع به کار
۴	بخش دوم: زبان آلمانی به‌صورت کاربردی
۵	بخش سوم: آلمانی در سفر
۵	بخش چهارم: بخش ده‌تایی‌ها
۵	بخش پنجم: پیوست
۵	نمادهای به‌کاررفته در این کتاب
۶	مقصد بعدی
۷	بخش ۱: شروع به کار
۹	فصل ۱: چقدر زبان آلمانی می‌دانید
۹	زبان آلمانی‌ای که می‌شناسید
۹	کلمات هم‌خانواده
۱۱	کلمات مشابه با املاي متفاوت
۱۳	مترادف‌نماها!
۱۶	کلمات آلمانی وام‌گرفته‌شده
۲۰	اصطلاحات و عبارات پرکاربرد
۲۳	فصل ۲: پایه‌ریزی: گرامر اولیه‌ی زبان آلمانی
۲۴	شناخت اجزای کلام
۲۴	اسم‌ها
۲۶	حروف تعریف
۲۷	ضمایر
۲۷	صفات
۲۸	افعال
۲۹	قیدها

۳۰.....	ساخت جملات ساده	۳۰.....
۳۰.....	مرتب کردن صحیح کلمات در یک جمله.....	۳۰.....
۳۰.....	قراردادن فعل در جایگاه دوم.....	۳۰.....
۳۲.....	فرستادن فعل به انتهای جمله.....	۳۲.....
۳۲.....	ساخت جملات سوالی.....	۳۲.....
۳۳.....	زمان‌ها: گذشته، حال و آینده.....	۳۳.....
۳۳.....	نگاهی به زمان حال.....	۳۳.....
۳۴.....	صحبت کردن درباره‌ی گذشته: زمان «حال کامل».....	۳۴.....
۳۷.....	نوشتن درباره‌ی زمان گذشته: استفاده از زمان گذشته‌ی ساده‌ی افعال.....	۳۷.....
۳۷.....	صحبت کردن درباره‌ی آینده.....	۳۷.....
۳۸.....	انتخاب وجه مناسب.....	۳۸.....
۳۸.....	وجه‌های متفاوت.....	۳۸.....
۳۹.....	اهمیت وجه مختلف.....	۳۹.....
۴۵.....	آشنایی با تلفظ و اصطلاحات اساسی.....	فصل ۳: ۴۵.....
۴۵.....	دهان بسته: نکات اساسی تلفظ.....	۴۵.....
۴۶.....	«تکیه»ی کلمات در زبان آلمانی.....	۴۶.....
۴۶.....	الفبای آلمانی.....	۴۶.....
۴۷.....	تلفظ مصوت‌ها.....	۴۷.....
۴۸.....	تلفظ حروف ð و ò و ü.....	۴۸.....
۴۹.....	تلفظ مصوت‌های مرکب.....	۴۹.....
۵۰.....	تلفظ حروف صامت.....	۵۰.....
۵۲.....	تلفظ صامت‌های ترکیبی.....	۵۲.....
۵۳.....	خطاب قراردادن افراد به صورت رسمی و غیررسمی.....	۵۳.....
۵۴.....	گفتن «سلام»، «خداحافظ» و احوالپرسی کردن.....	۵۴.....
۵۵.....	احوالپرسی.....	۵۵.....
۵۶.....	پاسخ دادن به احوالپرسی.....	۵۶.....
۵۸.....	معرفی کردن خود و دوستان تان.....	۵۸.....
۵۸.....	معرفی کردن دوستان.....	۵۸.....
۵۹.....	معارفه‌هایی در شرایط خاص.....	۵۹.....
۶۰.....	معرفی کردن خودتان.....	۶۰.....
۶۵.....	اعداد، زمان و واحدهای اندازه‌گیری.....	فصل ۴: ۶۵.....
۶۵.....	یادگیری اعداد.....	۶۵.....
۶۷.....	بیان زمان.....	۶۷.....

۶۷	سؤال کردن در مورد زمان	۶۷
۶۸	بیان زمان بر اساس سیستم ۱۲ ساعته	۶۸
۶۹	استفاده از سیستم ۲۴ ساعته	۶۹
۷۰	ساعات روز	۷۰
۷۰	روزهای هفته	۷۰
۷۲	نام گذاری ماهها	۷۲
۷۳	اندازه گیری، مقدار و وزن	۷۳
۷۷	فصل ۵: صحبت کردن درباره ی خانه و خانواده	۷۷
۷۷	زندگی در آپارتمان یا خانه ی ویلایی	۷۷
۷۷	توصیف زندگی در چهار دیواری خانه	۷۷
۷۸	پرسیدن سوالات مناسب	۷۸
۸۰	صحبت کردن درباره ی خانواده	۸۰
۸۷	بخش ۳: زبان آلمانی به صورت کاربردی	۸۷
۸۹	فصل ۶: معرفی خودتان با گفت و گویی کوتاه	۸۹
۸۹	صحبت کردن درباره ی خودتان	۸۹
۹۰	توصیف شغل	۹۰
۹۱	ارائه ی اسم و شماره تلفن	۹۱
۹۵	نگاهی به ضمائر ملکی	۹۵
۹۶	صحبت کردن درباره ی شهرها، کشورها و ملیتها	۹۶
۹۶	صحبت در مورد زادگاهتان	۹۶
۹۷	استفاده از فعل بسیار مهم "sein"	۹۷
۹۸	از دیگران بپرسید اهل کجا هستند	۹۸
۱۰۰	ملیتها	۱۰۰
۱۰۱	صحبت کردن درباره ی زبانهایی که می دانید	۱۰۱
۱۰۴	گفت و گویی کوتاه درباره ی آب و هوا	۱۰۴
۱۰۴	صحبت کردن درباره ی آنچه بیرون از خانه رخ می دهد	۱۰۴
۱۰۵	گفت و گو درباره ی درجه حرارت	۱۰۵
۱۰۶	توصیف آب و هوای روز	۱۰۶
۱۰۹	فصل ۷: پرسیدن آدرس و پیدا کردن مسیر	۱۰۹
۱۰۹	پرسیدن مکان چیزی با "Wo?"	۱۰۹
۱۱۱	چقدر با محل مورد نظرتان فاصله دارید؟ سؤال کردن با "Wie weit?"	۱۱۱
۱۱۲	رفتن به اینجا و آنجا	۱۱۲

۱۱۳	سؤال کردن درباره‌ی رفتن به مکانی مشخص	
۱۱۴	استفاده از حرف اضافه‌ی "in" برای رفتن به یک مکان	
۱۱۵	استفاده از "nach" برای رفتن به یک شهر یا کشور	
۱۱۵	استفاده از "zu"؛ رفتن به نهادهای و مؤسسات	
۱۱۷	توصیف یک مکان یا جایگاه با توجه به مکانی دیگر	
۱۱۹	دانستن موقعیت خود با یادگیری چپ، راست، شمال و جنوب	
۱۱۹	چپ، راست، مستقیم	
۱۲۰	جهت‌های اصلی	
۱۲۱	رفتن از این خیابان یا آن خیابان	
۱۲۳	استفاده از اعداد ترتیبی: اول، دوم، سوم و ...	
۱۲۵	سفر با خودرو یا سایر وسایل نقلیه	
۱۲۹	بیرون غذاخوردن و رفتن به بازار	فصل ۸:
۱۲۹	Hast du Durst? و Hast du Hunger?	
۱۳۱	همه‌چیز درباره‌ی وعده‌های غذایی	
۱۳۳	چیدن میز برای یک وعده‌ی غذایی	
۱۳۳	بیرون غذاخوردن	
۱۳۳	تصمیم‌گیری درباره‌ی مکان صرف غذا	
۱۳۴	رزرو کردن	
۱۳۸	رستین و نشستن سر میز	
۱۳۹	رمزگشایی منو	
۱۴۴	سفارش دادن	
۱۴۴	استفاده از وجه التزامی برای بیان خواسته‌ها	
۱۴۶	استفاده از افعال کمکی و چنما برای تغییر آنچه می‌گویید	
۱۴۷	سفارش دادن غذایی ویژه	
۱۴۸	پاسخ دادن به سؤال «چقدر غذایتان را دوست داشتید؟»	
۱۴۹	درخواست صورت حساب	
۱۵۰	خرید خوراکی	
۱۵۱	از کجا خرید کنید	
۱۵۱	یافتن آنچه می‌خواهید	
۱۵۵	خرید کردن آسان شده است	فصل ۹:
۱۵۵	مکان‌هایی برای خرید در سطح شهر	
۱۵۶	ساعت کار فروشگاه‌ها	
۱۵۷	پیدا کردن اقلام موردنظر در فروشگاه	

نگاهی به کالاها بینارید	۱۵۸
کمک گرفتن حین خرید	۱۵۹
خرید لباس	۱۶۰
آشنایی با رنگ‌ها	۱۶۲
دانستن سایز خود	۱۶۳
پرو کردن لباس	۱۶۴
پرداخت هزینه	۱۶۷
مقایسه کردن اشیا با یکدیگر	۱۶۹
فصل ۱۰: گشت‌وگذار در شهر	۱۷۱
مایلید چه کاری انجام دهید؟	۱۷۱
رفتن به سینما	۱۷۲
تماشای فیلم	۱۷۳
خرید بلیت	۱۷۳
زمان گذشته‌ی ساده‌ی فعل "Sein"	۱۷۶
رفتن به موزه	۱۷۷
صحبت کردن درباره‌ی کارهایی که در گذشته انجام دادماید	۱۷۹
ساخت اسم مفعول	۱۷۹
استفاده از فعل "haben" در زمان‌های کامل	۱۸۱
استفاده از فعل "sein" در زمان گذشته‌ی کامل	۱۸۲
گردش‌های تفریحی	۱۸۴
چطور بود؟ صحبت کردن درباره‌ی تفریحات	۱۸۵
پرسیدن نظر دیگران	۱۸۵
بیان دیدگاه شخصی	۱۸۶
رفتن به مهمانی	۱۸۸
دعوت‌شدن به مهمانی	۱۸۸
صحبت کردن درباره‌ی مهمانی	۱۸۹
فصل ۱۱: کسب‌وکار و ارتباطات از راه دور	۱۹۱
تلفن زدن آسان شده است!	۱۹۱
شخص دیگری را پای تلفن خواستن	۱۹۲
برقراری ارتباط	۱۹۳
قرار ملاقات گذاشتن	۱۹۶
پیغام گذاشتن	۱۹۷
چند نکته درباره‌ی ضمائر داتیو (مفعولی غیرمستقیم)	۱۹۸

۱۹۹	ارسال پیام‌های مکتوب
۲۰۰	ارسال نامه یا کارت پستال
۲۰۳	ارسال ایمیل
۲۰۳	ارسال فکس
۲۰۴	آشنایی با محل کار
۲۰۵	لوازم و تجهیزات اداری
۲۰۶	کسب و کار به زبان آلمانی
۲۱۱	فصل ۱۲: تفریحات و سرگرمی‌های بیرون از خانه
۲۱۱	ورزش کردن
۲۱۱	بازی کردن با فعل "spielen"
۲۱۲	افعال ورزشی
۲۱۳	دعوت کردن کسی به بازی
۲۱۴	استفاده از افعال انعکاسی برای صحبت کردن درباره‌ی برنامه‌ها
۲۱۵	افعال انعکاسی انعطاف‌پذیر
۲۱۵	ساخت ضمائر آکوزاتیو و داتیو
۲۱۶	چند فعل انعکاسی رایج
۲۱۹	افعال انعکاسی انعطاف‌پذیر
۲۲۰	کشف دنیای بیرون از خانه
۲۲۰	بیرون رفتن
۲۲۰	آنچه بین راه می‌بینید
۲۲۳	رفتن به کوهستان
۲۲۵	رفتن به روستا
۲۲۷	رفتن به دریا
۲۳۱	بخش ۳: آلمانی در سفر
۲۳۳	فصل ۱۳: برنامه‌ریزی برای سفر
۲۳۳	کمک گرفتن از کارمندان آژانس مسافرتی
۲۳۶	برنامه‌ریزی از قبل: استفاده از زمان آینده
۲۳۷	توصیف رویدادها در ماه‌های بخصوص
۲۳۷	بیان زمان‌های بخصوص در ماه
۲۳۸	بررسی مجدد تاریخ‌ها
۲۳۹	گرفتن پاسپورت و ویزا
۲۳۹	پاسپورتی که از هر چیزی مهم‌تر است
۲۴۰	کسب اطلاعات در مورد ویزا

۲۴۳		سروکارداشتن با پول در یک کشور خارجی	فصل ۱۴:
۲۴۳		تبدیل ارز	
۲۴۷		استفاده از دستگاه خودپرداز	
۲۴۹		حالت اضری	
۲۵۰		شناخت یورو و سایر ارزها	
۲۵۳		گشت‌وگذار با هواپیما، قطار، تاکسی و غیره	فصل ۱۵:
۲۵۳		استفاده از زبان آلمانی در فرودگاه	
۲۵۴		گرفتن بلیت	
۲۵۴		ورود به هواپیما	
۲۵۷		بررسی مسئله‌ی مهاجرت	
۲۵۸		رفتن به بخش گمرک	
۲۵۹		مسافرت با خودرو	
۲۵۹		اجاره کردن خودرو	
۲۶۲		سردرآوردن از نقشه	
۲۶۲		آشنایی با علائم جاده‌ای	
۲۶۳		سوارقطارشدن	
۲۶۳		توضیح برنامه‌های زمان‌بندی قطار	
۲۶۴		کسب اطلاعات	
۲۶۴		خرید بلیت	
۲۶۶		افعال جداسدنی	
۲۶۸		استفاده از اتوبوس، مترو و تاکسی	
۲۶۸		سوارشدن به اتوبوس	
۲۷۰		گرفتن تاکسی	
۲۷۳		یافتن مکانی برای اقامت	فصل ۱۶:
۲۷۳		پیداکردن هتل	
۲۷۴		رزروکردن اتاق	
۲۷۵		بیان تاریخ و مدت اقامت	
۲۷۵		مشخص کردن نوع اتاق	
۲۷۶		سؤال کردن درباره‌ی قیمت	
۲۷۷		تهایی کردن رزرو	
۲۷۹		ورود به هتل	
۲۷۹		بیان مدت اقامت	
۲۷۹		پیرکردن فرم پذیرش	

۲۸۰	ورود به اتاق
۲۸۱	سؤال کردن در مورد امکانات و تسهیلات
۲۸۴	خروج از هتل و پرداخت صورت حساب
۲۸۴	درخواست صورت حساب
۲۸۵	چند درخواست کوچک
۲۸۹	فصل ۱۷: رسیدگی به امور اورژانسی
۲۸۹	درخواست کمک
۲۸۹	فریاد کمک
۲۹۰	گزارش دادن یک حادثه
۲۹۱	درخواست کمک به زبان انگلیسی
۲۹۱	کمک‌های پزشکی
۲۹۲	توصیف دلیل کسالت
۲۹۳	صحبت کردن درباره‌ی شرایط خاص
۲۹۴	معاینه شدن
۲۹۵	اعضای بدن
۲۹۶	تشخیص بیماری
۲۹۸	درمان
۳۰۰	صحبت کردن با پلیس
۳۰۱	توضیح دادن درباره‌ی چیزهای به سرقت رفته
۳۰۳	پاسخ دادن به سؤالات پلیس
۳۰۳	کمک گرفتن از قانون
۳۰۷	بخش ۴: بخشی ده تایی ها
۳۰۹	فصل ۱۸: ده روش برای یادگیری سریع زبان آلمانی
۳۰۹	برچسب زدن به دنیای اطرافتان
۳۰۹	سازمان دهی اصطلاحات مفید
۳۱۰	نوشتن فهرست خرید
۳۱۰	فکر کردن به زبان آلمانی
۳۱۱	استفاده از سی‌دی‌های آموزشی و فایل‌های صوتی
۳۱۱	دیدن و شنیدن برنامه‌های تلویزیون و رادیوی آلمان
۳۱۳	امتحان کردن یک برنامه‌ی تعاملی آلمانی
۳۱۳	تماشای فیلم‌های آلمانی
۳۱۳	خواندن تشریفات آلمانی
۳۱۳	خوردن غذاهای آلمانی

فصل ۱۹:	ده چیزی که هرگز نباید به زبان آلمانی بگویند	۳۱۳
۳۱۳	به کار بردن شکل صحیح خطاب کردن	
۳۱۴	صحیح خطاب کردن ارائه کنندگان خدمات	
۳۱۴	گرم یا سرد؟	
۳۱۴	من مست نیستم	
۳۱۵	صحبت کردن محترمانه درباره‌ی قانون	
۳۱۵	استفاده‌ی صحیح از واژه‌ی "Gymnasium"	
۳۱۵	آشنایی با شکل صحیح فعل «دانستن»	
۳۱۶	کم‌د یا سرویس بهداشتی؟	
۳۱۶	استفاده‌ی صحیح از فعل bekommen	
۳۱۷	استفاده درست از افعال مربوط به «خوردن»	
فصل ۲۰:	ده اصطلاح محبوب آلمانی	۳۱۹
۳۱۹	Alles klar!	
۳۱۹	Wirklich	
۳۱۹	Kein Problem	
۳۲۰	Vielleicht	
۳۲۰	Doch	
۳۲۰	Unglaublich!	
۳۲۰	Hoffentlich	
۳۲۰	Wie schön!	
۳۲۱	Genau!	
۳۲۱	Stimmt's?	
فصل ۲۱:	ده جمله‌ای که شما را آلمانی نشان می‌دهد	۳۲۳
۳۲۳	Schönes Wochenende!	
۳۲۳	Gehen wir?	
۳۲۳	Was ist los?	
۳۲۳	Das klingt gut!	
۳۲۴	Keine Ahnung	
۳۲۴	Es zieht!	
۳۲۴	Nicht zu fassen!	
۳۲۴	Du hast Recht! / Sie haben Recht!	
۳۲۴	Lass es!	
۳۲۴	Nicht schlecht!	

۳۲۵	بخشی ۵: پیوست
۳۲۷	پیوست الف: فرهنگ لغت
۳۴۹	پیوست ب: جدول افعال
۳۴۹	افعال باقاعده (بدون تغییر واکه‌ای ریشه‌ی فعل)
۳۵۰	صرف افعال خاص
۳۵۲	افعال بی‌قاعده و کمکی و چمنما
۳۶۱	پیوست ج: وبگاه
۳۶۱	فهرست نمونه‌های صوتی
۳۶۳	پیوست د: پاسخ‌نامه

ما در روزگار جالبی زندگی می‌کنیم؛ دوره‌ای که می‌توانیم با هر کسی در هر جای دنیا ارتباط برقرار کنیم. ما به‌مدد جهانی‌شدن و فناوری به‌تدریج با افراد بسیاری ارتباط برقرار می‌کنیم. در نتیجه، دانستن حداقل چند لغت به زبانی مانند آلمانی تبدیل به ابزاری بیش از پیش حیاتی شده است.

کنجکاوی ذاتی ما برای شناخت فرهنگ‌های دیگر تشویق‌مان می‌کند تا در وهله‌ی اول کشف کنیم یک روز معمولی در مناطق آلمانی‌زبان، یعنی آلمان، اتریش، سوئیس، تیرول جنوبی در شمال ایتالیا، لوکزامبورگ و لیختن‌اشتاین به چه شکل می‌گذرد. اداره‌کردن کسب‌وکارهای بین‌المللی در این بازار رقابتی نیازمند برقراری ارتباطات شخصی است؛ از این‌رو تاجران زیادی به کشورهایمانند آلمان که بزرگ‌ترین اقتصاد را در بین کشورهای اتحادیه‌ی اروپا دارد، سفر می‌کنند. از جنبه‌ی شخصی‌تر، شاید شما دوستان، خویشاوندان و همسایگانی داشته باشید که آلمانی حرف می‌زنند. شاید هم بخواهید با یادگیری زبانی که اجدادتان یا آن صحبت می‌کرده‌اند، با میراث خود ارتباط برقرار کنید.

دلیلان برای یادگیری زبان آلمانی هرچه باشد، کتاب *آموزش زبان آلمانی For Dummies* گزینه‌ای فوق‌العاده خواهد بود؛ چراکه مهارت‌هایی را به شما می‌آموزد که برای برقراری ارتباطات اولیه به زبان آلمانی به آن‌ها نیاز خواهید داشت. ما قول نمی‌دهیم پس از خواندن این کتاب، به زبان آلمانی مسلط شوید و آن را روان صحبت کنید؛ اما اگر می‌خواهید بدانید که چگونه باید با کسی سلام و احوالپرسی کنید، چگونه پلیست قطار بخردید یا غذایی را از روی یک منوی آلمانی انتخاب کنید، باید به مطالعه‌ی این کتاب بپردازید.

درباره‌ی این کتاب

آموزش زبان آلمانی For Dummies طوری طراحی شده که شما بتوانید هرطور که مایلید از آن استفاده کنید؛ چه به‌عنوان یک کتاب مرجع که در آن به‌دنبال پاسخ سؤالاتان درباره‌ی زبان آلمانی بگردید، چه به‌عنوان وسیله‌ای برای کسب دانشی نظام‌مند در زمینه‌ی این زبان یا به‌صورت تفریحی و لذت‌بردن از یادگیری زبانی دیگر. شاید هدف شما یادگیری کلمات و عباراتی باشد که در سفرتان به کشورهای آلمانی‌زبان به شما کمک کند. شاید هم فقط می‌خواهید به زبان آلمانی با همسایه‌تان سلام و احوالپرسی کنید. هر هدفی داشته باشید، می‌توانید با سرعت دلخواه خود پیش بروید و هر بار هرچقدر که می‌خواهید، از این کتاب بخوانید. نیازی نیست فصل‌های

این کتاب را به ترتیب بخوانید؛ می‌توانید بخش‌هایی را مطالعه کنید که بیشتر به آن‌ها علاقه‌مندید.

قواعد رعایت‌شده در این کتاب

برای اینکه بتوانید به‌سادگی از این کتاب استفاده کنید، چند قاعده مشخص کرده‌ایم:

«اصطلاحات آلمانی با حروف درشت نوشته شده‌اند تا کاملاً متمایز باشند.

«تلفظ اصطلاحات آلمانی پس از آن‌ها و داخل پرانتز و سیلاب‌های تکیه‌دار با حروف مایل نوشته شده‌اند.

«ترجمه‌های فارسی با حروف مایل نوشته شده‌اند و می‌توانید آن‌ها را بعد از تلفظ اصطلاحات یا جملات آلمانی، داخل پرانتز بیابید.

«صرف افعال (فهرست‌هایی که نشان‌دهنده‌ی اشکال یک فعل هستند) به ترتیب زیر در جداول آمده‌اند:

• اول شخص مفرد، «من»

• دوم شخص مفرد، «تو»

• سوم شخص مفرد، «او» (مذکر، مؤنث، خنثی)

• اول شخص جمع، «ما»

• دوم شخص جمع، «شما» (جمع مخاطب)

• دوم شخص جمع، «شما» (مفرد رسمی)

• سوم شخص جمع، «آن‌ها»

تلفظ کلمات در ستون دوم می‌آید. در نمونه‌ی زیر از فعل «بودن» استفاده شده است. صرف افعال از معادل آلمانی «من هستم»، «تو هستی» و ... شروع شده است.

صرف فعل

ich bin

du bist

Sie sind

er, sie, es ist

wir sind

تلفظ

ih bin

dooh bist

zee zint

ër, zee, ès ist

veer zint

صرف فعل	تلفظ
ihr seid	eer zayt
Sie sind	zee zint
sie sind	zee zint

با هدف کمک به شما برای پیشرفت سریع در یادگیری زبان آلمانی، بخش‌هایی در این کتاب گنجانده‌ایم که راهنمایی‌تان خواهند کرد:

«**بیابید کمی صحبت کنیم:** بهترین روش برای یادگیری یک زبان دیدن و شنیدن کلماتی است که در مکالمه به آن زبان به کار می‌رود. به همین دلیل مکالمه‌هایی در این کتاب گنجانده‌ایم. در این مکالمه‌ها که با عنوان «بیابید کمی صحبت کنیم» مشخص شده، کلمات آلمانی و تلفظ آن‌ها و معنای فارسی‌شان آمده است.

«**واژگان:** آموختن کلمات و عبارات کلیدی نیز در یادگیری یک زبان اهمیت دارد. به همین دلیل کلمات مهم را در بخش‌هایی با عنوان «واژگان» ذکر کرده‌ایم. نکته: زیر سیلاب‌های تکیه‌دار لغات در این بخش‌ها خط کشیده شده و با حروف مایل نشان داده شده‌اند.

«**بازی و سرگرمی:** اگر می‌خواهید مهارت‌های زبانی خود را تقویت کنید، می‌توانید از بازی و سرگرمی برای تمرین آنچه آموخته‌اید، بهره بگیرید. این تمرین‌ها روش‌های جالبی برای بررسی میزان پیشرفتتان هستند.

همچنین توجه داشته باشید که هر زبان روش مخصوص خود را برای بیان ایده‌های مختلف دارد؛ بنابراین ترجمه‌ای که ما برای اصطلاحات ارائه کرده‌ایم شاید لزوماً ترجمه‌ی لغت‌به‌لغت نباشد. ما می‌خواهیم شما مفهوم کلی را درک کنید، نه معنای تک‌تک لغات را. برای مثال، جمله‌ی **Es geht (es geht)** را می‌توان به‌صورت لغت به لغت (آن می‌رود) معنا کرد، اما این جمله در واقع معادل، بسیارخوب یا مشکلی ندارد است و شما نیز این ترجمه را خواهید دید.

تصورات خنده‌دار

ما برای نوشتن این کتاب چنین تصویری درمورد شما و هدفتان از خواندن این کتاب داشته‌ایم:

«شما هیچ چیز از زبان آلمانی نمی‌دانید یا اگر در گذشته‌ی دور آلمانی خوانده‌اید، چیزی به جز **Ja, Nein, Kindergarten, Guten Tag** و **auf Wiedersehen** به خاطر ندارید.

« قصد شما در ابتدا این است که بتوانید به زبان آلمانی مکالمه کنید، نه اینکه بخوانید و بنویسید.

« قطعاً به دنبال کتابی خسته کننده و پر از قواعد دستورزبانی خشک نیستید که با تمرینات یکتواخت و کسل کننده، زبان آلمانی را در مغزتان فرو کند. فقط می خواهید برخی از کلمات کاربردی، عبارات و ساختارهای جملات را بدانید تا بتوانید اطلاعات ساده را به زبان آلمانی و با اعتماد به نفس منتقل کنید.

« شما هیچ علاقه ای به حفظ کردن فهرست های طولانی کلمات یا قواعد دستورزبانی خسته کننده ندارید.

« به زبان آلمانی علاقه مندید و دوست دارید هنگام یادگیری این زبان کمی هم تفریح کنید و خوش بگذرانید.

اگر هر کدام یا همه ی این تصورات در مورد شما صدق می کند، پس کتاب درستی را انتخاب کرده اید!

ترتیب مطالب این کتاب

تقسیم بندی این کتاب به صورت موضوعی است. به این ترتیب که ابتدا بخش بندی و سپس فصل بندی شده است، در ادامه می بینید که در هر بخش چه اطلاعاتی را می توانید بیابید.

بخش اول: شروع به کار

این بخش با ارائه ی چند قاعده ی اساسی در زبان آلمانی به شما کمک می کند آماده شوید؛ اینکه چگونه کلمات را تلفظ کنید، چگونه جمله سازی کنید و غیره. چندین اصطلاح ارزشمند و مفید، از جمله اصطلاحات مربوط به احوالپرسی و اعداد را خواهید آموخت. حتی تشویقتان می کنیم تا با یادآوری برخی از کلمات آلمانی که احتمالاً از قبل بلد بودید، اعتماد به نفستان را افزایش دهید. در نهایت به جمع بندی قواعد دستور زبان آلمانی می پردازیم که ممکن است برای مطالعه ی فصل های بعدی به آن ها نیاز پیدا کنید.

بخش دوم: زبان آلمانی به صورت کاربردی

در این بخش یادگیری و استفاده از زبان آلمانی را شروع می کنید. به جای تمرکز روی قواعد پایه ی دستور زبان آلمانی (مانند بسیاری از کتاب های آموزشی بی قاعده و خسته کننده) این بخش بر ارتباطات کارآمد در موقعیت های روزمره مثل خرید کردن، آدرس پرسیدن، رفتن به موزه، شام خوردن، تلفن کردن و موارد مشابه تأکید می کند.

بخش سوم: آلمانی در سفر

این بخش ابزارهایی از زبان آلمانی را در اختیارتان قرار می‌دهد که در طول سفر برایتان مفید خواهد بود؛ چه بخواهید پوستان را تبدیل کنید، چه مکانی برای اقامت بیابید، برای مسافرت برنامه‌ریزی کنید یا از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده کنید. حتی فصلی هم به رسیدگی به امور اورژانسی اختصاص دارد.

بخش چهارم: بخش ده تایی‌ها

اگر به دنبال نکات کوتاه و ساده‌ای درباره‌ی زبان آلمانی می‌گردید، این بخش برای شماست. در این بخش می‌توانید ده روش برای یادگیری سریع زبان آلمانی، ده اصطلاح مفید آلمانی و مطالب مشابهی را بخوانید.

بخش پنجم: پیوست

این بخش از کتاب شامل اطلاعات مهمی است که می‌توانید از آن‌ها به‌عنوان مرجع استفاده کنید. پیوست الف یک فرهنگ لغت کوچک اما مفید دوزبانه است. اگر به کلمه‌ای آلمانی برخوردید که معنای آن را نمی‌دانید یا به دنبال کلمه‌ای خاص به زبان آلمانی می‌گردید، می‌توانید در این بخش آن را پیدا کنید. پیوست ب جدول افعالی را در اختیارتان قرار می‌دهد که می‌توانید آن‌ها را برای صرف افعال باقاعده و بی‌قاعده به کار بگیرید. در پیوست ج، فهرست نمونه‌های صوتی آمده است تا به‌راحتی بتوانید مکالمه‌ها را پیدا کنید و گوش دهید. در نهایت، پیوست د شامل پاسخ‌نامه‌ی فعالیت‌های بازی و سرگرمی همین کتاب است.

نمادهای به کار رفته در این کتاب

شاید هنگام مطالعه‌ی این کتاب بخواهید به دنبال اطلاعات خاصی بگردید. به‌منظور ساده‌سازی جست‌وجوی اطلاعات، نمادهایی در حاشیه‌ی سمت راست صفحات کتاب به کار رفته است:

این نماد نشان‌دهنده توصیه‌هایی است که می‌تواند یادگیری زبان آلمانی را ساده‌تر کند.



راهنمایی



به خاطر بسپارید

مطالب این نماد، اطلاعات جالبی است که نباید فراموش کنید.

در هر زبان نکاتی وجود دارد که ناآگاهی از آن‌ها ممکن است برایتان دردسرساز شود. این نماد به نکات دستوری مهم اشاره می‌کند.



نکات دستوری

اگر به دنبال اطلاعات و توصیه‌هایی درباره‌ی فرهنگ و مسافرت هستید، به دنبال این نماد بگردید و به نکته‌های کوتاه و جالب آن درباره‌ی کشورهای آلمانی زبان توجه کنید.



ظرافت‌های
فرهنگی

نمونه‌های صوتی به شما امکان می‌دهد به مکالمه‌ی گویشوران اصیل آلمانی گوش دهید تا درک بهتری از زبان آلمانی پیدا کنید. این نماد نشان‌دهنده‌ی مکالمه‌های بخش «بیا یاد کمی صحبت کنیم» است که می‌توانید در این آدرس به آن‌ها گوش دهید:



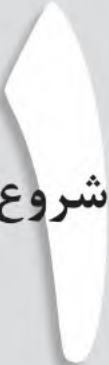
گوش دهید

fordummies.ir/go/german

مقصد بعدی

برای یادگیری یک زبان فقط و فقط باید دسته‌به‌کار شوید و آن را امتحان کنید (از همان ابتدا نگران تلفظتان نباشید). پس دل به دریا بزنید! از ابتدا شروع کنید. فصلی را که برایتان جالب است، انتخاب کنید یا به چند مکالمه گوش دهید. خیلی زود می‌توانید در پاسخ به سؤال **Sprechen Sie Deutsch?** (*shprêH-en zee doych?*) «آیا آلمانی صحبت می‌کنید؟» پاسخ «Ja!» (yah) بدهید.

نکته: اگر تا پیش از این اصلاً با زبان آلمانی آشنا نبوده‌اید، بهتر است ابتدا فصل‌های بخش اول را بخوانید و سپس به سراغ فصل‌های بعدی بروید. بخش اول اصولی را توضیح می‌دهد که باید در مورد زبان بدانید؛ مانند چگونگی تلفظ صداها، مختلف، آشنایی با کلمات و اصطلاحات پایه و قواعد اساسی ساختار جملات آلمانی.



شروع به کار

بالاخره باید از یک جایی شروع کنید؛ اما شرط می‌بندیم شما خیلی بیشتر از چیزی که فکرش را بکنید، آلمانی بلدید. این‌طور فکر نمی‌کنید؟ پس فصل ۱ را ببینید. فصل ۲ چند نکته‌ی کاربردی درباره‌ی دستور زبان در اختیارتان می‌گذارد که باید بدانید. اما نگران نباشید، نمی‌گذاریم به شما بد بگذرد! فصل‌های بعدی با ارائه‌ی اصطلاحات و کلماتی که می‌توانید به راحتی از آن‌ها استفاده کنید، مانند سلام و احوالپرسی، بیان اعداد، زمان، واحدهای اندازه‌گیری یا صحبت کردن در مورد خانواده به کارتان سرعت می‌بخشند. **Jetzt geht's los!** (yētst geyts lohs!) (بیایید شروع کنیم!)

« به رسمیت شناختن دانسته‌هایتان از زبان آلمانی

« شناسایی لغاتی با معنایی متفاوت از آنچه به نظر می‌رسند

« استفاده از اصطلاحات آلمانی

فصل ۱

چقدر زبان آلمانی می‌دانید

بهترین روش برای یادگیری یک زبان این است که سریع اقدام کنید. دست‌دست نکنید. در این فصل یادگیری زبان آلمانی را با چیزهایی شروع می‌کنید که از قبل بلد بودید. همچنین با برخی از اصطلاحات رایج زبان آلمانی و کلماتی که در زبان به‌عنوان «مترادف‌نما» شناخته می‌شود، آشنا خواهید شد؛ مترادف‌نماها لغات مشابهی در دو زبان هستند که در ظاهر باید معنای یکسانی داشته باشند، اما این‌طور نیست.

زبان آلمانی‌ای که می‌شناسید

از آنجا که هم انگلیسی و هم آلمانی از گروه زبان‌های ژرمانیک هستند، تعدادی لغات یکسان یا مشابه در هر دو زبان وجود دارد. کلماتی که منبع مشترکی دارند کلمات هم‌خانواده می‌نامند. گروه دیگری از کلمات مشترک در زبان‌های انگلیسی و آلمانی ریشه‌ی لاتین دارند که گویشوران انگلیسی با آن‌ها آشنا هستند. بسیاری از کلمات معادلی در زبان آلمانی دارند، مانند کلماتی که به «-tion» ختم می‌شوند.

کلمات هم‌خانواده

کلماتی که در ادامه می‌آیند، درست مانند همتای انگلیسی خود نوشته می‌شوند و همان معنا را نیز دارند. تنها تفاوت‌هایی که وجود دارد، در تلفظ کلمات است (همان‌طور که در پراتر می‌بینید) و اینکه اسم‌ها در زبان آلمانی همیشه با حروف بزرگ شروع می‌شوند. علاوه بر این، اسم‌ها در زبان آلمانی یا مذکر هستند یا مؤنث‌اند یا خنثی که به‌ترتیب با حروف تعریف **der** (مذکر)، **die** (مؤنث) و **das** (خنثی) نشان داده می‌شوند. برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی جنسیت و نکات کلیدی درمورد تلفظ

لغات این کتاب به ترتیب به فصل‌های ۲ و ۳ رجوع کنید. در برخی موارد، تلفظ آلمانی و انگلیسی لغات یکسان است.

- » der Arm (dêr ârm) (بازو)
- » der Name (dêr nah-me) (اسم)
- » der Bandit (dêr bân-deef) (دزد)
- » die Nation (dee nâ-tsee-ohn) (ملت)
- » die Bank (dee bânk) (بانک)
- » normal (nor-mahl) (طبیعی)
- » die Basis (dee bah-zis) (اساس)
- » die Olive (dee oh-lee-ve) (زیتون)
- » blind (blint) (نابینا)
- » parallel (pâr-â-ley) (موازی)
- » die Butter (dee boot-er) (کره)
- » das Problem (dâs proh-bleym) (مشکل)
- » digital (di-gi-tâl) (دیجیتال)
- » der Professor (dêr professor) (استاد)
- » elegant (êl-ê-gânt) (جذاب)
- » das Radio (dâs rah-dee-oh) (رادیو)
- » die Emotion (dee ê-moh-tsee-ohn) (احساس)
- » die Religion (dee rey-li-gee-ohn) (دین)
- » emotional (ê-moh-tsee-oh-nahl) (احساسی)
- » das Restaurant (dâs rês-tuh-ron) (رستوران)
- » der Finger (dêr fîng-er) (انگشت)
- » die Rose (dee roh-ze) (گل رز)
- » die Hand (dee hânt) (دست)
- » der Service (dêr ser-vis) (خدمت)
- » das Hotel (dâs hotel) (هتل)
- » das Signal (dâs zig-nahl) (نشانه)
- » die Inspiration (dee in-spi-râ-tsee-ohn) (الهام)

- » **der Sport** (dêr shport) (ورزش)
- » **international** (in-ter-nâ-tseeoh-nahl) (بین‌المللی)
- » **die Statue** (dee sh-tah-tooh-e) (مجسمه)
- » **irrational** (ir-râ-tsee-oh-nahl) (نامعقول)
- » **der Stress** (dêr shtrës) (استرس)
- » **legal** (ley-gahl) (قانونی)
- » **das System** (dâs zers-teym) (سیستم)
- » **liberal** (lee-bêr-ahl) (آزاداندیشی)
- » **das Taxi** (dâs tâx-ee) (تاکسی)
- » **der Mast** (dêr mast) (دیرک)
- » **der Tiger** (dêr tee-ger) (ببر)
- » **die Mine** (dee meen-e) (معدن)
- » **tolerant** (to-lêr-ânt) (صبور)
- » **modern** (moh-dêrn) (مدرن)
- » **die Tradition** (dee trà-di-tsee-ohn) (سنت)
- » **der Moment** (dêr moh-mênt) (لحظه)
- » **der Tunnel** (dêr toohn-el) (تونل)
- » **die Motivation** (dee moh-ti-vâ-tsee-ohn) (انگیزه)
- » **wild** (vilt) (وحشی)
- » **das Museum** (dâs mooh-zey-oohm) (موزه)
- » **der Wind** (dêr vint) (باد)

کلمات مشابه با املای متفاوت

بسیاری از لغات، مانند آن‌هایی که در جدول ۱-۱ آمده، املای تقریباً یکسانی در زبان‌های آلمانی و انگلیسی دارند و هم‌معنا نیز هستند. جدول ۱-۱ نکاتی درباره‌ی املای زبان آلمانی دارد که عبارت است از:

« حرف c انگلیسی در بیشتر لغات آلمانی **k** است.

« **ou** در کلمات انگلیسی‌ای مانند *house* یا *mouse* اغلب معادل **au** در کلمات آلمانی است.

« بسیاری از صفات انگلیسی که به *-ic* یا *-ical* ختم می‌شوند، در زبان آلمانی با *-isch* پایان می‌یابند.

« برخی از صفات انگلیسی که به *-y* ختم می‌شوند، در زبان آلمان با *-ig* پایان می‌یابند.

« برخی از اسم‌های انگلیسی که حرف پایانی‌شان *-y* است، در زبان آلمانی به *-e* ختم می‌شوند.

جدول ۱-۱ کلماتی با معنای یکسان و املاهای کمی متفاوت

فارسی	انگلیسی	آلمانی
آدرس	address	die Adresse (dee ah-drés-e)
جنبه	aspect	der Aspekt (dér ás-pékt)
خرس	bear	der Bär (dér bear)
بلوند	blond(e)	blond (blont)
بلوز	blouse	die Bluse (dee blóoh-ze)
قهوه‌ای	brown	braun (brown)
دموکراسی	democracy	die Demokratie (dee dê-moh-krâ-tee)
مستقیم	direct	direkt (di-rékt)
پزشک	doctor	der Doktor (dér dok-tóhr)
عالی	excellent	exzellent (èx-tsel-ént)
عالی	fantastic	fantastisch (fân-tâs-tish)
شیشه	glass	das Glas (dâs glâhs)
خانه	house	das Haus (dâs hous)
گرسنه	hungry	hungrig (hoong-rîh)
صنعت	industry	die Industrie (dee in-doooh-stree)
قهوه	coffee	der Kaffee (dér kâf-ey)
کمدی	comedy	die Komödie (dee koh-mer-dee-e)
وضعیت	condition	die Kondition (dee kon-di-tsee-ohn)
کنسرت	concert	das Konzert (dâs kon-tzért)
فرهنگ	culture	die Kultur (dee kool-toohr)
منطقی	logical	logisch (loh-gish)
حکم	mandate	das Mandat (dâs mân-deht)
سرد	man	der Mann (dér mân)
دستگاه، ماشین	machine	die Maschine (dee mâ-sheen-e)

فارسی	انگلیسی	آلمانی
موش	mouse	die Maus (dee mouse)
روش	method	die Methode (dee më-toh-de)
تحرک	mobility	die Mobilität (dee moh-bi-li-tait)
موسیقی	music	die Musik (dee mooh-zeek)
ملیت	nationality	die Nationalität (dee nât-see-oh-nahl-i-tait)
طبیعت	nature	die Natur (dee nâ-foahr)
رسمی	official	offiziell (oh-fits-ee-él) adj
اقیانوس	ocean	der Ozean (dër oh-tsê-ân)
کاغذ	paper	das Papier (dâs pâ-peer)
پارلمان	parliament	das Parlament (dâs pâ-râ-mént)
کامل	perfect	perfekt (për-fékt)
سیاسی	political	politisch (poh-li-tish)
احتمالی	potential	potenziell (po-tên-tsee-él) adj
کاربردی	practical	praktisch (prâk-tish)
برنامه	program	das Programm (dâs proh-grâm)
نمک	salt	das Salz (dâs zâlt)
چک	check	der Scheck (dër shék)
آفتابی	sunny	sonnig (zon-iH)
سوپرمارکت	supermarket	der Supermarkt (dër zooH-për-mâkt)
تلفن	telephone	das Telefon (dâs tè-lê-fohn)
نظریه	theory	die Theorie (dee ley-ohr-ee)
تراژدی	tragedy	die Tragödie (dee trà-ger-dee-e)
گردو	walnut	die Walnuss (dee vahH-nochs)

مترادف‌نماها!

زبان آلمانی هم مانند هر زبان دیگری لغاتی دارد که آن‌ها را با عنوان مترادف‌نماها می‌شناسیم. کلماتی که شباهت خیلی زیادی به همتای انگلیسی‌شان دارند اما معنایشان به‌طور کلی متفاوت است. همان‌طور که فهرست زیر را می‌خوانید، می‌توانید ببینید که چرا باید در مواجهه با کلمات آلمانی، به‌ویژه آن‌هایی که شبیه کلمه‌ای انگلیسی هستند، دقیق باشید و معنایش را بررسی کنید.

«**After** (ahf-ter): اگر می‌خواهید شرمنده نشوید، معنای این کلمه را به خاطر بسپارید. معنای آن در آلمانی نشیمنگاه است، نه بعد. معادل آلمانی بعد **nach** (nahH) یا **nachdem** (nahH-deym) است.

« **aktuell** (äk-tooh-êf): این کلمه به معنای به روز و فعلی است، نه در واقع.
معادل آلمانی در واقع، **tatsächlich** (tât-sêH-liH) است.

« **also** (âl-zoh): این کلمه به معنای خب، بنابراین یا در نتیجه است، نه همچنین.
معادل آلمانی همچنین **auch** (ouH) است.

« **bald** (bâlt): این کلمه به معنای زود است، نه توصیف شخصی که موهای کمی دارد یا کاملاً بی موست. معادل آلمانی طاس **kahl** (kahl) یا **glatzköpfig** (glâts-kerpf-iH) است.

« **bekommen** (be-kom-en): این فعل مهمی است که باید یاد بگیرید. معنای آن گرفتن است نه تبدیل شدن. معادل آلمانی تبدیل شدن **werden** (vêr-den) است.

« **Boot** (boht): این کلمه به معنای قایق است نه چکمه که در زبان آلمانی می شود **Stiefel** (shteef-el). قایق بادبانی **Segelboot** (zey-gêl-boht) است.

« **brav** (brahf): این کلمه به معنای خوش رفتار است نه شجاع. معادل آلمانی شجاع **tapfer** (tâp-fer) است.

« **Brief** (breef): این کلمه اسم است نه صفت و معنای آن نامه است نه خلاصه و کوتاه. خلاصه به زبان آلمانی وقتی صفت باشد، **kurz** (koorts) و وقتی اسم باشد **Auftrag** (ouf-trahk) یا **Unterlagen** (oon-ter-lah-gen) است.

« **Chef** (shêf): این کلمه ی آلمانی به معنای شخصی است که از او دستور می گیرید؛ یعنی رئیس یا ناظر، نه سرآشپز. معادل آلمانی سرآشپز **Küchenchef** یا **Chefkoch** (kueH-ên-shêf) است. آشپز ساده نیز **Koch** (koh) است.

« **eventuell** (ey-vên-tooh-êf): این لغت به معنای احتمالاً یا احتمالی است، نه در نهایت که معادل آن در آلمانی **schließlich** (shlees-liH) است.

« **fast** (fâst): این صفت به معنای تقریباً است، نه صفتی برای توصیف سرعت رانندگان مسابقات فرمول یک. معادل آلمانی سریع **schnell** (shnêl) یا **rasch** (râsh) است.

« **genial** (gê-nee-ah): این صفت ایده یا شخصی را توصیف می کند که دارای نبوغ است و هیچ ارتباطی با سرزندگی ندارد. معادل آلمانی صفت سرزنده **heiter** (hay-ter) است.

« **Gift** (gift): معنای آلمانی این لغت سم است، بنابراین وقتی می‌خواهید هدیه‌ای به میزبان آلمانی‌زبان‌تان بدهید، باید بگویید که یک **Geschenk** (gē-shēnk) برای او دارید، مگر آنکه واقعاً چیزی مثل سم علف‌کش یا مامیای سبز [نوعی مار سمی] برایش هدیه برده باشید.

« **Kind** (kint): این لغت آلمانی به معنای کودک است و هیچ ارتباطی با همتای انگلیسی خود به معنای مهربان ندارد. صفت مهربان را در آلمانی با **nett** (nèt) یا **liebenswert** (lee-bens-vuerd-iH) بیان می‌کنیم.

« **Komfort** (kom-fohr): این لغت به معنای امکانات است، مانند امکاناتی که از یک هتل پنج‌ستاره انتظار دارید، نه فعل دل‌گرمی‌دادن. معادل آلمانی این فعل **trösten** (fers-ten) است.

« **kurios** (koohr-ee-ohs): این کلمه به معنای عجیب است، نه کنجکاو. معادل آلمانی صفت کنجکاو **neugierig** (noy-geer-iH) است.

« **Mist** (mist): مراقب باشید از این کلمه پداشته‌اش استفاده نکنید. معنای این لغت در واقع کود است، نه رطوبت سنگینی که به باران شبیه است. معادل مه در زبان آلمانی **Nebel** (ney-bel) یا **Dunst** (doonst) است.

« **Most** (most): این کلمه‌ی آلمانی به معنای آب‌میوه‌ی تخمیرشده و در مناطق جنوبی آلمانی‌زبان به معنای شراب میوه‌ی تازه است. معادل آلمانی کلمه‌ی بیشتر یا اغلب **das meiste** (dās mays-te) است. مثلاً، **die meisten Leute** (die mays-ten loy-te) به معنای اغلب مردم.

« **ordinär** (or-di-nair): معنای این لغت مبتذل و جلف است، نه معمولی. معادل آلمانی معمولی **normal** (nor-mahl) یا **gewöhnlich** (ge-verm-lich) است.

« **pathetisch** (pā-tey-tish): این یکی به معنای بیش از حد احساساتی است، نه رقت‌انگیز و حزن‌آور که در آلمانی با کلمات **jämmerlich** (yēm-er-lich) و **armselig** (ärm-zey-lich) بیان می‌شود.

« **plump** (ploomp): معنای آلمانی این لغت بی‌عرضه یا بی‌تدبیر است، نه تپل که در آلمانی با **rundlich** (roont-lich) بیان می‌شود.

« **Präservativ** (prē-zēr-vah-teef): اگر بدانید که این کلمه در زبان آلمانی به معنای کاندوم است، دیگر هنگام استفاده از آن کاملاً حواستان را جمع می‌کنید تا خجالت‌زده نشوید. معادل آلمانی جلوگیری‌کننده یا محافظت‌کننده **Konservierungsmittel** (kon-sēr-yeer-coongs-mit-el) است.

« **Provision** (proh-vi-zee-ohn): معنای این کلمه کارمزد یا کمیسیون است، نه تأمین و تدارک. معادل آلمانی تأمین **Vorsorge** (fohr-zor-ge) یا **Versorgung** (fêr-zohrg-oong) است.

« **See** (zey): این کلمه به معنای دریاچه یا دریاست. فعلی دیدن در زبان آلمانی **sehen** (zey-en) است.

« **sensibel** (zen-zee-bel): معنای این کلمه حساس است، نه معقول. معادل صفت معقول در زبان آلمانی **vernünftig** (fêr-nuenf-tiH) است.

« **sympathisch** (zerm-pah-tish): این کلمه به معنای دوست‌داشتنی است، نه دل‌سوز. واژه‌ی آلمانی معادل دل‌سوز و همدل **mitfühlend** (mit-fuel-ent) است.

کلمات آلمانی وام‌گرفته‌شده

زبان انگلیسی برخی از کلمات آلمانی را به عاریه گرفته و معنای آن‌ها را نیز حفظ کرده است؛ کلماتی مانند **Kindergarten** (kin-der-gâr-ten) مهدکودک، **Angst** (ânkst) ترس، **kaputt** (kâ-poorf) خراب، **Ersatz** (êr-zats) جایگزین، **Sauerkraut** (zou-er-krouT) کلم‌ترشی، **Zeitgeist** (tsayt-gayst) ذهنیات یا روح زمان و **Wanderlust** (vân-der-loost) علاقه‌مند به سفر.

با این حال تعداد این لغات آلمانی در قیاس با تعداد کلمات انگلیسی که به زبان آلمانی راه پیدا کرده‌اند، بسیار اندک است. گاهی ترکیب زبان‌های انگلیسی و آلمانی باعث ایجاد برخی عجایب زبان‌شناختی می‌شود. برای مثال، ممکن است جملاتی مانند **das ist total in/out** (dâs ist toh-fahl in/out) (این کاملاً درست/غلط است) یا **Sie können den File downloaden** (zee kern-en deyn file doun-lohd-en) (شما می‌توانید فایل را دانلود کنید) را بشنوید.

در ادامه فهرستی از لغات آلمانی را می‌بینید که از زبان انگلیسی وام گرفته شده‌اند. توجه داشته باشید که تمامی آن‌ها درست مانند انگلیسی تلفظ می‌شوند. البته استثنای کوچکی هم وجود دارد: افعال وام‌گرفته‌شده همگی «آلمانیزه» شده‌اند؛ این یعنی آن‌ها ترکیبی از فعل انگلیسی (مثل **kill** «کشتن» یا **jog** «دویدن») و پسوند مصدرساز آلمانی **-en** هستند. اطلاعات بیشتر درباره‌ی مصدرهای آلمانی در فصل ۲ آمده است:

» **der Boss** (رئیس)

» **das Business** (کسب‌وکار)

- » **killen (to kill)** (کشتن)
- » **managen (to manage)** (مدیریت کردن)
- » **das Catering** (کترینگ)
- » **der Manager** (مدیر)
- » **die City** (در زبان آلمانی: مرکز شهر)
- » **das Marketing** (بازاریابی)
- » **der Computer** (رایانه)
- » **das Meeting** (جلسه، ملاقات)
- » **cool** (باحال)
- » **Okay** (بسیار خوب)
- » **das Design** (طراحی)
- » **online** (آنلاین)
- » **das Event** (همایش، برنامه)
- » **outsourcen (to outsource)** (بیرون سپاری)
- » **Fashion** (مد، بدون حرف تعریف به کار می‌رود)
- » **die Party** (مهمانی)
- » **das Fast Food** (فست‌فود)
- » **pink** (صورتی)
- » **das Feeling** (احساسات)
- » **das Shopping** (خرید)
- » **flirten (to flirt)** (لاس زدن)
- » **die Shorts** (شلوارک)
- » **der Headhunter** (مشاور کاریاب)
- » **die Show/Talkshow** (برنامه‌ی تلویزیونی)
- » **Hi** (سلام)
- » **das Steak** (استیک)
- » **hip** (مفصل ران)
- » **surfen (to surf waves or the Internet)** (سوار موج / جست‌وجو در اینترنت)
- » **der Hit** (پرفروش و داغ)

- » das Team (تیم)
- » das Hotel (هتل)
- » der Thriller (تریلر)
- » das Internet (اینترنت)
- » der Tourist (گردشگر)
- » das Interview (مصاحبه)
- » das T-Shirt (تی‌شرت)
- » der Jetlag (پرواززدگی)
- » der Workshop (کارگاه)
- » der Job (شغل)
- » Wow (اوه، وای!)
- » joggen (to jog) (آهسته‌دویدن)

تعدادی از اصطلاحات انگلیسی معنای متفاوتی در زبان آلمانی دارند: مثلاً کلمه‌ی **Evergreen** (همیشه‌سبز) به «ترانه‌ها و فیلم‌های قدیمی و گماکان پرطرفدار»، **Handy** (مفید) به «گوشی تلفن همراه»، **Mobbing** (آزارحسام) به «قلدری و آزارواذیت»، **Oldtimer** (فرد باتجربه) به «خودروهای قدیمی که بین سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۳۰ ساخته شده‌اند» و **Wellness-Center** به «اسپا» اطلاق می‌شود.

بیایید کمی صحبت کنیم

مکالمه‌ی پیش رو را با لب‌خند بخوانید تا بدانید تعداد کلمات انگلیسی‌ای که وارد زبان آلمانی شده‌اند چقدر زیاد است. با این حال، احتمالاً این تعداد نمونه از ترکیب زبانی را در یک مکالمه نخواهید شنید. در این مکالمه، دو دوست به نام‌های کلودیا و یانا همدیگر را در خیابان ملاقات می‌کنند. توجه داشته باشید که برخی از اصطلاحات تفاوت معنایی اندکی در زبان آلمانی دارند.

- Claudia: **Hi Jana, wie geht's? Wie ist der neue Job?**
 Hi [تلفظ مانند انگلیسی] yâ-nâ, vee geys? vee ist dêr
 noy-e job [تلفظ مانند انگلیسی]?
 کلودیا: سلام یانا، حالت چطوره؟ شغل جدیدت چطوره؟
- Jana: **Super! Heute war meine erste Presentation vor meinem big Boss, und er war total cool.**
 super [تلفظ مانند انگلیسی] hoy-te vahr mayn-e êrs-

te pre-zen-tât-see-ohn fohr mayn-ëm big boss
[تلفظ مانند انگلیسی]
[مانند انگلیسی].

یانا: عالی! امروز برای اولین بار کارم را در مقابل رئیس
ارائه دادم. او خیلی باحال و خون سرد بود.

Claudia: **Wow! In meinem Office gibt es nur Stress. Mein Boss kann nichts managen. Mein Kollege checkt nichts, und denkt, er ist ein Sonnyboy, und alle anderen spinnen.**

wow [تلفظ مانند انگلیسی]! in mayn-ëm office
[تلفظ مانند انگلیسی] gibt es noohr shtrës. mayn
boss kân niHts mân-â-gen [تلفظ مانند انگلیسی].
mayn kol-ey-ge checkt niHts oont dêntk êr ist
ayn sonny boy [تلفظ مانند انگلیسی], oont âl-e ân-
der-en spin-en.

کلودیا: وای! در محل کار من هیچ چیز به جز استرس
نیست. رئیس هم هیچ چیز را نمی تواند مدیریت کند.
همکارم همکاری نمی کند و فکر می کند خودش خیلی
تحفه است و بقیه همه دیوانه اند!

Jana: **Ich gehe shoppen. Kommst du mit?**
iH gey-e shop-en. Komst dooh mit?

یانا: من می روم خرید. تو هم می آیی؟

Claudia: **Nein, danke. Gestern war ich in einem Outlet und habe ein T-Shirt in pink und eine Jeans im BoyfriendLook gekauft. Ich gehe jetzt joggen. Bye-bye!**

nayn, dân-ke. gës-têrn vahr iH in ayn-em outlet
[تلفظ مانند انگلیسی] oont hah-be ayn T-shirt
[تلفظ مانند انگلیسی] in pink [تلفظ مانند انگلیسی] oont
ayn-e jeans [تلفظ مانند انگلیسی] im boyfriend-look
[تلفظ مانند انگلیسی] ge-kouft. iH gey-e yêtst jog-en
[تلفظ مانند انگلیسی] jog [تلفظ مانند انگلیسی]. bye-bye

کلودیا: نه، ممنون. دیروز به یک فروشگاه حراجی رفتم
و یک تیشرت صورتی و یک شلوار جین مدل بوی فرند
(boyfriend) خریدم. الان می روم پیاده روی. خدا حافظ!

Jana: **Schade. Bye-bye!**
shah-de. bye-bye!

یانا: حیف شد. خدا حافظ!

اصطلاحات و عبارات پرکاربرد

زبان آلمانی هم درست مانند انگلیسی اصطلاحات زیادی دارد که مختص آن زبان و فرهنگ هستند. اگر این اصطلاحات را کلمه به کلمه ترجمه کنید، میهم، احمقانه یا بی معنا به نظر می‌رسند؛ بنابراین باید بدانید این اصطلاحات دقیقاً چه معنایی دارند تا بتوانید به درستی از آن‌ها استفاده کنید.

برخی از اصطلاحات ممکن است معادل انگلیسی و معنایی مشخص داشته باشند، پس بهتر است به استفاده از آن‌ها عادت کنید. برای مثال، اصطلاح آلمانی **ein Fisch auf dem Trockenen** (ayn fish ouf deym trok-ën-en) به صورت تحت‌اللفظی، یک ماهی روی خشکی ترجمه می‌شود که به اصطلاح انگلیسی **a fish out of water** (تعلق نداشتن به محیطی جدید/اس‌نگرفتن/در جایی معذب‌بودن) شباهت دارد. از طرف دیگر، اگر بخواهید اصطلاح **Da liegt der Hund begraben** (da leekt dêr hoont be-grah-ben) را کلمه به کلمه معنا کنید، احتمالاً باید برای آن سگ بیچاره تأسف بخورید؛ چرا که ترجمه‌ی تحت‌اللفظی عبارت آنجا جایی است که آن سگ دفن شده با معنای واقعی آن، یعنی نکته‌ی اصلی آنجاست، کاملاً تفاوت دارد.

چند اصطلاح معمول در زبان آلمانی عبارت‌اند از:

Die Daumen drücken. (dee doum-en druek-en.)

(معنای تحت‌اللفظی: فشار دادن انگشت شست)

(معنای واقعی: برای کسی آرزوی موفقیت کردن)

Wo sich Fuchs und Hase gute Nacht sagen

(voh ziH fooks oont hah-ze gooh-te nâHt zah-gen)

(معنای تحت‌اللفظی: جایی که روباه و خرگوش به یکدیگر شب بخیر می‌گویند.)

(معنای واقعی: وسط ناگجا/باد)

Ich bin fix und fertig. (iH bin fix oont fêr-tiH.)

(معنای تحت‌اللفظی: من سریع و آمادام.)

(معنای واقعی: من خسته‌ام.)

Du nimmst mich auf den Arm! (dooH nimst miH ouf deyn ârm!)

(معنای تحت‌اللفظی: تو مرا روی دستانت گرفته‌ای!)

(معنای واقعی: مرا دست انداخته‌ای! / به من دروغ می‌گویی!)

Das ist ein Katzensprung. (dås ist ayn kâts-en-shproong.)

(معنای تحت‌اللفظی: این یک پرش گربه‌ای است.)

(معنای واقعی: این مسیری نسبتاً کوتاه است.)

Schlafen wie ein Marmeltier (shlâf-en vee ayn moor-mel-teer)

(معنای تحت‌اللفظی: مانند یک مارموت سوت‌زن [چوندهای از خانواده‌ی سنجاب])
(خوابیدن)

(معنای واقعی: خواب سنگین و عمیق)

غیر از این‌ها، اصطلاحات مفید و پرکاربرد دیگری نیز در زبان آلمانی وجود دارد که یادگیری‌شان ساده است. به برخی از آن‌ها توجه کنید:

Prima!/Klasse!/Toll! (pree-mah!/klâs-el/tôll!) (عالی! فوق‌العاده!)

Fertig. (fêrt-ih.) (آماده/تمام!) «هم به‌صورت سوالی به کار می‌رود، هم خبری»

Quatsch! (qvâch!) (بی‌معنا! احمقانه!)

Einverstanden. (ayn-fêr-shtând-en.) (قبول! / باشه!)

Vielleicht. (fee-layht.) (شاید)

Mach's gut. (virt ge-mâht.) (خوش بگذرد!)

«روشی غیررسمی برای خداحافظی کردن»

Wie, bitte? (vee bi-te?) (چه گفتید؟ می‌شود یک بار دیگر تکرار کنید؟)

Macht nichts. (mâht nihts.) (مشکلی نیست./ بی‌خیال!)

Nicht der Rede wert. (niht dêr rey-de vêrt.) (اصلاً حرف‌ش را هم نزن.)

Schade! (shah-de!) (خیلی بد شد! / حیف شد!)

So ein Pech! (zoh ayn pêh!) (بدشانسی!)

Viel Glück! (feel gluek!) (موفق باشی!)

Oder? (oh-der?) (مگر نه؟ / این‌طور فکر نمی‌کنی؟)

Bis dann! (bis dânn!) (بعداً می‌بینمت!)

Bis bald! (bis bâll!) (به‌زودی می‌بینمت!)

« شناسایی اجزای کلام

« ترکیب کلمات برای ساخت جمله

« صحبت کردن در مورد زمان‌های گذشته،
حال و آینده

« انتخاب وجه مناسب

فصل ۲

پایه‌ریزی: گرامر اولیه‌ی زبان آلمانی

زمانی که به دستور زبان فکر می‌کنید، کم‌دی را تصور کنید که تعداد زیادی کتو دارد. به‌جای اینکه این کتوها پر از انواع لباس باشد، حاوی انواع کلمات است که به آن‌ها اجزای کلام می‌گوییم: اسم‌ها، فعل‌ها، صفات، قیدها و غیره. هر کدام از این اجزای کلام در کتوی متفاوتی قرار دارد.

حالا تصور کنید صبح زود است و می‌خواهید اولین جمله‌ی روز خود را به زبان آلمانی ادا کنید. برای شروع سراغ کتوی اسم‌ها می‌روید و کلمه‌ی **Socken** (**zok-en**) (جوراب) را انتخاب می‌کنید. سپس برای توصیف جوراب‌هایتان به سراغ کتوی صفات می‌روید و دو کلمه‌ی **neu** (نوی) و **schwarz** (شوارتس) (مشکی) را بیرون می‌آورید. برای اینکه بگویید با جوراب‌های نوی مشکی‌رنگتان می‌خواهید چه کنید، کتوی افعال را بیرون می‌کشید و فعل **anziehen** (**ân-tsee-en**) (پوشیدن) را انتخاب می‌کنید. چون دیرتان شده، مستقیماً به سراغ کتوی قیدها می‌روید و کلمه‌ی **schnell** (شنل) (سریع) را برمی‌گزینید. حالا برای ساخت یک جمله‌ی کامل به جزء دیگری نیز احتیاج دارید که باید آن را از کتوی ضمایر بردارید: **ich** (ایچ) (من). شاید ندانید، اما تا الان همه‌ی اجزای لازم برای ساخت جمله را انتخاب کرده‌اید: **Ich ziehe schnell meine neuen schwarzen Socken an** (iH tsee-he shnêl mayn-e noy-en shvârts-en **zok-en ân**) (من به سرعت جوراب‌های مشکی جدیدم را می‌پوشم).

برای ساخت یک جمله‌ی صحیح باید بدانید که این کلمات را چطور و بر اساس چه دستورزبانی در کنار یکدیگر قرار دهید. فصل پیش رو دستور زبان را در حد پوشیدن لباس در آغاز روز برایتان ساده‌سازی می‌کند. اگر چند قانون ساده در جیب پشتی‌تان داشته باشید، می‌توانید خیلی زود و با اعتمادبه‌نفس از دستور زبان آلمانی استفاده کنید. پس افکارتان را مرتب کنید، کلمات موردنیازتان را بردارید و خیلی زود از خانه بیرون بروید و **auf Deutsch** (اوف دویچ) به زبان آلمانی صحبت کنید.

شناخت اجزای کلام

برای ساختن یک جمله‌ی ساده باید تعداد مشخصی از اجزای سازنده‌ی زبان، یعنی اجزای کلام را بشناسید. مهم‌ترین اجزای کلام اسم‌ها، حروف تعریف، ضمایر، افعال، صفت‌ها و قیدها هستند. در مباحث بعدی به بررسی هر کدام از این‌ها می‌پردازیم.

اسم‌ها

گل رز یک گل رز است، مگر نه؟ خب، رز یک اسم هم هست. اسم‌ها در زبان آلمانی دقیقاً شبیه اسم‌ها در زبان انگلیسی نیستند. اگر چه اسم‌ها در هر دو زبان برای اشاره به چیزها (افراد، مکان‌ها، اشیا، مفاهیم و غیره) به کار می‌روند، تفاوت در اینجاست که همه‌ی اسم‌ها در زبان آلمانی با حروف بزرگ نوشته می‌شود و یکی از این سه جنس را دارند: مذکر، مؤنث و خنثی. در مباحث بعدی به تفصیل در مورد جنسیت اسامی و چگونگی تبدیل اسم‌های مفرد به جمع صحبت می‌کنیم.

درک جنسیت یک اسم

همان طور که قبلاً هم اشاره کردیم، اسم‌ها در زبان آلمانی جنسیت دارند. این یعنی هر اسمی یا مذکر است یا مؤنث است یا خنثی. متأسفانه معنای اسم معمولاً تأثیری بر پیش‌بینی جنس دستوری آن ندارد. باید به خاطر بسپارید که در زبان آلمانی، جنس دستوری یکی از عناصر دستور زبان آلمانی است و هیچ ارتباطی به معنای اسم ندارد. بلکه مانند نشانگری است که مشخص می‌کند اسم چگونه در جمله قرار می‌گیرد. متأسفانه، راه ساده‌تری وجود ندارد. شما فقط باید جنس هر اسم را حفظ کنید. با این حال، با چند راهنمایی شروع کنید:

« اسامی افراد مذکر، خودروها، ملیت‌ها، شغل‌ها، فصل‌ها، روزها و ماه‌ها معمولاً مذکر هستند.

« اسامی افراد مؤنث، بسیاری از گل‌ها و درختان مؤنث هستند.

« اسم‌هایی که با -Ge شروع می‌شوند، معمولاً خنثی هستند.

« اسم‌هایی که به -ist، -ich، -ismus و -ner ختم می‌شوند، معمولاً مذکر هستند.

« اسم‌هایی که به -heit، -keit، -ik، -schaft، -tät، -ei و -ung ختم می‌شوند، معمولاً مؤنث هستند.

« اسم‌هایی که به -chen، -lein، -tum، -um و -tum ختم می‌شوند، معمولاً خنثی هستند.



دانستن جنس یک اسم زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که آن اسم در یک جمله قرار گرفته باشد. به چه دلیل؟ بر اساس نقش آن اسم در جمله، سه حرف تعریف معین **der** (dër), **die** (dee) و **das** (däs) که همگی آن‌ها به انگلیسی *the* ترجمه می‌شوند، ممکن است دچار انواع تغییرات هجایی شوند و گاهی حتی املاي خود آن اسم نیز تغییر کند. همین اتفاق برای حروف تعریف نامعین **ein** (ayn), **eine** (ayn-e) و **ein** (ayn) هم می‌افتد و این حروف در انگلیسی به *a* یا *an* ترجمه می‌شوند. در واقع، به دلیل آنکه نمی‌توان اسامی آلمانی را بدون حروف تعریفشان استفاده کرد، ما می‌باید کاملاً را به این موضوع اختصاص می‌دهیم. نکته‌ی کلیدی همه‌ی این تغییرات چیزی است که ما آن را به عنوان «وجه» می‌شناسیم. می‌توانیم «انتخاب وجه مناسب» را در همین فصل بخوانید تا بهتر متوجه شوید که چگونه باید اسم‌ها و حروف تعریف زبان آلمانی را در جمله به کار برد.

جمع بستن اسامی مفرد

در این کتاب با اسامی مفرد یا جمع مواجه خواهید شد. احتمالاً متوجه می‌شوید که در زبان آلمانی روش‌های گوناگونی برای جمع بستن اسم‌ها وجود دارد.

جمع بستن دو گروه از اسم‌ها کار ساده‌ای است:

«اسم‌هایی که حالت مفرد و جمعشان یکی است؛ مانند اسم انگلیسی "sheep" (گوسفند) (که در دو حالت مفرد و جمع به همین شکل نوشته می‌شود). بسیاری از اسم‌هایی که در این گروه جای می‌گیرند، مذکر یا خنثی هستند و به **-er** ختم می‌شوند؛ مانند **das Fenster/die Fenster** (پنجره/پنجره‌ها)، **der Amerikaner/die Amerikaner** (آمریکایی (مذکر)/آمریکایی‌ها (مذکر)).

«اسم‌هایی که اغلب ریشه‌ای خارجی دارند؛ حالت جمع این اسم‌ها به وسیله‌ی پسوند **-s** شکل می‌گیرد؛ برای مثال، **das Radio/die Radios** (رادیو/رادیوها) و **das Café/die Cafés** [تلفظ مانند انگلیسی] (کافه/کافه‌ها).

سایر الگوهای جمع بستن کلمات عبارت‌اند از اضافه کردن **-e** یا **-en** به اسامی، اضافه شدن اوملاوت^۱ (دو نقطه‌ای که روی یک مصوت قرار می‌گیرد، مانند ö و ü) یا ترکیبی از این دو. به مثال‌هایی که در ادامه آمده‌اند توجه کنید: **der Vater/die Väter** (پدر/پدرها)، **die Lampe/die Lampen** (لامپ/لامپ‌ها)، **das Buch/die Bücher** (کتاب/کتاب‌ها).

1. umlaut

پیچیده به نظر می‌رسد؟ حق دارید. پس سعی کنید حالت جمع (و همچنین جنسیت) اسم را در هنگام یادگرفتن آن به خاطر بسپارید!

حروف تعریف

اسم‌ها معمولاً به همراه یک نشانگر ظاهر می‌شوند که با حرف تعریف معین **der**، **die** و **das** و معادل انگلیسی آن (*the*) است یا حرف تعریف نامعین **ein** و **eine** که معادل‌های انگلیسی آن *a* و *an* است. برای توضیحات بیشتر به خواندن ادامه دهید.

حروف تعریف معین ("der"، "die"، "das")

اینجاست که زبان آلمانی پیچیده می‌شود. حرف تعریف *the* در زبان انگلیسی فقط یک حالت دارد، اما در آلمانی این گونه نیست و سه شکل دارد: **der** (مذکر)، **die** (مؤنث) و **das** (خنثی). اینکه از کدام یک باید استفاده کنید، به جنسیت اسم بستگی دارد. حرف تعریف معین **der** با اسم‌های مذکر، **die** با اسم‌های مؤنث و **das** با اسم‌های خنثی به کار می‌رود.

زمانی که با اسم جدیدی روبه‌رو می‌شوید، بررسی کنید که آن اسم با کدام یک از حروف تعریف **der**، **die** و **das** به کار می‌رود؛ به عبارت دیگر جنسیت اسم را مشخص کنید. برای مثال، معادل آلمانی «باغ» را به شکل **der Garten** (*dër gâr-ten*) حفظ کنید، نه فقط **Garten** (*gâr-ten*) یا «در» را به شکل **die Tür** (*dee tuer*) یاد بگیرید نه **Tür**. همین طور «خانه» را به شکل **das Haus** (*dâs haus*) تلفظ (مانند انگلیسی) به خاطر بسپارید نه **Haus** (*house*).



به خاطر بسپارید

در مورد اسامی جمع کار نسبتاً ساده‌تر است. حرف تعریف معین برای تمام اسم‌های جمع، صرف‌نظر از جنسیت آن‌ها، **die** (*dee*) است. همچنین، حرف تعریف نامعین **a** نیز درست مانند انگلیسی در حالت جمع حذف می‌شود: *a garden* تبدیل می‌شود به *gardens* (در مبحث بعدی توضیحات بیشتری در مورد حروف تعریف نامعین بیان می‌کنیم).

حروف تعریف نامعین ("ein"، "eine"، "ein")

در زبان انگلیسی، وقتی می‌خواهید چیز مشخصی را نشان دهید، از حروف تعریف نامعین *a* یا *an* استفاده می‌کنید. به دلیل اینکه در زبان آلمانی با سه جنسیت متفاوت سروکار داریم، باید از سه حرف تعریف نامعین متفاوت نیز استفاده کنیم. خوشبختانه حروف تعریف نامعین برای اسامی مذکر و خنثی یکسان است:

«برای اسم‌های مذکر: از **ein** (*ayn*) استفاده می‌کنیم؛ مثلاً **ein Name** (*ayn nah-me*) (یک نام)، **ein Mann** (*ayn mân*) (یک مرد) و **ein Berg**

(ayn bērg) (یک کوه).

« برای اسم‌های خنثی: از ayn ein (استفاده می‌کنیم. برای مثال ein Problem (ayn moo-zey-oom) ein Museum (یک مشکل)، (ayn pro-bleym) ein Bier (یک موزه) و (ayn beer) (یک آب‌جو).

« برای اسم‌های مؤنث: به ein یک e اضافه می‌کنیم و کلمه‌ی (ayn-e) eine را می‌سازیم؛ مثلاً eine Nacht (ayn-e näht) (یک شب)، eine Cousine (ayn-e kooch-zeen-e) (یک آدرس) و (ayn-e ah-drēs-e) (دخترعمو/دخترخاله/دختردایی/دخترعمه).

خیلی سخت نبود، این طور نیست؟ اما کمی سخت‌تر از این خواهد شد. می‌دانید که جنسیت اسم مشخص می‌کند چه حرف تعریفی همراه آن اسم به کار رود؛ اما حرف پایانی حروف تعریف نیز می‌تواند بر اساس وجوه فاعلی (نومیناتیو)، ملکی (گنیتیو)، مسمی (داتیو) و مفعولی (اکوزاتیو) تغییر یابد. شناسه‌هایی که در فهرست قبلی آمده‌اند، مربوط به وجه فاعلی بودند. برای کسب اطلاعات بیشتر درمورد وجه و چگونگی تأثیر گذاری آن بر حروف تعریف معین و نامعین به بحث «اهمیت وجوه مختلف» رجوع کنید.

ضمایر

ضمایر گروهی از کلمات مفیدی هستند که می‌توانید از آن‌ها به‌جای اسم‌ها استفاده کنید و از تکرارشان بپرهیزید. ضمایر در زبان آلمانی بر اساس نقشی که در جمله دارند، تغییر می‌کنند. برای مثال، ich (ih) (من) ممکن است به mich (miH) (مر) یا mir (mir) (به من) تبدیل شود. برای کسب اطلاعات بیشتر درمورد ضمایر و وجوه به بحث «انتخاب وجه مناسب» رجوع کنید.

صفات

صفات به توصیف اسم‌ها می‌پردازند. صفات در زبان آلمانی بر اساس جنسیت، وجه (که درمورد آن بیشتر صحبت خواهیم کرد) و شمار (مفرد یا جمع) اسمی که توصیفش می‌کنند، شناسه‌های مختلفی می‌گیرند. انتخاب شناسه‌های صفات به این مسئله نیز بستگی دارد که چه نوع حروف تعریفی استفاده شده: معین، نامعین یا بدون حرف تعریف.

-
1. nominative
 2. genitive
 3. dative
 4. accusative

فهرست زیر شناسه‌های مربوط به صفاتی را نشان می‌دهد که با حرف تعریف معین و در وجه فاعلی آمده‌اند (توضیحات بیشتر دربارۀ این وجه در مبحث «انتخاب وجه مناسب» در همین فصل آمده است). این فهرست شامل صفات schön (shern) (زیبا)، weiß (vays) (سفید)، groß (grohs) (بزرگ) و klein (klayn) (کوچک) است. شناسه‌های صفات با حروف مایل نوشته شده‌اند:

- » der schöne Garten (dêr sher-ne gâr-ten) (باغ زیبا)
- » die weiße Tür (dee vays-e tuer) (در سفید)
- » das kleine Haus (dâs klayn-e hous) (خانه‌ی کوچک)
- » die großen Häuser (dee grohs-en hoy-zer) (خانه‌های بزرگ)

همچنین، شناسه‌های مربوط به صفاتی را می‌بینید که در وجه فاعلی به کار رفته‌اند (حرف تعریفی ندارند) یا به همراه حروف تعریف نامعین آمده‌اند:

- » (ein) schöner Garten ([ayn] sher-ner gâr-ten) ([یک] باغ زیبا)
- » (eine) weiße Tür ([ayn -e] vays-e tuer) ([یک] در سفید)
- » (ein) kleines Haus ([ayn] klayn-es hous) ([یک] خانه‌ی کوچک)
- » große Häuser (grohs-e hoy-zer) (خانه‌های بزرگ)

همه‌ی صفات (و شناسه‌های مربوط به آن‌ها) در مثال‌های قبل در وجه فاعلی (یا همان نومناتیو) به کار رفته‌اند. شناسه‌های مربوط به وجوه دیگر را کمی بعد در همین فصل معرفی خواهیم کرد.

افعال

فعل‌ها نشان‌دهندۀ یک عمل یا حالت هستند. شخصی که کاری را انجام می‌دهد، فاعل فعل به حساب می‌آید و همواره شناسه‌های فعل با فاعل مطابقت دارد. برای مثال، می‌خواهید به انگلیسی بگویید *I open the door* «من در را باز می‌کنم» و *The cat opens the door* «گربه در را باز می‌کند». در زمان حال ساده‌ی انگلیسی، فعل دو شکل مختلف به خود می‌گیرد: *opens* و *open*. اما در زبان آلمانی چهار شکل مختلف وجود دارد. (برای کسب اطلاعات بیشتر دربارۀ زمان افعال به مبحث «زمان‌ها؛ گذشته، حال و آینده» در ادامه‌ی همین فصل رجوع کنید.)

شکل اصلی و پایۀ فعل را مصدر می‌نامند. همان شکلی که در فرهنگ لغت کوچک پایان این کتاب یا در هر فرهنگ لغت دیگری نیز می‌بینید. مصدر فعل

در زبان انگلیسی و فارسی شبیه این نمونه‌هاست: *to play* (بازی کردن، نواختن)، *to think* (اندیشیدن) یا *to ride* (راندن). با این حال، مصدرهای آلمانی معمولاً از ترکیب ریشه‌ی فعل با پسوند **-en** ساخته می‌شوند، مانند **lachen** (*läh-en*) (خندیدن). برای مثال، ریشه‌ی فعل **lachen**، **lach-** است. شناسه‌ی مصدری تعداد اندکی از افعال، **-n** است.

ریشه‌ی اغلب افعال تغییری نمی‌کند و شناسه‌ی برخی از فعل‌ها نیز همواره یکسان باقی می‌ماند. در جدول زیر شناسه‌های فعل **sagen** (*zah-gen*) (گفتن) را می‌بینید. باید شناسه‌ی مناسب هر شخص را در کنار ریشه‌ی **sag-** قرار دهید.

صرف فعل	تلفظ
ich sag-e	iH zah-ge
du sag-st	dooh zägst
Sie sag-en	zee zah-gen
er, sie, es sag-t	êr, zee, ês zägt
wir sag-en	veer zah-gen
ihr sag-t	eer zägt
Sie sag-en	zee zah-gen
sie sag-en	zee zah-gen

آسان به نظر می‌رسد، این‌طور نیست؟ اما مثل همیشه استثنائایی برای این قانون وجود دارد. زمانی که ریشه‌ی فعل به **-m**، **-n**، **-d** یا **-t** ختم شود، باید قبل از شناسه‌های مربوطه به اشخاص **er/sie/es** و **ihr** یک حرف **-e** قرار دهید. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

du atm-e-st (*ât-mêst*) (تو نفس می‌کشی)

er arbeit-e-t (*âr-bay-têt*) (او کار می‌کند)

ihr bad-e-t (*ba-dêt*) (شما حمام می‌کنید)

چرا باید یک حرف **-e** اضافه کنید؟ سعی کنید **"atmst"** را تلفظ کنید تا خودتان متوجه شوید چرا به آن احتیاج دارید!

قیدها

قیدها به همراه افعال یا صفات و با هدف توصیف آن‌ها به کار می‌روند. بیشتر قیدها در زبان انگلیسی به **-ly** ختم می‌شوند (مانند: *quickly put my new black socks on*). قیدها در زبان آلمانی معمولاً درست مانند همتای صفت خود نوشته

می‌شوند و شناسه‌ی خاصی نمی‌گیرند.

برای مثال، **vorsichtig** (fohr-ziH-tiH) (محتاط/محتاطانه) را در نظر بگیرید که در دو حالت قید و صفت به همین شکل نوشته می‌شود. زمانی که این کلمه را در جمله‌ای به عنوان قید به کار می‌برید، املا‌ی آن تغییری نمی‌کند؛ مثلاً **Fahren Sie vorsichtig!** (fahr-en zee fohr-ziH-tiH) (با احتیاط رانندگی کنید!) یا این حال، وقتی **vorsichtig** در یک جمله در قالب صفت به کار می‌رود، مانند سایر صفات در زبان آلمانی املا‌یش تغییر می‌کند. به مبحث قبلی که درباره‌ی صفات بود رجوع کنید. در جمله‌ی زیر می‌بینید که **vorsichtig** در جایگاه صفت چگونه بر اساس اسمی که توصیف می‌کند، املا‌یش تغییر می‌یابد:

Sie ist eine vorsichtige Fahrerin. (zee ist ayn-e fohr-ziH-tig-e fahr-en-in)

(او یک راننده‌ی محتاط است.)

ساخت جملات ساده

اسم‌ها، ضمایر، فعل‌ها، صفات و قیدها بی‌قاعده و قانون در کنار یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه به‌منظور ساخت یک جمله‌ی معنادار باید لغات را به ترتیب خاصی کنار یکدیگر قرار دهید. ترتیب درست بر اساس یک‌سری قوانین مشخص می‌شود که در مبحث بعدی به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

مرتب کردن صحیح کلمات در یک جمله

ترتیب استاندارد کلمات در زبان آلمانی شباهت زیادی به ترتیب واژگان در زبان انگلیسی دارد. فاعل در ابتدای جمله می‌آید، سپس فعل و بعد از آن سایر عناصر جمله می‌آیند. به جمله‌ی زیر توجه کنید:

فاعل	فعل	مفعول
Meine Freundin	hat	einen Hund.
mayn-e froyn-diin	hât	ayn-en hoont.
My girlfriend	has	a dog.

قرار دادن فعل در جایگاه دوم

یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باید به خاطر بسپارید، جایگاه فعل در یک جمله‌ی آلمانی است. در بندهای مستقل مانند جمله‌ای که در مبحث قبلی دیدید، فعل تک‌کلمه‌ای، هر چه باشد، همیشه در جایگاه دوم قرار می‌گیرد؛ اما «جایگاه دوم» لزوماً به معنای دومین کلمه‌ای نیست که در جمله می‌بینید، بلکه به دومین «نقش»

در جمله که ممکن است از یک کلمه بیشتر باشد، اطلاق می‌شود. برای مثال، **meine Freundin**، فاعل جمله‌ی قبلی، از دو کلمه تشکیل شده اما در جایگاه اول قرار گرفته است. فعل جمله‌ی زیر **fahren** (*fähr-en*) (رانندگی کردن) است و از قانون جایگاه دوم تبعیت کرده است.

Meine Freundin fährt nach Dänemark. (*mayn-e froyn-din fährt nâH dê-ne-mârk.*) (دوست‌دختر من به‌سوی دانمارک در حرکت است/ می‌راند.)

اگر بخواهیم اطلاعات بیشتری در جمله بگنجانیم چطور؟

Meine Freundin fährt morgen nach Dänemark.

(*mayn-e froyn-din fährt mor-gen nâH dê-ne-mârk.*)

(دوست‌دختر من فردا به سوی دانمارک می‌راند/ می‌رود.)

همان طور که در جمله‌ی بالا می‌بینید، در جملات استاندارد آلمانی قبل از اشاره به مکان **nach Dänemark** (*nâH dê-ne-mârk*) (به سوی دانمارک) به زمان یا قید آن اشاره می‌شود مانند **morgen** (*mor-gen*) (فردا). حالا اگر جمله‌ی خود را با **morgen** آغاز کنید، چه اتفاقی می‌افتد؟

Morgen fährt meine Freundin nach Dänemark.

(*mor-gen fährt mayn-e froyn-din nâH dê-ne-mârk.*)

(فردا دوست‌دخترم به سوی دانمارک حرکت می‌کند/ می‌راند.)

قید **Morgen** در ابتدای جمله آمده و به‌دلیل آنکه فعل باید در جایگاه دوم باشد، فاعل پس از فعل آمده است. این ترتیب واژگان وارونه‌سازی فعل نامیده می‌شود و به‌معنای تغییر جایگاه فعل و فاعل است. وارونه‌سازی زمانی رخ می‌دهد که هر عنصری به‌جز فاعل، جایگاه نخست جمله را به خود اختصاص دهد.

جمله‌ی **Meine Freundin hat einen Hund** (از مبحث قبلی) چطور؟ آیا می‌توان ترتیب واژگان آن را کمی تغییر داد؟ مادامی که فعل در جایگاه دوم باقی بماند، بله: **Einen Hund hat meine Freundin**. اما چرا باید بخواهید ترتیب واژگان را تغییر دهید؟ معمولاً این کار را برای تأکید روی معنا انجام می‌دهید. مثلاً، شاید چنین جمله‌ای را در مکالمه‌ای مانند نمونه‌ی زیر بشنوید:

Hat deine Schwester einen Hund? (*hât dayn-e shvës-ter ayn-en hoon?*) (آیا خواهرت یک سگ دارد؟)

Nein, sie hat eine Katze. Einen Hund hat meine Freundin Heike.

(*nayn, zee hât ayn-e kâts-e. ayn-en hoon hât mayn-e froyn-din hay-ke.*)

(نه، او یک گربه دارد. دوست‌دخترم هایکه یک سگ دارد.)



نکات دستوری



آیا خود آلمانی زبان‌ها با وجود این دردهای ترتیب واژگان سردرگم نمی‌شوند؟ اینجاست که وجه‌های زبان آلمانی مطرح می‌شود. صفات و حروف تعریفی که در کنار اسم به کار گرفته می‌شوند. همچنین در برخی شرایط خود آن اسم‌ها، بر اساس نقشی که در جمله دارند، شناسه‌های مختلفی می‌گیرند. پس اسم در هر جایگاهی در جمله قرار بگیرد، می‌توانید با بررسی شناسه‌ی حرف تعریف، خود اسم یا صفت، متوجه نقش آن اسم در جمله شوید. برای مطالعه‌ی جزئیات بیشتر به میحث «انتخاب وجه مناسب» در همین فصل رجوع کنید.

فرستادن فعل به انتهای جمله

همه‌ی مثال‌هایی که تا به حال دیدیم، جملاتی مستقل بودند؛ اما گاهی چندین مفهوم همراه با هم ساختارهای پیچیده‌تری ایجاد می‌کنند:

Wir gehen nicht einkaufen, weil wir kein Geld haben.

(veer gey-en niht ayn-kouf-en, vayl veer kayn gëlt hah-ben.)

(ما به خرید نمی‌رویم، چون هیچ پولی نداریم.)

همان طور که انتظار می‌رود، فعل **gehen** (gey-en) (رفتن) در جایگاه دوم قرار گرفته است، اما فعل در بخش دوم جمله که با **weil** (vayl) (چون) شروع شده به انتهای جمله فرستاده شده است. فعل در بندهای وابسته چنین جایگاهی دارد.

بندهای وابسته معمولاً با حروف ربط وابسته‌ساز (کلماتی که جملات را به یکدیگر ارتباط می‌دهند) شروع می‌شوند؛ حروف ربطی مانند **dass** (däs) (که)، **weil** (vayl) (چون)، **damit** (dä-mit) (به منظور اینکه)، **obwohl** (op-vohl) (اگرچه)، **bevor** (be-fahr) (قبل از اینکه) و **wenn** (vën) (زمانی که). چنین بندهایی همیشه با فعل به پایان می‌رسند.

ساخت جملات سؤالی

در زبان آلمانی، ترتیب واژگان سازنده‌ی سؤالات بله و خیر بسیار ساده است. سؤال را با فعل شروع می‌کنید و به دنبالش فاعل را می‌آورید.

Tanzen Sie gern? (tan-zen zee gërn?) (ما بایلد برقصید؟)

Spricht er Spanisch? (shpriht êr shpân-ish?)

(آیا او اسپانیایی صحبت می‌کند؟)

خواستار باشد که برای ساخت سؤال در زبان آلمانی فعلی معادل **do** در زبان انگلیسی نداریم.

یک راه دیگر برای کسب اطلاعات این است که سؤالاتی با کلمات پرسشی
wann (چه کسی)، **was** (چه چیزی)، **wo** (کجا)، **wer** (چه زمان)،
wie (چگونه) یا **warum** (چرا) بسازید.
 همچنین می‌توانید با کلمات و عبارات پرسشی مثل **was für ein/e/en...?**
 (چه نوع...؟) یا **welche/r/s...?** (کدام...؟) سؤال بسازید.

زمانی که با این کلمات سؤالاتی می‌سازید، فعل در جایگاه معمولش، یعنی جایگاه
 دوم، قرار می‌گیرد:

Was für ein Fahrrad kauft Helmut? (väs fuer ayn fahr-råd kouft
 hémoot?) (هلموت دارد چه نوع دوچرخه‌ای می‌خرد؟)

Wer kauft ein Rennrad? (vër kouft ayn rén-råd?)

(چه کسی یک دوچرخه‌ی مسابقه می‌خرد؟)

Wo kauft er das Rad? (voh kouft êr dâs råd?) (او/او کجا دوچرخه می‌خرد؟)

Warum kauft er ein Rennrad? (vah-roohm kouft êr ayn rén-råd?)

(چرا او یک دوچرخه‌ی مسابقه می‌خرد؟)

زمان‌ها: گذشته، حال و آینده

برای توصیف این مسئله که عمل موردنظرتان چه زمانی رخ داده است، باید زمان
 مناسبی برای فعل خود برگزینید. مفهوم زمان در هر فرهنگ و زبانی متفاوت است:
 پس گاهی نحوه‌ی به‌کارگیری زمان افعال هم تفاوت خواهند داشت.

نگاهی به زمان حال

زمان حال در زبان آلمانی، بسیار کاربردی است. فقط با به‌کارگیری همین زمان
 هم می‌توانید تا حد زیادی کار خود را راه بیندازید. زمان حال در زبان آلمانی به
 چند شکل در زبان انگلیسی ترجمه می‌شود. برای مثال، می‌توان **ich denke**
 (ih dén-ke) را معادل **I do think** / **I think** / **I am thinking** دانست. حتی گاهی
 می‌توان بر اساس بافت جملات، زمان حال در زبان آلمانی را با زمان‌های گذشته و
 آینده در زبان انگلیسی مطابقت داد.

زمان حال را می‌توان برای توصیف اتفاقاتی به کار برد که در حال حاضر رخ می‌دهند:

Was machst du gerade? (väs mâHst dooh ge-rah-de?)

(الان داری چه کار می‌کنی؟)

Ich lese die Zeitung. (iH ley-ze dee tsay-toong.) (نارم روزنامه می‌خوانم.)

علاوه بر این، زمان حال برای توصیف چیزهایی که گاهی، معمولاً یا همیشه رخ می‌دهند یا هرگز اتفاق نمی‌افتند، به کار می‌رود:

Freitags gehe ich oft ins Kino. (fray-tahks gey-e iH oft ins kee-noh.)
(من اغلب جمعه‌ها به سینما می‌روم.)

زمان حال در زبان آلمانی آنچه قرار است در آینده اتفاق بیفتند نیز توصیف می‌کند:

Wir fliegen im Dezember nach Portugal. (veer fleeg-en im dey-tsém-ber nâH por-tooh-gâi.) (ما در ماه دسامبر به پرتغال سفر خواهیم کرد.)

Nächste Woche fahre ich nach Bremen. (nâiH-ste vohH-e fahr-e iH nâH brey-men.) (هفته‌ی بعد به برمن خواهم رفت/به سوی برمن خواهم راندم.)

در زبان آلمانی، استفاده از زمان حال برای صحبت کردن درباره‌ی اتفاقات آینده بسیار رایج است، به‌ویژه اگر جمله شامل اصطلاح زمانی‌ای باشد که وقوع فعل در زمان آینده را نشان دهد؛ برای مثال **im Dezember** (در ماه دسامبر) یا **nächste Woche** (نای‌ا-سته‌و-ا-ه) (هفته‌ی بعد).

و در نهایت، آلمانی‌ها از زمان حال برای توصیف اتفاقاتی استفاده می‌کنند که در حال حاضر رخ می‌دهد:

Ich lebe seit zehn Jahren in der selben Wohnung.

(iH ley-be zayt tseyh yahr-en in dêr zêl-ben vohn-oong.)

(ده سال است که در همین آپارتمان زندگی می‌کنم.)

Wie lange lernst du schon Deutsch? (vee lāng-e lêrnst dooh shohn doych?) (چه مدت است که آلمانی یاد می‌گیری؟)

توجه داشته باشید که در زبان انگلیسی برای توصیف چنین چیزی از زمان حال کامل استفاده می‌شود.

صحبت کردن درباره‌ی گذشته: زمان «حال کامل»

در زبان آلمانی، زمان حال کامل اصلی‌ترین زمان برای توصیف وقایع گذشته است، مانند **wir haben gegessen** (ما خوردیم) (veer hah-ben ge-ges-en) یا **Jan hat gearbeitet** (جان کار کرده است) (yahn hât ge-ahr-bay-tet). این زمان بسیار کاربردی است. می‌توانید از آن برای صحبت کردن درباره‌ی اکثر کارها و موقعیت‌هایی استفاده کنید که در گذشته رخ داده است. زمان حال



به خاطر بسپارید

کامل در زبان انگلیسی (I have eaten, I have gone) با همتای آلمانی خود یکسان نیست و فقط در شرایط خاصی به کار می‌رود. برای مثال، جمله‌ی *Ich habe Anna letzte Woche gesehen* (ge-zey-en) (من آن را هفته‌ی گذشته دیدم) در زبان آلمانی صحیح است، اگرچه در زبان انگلیسی به این شکل بیان نمی‌شود.



فعل در جمله‌ی قبلی دو بخش دارد: **gesehen** و **habe**. این دو بخش را از لحاظ دستوری فعلی صرف‌شده (در اینجا **habe**) و اسم مفعول (در اینجا **gesehen**) می‌نامند. ترتیب واژگان در زبان آلمانی برای فعل‌هایی که دو یا چند بخش دارند، از قوانین خاصی تبعیت می‌کند. وقتی می‌خواهید جمله‌ای با افعال متعدد بسازید، فعل صرف‌شده در جایگاه دوم جمله قرار گرفته و دیگر بخش‌های فعل که در جمله‌ی قبلی اسم مفعول بود، در انتهای جمله قرار می‌گیرند. این قاعده درباره‌ی تمام فعل‌هایی که دو یا چند بخش دارند، صدق می‌کند.

زمان حال کامل بیشتر فعل‌ها از ترکیب شکل صرف‌شده‌ی فعل **haben** (*hah-ben*) (داشتن) و اسم مفعول آن فعل ساخته می‌شود. نمونه‌های زیر از قانون ترتیب واژگان زبان آلمانی تبعیت می‌کنند؛ یعنی شکل صرف‌شده‌ی فعل **haben** در جایگاه دوم جمله قرار گرفته و اسم مفعول فعل در پایان جمله آمده است:

Luka hat mir geholfen. (*looh-kâ hât meer ge-holf-en*)

(لوکا به من کمک کرد/کرده است.)

Gestern haben wir ein neues Auto gekauft. (*gês-tern hah-ben veer ayn noy-ës ou-toh ge-kouft*.) (دیروز ما یک خودروی جدید خریدیم.)

Hast du die Zeitung schon gelesen? (*hâst dooh dee tsay-toong shohn ge-ley-zen?*) (روزنامه را خوانده‌ای؟)

Ich habe den Film vor einer Woche gesehen. (*ih hah-be deyn film fohr ayn-er woh-e ge-zey-en*.) (من هفته‌ی گذشته فیلم را دیدم.)

برای ساخت زمان حال کامل برخی از فعل‌ها، به جای **haben** (*hah-ben*) (داشتن) از **sein** (*zayn*) (بودن) استفاده می‌شود. این افعال اغلب توصیف‌کننده‌ی نوعی حرکت یا حالت هستند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

Gestern bin ich ins Kino gegangen. (*gês-tern bin ih ins kee-noh ge-gâng-en*.) (من دیروز به سینما رفتم.)

Ich bin in Hamburg gewesen. (*ih bin in hâmb-boorg ge-vey-zen*.) (من در هامبورگ بودم.)

Bist du mit dem Auto gekommen? (bist dooh mit deym ou-toh ge-kom-en?) (آیا با خودرو آمدی؟)

Sie ist nicht mit dem Zug gefahren. (zee ist niht mit deym tsoohk ge-fahr-en.) (او سوار قطار نشد)

می‌توانید اشکال فعل **haben** و **sein** را در پیوست ب پایان کتاب ببینید.

فعل‌های آلمانی به دو گروه تقسیم می‌شوند: فعل‌های ضعیف و قوی. افعال باقاعده که به‌عنوان افعال ضعیف شناخته می‌شوند، بخش عمده‌ای از افعال آلمانی را تشکیل می‌دهند.



راهنمایی

ساخت اسم مفعول از افعال ضعیف

فرمولی برای ساخت اسم مفعول از افعال ضعیف (باقاعده) وجود دارد:

اسم مفعول = **(e)t** + (مصدر بدون **-en**) ریشه‌ی فعل + **ge**

برای مثال، این فرمول درباره‌ی فعل **fragen** (*frah-gen*) (پرسیدن) به‌صورت زیر عمل می‌کند:

ge + frag + t = gefragt

استثناهایی در این فرمول وجود دارد. زمانی که ریشه‌ی فعل به **-m**، **-n**، **-d** یا **-t** ختم می‌شود، باید بعد از ریشه و قبل از **-t** یک حرف **-e** قرار دهید. برای مثال، فعل **arbeiten** (*ar-bay-ten*) (کارکردن) و **atmen** (*at-men*) (نفس کشیدن) را در نظر بگیرید:

ge + arbeit + e + t = gearbeitet

ge + atm + e + t = geatmet

ساخت اسم مفعول از افعال قوی

فرمول ساخت اسم مفعول از افعال قوی (بی‌قاعده) عبارت است از:

اسم مفعول = **en** + (مصدر بدون **-en**) ریشه‌ی فعل + **ge**

اسم مفعول فعل **kommen** (*kom-en*) (آمدن) به‌شکل زیر ساخته می‌شود:

ge + komm + en = gekommen

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی زمان حال کامل به فصل ۱۰ رجوع کنید.

نوشتن درباره‌ی زمان گذشته: استفاده از زمان گذشته‌ی ساده‌ی افعال

زمان گذشته‌ی ساده همواره در نوشته‌ها و متن‌های آلمانی مانند روزنامه‌ها و کتاب‌ها به کار می‌رود، اما در زبان محاوره رواج کمتری دارد. به همین دلیل خیلی در این کتاب به آن پرداخته‌ایم. یکی از استثناها، زمان گذشته‌ی ساده‌ی فعل **sein** (zayn) (بودن) است که اغلب، هم در گفتار و هم نوشتار، شکل حال کامل آن ترجیح داده می‌شود. در جدول زیر شکل‌های مختلف زمان گذشته‌ی ساده‌ی فعل **sein** آمده است:

صرف فعل	تلفظ
ich war	iH vahr
du warst	dooh vahrst
Sie waren	zee vahr-en
er, sie, es war	êr, zee, ês vahr
wir waren	veer vahr-en
ihr wart	eer vahrt
Sie waren	zee vahr-en
sie waren	zee vahr-en

در جملات نمونه‌ی زیر از زمان گذشته‌ی ساده‌ی فعل **sein** استفاده شده است:

Ich war heute Nachmittag nicht zu Hause. (iH vahr hoy-te nâH-mi-tâhk niHt tsooh hou-ze.) (امروز بعدازظهر خانه نبودم.)

Gestern waren wir sehr müde. (gês-tern vahr-en veer zeyr mue-de.) (ما دیروز خیلی خسته بودیم.)

صحبت کردن درباره‌ی آینده

زمان آینده در زبان آلمانی به اندازه‌ی زبان انگلیسی کاربرد ندارد. در بسیاری از موقعیت‌ها می‌توان از زمان حال به جای آینده استفاده کرد (به بحث «نگاهی به زمان حال» در همین فصل رجوع کنید). البته وقتی می‌خواهید در مورد رویدادهایی صحبت کنید که در آینده رخ می‌دهند، می‌توانید از زمان آینده استفاده کنید. روش ساخت زمان آینده در زبان آلمانی شباهت زیادی به زبان انگلیسی دارد. باید فعل **werden** (very-den) (نشأنگر زمان آینده و به معنای تبدیل شدن) را به همراه یک مصدر استفاده کنید.

در جدول زیر اشکال مختلف فعل **warden** را در زمان حال می‌بینید.

صرف فعل	تلفظ
ich werde	iH veyr-de
du wirst	dooh virst
Sie werden	zee veyr-den
er, sie, es wird	êr, zee, ês virt
wir werden	veer veyr-den
ihr werdet	eer veyr-det
Sie werden	zee veyr-den
sie werden	zee veyr-den

به‌منظور بهره‌گیری از زمان آینده در جملات خود، باید از ترتیب واژگان استاندارد زبان آلمانی برای افعال دویخشی تبعیت کنید: فعل صرف‌شده که در اینجا **werden** است در جایگاه دوم جمله قرار می‌گیرد و بخش دیگر که مصدر فعل است در انتهای جمله می‌آید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Ich werde viel Geld verdienen. (iH veyr-de feel gëlt fêr-deen-en.)

(من پول زیادی به دست خواهم آورد.)

Wir werden morgen skifahren.

(ما فردا اسکی خواهیم کرد.) (veer veyr-den mor-gen shee-fahr-en.)

Es wird regnen. (ês virt reyng-nen.) (باران خواهد بارید.)

انتخاب وجه مناسب

همه‌ی زبان‌ها روشی برای بیان نقش اسم‌ها در جمله دارند؛ یعنی اینکه چه کسی (یا چه چیزی) چه کاری را انجام می‌دهد. نقش اسم‌ها در زبان انگلیسی عمدتاً توسط جایگاهشان در یک جمله مشخص می‌شود؛ اما آلمانی‌زبان‌ها نقش اسم‌ها در جمله را با افزودن شناسه‌هایی به حروف تعریف یا صفات همراه با اسم (و گاهی خود اسم‌ها) نشان می‌دهند.

وجه‌های متفاوت

اسم‌ها در یک جمله، بنا بر نقشی که دارند با یکی از این چهار وجه ظاهر می‌شوند: **نومیناتیو** برای نقش فاعلی، **آکوزاتیو** برای مفعول مستقیم، **داتیو** برای مفعول

غیرمستقیم و گنیتیو برای نشان دادن مالکیت.

«وجه نومیئاتیو: فاعل یک جمله همیشه در وجه نومیئاتیو ظاهر می‌شود. فاعل شخص یا چیزی است که عمل فعل را انجام می‌دهد. برای مثال، در جمله‌ی (dër yoong-e shteelt ayn-e voorst) **Der Junge stiehlt eine Wurst** (آن پسر یک سوسیس می‌دزدد)، پسر، فاعل جمله یا شخصی است که سوسیس می‌دزدد.

«وجه اکوزاتیو: مفعول مستقیم جمله همیشه با وجه اکوزاتیو می‌آید. مفعول مستقیم، شخص یا چیزی است که مستقیماً تحت تأثیر عمل فعل قرار می‌گیرد. پس در جمله‌ی **Der Junge stiehlt eine Wurst** (نمونه‌ی قبلی)، سوسیس مفعول مستقیم یا چیزی است که دزدیده شده است.

«وجه داتیو: مفعول غیرمستقیم یک جمله همیشه با وجه داتیو بیان می‌شود. مفعول غیرمستقیم را به عنوان شخص یا چیزی در نظر بگیرید که مفعول مستقیم را دریافت می‌کند. به جمله‌ی (yoong-e gipt deym hoont dee voorst) **Der Junge gibt dem Hund die Wurst** (پسر به سگ سوسیس می‌دهد) توجه کنید. در این جمله «سگ» مفعول غیرمستقیم است چراکه پسر سوسیس را به او می‌دهد. (سوسیس مفعول مستقیم است؛ یعنی چیزی که داده شده است). اگر جمله‌ای دو مفعول داشته باشد، یکی از آن‌ها احتمالاً مفعول غیرمستقیم است. اگر شک داشتید، جمله را به زبان انگلیسی ترجمه کنید. اگر بتوانید حرف اضافه‌ی "to" را قبل از یکی از اسم‌ها قرار دهید، آن مفعول غیرمستقیم در یک جمله‌ی آلمانی است.



راهنمایی

«وجه گنیتیو: این وجه برای نشان دادن مالکیت به کار می‌رود. شخص یا چیزی که مالک است، در وجه گنیتیو قرار می‌گیرد. برای مثال، در جمله‌ی (dër hoont dës yoong-en) **der Hund des Jungen** (سگ آن پسر)، پسر مالک سگ است، پس پسر در وجه گنیتیو بیان می‌شود.

در این کتاب اغلب با وجه‌های نومیئاتیو، اکوزاتیو و داتیو روبه‌رو خواهید شد. از وجه گنیتیو کمتر استفاده می‌شود؛ ما آن را فقط به منظور کامل کردن این فهرست بیان کردیم.

اهمیت وجوه مختلف

شاید از خود بپرسید چرا باید با آوردن این وجوه کار را سخت‌تر کنیم؟ درک وجه‌های مختلف، مرحله‌ای پیچیده اما ضروری برای یادگیری زبان آلمانی است. وجوه مختلف

باعث تغییر شکل ضمایر می‌شود. همچنین، شناسه‌های حروف تعریف و صفات نیز تغییر می‌کنند. برای یادگیری اصول اساسی به خواندن ادامه دهید.

چگونگی تغییر ضمایر

از ضمایر به‌عنوان جایگزینی برای اسم و به‌منظور تکرار نکردن آن استفاده می‌شود. ضمایر بر اساس نوع کاربردشان در یک جمله تغییر می‌کنند. در جدول ۲-۱ ضمایر را در وجوه نومیاتیو، داتیو و آکوزاتیو می‌بینید. توجه داشته باشید که ضمایر چگونه بر اساس وجه تغییر می‌کنند.

جدول ۲-۱ ضمایر شخصی بر اساس وجوه مختلف

معنای فارسی	آکوزاتیو (مفعولی)	داتیو (متممی/مفعول غیرمستقیم)	نومیاتیو (فاعلی)
من، به من، مرا	ich	mir	ich
تو، به تو، تو را (مفرد، غیررسمی)	dich	dir	du
تو، به تو، تو را (مفرد، رسمی)	Sie	ihnen	Sie
او (مذکر)، به او، او را	ihn	ihm	er
او (مؤنث)، به او، او را	sie	ihr	sie
آن، به آن، آن را	es	ihm	es
ما، به ما، ما را	uns	uns	wir
شما، به شما، شما را (جمع، غیررسمی)	euch	euch	ihr
شما، به شما، شما را (جمع، رسمی)	Sie	ihnen	Sie
آن‌ها، به آن‌ها، آن‌ها را	sie	ihnen	sie

در ادامه نمونه‌هایی از ضمیر دوم‌شخص مفرد **du** را می‌بینید که در حالات نومیاتیو، داتیو و آکوزاتیو آمده و نقش‌های مختلفی در یک جمله گرفته است:

Du bist sehr schön. (du bist zeyr shern.) (تو خیلی زیبایی.)

du = نومیاتیو

Ich gebe dir einen Ring. (iH gey-be deer ayn-en ring.)

(من یک حلقه به تو می‌دهم.)

dir = داتیو

Ich habe dich lieb. (iH hah-be diH leep.) (من تو را خیلی دوست دارم.)

dich = آکوزاتیو

چگونگی تغییر حروف تعریف معین

همان طور که در جدول ۲-۲ می‌بینید، حروف تعریف معین نیز بر اساس وجهی که با آن به کار می‌رود، تغییر می‌کنند (به مبحث پیش گفته‌ی «حروف تعریف معین» رجوع کنید):

جدول ۲-۲ حروف تعریف معین بر اساس وجوه مختلف

اکوزاتیو	داتیو	گنیتیو	نومیناتیو	جنسیت
den	dem	des	der	مذکر
die	der	der	die	مؤنث
das	dem	des	das	خنثی
die	den	der	die	جمع

در نمونه‌های زیر، حرف تعریف معین مذکر **der** را می‌بینید که در چهار وجه مختلف، شناسه‌های مناسبی دارد:

Der Fuchs läuft über die Straße. (dér foox loyft ue-ber dee shtrah-se.)

نومیناتیو = **der** (روپاه در عرض جاده می‌دود.)

Sie lebt in der Wohnung des Freundes. (zee lêpt in dêr vohn-oong dês froyn-des.)
گنیتیو = **des** (او در آپارتمان دوستش زندگی می‌کند.)

Ich leihe dem Freund mein Auto. (ih lay-he deym froynt mayn ou-toh.)
داتیو = **dem** (من خودرویم را به دوستم قرض می‌دهم.)

Kaufst du den Computer? (koufst dooh deyn computer)

اکوزاتیو = **den** (آیا آن رایانه را می‌خری؟) ([تلفظ مانند انگلیسی])

چگونگی تغییر حروف تعریف نامعین

حرف تعریف نامعین زبان آلمانی، **ein** (ayn) مانند **a** انگلیسی شناسه‌های مختلفی به خود می‌گیرد. اینکه **ein** چه شناسه‌ای بگیرد، به این بستگی دارد که با چه عنصری از جمله همراه شده باشد، یا فاعل جمله (نومیناتیو)، حالت ملکی (گنیتیو)، مفعول مستقیم (اکوزاتیو) یا مفعول غیرمستقیم (داتیو). جدول ۲-۳ حرف تعریف نامعین **ein** را در وجوه مختلف نشان می‌دهد:

جدول ۲-۳ شناسه‌های Ein بر اساس وجوه مختلف

جنسیت	نومیناتیو	گنیتیو	داتیو	اکوزاتیو
مذکر	ein	eines	einem	einen
مؤنث	eine	einer	einer	eine
خنثی	ein	eines	einem	ein

در نمونه‌های زیر می‌بینید که حرف تعریف نامعین **ein** چگونه با شناسه‌های مذکر مناسب خود در چهار وجه مختلف می‌آید:

Ein Fuchs läuft über die Straße. (ayn foox loyft ue-ber dee shtrah-se.)

نومیناتیو = **ein** (یک روباه در عرض جاده می‌دود.)

Sie lebt in der Wohnung eines Freundes. (zee lêpt in dêr vohn-oong

ayn-es froyn-des.) (او در آپارتمان یک دوست زندگی می‌کند.)

Ich leihe einem Freund mein Auto. (ih lay-he ayn-em froynt mayn

ou-toh.) داتیو = **einem** (من خودرویم را به یک دوست قرض می‌دهم.)

Kaufst du einen Computer? (koufst dooh ayn-en computer

اکوزاتیو = **einen** (تاری یک رایانه می‌خری؟) (تلفظ مانند انگلیسی)

چگونگی تغییر صفات ملکی

صفات ملکی نشان‌دهنده‌ی مالکیت هستند. آن‌ها مشخص می‌کنند که چه چیزی به شما تعلق دارد (کتابتان) و چه چیزی به من (کتاب من). در ادامه، نگاهی اجمالی می‌اندازیم به اشکال مختلف صفات ملکی:

» **mein** (mayn) (مال من)

» **dein** (dayn) (مال تو) (غیررسمی، مفرد)

» **Ihr** (eer) (مال تو) (رسمی، مفرد)

» **sein, ihr, sein** (zayn, eer, zayn) (مال او/مذکر، مؤنث، خنثی)

» **unser** (oon-zer) (مال ما)

» **euer** (oy-er) (مال شما) (غیررسمی، جمع)

» **Ihr** (eer) (your) (مال شما) (رسمی، جمع)

» **Ihr** (eer) (مال آن‌ها)

در جدول ۲-۴ تمام شکل‌های صفت ملکی **mein** (mayn) (مال من) را می‌بینید.

سایر صفات ملکی نیز همین شناسه‌ها را می‌گیرند. این شناسه‌ها شاید آشنا به نظر برسند؛ آن‌ها همان‌هایی هستند که برای حرف تعریف نامعین **ein** (ayn) (یک) و صفت منفی‌کننده‌ی اسم یعنی **kein** (kayn) (هیچ، نه) به کار می‌روند.

جدول ۲-۴ شناسه‌های صفات ملکی بر اساس وجوه مختلف

اکوراتیو	داتیو	گنیتیو	نومیناتیو	جنسیت
meinen	meinem	meines	mein	مذکر
meine	meiner	meiner	meine	مؤنث
mein	meinem	meines	mein	خنثی
meine	meinen	meiner	meine	جمع

چگونگی تغییر شناسه‌های صفات

همان‌طور که پیش‌تر نیز در این فصل اشاره کردیم، صفات و حروف تعریفی که به‌همراه اسم می‌آیند، بر اساس نقش آن اسم در جمله، شناسه‌های مختلفی می‌گیرند. برای نشان دادن شناسه‌های صفات و حروف تعریف همراه با اسم، به‌ترتیب در جدول‌های ۲-۵ و ۲-۶ شناسه‌ها را در ترکیب با یک حرف تعریف نامعین و معین آورده‌ایم.

در جدول ۲-۵ می‌بینید که وقتی اسم‌ها به‌همراه حرف تعریف نامعین استفاده می‌شوند، صفات چه تغییری می‌کنند. کلمات **kein** (kayn) (نه، هیچ) و صفات ملکی که فهرستشان را در میحث قبلی دیدیم نیز از همین الگو پیروی می‌کنند. در این جدول به‌جای شکل جمع از کلمه‌ی منفی‌کننده‌ی **kein** استفاده شده، چراکه حروف تعریف نامعین شکل جمع ندارند. برای کسب اطلاعات بیشتر درمورد چگونگی استفاده از **kein** به فصل ۵ رجوع کنید.

جدول ۲-۵ نمونه‌هایی از شناسه‌های صفات به‌همراه حروف تعریف نامعین یا کلمات همراه با Ein-

اکوراتیو	داتیو	گنیتیو	نومیناتیو	جنسیت
einen schönen Garten	einem schönen Garten	eines schönen Gartens	ein schöner Garten	مذکر
eine weiße Tür	einer weißen Tür	einer weißen Tür	eine weiße Tür	مؤنث
ein kleines Haus	einem kleinen Haus	eines kleinen Hauses	ein kleines Haus	خنثی
keine großen Häuser	keinen großen Häusern	keiner großen Häuser	keine großen Häuser	جمع

جدول ۶-۲ نمونه‌هایی از شناسه‌های صفات به همراه حروف تعریف معین

جنسیت	نومیناتیو	ژنیتیو	داتیو	اکوراتیو
مذکر	der schöne Garten	des schönen Gartens	dem schönen Garten	den schönen Garten
مؤنث	die weiße Tür	der weißen Tür	der weißen Tür	die weiße Tür
خنثی	das kleine Haus	des kleinen Hauses	dem kleinen Haus	das kleine Haus
جمع	die großen Häuser	der großen Häuser	den großen Häusern	die großen Häuser

« تلفظ زبان آلمانی

« خطاب قرار دادن افراد به صورت رسمی و غیررسمی

« سلام و احوالپرسی و خداحافظی کردن

« معرفی کردن

فصل ۳

آشنایی با تلفظ و اصطلاحات اساسی

سلام و احوالپرسی و معارفه اولین گام در برقراری ارتباط با دیگران و تأثیرگذاری بر آن‌هاست. اگر بتوانید این مراحل را به درستی پشت سر بگذارید، ارتباط اولیه‌ی شما درهای زیادی را پیش رویتان باز خواهد کرد. فصل حاضر به شما کمک می‌کند که بدانید در کدام موقعیت‌ها از زبان رسمی و در کدام موقعیت‌ها از زبان غیررسمی استفاده کنید؛ سپس اصطلاحاتی اساسی برای شروع مکالمه‌ای مؤدبانه ارائه می‌شود؛ اینکه چطور سلام و خداحافظی کنید و چگونه سؤالاتی عمومی مثل «حال شما چطور است؟» پرسید. در نهایت، در این فصل می‌آموزید که چگونه باید کسی را معرفی کنید.

البته قبل از اینکه بتوانید آلمانی صحبت کنید، باید بدانید که حروف آلمانی را چطور تلفظ کنید. بسیاری از این حروف مانند همای انگلیسی‌شان تلفظ نمی‌شوند. به همین دلیل این فصل را با اطلاعاتی در زمینه‌ی تلفظ کلمات آلمانی شروع می‌کنیم تا حتی اگر نتوانستید آن‌ها را مانند یک فرد بومی ادا کنید، حداقل طوری صحبت کنید که متوجه منظورتان بشوند. برای اطلاعات بیشتر به خواندن ادامه دهید.

دهان بسته: نکات اساسی تلفظ

درست صحبت کردن به زبانی دیگر به این بستگی دارد که چقدر اصول اولیه‌ی تلفظ آن زبان را یاد بگیرید. کلید تلفظ خوب این است که با شناخت صدای تک‌تک حروف الفبا شروع کنید و سپس این کار را به سیلاب‌ها (بخش‌ها)، کلمات و در نهایت به جملات تعمیم دهید. بعد از آن، فقط باید تا می‌توانید تمرین کنید.

«تکیه»ی کلمات در زبان آلمانی

منظور از تکیه در اینجا سیلاب‌های تکیه‌دار در کلمات آلمانی است. سیلاب‌های تکیه‌دار که در مقابل کلمات و داخل پراوتر آمده‌اند، با حروف مایل نوشته شده‌اند.

الفبای آلمانی

الفبای آلمانی همه‌ی حروف الفبای انگلیسی (۲۶ حرف) به‌علاوه‌ی ۴ حرف دیگر **ß, ö و ü** را دارد. خبر خوب اینکه کلمات آلمانی عموماً همان طور که نوشته می‌شوند، تلفظ می‌شوند. این یعنی دچار سردرگمی نخواهید شد. خبر بد اینکه تلفظ بسیاری از حروف آلمانی با هم‌تای انگلیسی آن‌ها متفاوت است.

در جدول ۳-۱ تلفظ هر کدام از حروف الفبا را به‌تنهایی می‌بینید. اینکه بدانید هر حرف را چگونه باید تلفظ کنید، بسیار مهم است؛ مثل وقتی که قصد دارید در رستورانی آلمانی میز رزرو کنید، وقتی باید اسمتان را برای مسئول پذیرش هتل هجی کنید یا وقتی می‌خواهید در یک مسابقه‌ی «هجی کن» با ۵۰۰ هزار یورو جایزه شرکت کنید.

در نمونه‌ی صوتی ۱ می‌توانید صدای تک‌تک حروف الفبای آلمانی را که در جدول ۳-۱ آمده، بشنوید. توجه داشته باشید که تلفظ حروف الفبای آلمانی ممکن است با تلفظ آن‌ها در وسط یک کلمه متفاوت باشد.



گوش دهید

تلفظ حروف الفبای آلمانی

جدول ۳-۱

حرف الفبا	تلفظ	کلمه‌ی آلمانی
a	ah	Ahnen (ahn-en) (احیاد)
b	bey	Bild (bill) (تصویر، عکس)
c	tsey	Café (kâ-fey) (کافه)
d	dey	durstig (doohrs-tih) (تشنه)
e	ey	Ehe (ey-e) (ازدواج)
f	ef	Feuer (foy-er) (آتش)
g	gey	geben (gey-ben) (دادن)
h	hah	Haus (house) (تلفظ مانند انگلیسی)
i	ee	Ihn (een) (او را (مذکر))
j	yot	Januar (yah-n-oo-är) (ژانویه)
k	kah	Kilometer (kü-loh-mey-ter) (کیلومتر)
l	el	Liebe (lee-be) (عشق)

حرف الفبا	تلفظ	کلمه‌ی آلمانی
m	ém	Manager (مدیر) (تلفظ مانند انگلیسی)
n	én	Name (نام) (nash-me)
o	oh	ohne (بدون) (oh-ne)
p	pey	Pause (وقفه) (pou-ze)
q	koch	Quatsch (مزخرف) (kvâch)
r	ér	rot (قرمز) (roht)
s	és	S-Bahn (قطار شهری) (es-bahn)
t	tey	Taxi (تاکسی) (tâx-ee)
u	ooh	U-Boot (زیردریایی) (ooh-boht)
v	fou	Vogel (پرند) (foh-gel)
w	veh	Wald (جنگل) (vâlt)
x	iks	Fax (دورنگار، فاکس) (fâx)
y	uep-si-ton	System (سیستم، سامانه) (zers-eym)
z	tset	Zeit (زمان) (tsayt)
ä	ah-oom-lout	Bäcker (ناب) (bâk-er)
ö	oh-oom-lout	hören (شنیدن) (hem-en)
ü	ooh-oom-lout	Tür (در) (tuer)
ß	es-tsêf	Straße (خیابان) (strah-se)

تلفظ مصوت‌ها

مصوت‌ها در زبان آلمانی (a, e, i, o, u) معمولاً دو نوع هستند: مصوت کوتاه و مصوت بلند. مصوت‌های کوتاه به شکل «بریده‌بریده» و کوتاه‌تر از معادل انگلیسی‌شان تلفظ می‌شوند. مصوت‌های بلند حالتی «یکنواخت» و «ثابت» دارند؛ یعنی کیفیت صدا، با وجود بلند و کشیده بودن، تغییری نمی‌کند. به قوانین کلی زیر توجه کنید:

« زمانی مصوتی بلند به حساب می‌آید که پس از آن حرف *h* آمده باشد، مانند **Stahl** (shtahl) (استیل).

« وقتی یک مصوت تنها پس از صامت آمده باشد، آن مصوت معمولاً بلند خوانده می‌شود، مانند **Tag** (tahk) (روز).

« وقتی مصوتی دو بار تکرار شده باشد، بلند محسوب می‌شود، مانند **Teer** (teyr) (قیر) یا **Aal** (ahl) (مارماهی).

« به‌طور کلی، یک مصوت زمانی کوتاه است که پس از آن دو یا چند صامت آمده باشند، مانند **Tanne** (tān-e) (درخت صنوبر). »

در جدول ۳-۲ چگونگی تلفظ مصوت‌های آلمانی به کمک مثال‌ها و آوانماهایی آمده است. آوانما در اینجا ترکیبی از حروفی است که به‌عنوان معادل انگلیسی تلفظ حروف آلمانی نشان داده شده است.

در آوانماهای این کتاب، «کلاه» کوچکی روی دو حرف مصوت کوتاه قرار گرفته و آن‌ها را به این شکل درآورده است: **ä** و **ö**. توجه داشته باشید که تلفظ آوایی **ö** در جدول ۳-۲ درست مانند تلفظ حرف **ö** در جدول ۳-۳ است. به نمونه‌ی صوتی ۲ گوش کنید تا نحوه‌ی تلفظ مصوت‌های آلمانی را یاد بگیرید.



گوش دهید

جدول ۳-۲ تلفظ حروف مصوت‌های آلمانی

حروف آلمانی	نماد	معادل انگلیسی	کلمه‌ی آلمانی
a (پلند)	ah	father	Bahnhof (bahn-hof) (ایستگاه)
ä (کوتاه)	ä	adore ("a" کوتاه)	Banner (bän-er) (بنر)
e (پلند)	eh	vein	Leben (loh-ben) (زندگی)
ë (کوتاه/تکیه‌دار)	ë	bet ("e" کوتاه)	Bett (bêt) (تخت)
ö (کوتاه/بدون تکیه)	ö	pocket	Lachen (läH-en) (خنده)
i (پلند)	ee	see	ihn (een) (او را)
ü (کوتاه)	i	winter	Mitte (mit-e) (میانه، وسط)
o (پلند)	oh	mope	Lob (lohp) (تحسین)
ö (کوتاه)	o	gonna	Sonne (zon-e) (خورشید)
u (پلند)	ooh	moon	Tube (tooh-be) (تیوب، لوله)
ü (کوتاه)	oo	push ("u" کوتاه)	muss (moos) (باید)

تلفظ حروف ä, ö و ü

زبان آلمانی سه مصوت اضافی دارد: **ä**، **ö** و **ü**. آلمانی‌ها به این دو نقطه‌ی عجیبی که روی حروف قرار می‌گیرد، **Umlaut** (oom-lout) «اوملاوت» می‌گویند. همان طور که در جدول ۳-۳ می‌بینید، اوملاوت‌ها صدای مصوت‌های **a**، **o** و **u** را کمی تغییر می‌دهند. این صداها هیچ معادلی در زبان انگلیسی ندارند، پس به نمونه‌ی صوتی ۳ گوش دهید تا ببینید چطور باید تلفظشان کنید.



گوش دهید

جدول ۳-۲ تلفظ مصوت‌های اوملاوت‌دار آلمانی

کلمه‌ی آلمانی	معادل انگلیسی	نماد	حروف آلمانی
nächste (نبدی)	sey (تلفظ صدای "ay" با لب‌های باز)	ai	ä (بلند)
fällen (قطع کردن / یک درخت)	bet (صدای "e" کوتاه)	e	ä (کوتاه)
schön (زیبا)	har (بدون صدای "r")	er	ö
Tür (در)	lure (صدای "oo" با لب‌های جمع)	ue	ü

برای اینکه مصوت‌های آلمانی ö و ü را صحیح‌تر ادا کنید، هنگام بیان آن‌ها فکر کنید می‌خواهید کسی را ببوسید؛ به عبارت دیگر لب‌هایتان را غنچه کنید؛ صدای ü با لب‌هایی کاملاً غنچه‌شده ادا می‌شود.



راهنمایی

تلفظ مصوت‌های مرکب

مصوت‌های مرکب که در نمونه‌ی صوتی ۴ می‌شنوید، ترکیبی از دو مصوت در یک سیلاب هستند (مانند کلمه‌ی انگلیسی "lie")، تعداد کمی مصوت مرکب در زبان آلمانی وجود دارد که آن‌ها را در جدول ۳-۴ می‌بینید.



گوش دهید

جدول ۳-۴ تلفظ مصوت‌های مرکب آلمانی

کلمه‌ی آلمانی	معادل انگلیسی	نماد	مصوت مرکب آلمانی
Mais (mays) (ذرت) / ein (ayn) (یک) Bayern (bay-ern) (بایرن)	cry	ay	ai/ei/ay
laut (lout) (پرسرو صدا)	loud	ou	au
Restaurant (res-tuh-ran) (رستوران)	restaurant	uh	au (در کلماتی با ریشه‌ی خارجی)
Häuser (hoy-zer) (خانه‌ها) Leute (loy-ley) (مردم)	boy	oy	äu/ou
Miete (meef-ey) (اجاره)	see	ee	ie

هم مصوت بلند و کشیده‌ی ا و هم مصوت مرکب ie مانند حرف انگلیسی e در کلمه‌ی see تلفظ می‌شوند؛ اما مصوت‌های مرکب ai/ei و ay در زبان آلمانی مانند حرف انگلیسی y در کلمه‌ی cry تلفظ می‌شوند.



به خاطر بسپارید

تلفظ حروف صامت

تلفظ صامت‌های آلمانی ساده‌تر از مصوت‌های این زبان است. در واقع، آن‌ها یا مانند همتای انگلیسی‌شان تلفظ می‌شوند یا مثل سایر صامت‌های انگلیسی، البته چند نکته‌ی عجیب و استثنا هم وجود دارد که کمی بعد در موردشان صحبت می‌کنیم.

تلفظ حروف "f", "h", "k", "m", "n", "p", "t", "x" و "ß"

وقتی حروف **f, h, k, m, n, p, t, x** در یک کلمه به کار می‌روند، مانند همتای انگلیسی‌شان تلفظ می‌شوند. حرف **ß** در زبان انگلیسی وجود ندارد، اما ظاهر خیلی باسزمای دارد، نه؟ حتی اگر ظاهر این حرف هم برایتان بی‌اهمیت باشد، باز هم از دانستن این موضوع خوشحال خواهید شد که این حرف مانند **ss** یا **s** تلفظ می‌شود. اینکه یک کلمه‌ی آلمانی با **ss** نوشته شود یا **ß** به چند قاعده بستگی دارد که در ادامه نگاهی به آن‌ها می‌اندازیم:



نکات دستوری

« صدای **s** بعد از یک مصوت بلند یا مرکب به صورت **ß** نوشته می‌شود؛ مثل **Fuß** (فووس) (پا). »

« صدای **s** بعد از یک مصوت کوتاه به صورت **ss** نوشته می‌شود؛ مثل **Fass** (فاس) (شکه). »

نکته: حرف **ß** در سوتیس به کار نمی‌رود. سوتیسی‌ها همیشه از **ss** استفاده می‌کنند. در جدول ۳-۵ به کمک مثال‌ها و آوانماها می‌بینید که چگونه باید بقیه‌ی صامت‌های زبان آلمانی را تلفظ کنید، در نمونه‌ی صوتی ۵ می‌توانید آن‌ها را بشنوید.



گوش دهید

تلفظ برخی از صامت‌های آلمانی

جدول ۳-۵

حروف آلمانی	نماد	معادل انگلیسی	مثال آلمانی
b (نکته‌ی انتهای جدول را ببینید)	p	up	Abfahrt (ap-fahrt) (عزیمت، رفتن)
b	b	bright	Bild (bیل) (تصویر، عکس)
c (ابتدای کلمه)	k	car	Café (ka-fey) (کافه)
c (اغلب کلمات با ریشه‌ی خارجی)	ts	fear	Celsius (tsé-l-zee-ooz) (سلسیوس)
c (اغلب کلمات با ریشه‌ی خارجی)	ch	cello	Cello (ché-l-oh) (ویولنسل)
d (نکته‌ی انتهای جدول را ببینید)	t	mood	blind (blین) (ناهم)
d	d	do	Dunst (doonst) (مه)
g	g	go	geben (gey-ben) (دادن)
g (نکته‌ی انتهای جدول را ببینید)	k	lag	Tag (tahk) (روز)

مثال آلمانی	معادل انگلیسی	نماد	حروف آلمانی
ja (yah) (په)	yes	y	j
Quetsch (kväch) (مزشخرف)	kv (تلفظ یکجا)	kv	qu
sieben (zeß-ben) (هفت)	zoo	z	s (ابتدای کلمه)
Haus (house) (تلفظ مانند انگلیسی)	st	s	s (وسط یا انتهای کلمه)
Vogel (foh-gel) (پرند)	fire	f	v
Vase (vah-ze) (گلشن)	velvet	v	v (کلمات با ریشه‌ی خارجی)
Wald (vält) (جنگل)	vice	v	w
Yoga (yoh-gä) (یوگا)	yes	y	y (اغلب کلمات با ریشه‌ی خارجی)
System (zors-teym) (سیستم)	her (K) بدون صدای	er	y (اغلب در وسط کلمه)
Zahl (tsahl) (عدد)	tsar	ts	z
Straße (shtrah-se) (خیابان)	guess	s	ß

نکته: جدول ۵-۳ نشان می‌دهد که وقتی حروف *d*, *b* و *g* در انتهای یک کلمه یا سیلاب قرار می‌گیرند یا قبل از صامت‌های بی‌صدایی مثل *s* یا *t* می‌آیند، صدایشان عوض می‌شود. صدای "b" به "p"، صدای "d" به "t" و صدای "g" به "k" تبدیل می‌شود.

تلفظ "r" و "l" در زبان آلمانی

تلفظ حروف *r* و *l* در زبان آلمانی با انگلیسی متفاوت است. به‌منظور ادای تلفظ صحیح و «غرغره‌مانند» حرف *r* آلمانی، سعی کنید صدای غرغره‌کردن درآورید و سپس صدای *rahlh* را به آن اضافه کنید تا بتوانید ترکیب حروف *ra* را بیان کنید. همچنین نباید نوک زبان را گرد کرده یا از آن برای بیان *r* آلمانی استفاده کنید. برای بیان صحیح حرف آلمانی *l* نیز جایگاه زبان‌تان نسبت به زمانی که می‌خواهید انگلیسی را تلفظ کنید، فرق دارد. در زبان انگلیسی حرف *l* را با زبان قاشقی‌شکل، به‌نحوی که فرورفتگی‌ای در میانه‌ی زبان ایجاد شود، تلفظ می‌کنند. برای تلفظ حرف *l* آلمانی باید نوک زبان را به کام بچسبانید (همان‌طور که در زبان انگلیسی این کار را انجام می‌دهید)، اما باید زبان را صاف نگه دارید، نه قاشقی‌شکل. حرف *l* آلمانی کوتاه است، نه کشیده. در نمونه‌ی صوتی ۶ می‌توانید نحوه‌ی تلفظ این دو حرف را گوش کنید. به چند کلمه‌ی زیر توجه کنید:

«حرف *l* در کلمه‌ی Bild (بیلد) (عکس، تصویر)

«حرف *r* در کلمه‌ی richtig (ریختیگ) (درست)



گوش دهید

تلفظ صامت‌های ترکیبی

زبان آلمانی چند صامت دارد که یا متفاوت‌اند یا در زبان انگلیسی تلفظ نمی‌شوند. تلفظ اغلب آن‌ها کار ساده‌ای است، به جز **ch** که برای انگلیسی‌زبانان ناآشناست.

تلفظ "ch"، "ck"، "sch"، "sp"، "st" و "tsch"

ترکیب حرف **ch** در زبان آلمانی یکی از دشوارترین تلفظ‌ها برای انگلیسی‌زبان‌هاست. هیچ معادلی برای آن در انگلیسی وجود ندارد (به همین خاطر است که در این کتاب آوانمای **H** را برای آن انتخاب کرده‌ایم). شما هم باید صدای جدیدی را برای تلفظ کردن این ترکیب یاد بگیرید. این صدا کمی شبیه این است که بخواهید "hch" را تلفظ کنید ولی صدای "k" ایجاد نکنید. این صدا به صدای "ch" در زبان اسکاتلندی که واجگاه «حلقی» دارد نیز شبیه است، مانند *Loch Ness*.

خبر خوب این است که **ch** در تعدادی از لغات با صدای *x* تلفظ می‌شود؛ مانند **Wachs** (våks) (وکس) یا **Fuchs** (fooks) (روباه). در تعداد دیگری از کلماتی که معمولاً ریشه‌ی خارجی هم دارند، این ترکیب به صورت "sh" در انگلیسی تلفظ می‌شود؛ مانند **Champignon** (shām-peen-yon) (قارچ) یا **Champagner** (shām-pān-yer) (شامپاین).

در جدول ۳-۶ می‌بینید که چطور باید این ترکیبات صامت رایج را تلفظ کنید. نمونه‌ی صوتی ۷ نیز در این کار به شما کمک می‌کند.



گوش دهید

جدول ۳-۶ تلفظ ch, ck, sch, sp, st و tsch

حروف آلمانی	نماد	معادل انگلیسی	کلمه‌ی آلمانی
ch	H	<i>Loch</i> (Ness)	<i>milch</i> (mīlt) (سرا)
ck	k	<i>check</i>	<i>Dreck</i> (drék) (آلودگی)
sch	sh	<i>shut</i>	<i>Tisch</i> (tīsh) (میز)
sp	shp	<i>Shut</i> مثل <i>sh</i> <i>people</i> مثل <i>p</i>	<i>spät</i> (shpait) (دیر)
st	shst	<i>shut</i> مثل <i>sh</i> <i>table</i> مثل <i>t</i>	<i>Stadt</i> (shīst) (شهر)
st	st	<i>stable</i>	<i>fast</i> (fāst) (تقریباً)
tsch	ch	<i>switch</i>	<i>Deutsch</i> (doych) (آلمانی)



به خاطر بسپارید

صدای "th" انگلیسی در زبان آلمانی وجود ندارد. این ترکیب در آلمانی به دو روش تلفظ می‌شود:

« حرف **h** تلفظ نمی‌شود؛ مانند کلمه‌ی **Theorie** (tey-oh-ree) (نظریه) و **Theologie** (tey-oh-loh-gee) (الهیات).

« حروف **t** و **h** به‌طور جداگانه تلفظ می‌شوند، زیرا در واقع به دو عنصر متفاوت در ساختار یک اسم مرکب مربوطند؛ مانند کلمه‌ی **Gasthaus** (gást-hous) (مهمان‌سرا) که ترکیب دو کلمه‌ی آلمانی **guest** و **house** است یا کلمه‌ی **Basthut** (bást-hooht) (کلاه حصیری) که ترکیبی از کلمات آلمانی **raffia** (نخل رافیا) و **hat** است.

خطاب‌قراردادن افراد به‌صورت رسمی و غیررسمی

معمولاً برای آلمانی‌زبان‌ها زیادی احترام گذاشتن به یکدیگر و به غریبه‌ها بسیار مهم است. خود زبان آلمانی هم به گوینده اجازه می‌دهد بین تو و شما تمایز قائل شود. (در گذشته در زبان انگلیسی هم این روش وجود داشت؛ اما مدت‌ها پیش اشکال **thee** و **thou** منسوخ شدند.) در زبان آلمانی، اگر با یک نفر صحبت می‌کنید، یا باید از **Sie** (شما) رسمی استفاده کنید یا یکی از شکل‌های غیررسمی **du** (dooh) (تو). برای خطاب‌قراردادن دو یا چند نفر هم از **Ihr** (شما) استفاده کنید.

تمایز قائل شدن بین اشکال رسمی و غیررسمی شما بسیار مهم است. چرا؟ چون اگر در موقعیتی رسمی، شخصی را به‌صورت غیررسمی خطاب کنید، ممکن است فردی بی‌ادب و نامحترم قلمداد شود.

به‌طور کلی، برای برقراری ارتباط روزانه با افرادی خارج از دایره‌ی خانواده و دوستان باید از **Sie** رسمی استفاده کنید. حتی در میان افرادی که مرتب با یکدیگر ارتباط دارند، مثل همسایه‌ها و همکاران نیز ضمیر رسمی **Sie** استفاده می‌شود تا نشان‌دهنده‌ی احترام افراد به یکدیگر باشد. وقتی با شخصی بیشتر آشنا می‌شوید، می‌توانید از ضمیر **du** استفاده کنید.

با این حال، قاعده‌ی محکم و سراسری در زمینه‌ی استفاده از **du** یا **Sie** وجود ندارد. در واقع، استثناهای زیادی وجود دارد. برای مثال، فرض کنید یک دوست آلمانی شما را به یک مهمانی می‌برد. اگرچه شما و دیگر مهمانان کاملاً غریبه هستید، اما ممکن است آن‌ها شما را **du** خطاب کنند، به‌خصوص اگر آدم‌های راحتی باشند؛ به همین دلیل شما هم باید آن‌ها را با ضمیر **du** خطاب کنید.



به خاطر بسپارید



راهنمایی

اگر در موقعیتی خاص بودید و ذره‌ای شک داشتید که از **du** استفاده کنید یا **Sie**. تا زمانی که طرف مقابل از شما نخواست یکنواختی را با **du** خطاب کنید یا خودش شما را با ضمیر غیررسمی صدا نزده، ضمیر **Sie** را به کار ببرید.

گفتن «سلام» و «خداحافظ» و احوالپرسی کردن

اولین قسمت احوالپرسی سلام کردن است. اینکه چطور سلام کنید به این بستگی دارد که در چه ساعتی از روز هستید. به فهرست زیر توجه کنید:

Guten Morgen! (gooh-ten mor-gen!) (صبح به‌خیر!)

این اصطلاحی است که باید صبح‌هنگام (تا حوالی ظهر) به کار ببرید.

Guten Tag! (gooh-ten tahk!) (سلام! / روز به‌خیر!)

این رایج‌ترین اصطلاحی است که برای سلام و احوالپرسی به کار می‌رود، اما صبح زود و در پایان روز استفاده نمی‌شود.

Guten Abend! (gooh-ten ah-bent!) (عصر به‌خیر!)

مشخص است که این اصطلاح برای احوالپرسی در عصر استفاده می‌شود.

Hallo! (hā-loh!) (سلام)

احتمالاً خیلی راحت با این کلمه‌ی غیررسمی کنار می‌آیید، چراکه شباهت زیادی به *hello* در زبان انگلیسی دارد.

تو می‌گویی "Grüß Gott"، من می‌گویم "Grüezi"



ظرافت‌های فرهنگی

مطمئناً وقتی جملات **Guten Morgen / Guten Tag / Guten Abend** را به اهالی جنوب آلمان، اتریش و بخش آلمانی‌زبان سوئیس می‌گویید، متوجه منظوراتی می‌شوید. با این حال، اصطلاحات دیگری نیز برای احوالپرسی در این بخش‌ها به کار می‌رود.

در سوئیس اغلب اصطلاح **Grüezi** (grue-e-tee) (سلام) را خواهید شنید. کسانی هم که یکدیگر را به‌خوبی می‌شناسند از **salut** (sā-lve) برای سلام و خداحفظی استفاده می‌کنند.

در جنوب آلمان و اتریش احتمالاً اصطلاح **Grüß Gott** (grues got) یا حالت غیررسمی‌اش یعنی **Grüß dich** را خواهید شنید. دوستان صمیمی با اصطلاح **Servus** (sēr-voohs) هم سلام می‌کنند و هم خداحفظی.

ممکن است اصطلاح **Ciao** (choo) را برای خداحفظی غیررسمی در بین جوانان آلمانی‌زبان بشنوید. این اصطلاح از ایتالیا آمده است.

هنگام خداحافظی می‌توانید بگویید:

Auf Wiedersehen! (ouf vee-der-zey-en!) (خداحافظ!)

این اصطلاح رسمی و استاندارد خداحافظی است.

Gute Nacht! (gooH-te nâHt!) (شب بخیر!)

از این کلمه زمانی استفاده می‌شود که بخواهید شب‌هنگام با کسی خداحافظی کنید.

War nett, Sie kennenzulernen. (vahr nêt, zee kên-en-tsoo-lên-en.)

(از آشنایی با شما خوشوقتم!)

این جمله را به افرادی می‌گویید که برای اولین بار به دیدارشان رفته‌اید.

Tschüs! (chues!) (خداحافظ!)

این کلمه روش غیررسمی خداحافظی کردن است.

احوالپرسی

مرحله‌ی بعد از سلام کردن قطعاً پرسیدن حال طرف مقابل است. اینکه از سؤال رسمی استفاده کنید یا غیررسمی به این بستگی دارد که با چه کسی صحبت می‌کنید. پیچیده به نظر می‌رسد؟ انتخاب گزینه‌ی درست آسان‌تر از آن چیزی است که فکرش را می‌کنید.

خانم، آقا و دوشیزه

Herr (hêr) در زبان آلمانی به معنای **آقا** و **Frau** به معنای خانم است. همین کلمه وقتی به همراه حرف تعریف بیاید، **die Frau** (dee frou) به معنای زن یا زوجه/همسر نیز هست و می‌توان آن را به صورت **meine Frau** (mayn-e frou) (همسر من) استفاده کرد. هیچ معادلی برای **Ms.** انگلیسی در زبان آلمانی وجود ندارد و باید از **Frau** استفاده کنید.^۱

همچنین کلمه‌ی **Fräulein** (froy-leyn) معادل آلمانی **Miss** انگلیسی و روشی درست برای خطاب کردن زنانی است که ازدواج نکرده‌اند. با این حال، الان دیگر چنین چیزی رایج نیست؛ بنابراین همه‌ی خانم‌ها را بدون در نظر گرفتن وضعیت تأهلشان با **Frau** صدا کنید. اما اگر نیاز شد کسی را صدا بزنید (مثلاً وقتی چیزی از جیب کسی افتاده) چه می‌گویید؟ فقط کافی است بگویید: **Entschuldigung!** (Ent-shool-deegong!) (ببخشید!).

همچنین، کلمه‌ی **Fräulein** در زبان‌های دور به معنای پیشخدمت نیز به کار می‌رفته است. برای صدا کردن یک پیشخدمت خانم فقط کافی است از روش‌های امثال‌شده استفاده کنید! ارتباط چشمی برقرار کنید و دستتان را کمی بالا ببرید.

۱. Ms. در زبان انگلیسی وقتی به کار می‌رود که نمی‌دانیم خانم موردنظر ازدواج کرده است یا خیر - م.

در ادامه، سه حالت از جمله‌ی حال شما چطور است؟ آمده که در آن‌ها از ضمیرهایی در وجه مفعول غیرمستقیم (داتیو) و به معنای شما استفاده شده است. **Ihnen** (een-en) معادل داتیو ضمیر **Sie, dir** (deer) معادل داتیو ضمیر **du** و **euch** (oyH) معادل ضمیر **ih** هستند. (برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد ضمائر شخصی در وجه داتیو به فصل ۲ رجوع کنید.) به جملات زیر توجه کنید و ببینید هر کدام را چه زمانی باید استفاده کنید:

Wie geht es Ihnen? (vee geyt ès een-en?) (حال شما چطور است؟)

این حالت رسمی احوالپرسی است.

Wie geht es dir? (vee geyt ès deer?) (حال تو چطور است؟)

این حالت غیررسمی‌ای است که برای ضمیر مفرد «تو» به کار می‌رود.

Wie geht's? (vee geyts?) (چطوری؟)

وقتی شخصی را خیلی خوب می‌شناسید، می‌توانید از این سؤال خودمانی و غیررسمی استفاده کنید.

Wie geht es euch? (vee geyt ès oyH?) (حال شما چطور است؟)

وقتی می‌خواهید به شکلی غیررسمی با عده‌ای احوالپرسی کنید، این جمله را به کار ببرید.

پاسخ دادن به احوالپرسی

جمله‌ی **How are you?** (حالت چطور است؟) در زبان انگلیسی اغلب فقط روشی برای سلام کردن به حساب می‌آید و حتی اگر به آن جواب هم ندهید، کسی تعجب نمی‌کند؛ اما در آلمان معمولاً باید به این سؤال پاسخ دهید. در ادامه، پاسخ‌های مناسبی را می‌بینید که می‌توانید در جواب احوالپرسی بیان کنید.

Danke, gut. (dân-ke, gooht.) (متشکرم، خوب.)
Gut, danke. (gooht, dân-ke.) (خوبم، ممنون.)

Sehr gut. (zeyr gooht.) (خیلی خوب.)

Ganz gut. (gânts gooht.) (واقعاً خوب.)

Es geht. (ès geyt.) (بد نیستم/ می‌گذرد.)

(ترجمه‌ی تحت‌اللفظی این اصطلاح آلمانی آن می‌رود است.)

Nicht so gut. (niHt zoh gooht.) (خیلی خوب نیستم.)

در ادامه می‌توانید درست مثل زبان انگلیسی، در پاسخ، از عبارت

سلام و احوالپرسی کردن



سلام و احوالپرسی و معارفه اغلب با نوعی ارتباط بدنی همراه هستند. دست دادن در آلمان، اتریش و سوئیس رایجترین شکل ارتباط بدنی در حین احوالپرسی و معارفه به حساب می‌آید. خانم‌ها ممکن است یکدیگر را ببوسند یا در اغوش بگیرند. مردها معمولاً این کار را نمی‌کنند، اما ممکن است زنانی را که با آن‌ها ارتباط دوستانه دارند، در اغوش بکشند و ببوسند. احتمالاً متوجه شده‌اید که در اروپا مردم در فروشگاه‌ها، اتوبوس یا مترو یا هنگام صحبت کردن با یکدیگر، بیش از آنچه انتظارش را دارید به هم نزدیک می‌شوند.

And (how are) you? استفاده کنید که روش آسانی است. ابتدا حالت رسمی این عبارت را می‌بینیم:

Und Ihnen? (oont een-en?) (و شما؟ / حال شما چطور؟)

و به این شکل این سؤال را به صورت غیررسمی می‌پرسیم:

Und dir? (oont deer?) (و تو؟ / حال تو چطور؟)

Und euch? (oont oyH?) (و شما؟ / حال شما چطور؟)

(مخاطب جمع غیررسمی)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

در مکالمه‌ی پیش رو عباراتی را می‌بینید که معمولاً در احوالپرسی‌های نسبتاً رسمی به کار می‌روند. (نمونه‌ی صوتی ۸)



Herr Schulte:

Guten Tag, Frau Berger!
gooh-ten tahk, frau bër-ger!

آقای شولته: سلام خانم برگر!

Frau Berger:

Herr Schulte, guten Tag! Wie geht es Ihnen?
hër shooh-te, gooh-ten tahk! vee geyt ès een-en?

خانم برگر: آقای شولته، سلام! حالشان چطور است؟

Herr Schulte:

Danke, gut! Und Ihnen?
dän-ke, gooht! oont een-en?

آقای شولته: ممنون، خوبم! حال شما چطور است؟

Frau Berger:

Danke, gut.
dän-ke, gooht.

خانم برگر: متشکرم، خوبم.

بیا یاد کمی صحبت کنیم

این هم مکالمه‌ی مایک و کریستا، دو دوست قدیمی که در خیابان یکدیگر را دیده‌اند. (نمونه‌ی صوتی ۹)



گوش دهید

Mike: **Hallo Christa!**
[تلفظ مانند انگلیسی] *hā-loh christa*
مایک: سلام کریستا!

Christa: **Mike, hallo! Wie geht's?**
mike [تلفظ مانند انگلیسی] *hā-loh vee geys?*
کریستا: مایک، سلام! حالت چطوره؟

Mike: **Danke, mir geht's gut! Und selbst?**
dān-ke, meer geys gooht! oont zēlpst?
مایک: مرسی، خوبم! تو چطوری؟

Christa: **Auch gut.**
ouH gooht.
کریستا: منم خوبم.

معرفی کردن خود و دوستان تان

ملاقات کردن و احوالپرسی اغلب نیازمند معارفه نیز هست. شاید دوستان تان از شما بخواهند یا کسی ملاقات کنید که آن‌ها می‌شناسند یا شاید بخواهید به‌شکلی رسمی نامزدتان را به همکاران تان معرفی کنید. مباحث پیش رو نکات لازم را به شما گوشزد می‌کند.

معرفی کردن دوستان

معارفه‌های رایج و روزمره به‌سادگی انجام می‌شود. با عبارت زیر شروع می‌کنید:

Das ist ... (*dās ist ...*) (این ... هست)

بعد از آن فقط نام شخص موردنظر را می‌آورید. یا وقتی می‌خواهید دوستی را معرفی کنید با عبارت زیر شروع کنید و سپس نام دوستان را بگویید.

Das ist meine Freundin (مؤنث) / **mein Freund** (مذکر) (*dās ist mayn-e froyn-din/mayn froynt ...*) (این دوست من ... است.)

اگر به شخصی معرفی شده باشید، احتمالاً می‌خواهید به او بگویید که از دیدنش خوشوقتید. روش غیررسمی بیان این جمله در زبان آلمانی این است که فقط بگویید **Hallo** (hà-loh) (سلام) یا **Guten Tag** (goooh-ten tahk) (سلام/روز به‌خیر).

اگر معارفه‌ی رسمی‌تری داشته‌اید، از دیدن شما خوشوقتم را این‌طور بیان کنید:

Freut mich. (froyt miH) (از دیدن شما خوشوقتم.)

از طرف مقابل چنین پاسخی خواهید شنید:

Mich auch. (miH ouH) (من هم همین‌طور.)

معارفه‌هایی در شرایط خاص

زمانی که در موقعیتی بسیار رسمی و جدی قرار گرفته‌اید می‌توانید از جملات زیر استفاده کنید:

» **Darf ich Ihnen ... vorstellen?** (dàrf iH een-en ... fohr-shtèl-len?)

(اجازه دارم شما را به ... معرفی کنم؟)

» **Freut mich, Sie kennenzulernen.** (froyt miH, zee kê-n-en-tsoo-

lêrn-en.) (از ملاقات شما خوشوقتم.)

» **Meinerseits.** (mayn-er-zayts.) / **Ganz meinerseits.** (gànts mayn-

er-zayts.) (باعث افتخار من است.)

بیایید کمی صحبت کنیم

این مکالمه‌ی مدیران دو شرکت، آقایان کرامر و هوبر است. آن‌ها یکدیگر را در موقعیتی رسمی ملاقات می‌کنند و آقای هوبر در حال معرفی کردن همسرش است.

Herr Kramer: **Guten Abend, Herr Huber.**

goooh-ten ah-bent, hêr hoooh-ber.

آقای کرامر: عصر به‌خیر آقای هوبر.

Herr Huber: **Guten Abend, Herr Kramer. Darf ich Ihnen meine Frau vorstellen?**

goooh-ten ah-bent, hêr krah-mer: dàrf iH een-en mayn-e frou fohr-shtèl-len?

آقای هوبر: عصر به‌خیر آقای کرامر. اجازه می‌دهید همسرم را به شما معرفی کنم؟

Herr Kramer: **Guten Abend, Frau Huber. Freut mich sehr, Sie kennenzulernen.**

gooh-ten ah-bent, frou hooch-ber. froyt miH zeyr, zee kën-en-tsoo-lërn-en.

آقای کرامر: عصر به خیر خانم هوبر. از ملاقاتتان بسیار خوشوقتم.

Frau Huber: **Ganz meinerseits, Herr Kramer.**

gānts mayn-er-zayts, hër krah-mer.

خانم هوبر: باعث افتخار من است آقای کرامر.

واژگان

auch	ouH	همچنین
gut	gooht	خوب
sehr	zeyr	بسیار
freuen	froy-en	خوشوقت شدن / خوشحال شدن
kennenlernen	kën-en-lërn-en	شناختن / آشناسدن
vorstellen	föhr-shtél-len	معرفی کردن
der Freund	der froynt	دوست (مذکر)
die Freundin	dee fröyn-din	دوست (مؤنث)

معرفی کردن خودتان

نمی‌توانید همیشه به دیگران متکی باشید و منتظر بمانید تا معرفی‌تان کنند. در چنین شرایطی باید خودتان را معرفی کنید که کار آسانی است. اغلب حتی در موقعیت‌های رسمی می‌توانید خود را فقط با بیان اسمتان معرفی کنید:

Mein Name ist... (mayn nah-me ist...) (اسم من ... است.)

یا از فعل **heißen** (hay-sen) (نام‌داشتن) استفاده کنید که همین مفهوم را بیان می‌کند:

Ich heiße... (iH hay-se...) (اسم من ... است.)

بیایید کمی صحبت کنیم

در مکالمه‌ی زیر آقای هاووز وارد جلسه‌ای می‌شود که هنوز به خیلی از افراد حاضر معرفی نشده است. او به دنبال یک صندلی در پشت میز کنفرانس می‌گردد.

Herr Hauser: **Guten Tag. Ist dieser Platz noch frei?**
gooH-ten tahk. ist dee-zer plâts noH fray?
آقای هاووز: سلام. این صندلی هنوز خالی است؟

Frau Berger: **Ja. Nehmen Sie doch bitte Platz.**
yah, ney-men zee doH bi-te plâts.
خانم برگر: بله، بفرمایید بنشینید.

Herr Hauser: **Vielen Dank. Mein Name ist Max Hauser.**
fee-len dânk, mayn nah-me ist mâx houz-er.
آقای هاووز: خیلی متشکرم. من ماکس هاووز هستم.

Frau Berger: **Freut mich. Ich heiÙe Karin Berger.**
froyt miH. iH hay-se kah-rin bër-ger.
خانم برگر: از دیدن‌تان خوشوقتیم. من کارین برگر هستم.

اگر مکالمه‌ی قبلی بین دو جوان و در موقعیتی غیررسمی مثل یک مهمانی روی دهد، بسیار متفاوت خواهد بود. آن‌ها احتمالاً یکدیگر را این‌طور معرفی می‌کنند:

Martin: **Hallo, wie heiÙst du?**
hâ-loh, vee hayst dooh?
مارتین: سلام، اسمت چیه؟

Susanne: **Ich heiÙe Susanne. Und du?**
iH hay-se zooh-zân-e. oont dooh?
سوزان: من سوزانم، تو چی؟

Martin: **Ich bin der Martin. Und wer ist das?**
iH bin dêr mâr-tin. oont vër ist dâs?
مارتین: من مارتین هستم، اون کیه؟

Susanne: **Das ist meine Freundin Anne.**
dâs ist mayn-e froyn-din ân-e.
سوزان: دوستمه «آن».

بیایید کمی صحبت کنیم

در دو مکالمه‌ی بعدی، مسافران در حال خداحافظی در قطاری هستند که به ایستگاه رسیده است. خانم اگلی آماده می‌شود تا از قطار پیاده شود. (نمونه‌ی صوتی ۱۰)



گوش دهید

Frau Egli:

Das ist meine Station. War nett, Sie kennenzulernen, Frau Myers.

dās ist mōyn-e shtāts-ee-ohn. vahr nēt,
zee kēn-en-tsoo-lērn-en, frou myers
[تلفظ مانند انگلیسی].

خانم اگلی: من باید در این ایستگاه پیاده شوم.
از دیدن تان خوشحال شدم خانم مایرز.

Frau Myers:

Ganz meinerseits. Auf Wiedersehen, Frau Egli.

gānts mōyn-er-zayts. ouf vee-der-zey-en,
frou eyg-lee.

خانم مایرز: من هم خیلی خوشوقتم. خدا نگهدار
خانم اگلی.

Frau Egli:

Auf Wiedersehen.
ouf vee-der-zey-en

خانم اگلی: خدا نگهدار.

میشل و کلر هم دارند از قطار پیاده می‌شوند.

Michelle und Claire:

Tschüs Mark.

chues mark [تلفظ مانند انگلیسی].

میشل و کلر: خدا حافظ مارک.

Mark:

Tschüs Claire, tschüs Michelle. Schöne Ferien!

chues Claire [تلفظ مانند انگلیسی], chues
michelle [تلفظ مانند انگلیسی]. shern-e fē-
ree-en!

مارک: خدا حافظ کلر، خدا حافظ میشل
تعطیلات خوش بگذرد!



چند کلمه از سه مکالمه‌ی زیر حذف شده است. آیا می‌توانید آن‌ها را در جای درستی قرار دهید؟

۱. این گفت‌وگویی بین خانم لمپرت و هوبر است.

Ihnen gut geht freut ist auch

Herr Huber: Guten Tag, Frau Lempert. Wie _____ es Ihnen?

Frau Lempert: Danke, gut. Und _____?

Herr Huber: Danke, auch _____. Frau Lempert, das _____ meine Frau.

Frau Lempert: Guten Tag, Frau Huber! _____ mich sehr; Sie kennenzulernen.

Frau Huber: Mich _____.

۲. در این مکالمه مایک و کریستا یکدیگر را در خیابان می‌بینند.

mir auch selbst geht's hallo

Mike: Hallo Christa!

Christa: Mike, _____! Wie _____?

Mike: Danke, _____ geht's gut! Und _____?

Christa: _____ gut.

۳. سوزان و مارتین در حال معرفی کردن خود در یک مهمانی هستند.

du heiße meine wer bin heißt

Martin: Hallo, wie _____ du?

Susanne: Ich _____ Susanne. Und _____?

Martin: Ich _____ der Martin. Und _____ ist das?

Susanne: Das ist _____ Freundin Anne.

« یادگیری اعداد و شمارش

« بیان زمان و روزهای هفته

« استفاده از تقویم و بیان ماه‌ها

« درک درست واحدهای اندازه‌گیری

فصل ۴

اعداد، زمان و واحدهای اندازه‌گیری

قیمت آن مردس چقدر است؟ چه ساعتی فروشگاه را می‌بندید؟ چه زمانی به اوگسبورگ نقل مکان کردید؟ اگر بخواهم برای چهار نفر فوندو درست کنم، چه مقدار پنیر لازم دارم؟ اگر بتوانید چنین سؤالاتی را به زبان آلمانی پرسید، نیمی از مسیر برقراری ارتباطی مؤثر را پیمودهاید. اما فهمیدن جواب‌هایی که می‌گیرید، شما را بیروز میدان می‌کند. در این فصل با استفاده از اعداد، تاریخ، زمان و واحدهای اندازه‌گیری، سرعت یادگیری زبان آلمانی را بالا می‌برید.

یادگیری اعداد

به احتمال زیاد در موقعیت‌های مختلفی با اعداد آلمانی روبه‌رو خواهید شد؛ مثل وقتی که با قیمت‌ها، شماره‌ی خیابان‌ها، زمان پرواز، نرخ ارز و غیره سروکار دارید. یادگیری اعداد پیش رو باعث ساده‌سازی شمارش هرچیزی می‌شود (به‌منظور یادگیری موضوعات مرتبط با پول، از جمله تبدیل واحد پول یا دسترسی به وجه نقد به فصل ۱۴ رجوع کنید):

» • null (nool)

» ۱ eins (ayns)

» ۲ zwei (tsvay)

» ۳ drei (dray)

» ۴ vier (feer)

» ۵ fünf (fuenf)

» ۶ sechs (zëks)

» ۷ sieben (zee-ben)

- » 八 acht (âHt)
- » 九 neun (noyn)
- » 十 zehn (tseyn)
- » 十一 elf (êlf)
- » 十二 zwölf (tsverif)
- » 十三 dreizehn (dray-tseyn)
- » 十四 vierzehn (feer-tseyn)
- » 十五 fünfzehn (fuenf-tseyn)
- » 十六 sechzehn (zéH-tseyn)
- » 十七 siebzehn (zeep-tseyn)
- » 十八 achtzehn (âHt-tseyn)
- » 十九 neunzehn (noyn-tseyn)
- » 二十 zwanzig (tsvân-tsiH)
- » 二十一 einundzwanzig (ayn-oont-tsvân-tsiH)
- » 二十二 zweiundzwanzig (tsvay-oont-tsvân-tsiH)
- » 二十三 dreiundzwanzig (dray-oont-tsvân-tsiH)
- » 二十四 vierundzwanzig (feer-oont-tsvân-tsiH)
- » 二十五 fünfundzwanzig (fuenf-oont-tsvân-tsiH)
- » 三十 dreißig (dray-siH)
- » 四十 vierzig (feer-tsiH)
- » 五十 fünfzig (fuenf-tsiH)
- » 六十 sechzig (zéH-tsiH)
- » 七十 siebzig (zeep-tsiH)
- » 八十 achtzig (âHt-tsiH)
- » 九十 neunzig (noyn-tsiH)
- » 一百 hundert (hoon-dert)
- » 二百 zweihundert (tsvay-hoon-dert)
- » 三百 dreihundert (dray-hoon-dert)
- » 四百 vierhundert (feer-hoon-dert)

» ۵۰۰ *fünfhundert* (*fuenf-hoon-dert*)

» ۱۰۰۰ *tausend* (*tou-zent*)

توجه داشته باشید که اعداد ۲۱ تا ۲۵ فهرست پیش گفته معکوس به نظر می‌رسد. برای مثال، عدد ۲۱ یعنی **einundzwanzig** (*ayn-oont-tsvân-tsiH*) را در نظر بگیرید. در واقع در زبان آلمانی باید بگویید «یک و بیست». به خاطر داشته باشید که برای همه‌ی اعداد دو رقمی، به‌جز مضرب‌های ده، مثل ۳۰، ۴۰، ۵۰، ... بر اساس همین الگو عمل کنید.

زمانی که می‌خواهید چیزی را در یک جمله توصیف کنید، املائی عدد **eins** (*ayns*) (یک) تغییر می‌کند. دلیلش آن است که **eins** در این شرایط به‌عنوان صفت عمل می‌کند و صفات در زبان آلمانی تغییرات املائی متنوعی در یک جمله دارند. (برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد صفات به فصل ۲ رجوع کنید) به این مثال نگاهی بیندازید:

Er hat einen großen Hund. (*ër hât ayn-en grohs-en hoont.*)

(او یک سگ بزرگ دارد.)



تکات دستوری

بیان زمان

تصور کنید در یک روز گرم و آفتابی زیر یک درخت در پارکی نشسته‌اید و به این فکر می‌کنید که ساعت چند است. ناگهان خرگوشی سفید با کتی چهارخانه از گوشه‌ای بیرون می‌پرد، می‌ایستد، ساعت جیبی‌اش را در می‌آورد و چیزهایی درمورد اینکه دیرش شده، زیر لب زمزمه می‌کند. توصیه می‌کنم از او ساعت نپرسید، بهتر است ادامه‌ی این مطلب را بخوانید تا بتوانید به سبک آلمانی ساعت را پرسید یا جواب دهید.

آلمانی‌زبان‌ها دو سیستم برای بیان زمان دارند: سیستم اول از اعداد ۱ تا ۱۲ ساعتی استاندارد و سیستم دوم از حالت ۲۴ ساعته بهره می‌گیرد. سیستم ۱۲ ساعته در مکالمات روزمره به کار می‌رود و سیستم ۲۴ ساعته زمانی استفاده می‌شود که بحث جلوگیری از هرگونه ابهامی مطرح باشد. آلمانی‌ها از روش *p.m./a.m.* استفاده نمی‌کنند.



تفاوت‌های فرهنگی

سؤال کردن در مورد زمان

بیشتر مردم حداقل یک وسیله همراه خود دارند که زمان را به آن‌ها بگوید. با این حال، شما باید دو جمله‌ی مشابه زیر را بلد باشید. با این جملات می‌توانید هروقت وسایلتان خراب شد یا به‌دنبال روشی مطمئن برای شروع مکالمه بودید، ساعت را پرسید:

Wie viel Uhr ist es? (vee feel oohr ist ês?) (ساعت چند است؟)

Wie spät ist es? (vee shpait ist ês?) (ساعت چند است؟)

وقتی زمان را از کسی می‌پرسید، مثل همیشه می‌توانید با افزودن عبارت **Entschuldigen Sie, bitte** (ènt-shool-di-gen zee, bi-te) (ببخشید، لطفاً) به ابتدای سؤال خود، درخواست را مؤدبانه‌تر بیان کنید.



راهنمایی

بیان زمان بر اساس سیستم ۱۲ ساعته

بسیاری از آلمانی‌زبان‌ها در گفت‌وگوهای روزمره‌ی خود از سیستم ۱۲ ساعته استفاده می‌کنند. شما با این سیستم آشنایی دارید، چراکه فقط کافی است از اعداد ۱ تا ۱۲ یک ساعت استاندارد استفاده کنید. با این حال، در زبان آلمانی از a.m. و p.m. استفاده نمی‌شود. به همین دلیل آلمانی‌ها زمانی که مثلاً می‌خواهند درمورد برنامه‌هایشان صحبت کنند، برای جلوگیری از به‌وجود آمدن ابهام، سیستم ۲۴ ساعته را به کار می‌برند. (برای اطلاعات بیشتر درمورد سیستم ۲۴ ساعته به بحث بعدی رجوع کنید)

ساعت رفت

وقتی عقریه‌ی بزرگ روی ۱۲ قرار می‌گیرد، گفتن ساعت خیلی ساده می‌شود. فقط کافی است بگویید

Es ist ... Uhr. (ês ist ... oohr.) (ساعت ... است.)

البته باید عدد ساعت موردنظر را قبل از کلمه‌ی **Uhr** بگذارید.

قبل و بعد در بیان ساعت

گفتن ساعت‌هایی مثل سه و ربع، ده دقیقه به هشت یا یازده و نیم کمی پیچیده‌تر است؛ با این حال، فقط کافی است سه اصطلاح کلیدی را بلد باشید.

برای بیان «ربع ساعت» به زبان آلمانی باید کلمه‌ی **Viertel** (feer-tel) (ربع) را به‌همراه کلمه‌ی **nach** (nâH) (گذشته/از) یا **vor** (fohr) (مانده به) به کار ببرید و سپس ساعت موردنظر را بیان کنید. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

Es ist Viertel nach ... (ês ist feer-tel nâH ...) (یک ربع از ... گذشته)

Es ist Viertel vor ... (ês ist feer-tel fohr ...) (یک ربع مانده به ...)

بیان «نیم ساعت» خیلی هم ساده نیست. در زبان آلمانی کلمه‌ی **halb** (hâlp) (نیم) به ساعتی اطلاق می‌شود که هنوز سر نرسیده است، نه ساعتی که گزشت. باید جمله‌ی **Es ist halb ...** (ês ist hâlp ...) (نیم ساعت از ... گزشته) را به‌همراه

ساعت مناسب به کار ببرید. برای مثال، وقتی ساعت ۴:۳۰ است، باید چنین جمله‌ای به کار ببرید:

Es ist halb fünf. (ès ist hâlp fuenf.) (نیم ساعت مانده به ۵:۰۰)

چند دقیقه قبل و بعد

وقتی می‌خواهید زمان را با جزئیاتی مانند چند دقیقه قبل یا بعد بیان کنید، باید از کلمات **nach** (nâh) (بعد) و **vor** (fohr) (قبل) به شکل زیر استفاده کنید:

Es ist fünf Minuten vor zwölf. (ès ist fuenf mi-nooh-ten fohr tsverf.)
(پنج دقیقه مانده به دوازده)

Es ist zwanzig Minuten nach sechs. (ès ist tsvân-tsih mi-nooh-ten nâh zêks.)
(ساعت شش و بیست دقیقه است)

گزینه‌ی دیگر این است که کلمه‌ی **Minuten** را از جملات قبل حذف کنید. برای مثال، می‌توانید بگویید **Es ist fünf vor zwölf** یا **Es ist fünf Minuten vor zwölf**. هر دو جمله معنایی یکسان دارند: ساعت پنج دقیقه [به دوازده] است.



به خاطر بسپارید

استفاده از سیستم ۲۴ ساعته

همان طور که کلمات **a.m.** «قبل از ظهر» و **p.m.** «بعد از ظهر» از ایجاد ابهام جلوگیری می‌کند، سیستم ۲۴ ساعته نیز همین طور است. دلیل مهم آن است که کسب‌وکارهای مختلف مانند بانک‌ها، فروشگاه‌ها، شرکت‌های هواپیمایی، تئاترها، موزه‌ها و سینماها از این سیستم استفاده می‌کنند.

نخودی عملکرد این سیستم به این شکل است: بعد از اینکه به ساعت ۱۲ رسیدید، باید به شمردن ساعات ادامه دهید (۱۳، ۱۴، ۱۵ و به همین ترتیب پیش بروید) تا به ساعت ۲۴ یا **Mitternacht** (mît-er-nâht) (نیمه‌شب) برسید که به آن **null Uhr** (nool ooohr) (ساعت صفر) هم می‌گویند.

در این سیستم بیان ساعت نباید از اصطلاحات «نیم ساعت گذشته از ...» یا «یک ربع مانده به ...» استفاده کنید. همه‌چیز در قالب تعداد دقایق سپری‌شده از ساعت بیان می‌شود. در مثال‌های پیش رو به این موضوع توجه داشته باشید که چگونه ساعت در ابتدا آمده و سپس دقایق بیان شده است:

Es ist 15 Uhr dreißig. (ès ist fuenf-tseyn ooohr dray-sih.)

(ساعت پانزده و سی دقیقه یا ۳:۳۰ بعد از ظهر است.)

Es ist 21 Uhr fünfzehn. (ès ist ayn-oont-tsvân-tsiH oohr fuenft-tseyH.)

(ساعت بیست و یک و پانزده دقیقه یا ۹:۱۵ بعدازظهر است.)

Es ist 22 Uhr vierundvierzig. (ès ist tsvay-oont-tsvân-tsiH-foohr feer-oont-

feer-tsiH.) (ساعت بیست و دو و چهل و چهار دقیقه یا ۱۰:۴۴ بعدازظهر است.)

Es ist null Uhr siebenundreißig. (ès ist nool oohr zee-ben-oont-dray-

siH.) (ساعت دوازده و سی و هفت دقیقه یا ۱۲:۳۷ بامداد است.)

ساعات روز

زمانی که می‌خواهید بخشی از روز مانند صبح یا بعدازظهر را توصیف کنید، چند گزینه پیش روی خود دارید. این بازه‌های زمانی را خیلی جدی نگیرید؛ آن‌ها فقط برای راهنمایی شما بیان شده‌اند. به هر حال افراد شب‌بیدار یا ورزشکاران سحرخیز تعریف متفاوتی از ساعات آغاز و پایان روز دارند.

» **der Morgen** (dêr mor-gen) (صبح؛ از چهار صبح تا سر ظهر)

» **der Vormittag** (dêr fohr-mi-tahk) (صبح؛ از نه صبح تا سر ظهر)

» **der Mittag** (dêr mi-tahk) (سر ظهر؛ از ساعت دوازده تا دو)

» **der Nachmittag** (dêr nâH-mi-tahk) (بعدازظهر؛ از ساعت دو تا شش)

» **der Abend** (dêr ah-bent) (عصر؛ از ساعت شش بعدازظهر تا دوازده بامداد)

» **die Nacht** (dee nâHt) (شب؛ از ساعت دوازده بامداد تا چهار صبح)

روزهای هفته

وقتی به یک تقویم آلمانی نگاه کنید، متوجه می‌شوید که هفته **die Woche** (dee woh-e) از روز دوشنبه آغاز می‌شود. علاوه بر این، تمام روزهای هفته جنسیت یکسانی دارند و مذکر (dêr) هستند، اما معمولاً بدون حرف تعریف به کار می‌روند. برای مثال، اگر می‌خواهید بگویید امروز دوشنبه است، می‌گویید **Heute ist Montag** (hoy-te ist mohn-tahk).

روزهای اصلی

در فهرست زیر روزهای هفته و مخفف‌هایی را می‌بینید که معمولاً در زمان‌بندی و برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود:

» **Montag** (mohn-tahk) (Mo) (دوشنبه)

» **Dienstag** (deens-tahk) (Di) (سه‌شنبه)

- » **Mittwoch** (mit-voH) (Mi) (چهارشنبه)
- » **Donnerstag** (don-ers-tahk) (Do) (پنجشنبه)
- » **Freitag** (fray-tâk) (Fr) (جمعه)
- » **Samstag/Sonnabend** (zâms-tahk/zon-ah-bënt) (Sa) (شنبه)
- » **Sonntag** (zon-tahk) (So) (یکشنبه)

شنبه را در شمال آلمان **Sonnabend** می‌گویند. اهالی جنوب آلمان، اتریش و بخش آلمانی‌زبان سوئیس از واژه‌ی **Samstag** استفاده می‌کنند.

برای اینکه بگویید چیزی همیشه در روز بخصوصی در هفته رخ می‌دهد، باید به آن روز یک حرف **s** اضافه کنید و دیگر آن روز را با حرف بزرگ ننویسید؛ مثلاً ممکن است روز دوشنبه به یک موزه یا رستوران بروید و متوجه شوید تعطیل است. به احتمال زیاد عبارت **montags geschlossen** (mohn-tahks ge-shlos-en) (دوشنبه‌ها تعطیل است) را روی در ورودی آنجا خواهید دید.

و اما صحبت در مورد روزها ...

فرض کنیم امروز سه‌شنبه است و می‌خواهید مطمئن شوید که آیا فردا با شخصی ملاقات خواهید کرد یا نه. هم می‌توانید بپرسید که آیا «چهارشنبه» با یکدیگر ملاقات می‌کنیم و هم می‌توانید از کلمه‌ی «فردا» استفاده کنید. فهرست لغات زیر کمکتان می‌کند به روزهایی مشخص اشاره کنید:

- » **heute** (hoy-te) (امروز)
- » **gestern** (gës-tern) (دیروز)
- » **vorgestern** (fohr-gës-tern) (پریروز)
- » **morgen** (mor-gen) (فردا)
- » **übermorgen** (ue-ber-mor-gen) (پس‌فردا)

برای اینکه دقیقاً درباره‌ی زمانی مشخص در روزی مشخص صحبت کنید، می‌توانید کلمات قبل را با ساعت‌ها و زمان‌هایی در روز که در میحث «ساعات روز» در این فصل به آن‌ها اشاره کردیم، تلفیق کنید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

heute Morgen (hoy-te mor-gen) (امروز صبح)

heute Vormittag (hoy-te fohr-mi-tahk) (امروز قبل‌ازظهر)

gestern Abend (gës-tern ah-bent) (دیشب/دیروز عصر)

واژه‌ای با دو معنا



تکات دستوری

کلمه‌ی **morgen** (mor-gen) دو حالت متفاوت دارد. اگر با حرف **m** کوچک نوشته شود، به معنای فردا خواهد بود. اما اسم **der Morgen**، که با حرف **M** بزرگ نوشته می‌شود، به معنای صبح است. به لحاظ نحوی، شاید **morgen Morgen** به معنای فردا صبح باشد؛ اما آلمانی‌ها این‌طور نمی‌گویند. به جای آن از عبارت **morgen früh** (mor-gen frue) استفاده می‌کنند.

اما **Morgen, morgen** هم به کار می‌رود و در ابتدای این ضرب‌المثل آلمانی می‌آید.

Morgen, morgen, nur nicht heute, sagen alle faulen Leute. (mor-gen, mor-gen, nur nit-ht hoy-te, iza-gen ale fau-len loy-te.)

معنای تحت‌اللفظی‌اش چیزی شبیه این است: همه‌ی آدم‌های تنبل می‌گویند: فردا، فردا، فقط امروز نه. در واقع این ضرب‌المثل معادل ضرب‌المثل فارسی «کار امروز را به فردا نینداز» است.

نام‌گذاری ماه‌ها

اسامی ماه‌های سال را در فهرست زیر می‌بینید که شباهت زیادی به همتایان انگلیسی‌شان دارند! همه‌ی ماه‌های سال مذکورند؛ یعنی حرف تعریف **der** برایشان به کار می‌رود:

- » **Januar** (ya-noo-ahr) (ژانویه)
- » **Februar** (fey-broo-ahr) (فوریه)
- » **März** (mërts) (مارس)
- » **April** (ah-prii) (آوریل)
- » **Mai** (may) (مه)
- » **Juni** (yoooh-nee) (ژوئن)
- » **Juli** (yoooh-lee) (ژوئیه)
- » **August** (ou-goost) (اوت)
- » **September** (zêp-tém-ber) (سپتامبر)
- » **Oktober** (ok-toh-ber) (اکتبر)
- » **November** (no-vém-ber) (نوامبر)
- » **Dezember** (dey-tsém-ber) (دسامبر)

در جملات زیر می‌بینید که **der Kalender** (der kâ-lén-der) (تقویم) در زبان آلمانی چگونه ساخته می‌شود:

Ein Jahr hat 12 Monate. (ayn yahr hât tsverif moh-nâ-te.)

(یک سال دوازده ماه دارد.)

Ein Monat hat 30 oder 31 Tage. (ayn moh-nât hât dray-siH oh-der ayn-oont-dray-siH tah-ge.) (یک ماه ۳۰ یا ۳۱ روز دارد.)

Der Februar hat 28 oder 29 Tage. (dêr fey-broo-ahr hât âHt-oont-tsvân-tsiH oh-der noyn-oont-tsvân-tsiH tah-ge.) (فوریه ۲۸ یا ۲۹ روز دارد.)

Eine Woche hat 7 Tage. (ayn-e voH-e hât zee-ben tah-ge.)

(یک هفته هفت روز دارد.)

اندازه‌گیری، مقدار و وزن

تنها در کشورهای آلمانی‌زبان، بلکه در بیشتر کشورها در سراسر جهان از سیستم اندازه‌گیری استاندارد استفاده می‌شود. واحدهای اندازه‌گیری مختلف در موقعیت‌های روزمره به کار می‌رود: بنابراین آشنایی با معادل‌های مختلف واحدهای اندازه‌گیری طول، وزن و ظرفیت، قطعاً ارزش وقتی را که می‌گذارید دارد. برای مثال، باید شیر را با واحد **Liter** (lee-ter) (لیتر) خریداری کنید، محدودیت سرعت با **Kilometer** (ki-lo-mey-ter) (کیلومتر) در ساعت بیان می‌شود (یک کیلومتر = ۰/۶ مایل) و سیب‌زمینی را باید با واحد **Kilo(gramm)** (kee-loh-[gram]) (کیلو/گرم) خریداری کنید. نکته: آلمانی‌زبان‌ها هر هزار گرم را با یک **Kilo** یا **Kilogramm** بیان می‌کنند و هیچ کدام از این کلمات در حالت جمع S نمی‌گیرند.

وقتی می‌خواهید چیزی را از بازار بخرید، به جملی زیر احتیاج پیدا می‌کنید. در واقع اگر بخواهید غذایی را در رستوران سفارش دهید (فصل ۸) بازهم از همین جمله استفاده می‌کنید:

Ich hätte gern ... (iH hêt-e gêrn ... -) (من ... می‌خواهم.)

فقط کافی است در پایان این جمله بگویید چه مقدار می‌خواهید. می‌توانید از مقادیر وزنی و اندازه‌گیری زیر استفاده کنید. توجه داشته باشید که شکل جمع بیشتر این واحدهای اندازه‌گیری درست مانند شکل مفرد آن‌هاست:

ein/zwei Kilo (ayn/tsvay kee-loh) (یک/دو کیلوگرم)

(یک کیلوگرم = ۲/۲ پوند)

ein/zwei Pfund (ayn pfoont/tsvay pfoont) (یک پوند/دو پوند)

(هر پوند آمریکا ۴۵۴ گرم است.) (هر پوند = ۵۰۰ گرم)

ein/einhundert Gramm (ayn/ayn-hoon-dêrt grām) (یک گرم/صد گرم)

ein/zwei Stück (ayn/tsvay shtuek) (یک تکه/دو تکه)

eine Scheibe/zwei Scheiben (ayn-e shay-be/tsvay shay-ben)

(یک برش/دو برش)

برای اینکه دقیقاً مشخص کنید چه چیزی می‌خواهید، کافی است کلمه‌ی موردنظر را به پایان جمله بیفزایید؛ مثلاً، اگر یک کیلو سیب می‌خواهید، بگویید:

Ich hätte gern ein Kilo Äpfel. (iH hêt-e gêrn ayn kee-loh êp-fel.)

(یک کیلو سیب می‌خواهم.)

بیایید کمی صحبت کنیم

خانم باوئر همهی محصولاتش را از بازار محلی می‌خرد. او امروز سیب و گوجه‌فرنگی لازم دارد. خانم باوئر نگاهی به غرفه‌های مختلف می‌اندازد و به سراغ غرفه‌ای می‌رود که قبلاً از آنجا خریده کرده و با خانم فروشنده صحبت می‌کند. (نمونه‌ی صوتی ۱۱)



گوشه‌ی صدا

Verkäuferin: **Guten Tag. Was darf es sein?**
gooh-ten tahk. vâs dêrf ês zayn?

خانم فروشنده: سلام، چه چیزی می‌خواستید؟

Frau Bauer: **Zwei Kilo Äpfel und ein Pfund Tomaten, bitte.**
tsvay kee-loh êp-fel oont ayn pfoont toh-mah-ten, bi-te.

خانم باوئر: دو کیلو سیب و یک پوند (نیم کیلو) گوجه‌فرنگی لطفاً.

Verkäuferin: **Sonst noch etwas?**
zonst noH êt-vâs?

خانم فروشنده: چیز دیگری هم می‌خواستید؟

Frau Bauer: **Danke, das ist alles.**
dân-ke, dâs ist âl-ês.

خانم باوئر: ممنون، همین.

سپس خانم باوئر به طرف غرفه‌ی فروش محصولات لبنی می‌رود.

Frau Bauer: **Ich hätte gern etwas von dem Gouda.**
ih hêt-e gêrn êt-vâs fon deym gou-dâ.
خانم باوئر: کمی (پنیر) گودا می‌خواستم.

Verkäuferin: **Wie viel hätten Sie denn gern?**
vee-feel hêt-en zee den gêrn?
خانم فروشنده: چقدر می‌خواهید؟

Frau Bauer: **Zweihundert Gramm, bitte.**
tsvay-hoon-dert grâm, bi-te.
خانم باوئر: دویست گرم لطفاً.

Verkäuferin: **Sonst noch etwas?**
zont noH êt-vâs?
خانم فروشنده: چیز دیگری هم می‌خواهید؟

Frau Bauer: **Nein, danke. Das wâr's.**
nayn, dâ-n-ke. dâs vêrs.
خانم باوئر: نه ممنون. همین.

واژگان

das Kilo	dâs kee-loh	کیلوگرم
das Pfund	dâs pfoont	پوند
das Gramm	dâs grâm	گرم
wie viel	vee feel	چه مقدار
wie viele	vee fee-le	چه تعداد
Das wâr's.	dâs vêrs	همین
Was darf es sein?	vâs dârf ês zayn?	چه چیزی می‌خواهید؟
Sonst noch etwas?	zont noH êt-vâs?	چیز دیگری هم می‌خواهید؟



الویس هیلر می‌خواهد تقویم الکترونیکی‌اش را به‌روزرسانی کند. این فناوری هفته‌ی گذشته باعث ناامیدی او شد؛ بنابراین می‌خواهد برای اطمینان، برنامه‌های این هفته‌اش را یادداشت کند. هر روز، ساعت و قرار ملاقات را به‌صورت کلمه‌به‌کلمه می‌نویسد. فعالیت‌های مختلف در تقویم شماره‌گذاری شده‌اند و اولین فعالیت هفته نیز در روز دوشنبه انجام می‌شود.

10 Mo (1) Herr Hegele (2) Meeting 10.30-11.30	14 FR (6) 20.00
11 Di (3) 9.45	15 Sa 12.00 (7) HAUS DER KUNST (8) 19.30 FAUST
12 Mi (4) 14.21 Dortmund	16 So (9) 18.00 MIT ANDREA!
13 Do (5) 7.40 Innsbruck	Nächste Woche Urlaub!

1. Montag, acht Uhr, anrufen Herr Hegele

2. _____
3. _____
4. _____
5. _____
6. _____
7. _____
8. _____
9. _____

فصل ۵

صحبت کردن درباره‌ی خانه و خانواده

صحبت کردن درباره‌ی خانواده و جایی که در آن زندگی می‌کنید، روشی عالی برای برقراری ارتباط با اشخاص جدید است. در این فصل می‌خواهیم اتاق‌به‌اتاق خانه را بررسی و اطلاعات مفیدی در زمینه‌ی سبک زندگی آلمانی ارائه کنیم. همچنین نام اعضای خانواده و چگونگی صحبت کردن در مورد آن‌ها را خواهید آموخت.

زندگی در آپارتمان یا خانه‌ی ویلایی

تعداد بسیار زیادی از آلمانی‌ها در آپارتمان زندگی می‌کنند که با آن را اجاره کرده‌اند یا مالکشان هستند. مالکیت یک منزل مسکونی نیز ارزش زیادی برای آلمانی‌ها دارد. زمین و مصالح ساختمانی بسیار گران است، به همین دلیل خانه‌ها کوچک‌اند و در مصرف انرژی صرفه‌جویی می‌شود.

توصیف زندگی در چهاردیواری خانه

در ادامه تعدادی از کلمات اساسی برای توصیف اتاق‌های خانه و همچنین جزئیات بیشتری درباره‌ی خانه را می‌آموزید:

» das Bad/das Badezimmer (dās baht/dās bah-de-tsi-mer) (حمام)

» der Balkon (dêr bâl-kon) (بالکن)

» die Eigentumswohnung (dee ay-gên-tooms-vohn-ong)

(مجمع مسکونی)

» das Einfamilienhaus (dās ayn-fâ-mi-lee-en-hous) (خانه‌ی ییلاقی)

- » **das Esszimmer** (dàs éss-tsi-mer) (اتاق ناهارخوری)
- » **der Garten** (dêr gâr-ten) (حیاط/باغ)
- » **der Keller** (dêr kêt-er) (زیرزمین)
- » **die Küche** (dee kueht-e) (آشپزخانه)
- » **die Mietwohnung** (dee meet-vohn-cong) (آپارتمان اجاره‌ای)
- » **das Reihenhaus** (dàs ray-ên-hous) (خانه‌ی کوچک شهری)
- » **das Schlafzimmer** (dàs shlahf-tsi-mer) (اتاق خواب)
- » **die Wohnung** (dee vohn-cong) (آپارتمان)
- » **das Wohnzimmer** (dàs vohn-tsi-mer) (اتاق نشیمن)
- » **das Zimmer** (dàs tsi-mer) (اتاق)

پرسیدن سؤالات مناسب

هیچ چیز شرم‌آورتر از این نیست که در خانه‌ی کسی مهمان باشید و چون مطمئن نیستید چگونه باید سؤالاتی ساده پرسید (یا به آن‌ها جواب دهید)، مرتکب اشتباهاتی بزرگ شوید.

حمام و سرویس بهداشتی

اگر احتمالاً به دنبال **die Toilette** (dee toy-lét-e) (سرویس بهداشتی) باشید ولی به اشتباه از میزبان سرراغ **Badezimmer** (bad-e-tsi-mer) (حمام) را بگیرید، در شرایط ناخوشایندی قرار خواهید گرفت. قضیه از چه قرار است؟ ابتدا باید بدانید که آلمانی‌ها هیچ مشکلی با استفاده از کلمه‌ی توالت ندارند!

علاوه بر این، کلمه‌ی «حمام» در خانه‌های آلمانی با آنچه احتمالاً آمریکایی‌ها به آن عادت کرده‌اند، فرق دارد. حمام در آلمان به معنای اتاقی است که می‌توانید آنجا دوش بگیرید یا حمام کنید، اما لزوماً توالت ندارد. احتمالاً توالت در فضای دیگری قرار گرفته که در فرهنگ لغات بنگاه‌داران به «تیم‌حمام» معروف است. شما، به عنوان مهمان، احتمالاً نمی‌خواهید به **Badezimmer** بروید و دوش بگیرید. پس برای جلوگیری از سردرگمی باید چنین سؤالی پرسید:

Darf ich ihre Toilette benutzen? (dàrf ih eer-e toy-lét-e be-noots-en?)

(اجازه دارم از سرویس بهداشتی استفاده کنم؟)

سر میز غذا

رفتار مناسب سر میز غذا در کشورهای آلمانی زبان شامل چند جمله‌ی مؤدبانه در شروع غذا خوردن و چند عادت پسندیده هنگام خوردن غذاست. قبل از شروع غذا خوردن مرسوم است که از جمله‌ی **Guten Appetit** (گووتن آپیت) نوش جان یا حالت غیررسمی‌تر آن **Mahlzeit** (مال‌تسایت) (نوش جان) استفاده می‌کنند. همچنین ممکن است **Mahlzeit** را در احوالپرسی‌های همکاران در محل کار و موقع ناهار بشنوید. افرادی که دور میز نشستند، قبل از نوشیدن اولین جرعه از نوشیدنی‌شان، آن را بالا برده و عبارت **zum Wohl** (تووم وول) (به سلامتی) را به کار می‌برند. کلمه‌ی **Prost** (پروست) (به سلامتی) نیز گزینه‌ی دیگری است که معمولاً فقط در هنگام نوشیدن استفاده می‌شود.



ظرف‌های
فرهنگی

بر اساس آداب میز در کشورهای آلمانی زبان، گذاشتن هر دو دست روی میز اشکالی ندارد؛ اما نباید آرنج‌ها را روی میز قرار داد. در واقع عجیب به نظر می‌رسد که شخصی یک دستش را روی ران پایش بگذارد (زیر میز هیچ خبری نیست) به این ترتیب، در حالی باید با چنگال غذا بخورید که چاقو را کماکان در دست دیگرتان گرفتارید.



راهنمایی

اگر مایلید هنگام تدارک غذا کمکی بکنید، حتماً چنین کاری را انجام دهید. بسته به شرایط، هم می‌توانید از «تو» (غیررسمی) و هم از «شما» (رسمی) استفاده کنید؛ ابتدا جمله‌ی رسمی را ببینید:

Kann ich Ihnen helfen? (kân ih een-en hêlf-en?) (می‌توانم کمک‌تان کنم؟)

حالت غیررسمی این جمله:

Kann ich dir helfen? (kân ih deer hêlf-en?) (می‌توانم کمکت کنم؟)

ممکن است در شرایط دیگری چیزی برای خوردن یا نوشیدن به شما تعارف شود. به سؤال و جواب‌های احتمالی نگاهی بیندازید:

Darf/Kann ich Ihnen... anbieten? (dârf/kân ih een-en... ân-beet-en?)

(اجازه دارم به شما ... تعارف کنم؟)

Ja, bitte. Ich möchte (yah, bi-te, ih merH-te....) (بله لطفاً. ... می‌خواهم.)

Danke, nein. (dân-ke, nayn.) (نه، ممنون.)



حریم خصوصی در کشورهای آلمانی‌زبان اهمیت زیادی دارد، به همین دلیل مردم معمولاً در اتاق‌ها را در محل کار و خانه می‌بندند. بستن درها، علاوه بر حفظ حریم شخصی، فواید دیگری از جمله کاهش میزان صدا و جلوگیری از هدر رفتن انرژی هم دارد. آلمانی‌ها همچنین طرفدار پروپاقرص هوای آزاد هستند و حتی در زمستان هم دوست دارند با پنجره‌های باز و در اتاق خواب بسته بخواهند. اگر تعجب کرده‌اید و از خود می‌پرسید که آن‌ها چگونه بدن‌شان را در اتاق خوابی سرد گرم نگه می‌دارند، باید بدانید که راز گرم‌ماندن آن‌ها **Federbett** (Rohr-der-Bett) (روختنی‌ای از جنس پیر) است که وقتی حتی بادی سرد از پنجره به داخل می‌وزد با برف می‌بارد، حسلی گرم نگه‌شان می‌دارد.

صحبت کردن درباره‌ی خانواده

گفت‌وگو درباره‌ی خانواده، **die Familie** (dee fâ-mee-lee-e) روشی عالی برای شناخت طرف مقابل است. حتی برخی افراد از نشان دادن عکس اعضای خانواده‌شان به دیگران لذت می‌برند. با این حال، در آلمان به‌اندازه‌ی آمریکا رایج نیست که مدتی طولانی از بچه‌هایشان صحبت کنند. شاید تنها به این دلیل که آلمانی‌ها ارزش زیادی برای حریم خصوصی‌شان قائل‌اند. به هر حال شاید آنچه باعث می‌شود هنگام دیدن عکس‌های بی‌شمار یک نوزاد خوابتان نبرد، نرخ تولد بسیار پایین در آلمان باشد.

می‌توانید نام تمام اعضای خانواده را در فهرست زیر ببینید. حتی اگر فرزند یا خویشاوند سببی ندارید، بهتر است این اسامی را یاد بگیرید تا بتوانید از آن‌ها برای صحبت کردن درباره‌ی اعضای خانواده‌ی فرد دیگری استفاده کنید (شکل ۱-۵ را ببینید):

- » **der Bruder** (dêr brooh-der) (برادر)
- » **der Cousin** (dêr koooh-zen) (پسرعمو، پسرخاله، پسردایی، پسرعمه)
- » **die Cousine** (dee koooh-zeen-e) (دخترعمو، دخترخاله، دختردایی، دخترعمه)
- » **die Eltern** (dee el-tern) (والدین)
- » **die Frau** (dee frau) (همسر، زن)
- » **die Geschwister** (dee ge-shvis-ter) (خواهر و برادر)
- » **die Großeltern** (dee grahs-el-tern) (پدربزرگ و مادربزرگ)

- » die Großmutter (dee grohs-moot-er) (مادربزرگ)
- » der Großvater (dêr grohs-fah-ter) (پدربزرگ)
- » der Junge (dêr yoong-e) (پسر)
- » die Kinder (dee kin-der) (بچه‌ها، فرزندان)
- » das Mädchen (dâs maid-Hên) (دختر)
- » der Mann (dêr mân) (مرد، شوهر)
- » die Mutter (dee moot-er) (مادر)
- » der Onkel (dêr on-kel) (عمو، دایی، شوهرعمه، شوهرخاله)
- » die Schwester (dee shvês-ter) (خواهر)
- » der Sohn (dêr zohn) (پسر)
- » die Tante (dee tân-te) (عمه، خاله، زن دایی، زن عمو)
- » die Tochter (dee toH-ter) (دختر)
- » der Vater (dêr fah-ter) (پدر)



شکل ۱-۵:
سببهای فامیلی

درمورد خویشاوندان سببی از کلمات زیر استفاده کنید:

- » der Schwager (dér shvah-ger) (برادر همسر)
- » die Schwägerin (dee shvai-ger-in) (خواهر همسر)
- » die Schwiegereltern (dee shvee-ger-él-tern) (والدین همسر)
- » die Schwiegermutter (dee shvee-ger-mool-er) (مادر همسر)
- » der Schwiegersohn (dér shvee-ger-zohn) (داماد)
- » die Schwiegertochter (dee shvee-ger-toh-ter) (عروس)
- » der Schwiegervater (dér shvee-ger-fah-ter) (پدر همسر)

برای بیان اصطلاح «خوانده» (از پدر و مادر غیرمشترک) باید پیشوند **Stief-** را به همراه نام خویشاوند مربوط استفاده کنید؛ مثلاً **Stiefbruder** (برادرخوانده). اگر می‌خواهید اصطلاح «ناتنی» (پدر یا مادر مشترک) را به کار ببرید، باید از پیشوند **Halb-** استفاده کنید و کلمه‌ای مانند **Halbschwester** (half-shvës-ter) (خواهر ناتنی) را بسازید.

اگر می‌خواهید بگویید که فلان عضو خانواده را دارید، جمله‌ی زیر را به کار ببرید:

Ich habe einen/eine/ein ... (ih hah-be ayn-en/ayn-e/ayn...)

(من یک ... دارم)

شکل درست حروف تعریف نامعین **einen** (مذکر)، **eine** (مؤنث) و **ein** (خنثی) **(ayn-en/ayn-e/ayn)** هم به جنسیت بستگی دارد و هم به وجه. در جمله‌ی قبلی از وجه آکوزاتیو (مفعول مستقیم) استفاده شده است. حروف تعریف نامعین مؤنث و خنثی شکل یکسانی در وجه نومیاتیو (فاعلی) و آکوزاتیو (مفعول مستقیم) دارند و املایشان تغییری نمی‌کند؛ اما حرف تعریف نامعین مذکر در وجه آکوزاتیو شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. به قاعده‌ی آن نگاهی می‌اندازیم:

«اسامی مذکور: برای اسم‌هایی مانند **der Garten**, **der Bruder**, **der Mann** (با لکن) از شکل **einen** (der gâr-ten) (باغ) و **der Balkon** (dér bâl-kon) استفاده می‌شود.

«اسامی مؤنث: اسم‌هایی مانند **die Wohnung**, **die Tochter**, **die Frau** (دِه کوه-ه) (اتاق‌خانه) با **die Küche** (dee vohn-oong) (آبارتمان) و حرف تعریف **eine** می‌آید.

«اسامی خنثی: اسم‌هایی مانند **das Haus**, **das Mädchen** (dâs house)



نکات دستوری

[تلفظ مانند انگلیسی]] (خانه) **das Wohnzimmer** (dās vohn-tsi-mer) (اتاق نشیمن) با حرف تعریف **ein** می‌آید.

اگر بخواهید بگویید که خواهر یا برادر، سگ، خانه یا هر چیز دیگری ندارید، چه کار می‌کنید؟

در زبان آلمانی باید یک حرف **k** به حروف تعریف نامعین در وجه آکوزاتیو یعنی **einen/eine/ein** بیفزایید و آن‌ها را به **keinen/keine/kein** (**kayn-en/kayn-e/kayn**) (هیچ، نه) تبدیل کنید. به شکل‌های آکوزاتیو منفی در جملات زیر نگاهی بیندازید:

«**اسامی مذکر:** برای اسم‌های مذکر مانند **der Schwiegervater** از **keinen** استفاده می‌شود:

Ich habe keinen Schwiegervater. (ih hah-be kayn-en shvee-ger-fah-ter.) (من پدرشوهر/پدرزن ندارم.)

«**اسامی مؤنث:** برای اسم‌های مؤنث مانند **die Familie** از **keine** استفاده می‌شود:

Ich habe keine große Familie. (ih hah-be kayn-e groh-se fā-mi-lee-e.) (من خانواده‌ی بزرگی ندارم.)

«**اسامی خنثی:** برای اسم‌های خنثی مثل **das Haus** از **kein** استفاده می‌شود:

Ich habe kein Haus. (ih hah-be kayn house.) (من خانه ندارم.)

«**اسامی جمع:** برای اسم‌هایی که در حالت جمع آمده‌اند یا همیشه به‌صورت اسم جمع به کار می‌روند مانند **die Geschwister** از **keine** استفاده کنید:

Ich habe keine Geschwister. (ih hah-be kayn-e ge-shvis-ter.) (من هیچ خواهر و برادری ندارم.)

بیایید کمی صحبت کنیم

آقای هانسر و خانم شنایدر یکدیگر را در همایشی در فرانکفورت ملاقات کرده‌اند و هنگام استراحت و نوشیدن قهوه، درباره‌ی خانواده‌هایشان با هم صحبت می‌کنند. (نمونه‌ی صوتی ۱۲)



نوشه‌ی صوتی

Herr Hanser: **Wohnen Sie in Frankfurt?**
vohn-en zee in frānk-foort?

آقای هانسر: در فرانکفورت زندگی می‌کنید؟

Frau Schneider: **Nicht direkt. Mein Mann und ich haben ein Reihenhause in Mühlheim. Und Sie?**

nîHt dee-rêkt. mayn mahn oont iH hah-ben
ayn ray-ên-hous in muel-haym. oont zee?

خانم شنايدر: نه دقيقتاً. من و همسر من خانه‌ی
کوچکی در مولهایم داریم. شما چگونه؟

Herr Hanser: **Wir haben eine Wohnung in der Innenstadt, aber unser Sohn wohnt in München. Haben Sie Kinder?**

veer hah-ben ayn-e vohn-oong in dêr in-en-
shtât, ah-ber oon-zer zohn wohnt in muen-
Hen. hah-ben zee kin-der?

آقای هانسر: ما آپارتمانی در مرکز شهر داریم، اما
پسرمان در مونیخ زندگی می‌کند. شما فرزند دارید؟

Frau Schneider: **Ja, zwei Kinder. Mein Sohn Andreas arbeitet bei Siemens, und meine Tochter Claudia wohnt mit ihrem Mann in Italien.**

yah, tsvey kin-der. mayn zohn ân-drey-âs âr-
bay-tet bay zee-mens, oont mayn-e toH-ter
klou-dee-â wohnt mit eer-em mân in i-tah-
lee-en.

خانم شنايدر: بله، دو فرزند. پسر من آندریاس در
شرکت زیمنس کار می‌کند و دختر من کلودیا با
همسرش در ایتالیا زندگی می‌کنند.

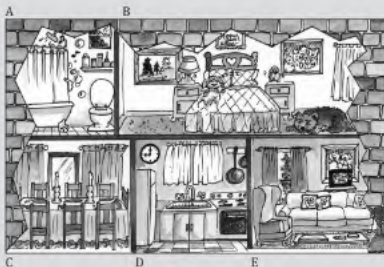
Herr Hanser: **Ach, meine Frau kommt aus Italien, aber ihre Eltern und ihre vier Geschwister wohnen alle in Deutschland.**

âH, mayn-e frou komt ous i-tah-lee-en, ah-
ber eer-e êl-tern oont eer-e feer ge-shvis-ter
vohn-en âl-e in doyeh-lânt.

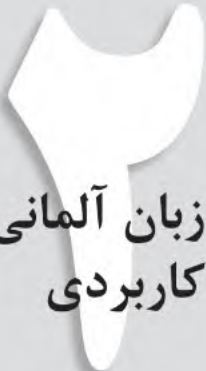
آقای هانسر: او! همسر من هم اهل ایتالیاست، اما
پدر، مادر و چهار خواهر و برادرش همگی در آلمان
هستند.



نام اتاق‌هایی که در تصویر مشخص شده‌اند، بنویسید.



- A. _____
- B. _____
- C. _____
- D. _____
- E. _____



زبان آلمانی به صورت کاربردی

در این بخش...

در این بخش زبان آلمانی را در قالب زندگی روزمره ارائه می‌کنیم. به شما نشان می‌دهیم چطور باید درباره‌ی مسائلی مثل آب‌وهوا، محل زندگی یا کسب‌وکار گفت‌وگو کنید. یاد می‌گیرید چطور باید از اوقات فراغتتان صحبت کنید. همچنین، نحوه‌ی سفارش دادن غذا در رستوران، خرید کردن، برقراری ارتباط تلفنی و موارد بیشتری را نیز می‌آموزید. علاوه بر این، نکات دستوری مهم بسیاری را نیز فرا می‌گیرید. (خوب به نظر (das klinkt gooit, oh-der?) **Das klingt gut, oder?**

می‌رسد این‌طور نیست؟)

« پاسخ دادن به سؤالاتی درباره‌ی خودتان

« تبادل اطلاعات درباره‌ی محل زندگی خود

« صحبت کردن درباره‌ی آب‌وهوا

فصل ۶

معرفی خودتان با گفت‌وگویی کوتاه

اگر واقعاً دوست دارید با کسی آشنا شوید، باید سر صحبت را با او باز کنید. گفت‌وگوهای کوتاه روشی آسان برای آشنایی با افراد جدید و پیشرفت زبان آلمانی‌تان است. گفت‌وگو با دیگران خود یک مهارت اجتماعی به حساب می‌آید؛ اما خوشبختانه شروع یک مکالمه‌ی دوستانه و کوتاه کار خیلی سختی نیست. چه شخصی را در یک مهمانی ببینید و چه بخواهید با کسی که در قطار، هواپیما یا اتوبوس کنارتان نشسته حرف بزنید، می‌توانید درباره‌ی موضوعات مختلفی صحبت کنید که معمولاً برای شروع به کار می‌روند: درباره‌ی خودتان، شغل‌تان، محل زندگی‌تان و البته آب‌وهوا. در این فصل به شما کمک می‌کنیم یاد بگیرید چگونه درباره‌ی این مسائل با دیگران صحبت کنید.

صحبت کردن درباره‌ی خودتان

وقتی با دوستی جدید درباره‌ی خودتان صحبت می‌کنید، باید به سؤالات مهم زیادی پاسخ دهید: چه شغلی دارید؟ کجا کار می‌کنید؟ آیا کسب‌وکار شخصی خود را دارید؟ آیا دانشجوی هستید؟ کجا زندگی می‌کنید؟ و کمی بعد حتی ممکن است آدرس محل زندگی یا شماره تلفن‌تان را نیز بپرسند. به دلیل اینکه اغلب با این موضوعات سروکار خواهید داشت، باید از قبل خود را آماده کنید. در مباحث بعدی اطلاعات موردنیاز را در اختیاران قرار می‌دهیم.

توصیف شغل

وقتی با کسی شروع به صحبت می‌کنید، ممکن است او درباره‌ی شغلان از شما سؤال کند. برای مثال، ممکن است یکی از سؤالات زیر را بشنوید:

Bei welcher Firma arbeiten Sie? (bay vēH-er fir-mâ ar-bay-ten zee?) (در چه شرکتی کار می‌کنید؟)

Was machen Sie beruflich? (vâs mâH-en zee be-roohf-liH?)

(شغلان چیست؟)

Sind Sie berufstätig? (zint zee be-roohfs-tê-tiH?)

(آیا مشغول به کار هستید؟)

چند کلمه و اصطلاح ساده در توصیف شغلان و شرکتی که در آن کار می‌کنید، به شما کمک می‌کند. بیشتر اوقات می‌توانید به کمک جمله‌ی **Ich bin ...** (ih bin ...) (من ... هستم) شغلان را معرفی کنید. فقط کافی است سمت شغلی‌تان را بدون حرف تعریف در جای خالی قرار دهید. بیشتر شغل‌ها هم در حالت مذکر و هم مؤنث وجود دارند. شکل مذکر معمولاً به **-er** و شکل مؤنث به **-in** ختم می‌شود. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Ich bin Handelsvertreter (مذکر) / **Handelsvertreterin** (مؤنث). (ih bin hân-dels-fêr-trey-ter / hân-dels-fêr-trey-ter-in.) (من نماینده‌ی فروش هستم.)

Ich bin Student (مذکر) / **Studentin** (مؤنث). (ih bin shtoo-dênt / shtoo-dênt-lin.) (من دانشجو هستم.)

شاید دانشجو باشید و بخواهید بگویید چه رشته‌ای می‌خوانید. می‌توانید این موضوع را با عبارت **... Ich studiere** (ih shtoo-dee-re ...) (من ... می‌خوانم.) بیان کنید. در پایان آن جمله باید نام رشته‌ی تحصیلی‌تان را (بدون هیچ‌گونه حرف تعریفی) اضافه کنید، برخی از رشته‌های تحصیلی عبارت‌اند از:

- » **Architektur** (âr-Hil-têk-tooHr) (معماری)
- » **Betriebswirtschaft** (be-treeps-virt-shâft) (مدیریت کسب‌وکار)
- » **Softwaretechnik** (soft-wair-têH-nik) (مهندسی نرم‌افزار)
- » **Kunst** (koonst) (هنر)
- » **Literaturwissenschaft** (li-te-rah-tooHr-vis-en-shâft) (ادبیات)
- » **Biochemie** (bee-oh-Hey-mee) (بیوشیمی)

همچنین می‌توانید با عبارت **Ich bin ... (ih bin ...)** (من ... هستم) مفهوم‌های دیگری را نیز بیان کنید. فقط کافی است صفت موردنظر را در جای خالی قرار دهید. مثلاً می‌توانید از جملات زیر استفاده کنید:

Ich bin berufstätig / nicht berufstätig. (ih bin be-roohfs-tê-tiH / niHt be-roohfs-tê-tiH.) (من شاغل هستم/شاغل نیستم.)

Ich bin pensioniert. (ih bin pâ-n-zee-o-neert.) (من بازنشسته‌ام.)

Ich bin öfteres geschäftlich unterwegs. (ih bin erf-ter-es ge-shêft-liH oonter-veyks.) (من اغلب اوقات به سفرهای کاری می‌روم.)

Ich bin selbständig. (ih bin zelpst-shtênd-iH.)

(من کسب‌وکار شخصی خودم را دارم.)

اسم شرکتان، محل کار یا بخشی که در آن کار می‌کنید نیز ممکن است به‌اندازه‌ی کاری که انجام می‌دهید، اهمیت داشته باشد. با عبارت **Ich arbeite bei ... / in ... (ih âr-bay-te bay ... / in ...)** (من نزد شرکت .../در ... کار می‌کنم) به طرف مقابل خود می‌گویید که در چه شرکتی یا در چه مکانی مشغول به کار هستید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Ich arbeite bei der Firma ... (ih âr-bay-te bay dêr fir-mâ ...)

(من در شرکت ... کار می‌کنم.)

فقط کافی است بعد از کلمه‌ی **Firma** نام شرکتی را بیان کنید که در آن مشغول به کار هستید.

Ich arbeite in einem Krankenhaus. (ih âr-bay-te in ayn-em kränk-en-hous.) (من در بیمارستان کار می‌کنم.)

Ich arbeite in der Gentechnik / in der Umweltforschung.

(ih âr-bay-te in dêr geyn-teH-nik / in dêr oom-velt-fahrsh-oong.)

(من در بخش مهندسی ژنتیک/پژوهش‌های زیست‌محیطی کار می‌کنم.)

Ich arbeite in einem Architekturbüro / in einem Forschungslabor.

(ih âr-bay-te in ayn-em âr-Hi-têk-tooHr-bue-roh / in ayn-em forsh-oongs-lah-bor.) (من در یک دفتر معماری/آزمایشگاه تحقیقاتی کار می‌کنم.)

ارائه‌ی اسم و شماره تلفن

اگر می‌خواهید ارتباط اجتماعی و کاری‌تان را با کسی حفظ کنید، باید به او بگویید که کجا زندگی می‌کنید و چطور می‌توان با شما تماس گرفت. در مباحث بعدی هرآنچه



راهنمایی

برای ارائه‌ی اطلاعات شخصی به دیگران لازم دارید، خواهید یافت.

یک کارت ویزیت به‌اندازه‌ی هزار کلمه ارزش دارد، به‌ویژه اگر زبان آلمانی‌تان خیلی خوب نباشد. به این ترتیب وقتی کسی از شما اطلاعات شخصی‌تان را بخواهد و شما کارت ویزیت خود را همراه داشته باشید، آن را به‌آسانی و با گفتن این جمله تقدیم می‌کنید: **Hier ist meine Visitenkarte.** (heer-ist-mayn-evi-zeef-en-kâr-te.) (این کارت ویزیت من است.) مبحث «نگاهی به ضمایر ملکی» اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی استفاده از **mein** (mayn) و سایر ضمایر ملکی در اختیارتان می‌گذارد.

گفتن محل زندگی‌تان به دیگران

زمانی که شخصی از شما می‌پرسد **Wo wohnen Sie?** (voh vohn-en zee?) (کجا زندگی می‌کنید؟) می‌توانید با یکی از جملات زیر پاسخ او را بدهید:

Ich wohne in Berlin / in einem Vorort von Berlin.

(ih vohn-e in bër-leen / in ayn-em vohr-ort von bër-leen.)

(من در برلین/حومه‌ی برلین زندگی می‌کنم.)

فقط کافی است نام شهر خود را در جمله‌ی بالا بگنجانید.

Ich wohne in einer Kleinstadt / auf dem Land. (ih vohn-e in ayn-er klayn-shtât / ouf deym lânt.) (من در شهری کوچک/در روستا زندگی می‌کنم.)

Ich habe ein Haus / eine Wohnung. (ih hah-be ayn hous / ayn-e vohn-oong.) (من یک خانه‌ی ویلایی/آپارتمان دارم.)

ممکن است در شرایطی قرار بگیرید که کسی از شما این سؤال را بپرسد: **Wie ist Ihre Adresse?** (vee ist eer-e â-drës-e?) (آدرس‌تان کجاست؟) اگر

گفتن شماره‌تلفن



تلفن‌های
فرهنگی

آلمانی‌ها اغلب شماره‌تلفن‌شان را به‌صورت گروه‌های عددی بیان می‌کنند. مثلاً اگر شماره‌تلفن شما 23 86 50 باشد، آن‌ها این‌طور بیان می‌کنند: **dreißig und achtzig fünfzig** (dray-cont-tsvân-tsih zeks-cont-âht-tsih fuerf-tsih) اگر اعداد یکی‌یکی خوانده شود، احتمالاً عدد ۲ یعنی **zwei** (tsvai) به‌شکل **zwo** (tsvoh) بیان می‌شود که در آن صورت شماره‌تلفن شما به‌شکل **zwo drei acht sechs fünf null** (tsvoh dray âht zeks fuerf nool) بیان می‌شود. اعدادی که به‌صورت گروه‌های سه‌تایی هستند، مثل کدهای تلفن منطقه‌ای معمولاً به‌صورت تکی بیان می‌شوند. برای مثال، کد شهر مونیخ ۰۸۹ است که آن را به‌شکل **null acht neun** (nool âht noyn) خواهید شنید. (برای کسب اطلاعات بیشتر در زمینه‌ی اعداد آلمانی به فصل ۴ رجوع کنید.)

بخواهید آدرس محل زندگی‌تان را به‌شکلی دقیق بیان کنید باید کلمات زیر را بدانید:

» die Adresse (dee â-drès-e) (آدرس)

» die Straße (dee shtrah-se) (خیابان)

» die Hausnummer (dee hous-noom-er) (پلاک خانه)

» die Postleitzahl (dee post-layt-tsahl) (کدپستی)

وقتی آدرس خود را به فردی می‌گویید، کلمه‌ی مناسب را در چنین جمله‌ای

قرار دهید: **Die Adresse / Straße / Hausnummer / Postleitzahl ist ...**

(... ist) (dee â-drès-e / shtrah-se / hous-noom-er / post-layt-tsahl ist ...)

(آدرس/ خیابان/ پلاک خانه/ کدپستی ... است.)

ارائه‌ی شماره‌تلفن و آدرس ایمیل

اگر دوست جدیدتان از شما شماره‌تلفن یا آدرس ایمیل خواست، نگران نباشید.

به‌سادگی می‌توانید اطلاعات شخصی خود را در اختیار او بگذارید. از جملات زیر

استفاده کنید:

Die Telefonnummer / die Handynummer / die Vorwahl / die

Nebenstelle ist ... (dee tê-le-fohn-noom-er / dee hân-dee-noom-er

/ dee fohr-vahl / dee ney-ben-shtêl-e ist ...)

(شماره‌تلفن/ شماره‌ی موبایل/ کد شهری/ داخلی ... است.)

Meine E-mail Adresse ist ... @... dot com / net. (mayn-e e-mail

[تلفظ مانند انگلیسی] a-drès-e ist ... at ... dot com / net [تلفظ مانند انگلیسی])

(آدرس ایمیل من ... @ ... دات کام/ نت است.)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

کورت هانسر با هواپما از مونیخ به فرانکفورت می‌رود. در صندلی کناری

او تاجری به‌نام خانم شنایدر نشسته است. آن‌ها بعد از معرفی خود به

یکدیگر درباره‌ی شغلشان صحبت می‌کنند. (نمونه‌ی صوتی ۱۳)



کس، ممد

Herr Hanser:

Was machen Sie beruflich, wenn ich fragen darf?

vâs mâH-en zee be-roohf-liH, venn iH frah-gen dârf?

آقای هانسر: اجازه دارم بیرسم شغل‌تان چیست؟

Frau Schneider: **Ich arbeite als Biochemikerin bei der Firma Agrolab.**

iH âr-bay-te âls bee-oh-Hê-mee-ker-in bay
dêr fir-mâd-groh-lâb.

خانم شنایدر: من زیست‌شیمی‌دان هستم و در
شرکتی به نام آگرو لیب کار می‌کنم.

Herr Hanser: **Das ist ja interessant. Haben Sie eine Visitenkarte?**

dâs ist yah in-te-re-sânt. hah-ben zee ayn-e
vi-zeet-en-kâr-te?

آقای هانسر: جالب است! کارت ویزیت دارید؟

Frau Schneider: **Ja, hier bitte. Und was machen Sie beruflich?**

yah, heer bî-te. oont vâs mâH-en zee be-
roohf-liH?

خانم شنایدر: بله، بفرمایید. شغل شما چیست؟

Herr Hanser: **Ich arbeite in einem Architekturbüro. Leider habe ich meine Visitenkarte nicht dabei.**

iH âr-bay-te in ayn-em âr-Hi-têk-toohr-
bue-roh. layder hah-be iH mayn-e vi-zeet-
en-kâr-te niHt dâ-bay.

آقای هانسر: من در دفتر معماری کار می‌کنم.
متأسفانه کارت ویزیت هم‌راهم نیست.

Frau Schneider: **Ist Ihre Firma in Frankfurt?**

ist eer-e fir-mâ in frânk-foort?

خانم شنایدر: شرکتتان در فرانکفورت است؟

Herr Hanser: **Ja, unser Büro ist in der Bockenheimer Straße 27.**

yah, oon-zer bue-roh ist in deyr bok-en-
haym-er shtrah-se zee-ben-oont-tsvân-
tsiH.

آقای هانسر: بله، دفترمان پلاک ۲۷ خیابان
بوکنه‌ایمر است.

واژگان

fragen	<u>frah</u> -gen	پرسیدن، سؤال کردن
geben	<u>gey</u> -ben	دادن
dabei haben	dâ-bay <u>hah</u> -ben	همراه داشتن
leider	<u>lay</u> -der	متأسفانه

نگاهی به ضمایر ملکی

لحظه‌ای وقت بگذارید و در مکالمه‌ی قبلی، نگاهی به شکل آلمانی کلمات «مال من»، «مال ما» و «مال شما» بیندازید: **mein** (mayn)، **unser** (oon-zer) و **Ihr** (eer)، این ضمایر ملکی برای نشان دادن این موضوع که اسمی به شخصی یا چیزی تعلق دارد، به کار می‌روند. شناسه‌هایی که این ضمایر می‌گیرند به جنسیت، وجه و شمار چیزی بستگی دارد که تحت مالکیت کسی قرار گرفته است. به این مثال توجه کنید:

Hier ist meine Visitenkarte. (heer ist mayn-e vi-zeet-en-kâr-te.)

(این کارت ویزیت من است.)

کلمه‌ی **Visitenkarte** (vi-zeet-en-kâr-te) مؤنث است و ضمیر ملکی مؤنث برای اول شخص مفرد **meine** است.

اشکال اصلی ضمایر ملکی (مذکر و خنثی) در وجه تومیناتیو:

- » **mein** (mayn) (مال من)
- » **dein** (dayn) (مال تو؛ مفرد، غیررسمی)
- » **Ihr** (eer) (مال شما؛ مفرد، رسمی)
- » **sein, ihr, sein** (zayn, eer, zayn)
(مال او (مذکر)، مال او (مؤنث)، مال آن (خنثی))
- » **unser** (oon-zer) (مال ما)
- » **euer** (oy-er) (مال شما؛ جمع، غیررسمی)
- » **Ihr** (eer) (مال شما؛ جمع، رسمی)
- » **Ihr** (eer) (مال آن‌ها)



نکات دستوری

جدول ۶-۱ همه‌ی اشکال **mein** (mayn) را برای جنسیت‌های مختلف و در وجه متفاوت نشان می‌دهد (سایر شکل‌های مالکیت نیز همین شناسه‌ها را می‌گیرند).

جدول ۶-۱ شکل‌های ضمیر ملکی **mein** بر اساس وجه‌های مختلف

جنسیت	نومیناتو (وجه فاعلی)	گنیتو (وجه ملکی)	داتو (وجه مفعولی غیر مستقیم)	اکوزاتو (وجه مفعولی مستقیم)
مذکر	mein	meines	meinem	meinen
مؤنث	meine	meiner	meiner	meine
خنثی	mein	meines	meinem	mein

صحبت کردن درباره‌ی شهرها، کشورها و ملیت‌ها

وقتی با کسی آشنا می‌شوید، بخشی از مکالمه‌تان مربوط به زادگاهتان است. بیشتر مردم از اینکه اطلاعاتی درباره‌ی خودشان ردوبدل کنند، لذت می‌برند. شما می‌توانید با استفاده از کلماتی که در ادامه آمده است، با اعتمادبه‌نفس به توصیف خودتان بپردازید. می‌توانید با آمادگی کامل در موقعیتی قرار بگیرید که درباره‌ی شهر یا کشورتان با دیگران صحبت کنید و از آن‌ها در مورد زادگاهشان و زبانی که به آن صحبت می‌کنند، بپرسید.

صحبت در مورد زادگاهتان

به‌سادگی می‌توانید به زبان آلمانی بگویید اهل کجا هستید. می‌توانید از کلمات زیر استفاده کنید:

Ich komme aus ... (iH kom-e ous ...) (من اهل ... هستم.)

Ich bin aus ... (iH bin ous ...) (من اهل ... هستم.)

این کلمات بسیار پرکاربردند. می‌توانید از آن‌ها برای صحبت در مورد کشورها، ایالات و شهرها استفاده کنید. نگاهی به مثال‌های زیر بیندازید:

Ich komme aus Amerika. (iH kom-e ous â-mey-ree-kâ.)

(من آمریکایی هستم.)

Ich bin aus Pennsylvania. (iH bin ous pennsylvania [لفظ مانند انگلیسی])

(من اهل پنسیلوانیا هستم.)

Ich komme aus Zürich. (iH kom-e ous tsue-riH.) (من زوریخی هستم.)

Ich bin aus Wien. (iH bin ous veen.) (من اهل وین هستم.)



تکات دستوری

زبان آلمانی گاهی کمی چالش برانگیز می‌شود، پس وقتی در مورد زادگاهتان صحبت می‌کنید، حواستان را حسابی جمع کنید. در ادامه چند نکته‌ی خاص در این باره آمده است:

«نام برخی از کشورها و مناطق همیشه به صورت جمع بیان می‌شود. در چنین شرایطی باید از حرف تعریف جمع **die** (dee) استفاده کنید. ایالات متحده یکی از همین کشورهاست که در زبان آلمانی به شکل **die USA** (dee ooh-ës-ah) یا **die Vereinigten Staaten** (dee fer-ay-nik-ten shtah-ten) بیان می‌شود. البته خیلی ساده می‌توانید بگویید: **Ich bin aus Amerika** (ih bin ous â-mey-ree-kâ.) (من اهل آمریکا هستم.) اما این جمله از لحاظ فنی به معنای یکی از دو قاره‌ی آمریکاست. پس برای اینکه کمی واضح‌تر صحبت کنید، می‌توانید بگویید: **Ich bin aus den USA**. (من اهل ایالات متحده هستم.) شاید هم بخواهید با گفتن **Ich bin aus den Vereinigten Staaten**. (ih bin ous deyn fer-ay-nik-ten shtah-ten.) (من اهل ایالات متحده هستم.) خود را به چالش یکشید.

«نام برخی از کشورها مؤنث است. برای مثال، سوئیس یکی از آن کشورهایی است که در زبان آلمانی **die Schweiz** (dee shvayts) نامیده می‌شود. خانم‌گلی که با او در مبحث «بیابید کمی صحبت کنیم» همین فصل آشنا خواهید شد، اهل سوئیس است، پس برای اینکه بگوییم خانم اگلی اهل این کشور است، می‌گوییم: **Frau Egli ist aus der Schweiz**. (frou ey-gee ist ous dêr shvayts.) (خانم اگلی اهل سوئیس است.) حرف تعریف **die** در کنار حرف اضافه‌ی **aus** (ous) (از) به وجه داتیو تبدیل می‌شود (برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد وجه داتیو به فصل ۲ رجوع کنید).

استفاده از فعل بسیار مهم “sein”

یکی از رایج‌ترین و اساسی‌ترین افعال در هر زبانی فعل «بودن» است که معادل آن در زبان آلمانی **sein** (zayn) است. از این فعل برای بیان **Das ist ...** (dâs ist...) (این ... است.) و **Ich bin...** (ih bin...) (من ... هستم.) نیز استفاده می‌شود. درست مانند زبان انگلیسی، فعل “to be” (بودن) برای توصیف همه‌ی حالات روحی (شاد، بیمار، غمگین و غیره) و ویژگی‌های جسمانی (مثل قد بلند و موهای تیره) به کار می‌رود. متأسفانه فعل **sein** هم مثل فعل “to be” در زبان انگلیسی، بی‌قاعده است. پس تنها روش برای شناخت این فعل، حفظ کردن شکل‌های مختلف

آن است. جدول زیر صرف این فعل را در زبان آلمانی نشان می‌دهد:

صرف فعل	تلفظ
ich bin	iH bin
du bist	dooh bist
Sie sind	zee zint
er, sie, es ist	êr, zee, ês ist
wir sind	veer zint
ihr seid	eer zayt
Sie sind	zee zint
sie sind	zee zint

از دیگران پرسید اهل کجا هستند

برای اینکه اصلیت کسی را پرسید، ابتدا باید تصمیم بگیرید می‌خواهید از کدام یک از شکل‌های **Sie** (رسمی)، **du** (غیررسمی مفرد) یا **ihr** (غیررسمی جمع) استفاده کنید. (در فصل ۲ اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی استفاده از شکل‌های رسمی و غیررسمی ضمائر وجود دارد.) سپس باید یکی از این سه شکل سؤال را برگزینید:

Woher kommen Sie? (voh-hêr kom-en zee?) (اهل کجا هستید؟)

Woher kommst du? (voh-hêr komst doo?) (اهل کجا هستی؟)

Woher kommt ihr? (voh-hêr komt eer?) (اهل کجا هستید؟)

فعل **kommen** (آمدن) فعلی است که هنگام مکالمه به زبان آلمانی زیاد با آن مواجه می‌شوید. به‌خاطر سپردن این فعل باقاعده کار نسبتاً آسانی است. این فعل حتی شباهت زیادی نیز به همتای انگلیسی خود دارد. به نحوه‌ی صرف آن توجه کنید:

صرف فعل	تلفظ
ich komme	iH kom-e
du kommst	dooh komst
Sie kommen	zee kom-en
er, sie, es kommt	êr, zee, ês komt
wir kommen	veer kom-en
ihr kommt	eer komt

صرف فعل

Sie kommen

sie kommen

تلفظ

zee kom-en

zee kom-en

بیا یاد کمی صحبت کنیم

خانم اگلی و خانم مایرز در قطار هستند و در طول سفرشان با هم صحبت می‌کنند. آن‌ها تازه خود را به یکدیگر معرفی کرده‌اند و کنجکاوند چیزهای بیشتری درباره‌ی یکدیگر بدانند.

Frau Egli: **Und woher kommen Sie, Frau Myers?**

oont voh-hêr kom-en zee, frou myers [تلفظ مانند: انگلیسی؟]

خانم اگلی: اهل کجا هستید خانم مایرز؟

Frau Myers: **Ich komme aus den USA, aus Pennsylvania.**

iH kom-e ous deyn ooh-ês-ah, ous pennsylvania [تلفظ مانند انگلیسی].

خانم مایرز: من آمریکایی هستم، اهل پنسیلوانیا.

Frau Egli: **Aus den USA, wie interessant. Kommen Sie aus einer Großstadt?**

ous deyn ooh-ês-ah, vee in-te-re-sânt. kom-en zee ous ayn-er grohs-shtât?

خانم اگلی: آمریکایی، چه جالب. اهل شهر بزرگی هستید؟

Frau Myers: **Nein, ich komme aus Doylestown, eine Kleinstadt, aber sie ist sehr schön. Und Sie, Frau Egli, woher kommen Sie?**

nayn, iH kom-e ous Doylestown [تلفظ مانند انگلیسی], ayn-e klayn-shtat, ah-ber zee ist zeyr shern. oont zee, frou ey-gee, voh-hêr kom-ên zee?

خانم مایرز: نه، من از یک شهر کوچک اما خیلی زیبا به اسم «دویلزتاون» می‌آیم. خانم اگلی، شما اهل کجا هستید؟

Frau Egli: **Ich bin aus der Schweiz, aus Zürich.**

iH bin ous dêr shvayts, ous tsue-riH.

خانم اگلی: من سوئیسی هستم، اهل شهر زوریخ.

در کوپه‌ی بعدی، کِلر و میشل، دو گردشگر جوان با مارک آشنا می‌شوند که او هم گردشگر است. آن‌ها که نوجوان هستند و با یکدیگر صمیمی، از همان ابتدا از شکل‌های غیررسمی **du** و **ihr** استفاده می‌کنند:

Claire: **Bist du aus Deutschland?**
Bist dooh ous doych-lānt?

کِلر: اهل آلمان هستی؟

Mark: **Nein, ich bin aus Österreich, aus Wien. Und ihr, woher kommt ihr?**
nayn, iH bin ous er-ste-rayH, ous veen. oont eer, voh-hêr komt eer?

مارک: نه، من اتریشی‌ام، اهل وین. شما چطور، اهل کجایی؟

Michelle: **Wir sind aus Frankreich. Meine Freundin Claire kommt aus Lyon, und ich komme aus Avignon.**
veer zint ous frānk-rayH. mayn-e froyn-din claire [تلفظ مانند انگلیسی] komt ous lee-on, oont iH kom-e ous ah-vee-nyon.

میشل: ما فرانسوی هستیم، دوستم کِلر، اهل لیونه و من اهل آوینیون.

ملیت‌ها

برخلاف زبان انگلیسی که در آن ملیت‌ها به‌وسیله‌ی صفت مربوط به آن کشور بیان می‌شود، ملیت در زبان آلمانی با یک اسم عنوان می‌شود، همان‌طور که احتمالاً می‌دانید، جنسیت اهمیت زیادی در زبان آلمانی دارد. این اسم‌های ملیت نیز دارای جنسیت هستند بنابراین یک پسر یا مرد آمریکایی را **ein Amerikaner** (ayn â-mey-ree-kah-ner) و یک دختر یا خانم آمریکایی را **eine Amerikanerin** (ayn-e â-mey-ree-kah-ner-in) می‌نامند.

در جدول ۲-۶ نام برخی از کشورها، همراه با صفت و ملیت مربوط به آن‌ها را می‌بینید.

جدول ۶-۲ نام کشورها به همراه صفت و ملیت آن‌ها

صفت	ملیت (اسم)	نام کشور به آلمانی	نام کشور به فارسی
belgisch (bél-gish)	Belgier(-in) (bél-gee-ér[-in])	Belgien (bél-gee-én)	بلژیک
deutsch (doych)	Deutsche(r) (doych-e[r])	Deutschland (doych-lánt)	آلمان
englisch (éng-lish)	Engländer(in) (éng-lain-der[-in])	England (éng-lánt)	انگستان
französisch (frán-tsér-zish)	Franzose/Französin (frán-tsòh-ze/frán-fser-zin)	Frankreich (fránk-rayH)	فرانسه
italienisch (i-tah-lee-eyn-ish)	Italiener(in) (i-tah-lee-eyn-er[-in])	Italien (i-tah-lee-én)	ایتالیا
österreichisch (er-ste-rayH-ish)	Österreicher(in) (er-ste-rayH-er[-in])	Österreich (er-ste-rayH)	اتریش
Schweizerisch (shvayts-er-ish)	Schweizer(in) (shvayts-er[-in])	die Schweiz (dee shvayts)	سوئیس
amerikanisch (á-mey-ree-kah-nish)	Amerikaner(in) (á-mey-ree-kah-ner[-in])	die USA (dee boh-és-ah)	امریکا

در ادامه چند مثال از نحوه‌ی استفاده از این کلمات در جمله می‌بینید:

Herr Marsh ist Engländer. (hêr marsh [تلفظ مانند انگلیسی] ist éng-lain-der.)
(آقای مارش انگلیسی است.)

Maria ist Italienerin. (mah-ree-ah ist i-tah-lee-eyn-er-in.)
(ماریا ایتالیایی است.)

Ich bin Schweizerin. (iH bin shvayts-er-in.) (من سوئیس هستم.)

Ich bin Österreicher. (iH bin er-ste-rayH-er.) (من اتریشی هستم.)

صحبت کردن درباره‌ی زبان‌هایی که می‌دانید

برای اینکه به کسی بگویید به چه زبان‌هایی صحبت می‌کنید، باید از فعل **sprechen** (shprêH-en) (صحبت کردن) استفاده کنید و سپس نام زبان موردنظر را بیاورید (فهرستی از برخی زبان‌های رایج در جدول ۶-۲ آمده است). اگر می‌خواهید از کسی بپرسید که آیا او انگلیسی حرف می‌زند یا خیر، جمله‌ی (غیررسمی) زیر را به کار ببرید:

Sprichst du Englisch? (shpriHst dooh éng-lish?)
(آیا انگلیسی صحبت می‌کنی؟)

و در حالت رسمی از این جمله استفاده کنید:

Sprechen Sie Englisch? (shprêH-en zee êng-lish?)

(آیا انگلیسی صحبت می‌کنید؟)

در ادامه نحوه‌ی صرف فعل **sprechen** را می‌بینید:

صرف فعل	تلفظ
ich spreche	iH shprêH-e
du sprichst	dooh shpriHst
Sie sprechen	zee shprêH-en
er, sie, es spricht	êr, zee, ês shpriHt
wir sprechen	veer shprêH-en
ihr sprecht	eer shprêHt
Sie sprechen	zee shprêH-en
sie sprechen	zee shprêH-en

بیا یاد کمی صحبت کنیم

کلر، میشل و مارک درباره‌ی زبان‌هایی که می‌دانند، صحبت می‌کنند.

Claire: **Sprichst du Französisch?**
shpriHst dooh frân-tser-zish?

کلر: فرانسوی صحبت می‌کنید؟

Mark: **Nein, überhaupt nicht. Aber ich spreche Englisch. Und ihr?**
nayn, ue-ber-haupt niHt. ah-ber iH shprêH-e êng-lish. oont eer?

مارک: نه، اصلاً، اما انگلیسی بلدم. شما چطور؟

Michelle: **Ich spreche ein bisschen Englisch, und ich spreche auch Spanisch.**
iH shprêH-e ayn bis-Hen êng-lish, oont iH shprêH-e ouH shpah-nish.

میشل: من کمی انگلیسی صحبت می‌کنم. اسپانیایی هم بلدم.

Claire: **Spanisch spreche ich nicht, aber ich spreche Englisch sehr gut. Englisch finde ich leicht.**
shpah-nish shprêH-e iH niHt, ah-ber iH shprêH-e êng-lish zeyr gooht. êng-lish fin-de iH layHt.

کلر: من اسپانیایی بلد نیستم؛ اما خیلی خوب انگلیسی صحبت می‌کنم. به نظرم انگلیسی آسان است.

Mark: **Deutsch ist auch leicht, oder?**
doych ist ouH layHt, oh-der?

مارک: آلمانی هم آسان است، این‌طور نیست؟

Claire: **Für mich nicht. Deutsch kann ich überhaupt nicht aussprechen!**
fuer miH niHt. doych kân iH ue-ber-haupt niHt ous-sprê-Hen!

کلر: برای من نه. اصلاً نمی‌توانم تلفظش کنم!

واژگان

leicht	layHt	آسان، ساده
groß	grohs	بزرگ
interessant	in-te-re-sânt	جالب
klein	klayn	کوچک
schön	shern	زیبا
aber	ah-ber	اما
ein bisschen	ayn bis-Hen	کمی
überhaupt nicht	ue-ber-haupt niHt	اصلاً، به هیچ وجه
sein	zayn	بودن
sprechen	shprêH-en	صحبت کردن

گفت‌وگویی کوتاه درباره‌ی آب‌وهوا

مردم در همه‌جای دنیا دوست دارند درباره‌ی **das Wetter** (*dàs vêt-er*) (آب‌وهوا) صحبت کنند. بالاخره این مسئله بر جوانب مهمی از زندگی مثل رفتن به محل کار، برنامه‌ی تفریحات خارج از خانه و گاهی حتی روی خلق‌وخو نیز تأثیرگذار است. علاوه بر این، آب‌وهوا موضوع خوبی برای گفت‌وگو کردن به حساب می‌آید! در مباحث بعدی به شما کمک می‌کنیم تا به‌سادگی درباره‌ی موضوعات مربوط به بیرون از خانه صحبت کنید.

صحبت کردن درباره‌ی آنچه بیرون از خانه رخ می‌دهد

عبارت **Es ist ...** (*ès ist ...*) (این ... است) به شما کمک می‌کند فارغ از پیش‌بینی هواشناسی، هوا را توصیف کنید. کافی است صفت مناسبی در پایان جمله قرار دهید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Es ist kalt. (*ès ist kàlt.*) (هوا سرد است.)

Es ist heiß. (*ès ist hays.*) (هوا گرم است.)

Es ist schön. (*ès ist shern.*) (هوا خوب است.)

کلمات زیر برای توصیف هر نوع آب‌وهوایی به کار می‌رود:

» **bewölkt** (*be-verìkt*) (ابری)

» **neblig** (*neyb-liH*) (مه‌آلود)

» **regnerisch** (*reyk-ner-ish*) (بارانی)

» **feucht** (*foyHt*) (مرطوب)

» **windig** (*vin-diH*) (بادی)

» **kühl** (*kuehl*) (خنک)

» **schwül** (*shvuel*) (گرم و مرطوب، گرفته، خفه)

» **eiskalt** (*ays-kàlt*) (بسیار سرد)

» **warm** (*vàrm*) (گرم)

» **sonnig** (*son-iH*) (آفتابی)

همچنین می‌توانید از جملات زیر نیز برای توصیف آب‌وهوا استفاده کنید:

Die Sonne scheint. (dee son-e shaynt.) (خورشید می‌تابد.)

Es regnet / schneit. (ès reykh-nèt / shnayt.) (بارد باران/برف می‌بارد.)

Es gibt ein Unwetter. Es blitzt und donnert. (ès gipt ayn oon-vèt-er. ès blizst oont don-ert.) (هوا طوفانی است، رعدوبرق می‌زند.)

Es wird hell / dunkel. (ès virt hël / doon-kel.)

(هوا دارد روشن/تاریک می‌شود.)

گفت‌وگو درباره‌ی درجه‌حرارت

در اروپا (و تقریباً در همه‌جای دنیا) برای اندازه‌گیری دما از سلسیوس (Celsius) (tsél-zee-oos) (که به آن سانتی‌گراد هم می‌گویند) استفاده می‌شود، نه فارنهایت. اگر خواستید سلسیوس را به فارنهایت یا بالعکس تبدیل کنید، می‌توانید از فرمول‌های زیر بهره بگیرید:

« **سلسیوس به فارنهایت:** درجه‌ی سلسیوس را در $\frac{1}{8}$ ضرب کنید و سپس عدد ۳۲ را به آن بیفزایید.

« **فارنهایت به سلسیوس:** عدد ۳۲ را از درجه‌ی فارنهایت کم کنید و سپس نتیجه را در $\frac{5}{9}$ ضرب کنید.

شاید این نکته به کارتان بیاید که صفر درجه‌ی سلسیوس برابر است با ۳۲ درجه‌ی فارنهایت، ۱۰ درجه‌ی سلسیوس برابر است با ۵۰ درجه‌ی فارنهایت، ۲۰ درجه‌ی سلسیوس با ۶۸ درجه‌ی فارنهایت و ۳۰ درجه‌ی سلسیوس با ۸۶ درجه‌ی فارنهایت.

وقتی از درجه‌حرارت حرف می‌زنید، جملات زیر قطعاً به دردتان می‌خورد:

Es ist zehn Grad. (ès ist tseyh graht.) (هوا ده درجه‌ی سانتی‌گراد است.)

البته باید عدد موردنظر خودتان را قبل از کلمه‌ی Grad قرار دهید. (برای اطلاعات بیشتر در مورد اعداد به فصل ۴ رجوع کنید.)

Es ist minus zehn Grad. (ès ist mee-noos tseyh graht.)

(هوا منفی ده درجه است.)

باز هم باید عدد موردنظرتان را قبل از کلمه‌ی Grad قرار دهید.

Es ist zehn Grad unter Null. (ès ist tseyh graht oon-ter nool.)

(ده درجه زیر صفر است.)



راهنمایی

Die Temperatur fällt / steigt. (dee tēm-pē-rah-tooḥr fēlt / shtaykt.)

(درجه حرارت کم/ زیاد می‌شود.)

توصیف آب‌وهوای روز

هر کدام از جملات زیر در هنگام بحث و تبادل نظر درباره‌ی آب‌وهوا می‌تواند مفید باشد:

Was für ein herrliches / prächtiges Wetter! (vās fuer ayn hēr-liH-ēs / praiH-tig-es vēt-ert!) (چه هوای عالی‌ای/ باشکوهی!)

Was für ein schreckliches / schlechtes Wetter! (vās fuer ayn shrēk-liH-ēs / shlēHt-ēs vēt-ert!) (چه هوای وحشتناکی/ بدی!)

Was für ein schöner / herrlicher Tag! (vās fuer ayn shern-er / hēr-liH-er tahk!) (چه روز زیبایی/ دوست داشتنی‌ای!)

بیایید کمی صحبت کنیم

آنیتا و رالف در یک آپارتمان و در واحدهایی روبه‌روی هم زندگی می‌کنند. آن‌ها برنامه‌ریزی کرده بودند که یکشنبه بعدازظهر به پارک بروند. صبح روز یکشنبه، رالف در خانه‌ی آنیتا را می‌زند تا درباره‌ی برنامه‌هایشان صحبت کنند. (نمونه‌ی صوتی ۱۴)



کوش دهید

Rolf: **Was machen wir jetzt? Bei so einem Wetter können wir nicht in den Park gehen. Es ist regnerisch und windig.**

vās māH-en veer yētst? hay zoh ayn-em vēt-er kern-nen veer niHt in deyn pārk gey-en. ēs ist reykh-ner-ish oont vin-diH.

رالف: حالا چه کار کنیم؟ با این هوا نمی‌توانیم به پارک برویم. هوا بارانی است و باد می‌آید.

Anita: **Ja, ja, ich weiß. Aber gegen Mittag soll es aufhören zu regnen.**

yah, yah, iH vays. ah-ber gey-gen mi-tahk zoll ēs ouf-herr-en tsooh reykh-nen.

آنیتا: بله، بله، می‌دانم. اما احتمالاً حوالی ظهر باران بند می‌آید.

Rolf: **Wirklich? Ich sehe nur Wolken am Himmel ...**
virK-liH? iH zey-he noohr vol-ken am him-el ...

والف: واقعاً؟ من که فقط ابر در آسمان می بینم ...

Anita: **Keine Panik! Heute Mittag scheint bestimmt wieder die Sonne.**
kayn-e pah-nik! hoy-te mi-tahk shaynt be-stimmt vee-der dee zon-e.

آنیتا: نترس! مطمئناً امروز ظهر آفتاب دوباره می تابد.

Rolf: **Na gut. Vielleicht hast du recht. Ich kann bis Mittag warten.**
nâ gooht. vee-layHt hâst dooh rêHt. iH kân bis mi-tahk vâ-r-ten.

والف: بسیار خوب، شاید حق با تو باشد. می توانم تا ظهر صبر کنم.

Anita: **Okay, bis später! Tschüs!**
okay [تلفظ مانند انگلیسی], bis shpai-ter! chues!

آنیتا: بسیار خوب، بعداً می بینمت! خدا حافظ!

واژگان

machen	<u>mâH</u> -en	انجام دادن
sehen	<u>zey</u> -hen	دیدن
wissen	<u>vis</u> -en	دانستن
Recht haben	rêHt hah-ben	حق داشتن
vielleicht	vee-layHt	شاید
wirklich	<u>virK</u> -liH	واقعاً
bis später	bis <u>shpai</u> -ter	تا بعد



شنبه است و شما مشغول برنامه‌ریزی برای چند روز آینده‌تان هستید. گزارش آب‌وهوای چهار روز بعد را بخوانید و آن را با کلمات زیر کامل کنید.

Regen	schneit	Temperatur	Unwetter
donnert	regnen	unter Null	

1. Heute Nachmittag gibt es ein _____, und es blitzt und _____.
(hoy-te nâH-mi-tahk gipt es ayn _____, oont ês blîst oont _____.)

(امروز بعدازظهر هوا _____ و _____ و رعدوبرق می‌زند.)

2. Sonntag fällt die Temperatur _____, und es _____ ein bisschen.
(zon-tahk fêlt dee tēm-pē-rah-tooHr _____, oont ês _____ ayn bis-Hen.)

(یکشنبه درجه‌حرارت _____ می‌رود و کمی _____ می‌شود.)

3. Montag steigt die _____, und es fängt an zu _____. (mohn-tahk
shtaykt dee _____, oont ês fēnkt ân tsooh _____.)

(دوشنبه _____ زیاد می‌شود و شروع به _____ می‌کند.)

4. In Berlin hört der _____ nicht vor Dienstag auf. (în bër-leen herrt
deyr _____ niHt fohr deens-tahk auf.)

(در برلین _____ تا قبل از سه‌شنبه قطع نمی‌شود.)

« پیدا کردن محل موردنظر تان

« آشنایی با اعداد ترتیبی آلمانی

« سفر با خودرو یا سایر وسایل نقلیه

فصل ۷

پرسیدن آدرس و پیدا کردن مسیر

نکته‌ی مهم درباره‌ی رفت‌وآمد این است که بدانید چگونه باید به جایی که می‌خواهید، بروید. قبل از اینکه سوار اتوبوس یا قطار شوید یا بخواهید با خودروی شخصی یا پیاده به جایی بروید، طبیعتاً باید برنامه‌ای برای سفر خود مشخص کنید. اینکه بدانید چگونه باید مکان ایستگاه قطار، بازار محلی یا موزه را برسید، شروع خوبی خواهد بود. البته باید توضیحاتی را که برای یافتن مسیر می‌شنوید نیز به‌خوبی درک کنید؛ مثلاً ممکن است شخصی بگوید که بازار روبه‌روی ایستگاه مترو، پشت هتل یا در کنار اداره‌ی پست است. شاید هم به شما بگویند که وارد دومین خیابان از سمت چپ شوید، بعد از سومین چراغ راهنمایی به راست بپیچید و غیره. اگر دوست ندارید مسیرتان را گم کنید به خواندن ادامه دهید. این فصل شما را در مسیر درست قرار خواهد داد.

پرسیدن مکان چیزی با "Wo?"

من کجا هستم؟ از اینجا به کجا می‌رویم؟ بدون کلمه‌ی پرسشی «کجا» می‌خواهید به کجا بروید؟! احتمالاً گم می‌شوید. خوشبختانه پرسیدن مکان به زبان آلمانی کار ساده‌ای است. با کلمه‌ی **wo** (voh) (کجا) شروع می‌کنید و سؤالتان را به‌شکل زیر می‌سازید:

Wo ist ...? (voh ist ...?) (کجاست؟)

هروقت از یک غریبه سؤال می‌پرسید، سؤالتان را با عبارت زیر شروع کنید تا مؤدبانه‌تر به نظر برسد (و در نتیجه، راهنمایی بیشتر و بهتری دریافت کنید):

Entschuldigen Sie bitte ... (ènt-shoof-di-gen zee bi-te ...) (بخشیدید ...)



به خاطر بسپارید

وقتی با غریبه‌ای شروع به صحبت کردید و سؤالتان را با **Entschuldigen Sie bitte, wo ist ...** آغاز کردید، باید سؤال را به پایان برسانید. این کار را با افزودن نام مکانی که به دنبال آن هستید، انجام دهید. در ادامه فهرستی از مکان‌های احتمالی را می‌بینید:

- » **der Bahnhof** (dér bahn-hohf) (ایستگاه قطار)
- » **der Taxistand** (dér fâx-ee-shtânt) (ایستگاه تاکسی)
- » **die U-Bahnstation** (dee ooh-bahn-shtât-see-ohn) (ایستگاه مترو)
- » **die Bushaltestelle / die Straßenbahnhaltestelle**
(dee boos-hâl-te-shtêl-e / dee shtrah-sen-bahn hâl-te-shtêl-e)
(ایستگاه اتوبوس / ایستگاه تراموا)
- » **der Platz** (dér plâtz) (میدان)
- » **der Hafen** (dér hah-fen) (بندر)
- » **die Bank** (dee bânk) (بانک)
- » **das Hotel** (dâs hotel) (هتل) [تلفظ مانند انگلیسی]
- » **die Kirche** (dee kîrft-e) (کلیسا)
- » **die Post** (dee post) (اداره پست)
- » **der Markt** (dér mârkt) (بازار)
- » **das Museum** (dâs moo-zey-oom) (موزه)
- » **der Park** (dér pârk) (پارک)
- » **das Theater** (dâs tey-ah-ter) (تئاتر)

البته وقتی در شهر باشید، چه کوچک باشد و چه بزرگ، سؤالی کلی مثل «ایستگاه اتوبوس کجاست؟» یا «بانک کجاست؟» عجیب به نظر می‌رسد. بالاخره ممکن است ایستگاه‌های اتوبوس یا بانک‌های بسیاری در آن نزدیکی وجود داشته باشند. برای اینکه سؤالتان تا حد ممکن مشخص به نظر برسد، نام دقیق ایستگاه اتوبوس، تئاتر، کلیسا یا دیگر مکان‌های موردنظرتان را بیان کنید؛ مثلاً می‌توانید سؤالات زیر را پرسید:

Wo ist die Bushaltestelle Karlsplatz? (voh ist dee boos-hâl-te-shtêl-e kârîz-plâts?) (ایستگاه اتوبوس میدان کارلر کجاست؟)

Wo ist das Staatstheater? (voh ist dās štāts-tey-ah-ter?)

(«تئاتر شهر» کجاست؟)

Wo ist der Viktualienmarkt? (voh ist dēr vik-too-ahl-ee-en-mārk?)

(بازار ویکتوالین کجاست؟)

اگر نام دقیق مقصد خود را نمی‌دانید، می‌توانید آدرس نزدیک‌ترین جایی را که می‌خواهید، پرسید. فقط کافی است کلمه‌ی **nächste** (nailH-ste) (نزدیک‌ترین) را بعد از حرف تعریف مکان موردنظر قرار دهید. نگاهی به سوالات زیر بیندازید که در آن‌ها از کلمه‌ی **nächste** استفاده می‌شود:

Wo ist der nächste Park? (voh ist dēr nailH-ste pārk?)

(نزدیک‌ترین پارک کجاست؟)

Wo ist die nächste Bank? (voh ist dee nailH-ste bānk?)

(نزدیک‌ترین بانک کجاست؟)

Wo ist das nächste Hotel? (voh ist dās nailH-ste hotel?)

(نزدیک‌ترین هتل کجاست؟)

وقتی در موقعیتی قرار می‌گیرید که باید آدرس پرسید، می‌توانید از این فعل مفید برای نشان دادن این موضوع که با محیط اطراف آشنایی ندارید، استفاده کنید: **auskennen** (ous-kên-en) (آشناپودن با محیط اطراف و مسیر). در ادامه، اصطلاحی را به همراه این فعل می‌بینید که بهتر است به خاطر بسپارید:



راهنمایی

Ich kenne mich hier nicht aus. (ih kên-e miH heer niHt aus.)

(من این محل را نمی‌شناسم.)

فعل **auskennen** به گروه فعل‌هایی تعلق دارد که به آن‌ها افعال جانشدنی می‌گویند. همه‌ی این فعل‌ها پیشوندی دارند که از بخش اصلی فعل جدا شده و در انتهای جمله قرار می‌گیرد. فعل **auskennen** پیشوند **aus-** دارد به این نکته توجه کنید که این پیشوند در انتهای‌ترین بخش جمله قرار گرفته است. برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد افعال جانشدنی به فصل ۱۵ رجوع کنید.

چقدر با محل موردنظر تان فاصله دارید؟ سؤال کردن با “Wie weit?”

قبل از اینکه تصمیم بگیرید پیاده جایی بروید یا از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنید، احتمالاً باید بدانید مقصدتان چقدر با شما فاصله دارد. گزینه‌های معدودی وجود دارد که به شما کمک می‌کند فاصله‌تان را تا محل موردنظر بسنجید. کلمه‌ی

کلیدی‌ای که باید بدانید، **weit** (vayt) (دور) است:

Ist ... weit entfernt / weit von hier? (ist ... vayt ènt-férnt / vayt fon heer?)
(آیا ... دور است؟ / ... از اینجا دور است؟)

فقط کافی است نام محل موردنظر را در جای خالی قرار دهید؛ بنابراین اگر مثلاً می‌خواهید به یک موزه هنری بروید باید یکی از جمله‌های زیر را از طرف مقابلتان بپرسید:

Ist das Kunstmuseum weit entfernt? (ist dās koonst moo-zey-oom vayt ènt-férnt?)
(آیا موزه هنری دور است؟)

Ist das Kunstmuseum weit von hier? (ist dās koonst moo-zey-oom vayt fon heer?)
(آیا موزه هنری از اینجا دور است؟)

امیدوار باشید که چنین پاسخی دریافت کنید:

Nein, das Kunstmuseum ist nicht weit von hier. (nayn, dās koonst moo-zey-oom ist niHt vayt fon heer.)
(نه، موزه هنری از اینجا دور نیست.)

اگر می‌خواهید دقیقاً بدانید که یک مکان چقدر با شما فاصله دارد، می‌توانید از سؤال زیر استفاده کنید:

Wie weit ist ... von hier? (vee vayt ist ... fon heer?)
(... چقدر با اینجا فاصله دارد؟)

همچنین می‌توانید از زاویه‌ی دیگری به این مسئله بپردازید و از کلمه‌ی **nah** (nah) (نزدیک) استفاده کنید. معمولاً این کلمه در عبارت **in der Nähe** (in dēr nai-he) (در نزدیکی) به کار می‌رود. می‌توانید این سؤال را بپرسید:

Ist ... in der Nähe? (ist ... in dēr nai-he?)
(آیا ... نزدیک است؟)

رفتن به اینجا و آنجا

شاید کلمات **hier** (heer) (اینجا) و **dort** (dort) (آنجا) کلمات کوچکی باشند، اما نقش مهمی در بیان آدرس ایفا می‌کنند. آن‌ها نیز درست مانند همتایان انگلیسی‌شان، آدرس را کمی ملموس‌تر نشان می‌دهند. به جملات زیر توجه کنید تا ببینید کلمات **hier** و **dort** چگونه در توضیح‌دادن مسیر به کار می‌روند:

Das Museum ist nicht weit von hier. (dās moo-zey-oom ist niHt vayt fon heer.)
(موزه از اینجا دور نیست.)

Das Hotel ist dort, neben dem Café. (dâs hotel [تلفظ مانند انگلیسی] ist dort, ney-ben deym café [تلفظ مانند انگلیسی]) (هتل آنجاست، در کنار کافه.)

بهتر است برخی از کلمات کلیدی را که پاسخ دقیق‌تری برای سؤال «کجا؟» هستند در قالب عبارات پرکاربرد به خاطر بسپارید. به عبارتهای زیر توجه کنید:



تذکره

» **hier vorne** (heer form-e) (این جلو)

» **dort drüben** (dort drue-ben) (آنجا)

» **ziemlich weit / sehr weit** (tseem-leeH vayt / zeyr vayt)

(نسبتاً دور / بسیار دور)

» **gleich um die Ecke** (glayH oom dee êk-e) (تقریباً در آن گوشه)

» **direkt gegenüber** (di-rékt gey-gen-ue-ber) (دقیقاً آن روبه‌رو)

در جملات زیر از عبارات بالا استفاده می‌شود:

Der Hauptbahnhof ist gleich um die Ecke. (dêr haupt-bahn-hohf ist glayH oom dee êk-e.) (ایستگاه اصلی قطار تقریباً در آن گوشه است.)

Die U-Bahnstation ist dort drüben. (dee ooh-bahn-shtât-see-ohn ist dort drue-ben.) (ایستگاه مترو آنجاست.)

سؤال کردن درباره‌ی رفتن به مکانی مشخص

وقتی می‌خواهید بپرسید که چطور باید به جایی بروید، باید از فعل **kommen** (kom-men) استفاده کنید که به معنای (آمدن) است و وقتی به همراه یک حرف اضافه استفاده می‌شود، به معنای «رسیدن» است. نحوه‌ی صرف فعل **kommen** را در فصل ۶ ببینید.

شکل پایدای سؤال «چطور به ... بروم؟» چنین است:

Wie komme ich ... ? (vee kom-e iH ... ?) (چطور به ... بروم؟)

برای کامل کردن جمله باید از یک حرف اضافه استفاده کنید تا بتوانید بگویید: «به ایستگاه قطار» یا «به مرکز شهر». برای این منظور باید سطح بالاتری از نکات دستوری را بدانید.

در زبان آلمانی، برخلاف انگلیسی، فقط با یک حرف اضافه که معنای «به» بدهد، سروکار ندارید؛ مثلاً "to" در جمله‌ی (How do I get to...?). در واقع ممکن است به حروف اضافه‌ی متعددی نیاز پیدا کنید که همه‌ی آن‌ها معنای «به» دارند. رایج‌ترین



نکات دستوری

حروف اضافه‌ی زبان آلمانی که معنای «به» می‌دهند، عبارت‌اند از:

» in (in)

» nach (nahH)

» zu (tsooh)

در مباحث بعدی به توضیح هر کدام از این حروف اضافه و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها می‌پردازیم.

استفاده از حرف اضافه‌ی “in” برای رفتن به یک مکان

وقتی می‌خواهید به جایی یا داخل مکانی مشخص (مانند مرکز شهر، باغ وحش یا کوه) بروید از حرف اضافه‌ی in استفاده می‌کنید. برای مثال:

Wie komme ich in die Innenstadt? (vee kom-e iH in dee in-ën-shtât?)
(چطور به مرکز شهر بروم؟)

وقتی به این شکل از حرف اضافه‌ی in استفاده می‌کنید، حرف تعریفی که پس از آن می‌آید، در وجه اکوزاتیو قرار می‌گیرد و معنایش این است که برخی از حروف تعریف کمی تغییر می‌کنند. در فصل ۲ توضیح کاملی از وجه اکوزاتیو آمده است. اما در ادامه، به‌طور خلاصه تغییرات (یا عدم تغییر) این وجه را یادآوری می‌کنیم:



تکات دستوری

« der به den تبدیل می‌شود (deyn) (مذکر)

« die همان die است (dee) (مؤنث)

« das همان das است (dâs) (خنثی)

« die همان die است (dee) (جمع)

برای مثال، حرف تعریف اسم مؤنث مانند **die City** (dee si-tee) (مرکز شهر) بدون تغییر باقی می‌ماند:

Wie komme ich in die City? (vee kom-e iH in dee si-tee?)

(چطور به مرکز شهر بروم؟)

حرف تعریف اسم مذکر مانند **der Zoo** (dêr tsoh) (باغ وحش) به شکل زیر تغییر می‌کند:

Wie kommen wir in den Zoo? (vee kom-en veer in deyn tsoh?)

(چطور به باغ وحش برویم؟)



حرف تعریف اسم جمع مانند **die Berge** (dee bér-ge) «کوهستان» بدون تغییر باقی می‌ماند:

Wie komme ich in die Berge? (vee kom-e iH in dee bér-ge?)

(چطور به کوهستان بروم؟)

حرف تعریف اسم خنثی مانند **das Zentrum** (dàs tsên-troom) (مرکز) بدون تغییر باقی می‌ماند؛ اما وقتی حرف اضافه‌ی **in** در وجه اکوزاتیو با اسم‌های خنثی ترکیب می‌شود، حرف اضافه و حرف تعریف با یکدیگر ادغام شده و کلمه‌ی **ins** را می‌سازند:

in + das = ins

تقریباً همیشه از این صورت ادغام‌شده استفاده و جملاتی مانند نمونه‌ی زیر ساخته می‌شود:

Wie komme ich ins Zentrum? (vee kom-e iH ins tsên-troom?)

(چطور به مرکز شهر بروم؟)

استفاده از “nach” برای رفتن به یک شهر یا کشور

خوشبختانه حرف اضافه‌ی **nach** (nahH) تنها در مواردی خاص به کار گرفته می‌شود؛ وقتی می‌خواهید به یک شهر یا کشور بروید:

Wie komme ich nach Köln? (vee kom-e iH nahH kerlN?)

(چطور به کلن بروم؟)

وقتی از حرف **nach** استفاده می‌کنید، مشکلی با حروف تعریف نخواهید داشت، چون اسم شهرها و بیشتر کشورها نیازی به حرف تعریف ندارند.

استفاده از “zu”؛ رفتن به نهادها و مؤسسات

اگر می‌خواهید سؤال کنید که چطور باید به مکانی مانند ایستگاه قطار یا موزه بروید، باید از حرف اضافه‌ی **zu** (tsooh) استفاده کنید. وقتی این حرف اضافه در جمله به کار می‌رود، املا‌ی آن کمی تغییر می‌کند، مثلاً:

Wie kommen wir zum Flughafen? (vee kom-en veer tsoom floohk-hâ-fen?) (چطور به فرودگاه بروم؟)

Wie komme ich zur Deutschen Bank? (vee kom-e iH tsoor doych-en bânk?) (چطور به بانک آلمانی بروم؟)



نکات دستوری

حرف اضافه‌ی **zu** نیازمند وجه داتیو است (توضیح کامل وجه داتیو را در فصل ۲ ببینید). در نتیجه، حروف تعریفی که درست پس از **zu** می‌آیند، به‌شکل زیر تغییر می‌کنند:

« **der** به **deym** (تبدیل می‌شود (مذکر)

« **die** به **dër** (تبدیل می‌شود (مؤنث)

« **das** به **deym** (تبدیل می‌شود (خنثی)

« **die** به **deyn** (تبدیل می‌شود (جمع)

وقتی **zu** با اسامی مذکر مانند **der Bahnhof** و اسامی خنثی مثل **das Hotel** به کار می‌رود، حرف اضافه و حرف تعریف با یکدیگر ادغام می‌شوند تا کلمه‌ی **zum** را بسازند. به عبارت دیگر، **zu + dem = zum**. در هر دو مثال زیر از **zum** استفاده شده است:

Wie komme ich zum Bahnhof? (vee kom-e iH tsoom bahn-hohf?)

(چطور به ایستگاه قطار بروم؟)

Wie komme ich zum Hotel Kempinski? (vee kom-e iH tsoom hotel

këm-pin-skee?) (چطور به هتل کمپینسکی بروم؟)

به این ترتیب توجه داشته باشید که **zu** چگونه با اسامی مؤنثی مثل **die Post** (de post) (اداره‌ی پست) در شکل داتیو به کار می‌رود و **der Post** ساخته می‌شود: **zu + der = zur**. به مثال زیر توجه کنید:

Wie komme ich zur Post? (vee kom-e iH tsoor post?)

(چطور به اداره‌ی پست بروم؟)

تاکسی گرفتن



ظرافت‌های
فرهنگی

قانون تاکسی گرفتن در آلمان این است که یا تلفنی تماس بگیرید یا به نزدیک‌ترین ایستگاه تاکسی بروید. شاید عادت کرده باشید در شهرهای بزرگ به‌سادگی در خیابان یابستید و تاکسی بگیرید؛ اما چنین کاری در آلمان، حتی در شهرهای بزرگ آن نیز معمول نیست. در واقع اگر قیمت نجومی گاز را در اروپا در نظر بگیرید، متوجه می‌شوید که رانندگان نمی‌توانند مدتی را بپهوده رانندگی کنند تا مسافر بزنند. بنابراین چند گزینه در اختیار دارید: می‌توانید از شخصی در خیابان سؤال کنید که نزدیک‌ترین ایستگاه تاکسی کجاست و سپس تا آنجا پیاده بروید. همچنین، می‌توانید شماره تلفن نزدیک‌ترین ایستگاه تاکسی به خودتان را پیدا کنید و با آنجا تماس بگیرید. اگر در رستوران یا سایر مراکز کسب‌وکار هستید، می‌توانید از کارمندی بخواهید تا یک تاکسی برایتان بگیرد. البته می‌توانید ایستگاه‌های تاکسی را در فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های قطار و هتل‌های بزرگ بیابید. برای اطلاعات بیشتر در زمینه‌ی تاکسی گرفتن به فصل ۱۵ رجوع کنید.

اگر می‌خواهید آسامی جمع، مانند **die Souvenirläden** (dee zoo-ven-eer-lê-den) (سوغاتی‌فروشی) را به همراه **zu** به کار ببرید، کافی است حرف تعریف را به **den** تغییر دهید، مانند:

Wie kommen wir zu den Souvenirläden? (vee kom-en veer tsooh deyn zoo-ven-eer-lê-den?) (چطور به سوغاتی‌فروشی برویم؟)

توصیف یک مکان یا جایگاه با توجه به مکانی دیگر

بعد از آنکه در مورد مسیر سؤال کردید، نوبت به درک پاسخ‌های دریافتی می‌رسد. افراد معمولاً آدرس مکان‌ها را با توجه به مکان‌های مشهور یا نشانه‌های خاص بیان می‌کنند. می‌توانید از چند حرف اضافه برای توصیف مکان‌ها استفاده کنید. خوشبختانه همه‌ی حروف اضافی که در چنین موقعیت‌هایی به کار می‌رود، در وجه داتیو است؛ پس هر حرف تعریفی که پس از حرف اضافه قرار گرفت، به همان شکلی تبدیل می‌شود که پس از **zu** تبدیل می‌شد (در مبحث قبلی توضیح دادیم). علاوه بر این، حرف اضافه‌ی **bei** (bay) (نزدیک به/در کنار) و حرف تعریف **dem** تقریباً همیشه با یکدیگر ادغام می‌شوند: **bei + dem = beim**.

در جدول ۷-۱ برخی از رایج‌ترین حروف اضافی را می‌بینید که برای بیان مکان چیزی با توجه به چیزی دیگر به کار می‌رود:

جدول ۷-۱ حروف اضافی نشان‌دهنده‌ی مکان‌ها

حرف اضافه	تلفظ	مثال	معنا
an	ân	an der Ecke (ân dêr êk-e)	(در کنج/در گوشه‌ی)
auf	ouf	auf der Museumsinsel (ouf dêr moo-zey-ooms-in-sel)	روی (در جزیره‌ی موزه)
bei	bay	beim Bahnhof (baym bahn-hohf)	نزدیک به/در کنار (ایستگاه قطار)
hinter	hin-ter	hinter der Kirche (hin-ter dêr kirch-e)	پشت (پشت کلیسا)
neben	ney-ben	neben der Bank (ney-ben dêr bânk)	کنار (کنار بانک)
vor	fohr	vor der Post (fohr dêr post)	جلوی، روبروی (روبروی اداره‌ی پست)
zwischen	tswi-shen	zwischen dem Theater und der Bank (tswi-shen deym tsey-ah-ter unt dêr bânk)	بین (بین تئاتر و بانک)

بیا یاد کمی صحبت کنیم



کوشش کنید

مایک یک سفر کاری به **München** (muen-Hen) (مونیخ) رفته است. او قبلاً به این شهر سفر نکرده بود. حالا می‌خواهد برای رفتن به خانه‌ی دوستش تاکسی بگیرد، اما برای پیدا کردن نزدیک‌ترین ایستگاه تاکسی به کمک احتیاج دارد. بنابراین به خانمی در خیابان نزدیک می‌شود (نمونه‌ی صوتی ۱۵).

Mike: Entschuldigen Sie bitte, wo ist der nächste Taxistand?

ënt-shool-di-gen zee bi-te, voh ist dër näiH-stetâx-ee-shtant?

مایک: ببخشید، نزدیک‌ترین ایستگاه تاکسی کجاست؟

Frau: In der Sonnenstraße.

in dër zon-en-shtrah-se.

خانم: در خیابان زونن.

Mike: Ich kenne mich in München leider nicht aus. Wie komme ich zur Sonnenstraße?

iH kën-e miH in muen-Hen lay-der niHt aus. Vee kom-e iH tsoor zon-en-shtrah-se?

مایک: متأسفانه من مونیخ را بلد نیستم. چطور باید به خیابان زونن بروم؟

Frau: Sehen Sie die Kirche dort drüben? Hinter der Kirche ist der Sendlinger-Tor-Platz und direkt gegenüber ist der Taxistand.

zey-en zee dee kirH-e dort drue-ben? hin-ter dër kirH-e ist dër zënd-leeng-er-tohr-pläts oont di-rëkt gey-gen-ue-ber ist dër tâx-ee-shtânt.

خانم: کلیسا را آنجا می‌بینی؟ پشت کلیسا میدان زندلینگرتور است و دقیقاً روبه‌روی آن ایستگاه تاکسی است.

Mike: Vielen Dank!

fee-len dânk!

مایک: خیلی ممنونم.

واژگان

Wo ist...?	voh ist?	... کجاست؟
nächste	<u>nai</u> H-ste	نزدیک‌ترین
sich auskennen	ziH <u>ous</u> -kên-en	بلد بودن مسیر
weit	vayt	دور
in der Nähe	in dêr <u>nai</u> -he	در نزدیکی
hinter	<u>hin</u> -ter	پشت
vor	fohr	روبه‌روی
neben	<u>ney</u> -ben	در کنار
an	ân	در

دانستن موقعیت خود با یادگیری چپ، راست، شمال و جنوب

بهتر است کلمات معادل جهت‌های مختلف مانند چپ، راست، مستقیم و جهت‌های قطب نما را یاد بگیرید و گرنه ممکن است مجبور شوید برای رفتن به جایی مانند **Rathaus** (*rât-hous*) (شهرداری) بارها و بارها دست به دامن مردم شوید و امیدوار باشید که آن‌ها به‌سوی ساختمان موردنظر راهنمایی‌تان کنند. با یادگیری چند کلمه‌ی ساده‌ی موردنیاز برای درک جهات مختلف (و سؤال کردن در مورد آن‌ها) به درماندگی خود پایان می‌دهید.

چپ، راست، مستقیم

زمانی که آدرس می‌برسید یا آدرس می‌دهید حتماً باید از چند کلمه‌ی کلیدی برای تعیین موقعیت خود استفاده کنید: چپ، راست و مستقیم روبه‌جلو. در ادامه این کلمات مهم را به زبان آلمانی می‌بینید:

» links (*links*) (چپ)

» rechts (*rêHts*) (راست)

» geradeaus (*ge-rah-de-ous*) (مستقیم)

اگر می‌خواهید بگویید که چیزی در سمت چپ یا راست چیز دیگری قرار دارد، باید حرف اضافه‌ی (fon) **von** را اضافه کرده و بگویید:

» **links von** (links fon) (سمت چپ)

» **rechts von** (rēHts fon) (سمت راست)

به نمونه‌های زیر نگاهی بیندازید که در آن‌ها از **von** و یک کلمه برای نشان دادن موقعیت استفاده می‌شود:

Der Markt ist links von der Kirche. (dēr märkt ist links fon dēr kīrH-e.)

(بازار در سمت چپ کلیسا قرار دارد.)

Die U-Bahnstation ist rechts vom Theater. (dee ooh-bahn-shtāt-see-ohn ist rēHts fom tey-ah-ter.) (ایستگاه مترو سمت راست تئاتر قرار دارد.)

وقتی حرف اضافه‌ی **von** با **dem** ادغام می‌شود، معمولاً به این شکل درمی‌آید: **von + dem = vom** (dem شکل داتیو حرف تعریف معین مذکر **der** و حرف تعریف معین خنثی **das** است. برای اطلاعات بیشتر در مورد وجه داتیو به فصل ۲ رجوع کنید.)

همچنین ممکن است کلمه‌ی **die Seite** (dee zay-te) (سمت، طرف) را بشنوید. به کمک کلمه‌ی **Seite** می‌توانید به شکل مشخص‌تری آدرس بدهید یا آدرس بگیرید. مثال:

Das Museum ist auf der linken Seite. (dās moo-zey-oom ist ouf dēr lin-ken zay-te.) (موزه سمت چپ قرار دارد.)

Die Bank ist auf der rechten Seite. (dee bānk ist ouf dēr rēHt-en zay-te.)

(بانک در طرف راست قرار دارد.)

جهت‌های اصلی

به جای اینکه از کلمات چپ، راست یا مستقیم استفاده کنید، می‌توانید با استفاده از جهت‌های اصلی آدرس بدهید. این جهت‌ها عبارت‌اند از:

» **der Norden** (dēr nor-den) (شمال)

» **der Süden** (dēr zue-den) (جنوب)

» **der Osten** (dēr os-ten) (شرق)

» **der Westen** (dēr wēs-ten) (غرب)



کلمات دستوری

اگر کسی بخواهد با استفاده از جهت‌های اصلی به شما آدرس مکان خاصی را بدهد، احتمالاً جملهای مانند جمله‌ی زیر خواهید شنید:

Der Hafen liegt im Norden (dër hah-fen leekt im nor-den) /

Süden (zue-den) / **Osten** (os-ten) / **Westen** (wës-ten).

(بندر در شمال/ جنوب/ شرق/ غرب قرار دارد.)

مثلاً برای توصیف مکانی در شمال باید از حرف اضافه‌ی **in** با حرف تعریف معینی در وجه داتیو استفاده کنید. وقتی حرف تعریف معین، مذکر (**der**) یا خنثی (**das**) باشد به **dem** تبدیل شده و بعد از ادغام با حرف اضافه‌ی **in** به **im** تبدیل می‌شود:
in + dem = im

رفتن از این خیابان یا آن خیابان

وقتی از کسی آدرس می‌پرسید، احتمالاً به شما چنین پاسخ می‌دهد که باید از خیابانی مشخص مثلاً دومین خیابان از سمت چپ یا اولین خیابان از راست بروید. (در محبت بعدی بیشتر در مورد اعداد ترتیبی صحبت می‌کنیم.)

افعالی که در این زمینه باید بشناسید، **gehen** (gey-en) (رفتن) و **nehmen** (ney-men) (گرفتن) هستند. برای آدرس دادن باید از فعل امری استفاده کنید (در حال حاضر فقط روی ترتیب واژگان تمرکز کنید. در فصل ۱۴ اطلاعات بیشتری درباره‌ی جملات امری آمده است). فعل در حالت امری در ابتدای جمله می‌آید. مثل:

Nehmen Sie die zweite Straße links. (ney-men zee dee tsvay-te shtrah-se links.) (از دومین خیابان سمت چپ بروید.)

Gehen Sie die erste Straße rechts. (gey-en zee dee èrs-te shtrah-se rêhts.) (اولین خیابان سمت راست را رو به پایین بروید.)

اگر مسیرتان مستقیم باشد، احتمالاً این‌طور راهنمایی می‌شود:

Gehen Sie geradeaus. (gey-en zee ge-rah-de-ous.) (مستقیم بروید.)

اگر به دنبال ساختمان خاصی می‌گردید، ممکن است چنین چیزی بشنوید:

Es ist das dritte Haus auf der linken Seite. (ès ist däs drit-e house [sومین خانه از سمت چپ است.]) auf dër lin-ken zay-te.) (تلفظ مانند انگلیسی)

استفاده از اعداد ترتیبی: اول، دوم، سوم و ...

یک، دو و سه/اعداد اصلی هستند. اعدادی مثل اول، دوم، سوم و چهارم را اعداد ترتیبی می‌نامند. این اعداد نشان‌دهنده‌ی ترتیبی مشخص از چیزی هستند؛ مثلاً برای پاسخ‌دادن به سؤال «کدام خانه؟» باید از یک عدد ترتیبی استفاده کنید و بگویید «دومین خانه از سمت چپ».

اعداد ترتیبی در زبان آلمانی با افزودن پسوند **-te** به اعداد اصلی بین یک تا نوزده ساخته می‌شوند؛ البته به‌جز موارد استثنای زیر:



نکات دستوری

» **eins** (ayns) (یک) / **erste** (ärs-te) (اول)

» **drei** (dray) (سه) / **dritte** (drit-e) (سوم)

» **sieben** (zee-ben) (هفت) / **siebte** (zeep-te) (هفتم)

» **acht** (äht) (هشت) / **achte** (äht-e) (هشتم)

برای ساخت اعداد ترتیبی از بیست به بالا باید پسوند **-ste** را به اعداد اصلی بیفزایید. جدول ۲-۷ نشان می‌دهد که چگونه باید اعداد ترتیبی بسازید. در این جدول اعداد ترتیبی یک تا ده، هفده و چهل آمده است:

جدول ۲-۷ نمونه‌هایی از اعداد اصلی و ترتیبی

اعداد اصلی	اعداد ترتیبی
eins (ayns) (یک)	der / die / das erste (ärs-te) (اول)
zwei (tsvay) (دو)	zweite (tsvay-te) (دوم)
drei (dray) (سه)	dritte (drit-e) (سوم)
vier (feer) (چهار)	vierte (feer-te) (چهارم)
fünf (fuent) (پنج)	fünfte (fuent-te) (پنجم)
sechs (zëks) (شش)	sechste (zëks-te) (ششم)
sieben (zeeb-en) (هفت)	siebte (zeep-te) (هفتم)
acht (äht) (هشت)	achte (äht-e) (هشتم)
neun (noyn) (نه)	neunte (noyn-te) (نهم)
zehn (tseyn) (ده)	zehnte (tseyn-te) (دهم)
siebzehn (zeep-tseyn) (هفده)	siebzehnte (zeep-tseyn-te) (هفدهم)
vierzig (fir-tsiht) (چهل)	vierzigste (fir-tsiht-te) (چهلیم)

برای دیدن فهرست اعداد اصلی به فصل ۴ رجوع کنید.



چون اعداد ترتیبی مانند صفات به کار می‌روند، از نظر جنس و وجه با اسامی مربوط به خود مطابقت دارند. جدول ۳-۷ به شما نشان می‌دهد که صفت **erste** چگونه با هر وجه و حرف تعریفی که قبل از آن می‌آید، مطابقت پیدا می‌کند.

تکات دستوری

جدول ۳-۷ تغییر شکل یک نمونه عدد اصلی: **Erste** (êrs-te) (اول)

اکوراتیو (مفعولی مستقیم)	داتیو (مفعولی غیرمستقیم)	گنیتیو (ملکی)	نومیناتیو (فاعلی)	جنسیت اسم
den ersten	dem ersten	des ersten	der erste	مذکر (der)
die erste	der ersten	der ersten	die erste	مؤنث (die)
das erste	dem ersten	des ersten	das erste	خنثی (das)
die ersten	den ersten	der ersten	die ersten	جمع (die)

بیایید کمی صحبت کنیم

اریکا برای انجام امور شغلی‌اش به شهر رفته و می‌خواهد با دوستی قدیمی که از قضا او هم برای انجام کارهایش به شهر آمده، ملاقات کند. اریکا آدرس هتل محل اقامت دوستش را دارد، اما نمی‌داند خیابان موردنظر دقیقاً کجاست. بنابراین درخواست کمک می‌کند. (نمونه‌ی صوتی ۱۶)



نمونه

Erika: **Entschuldigung?**
ênt-shool-di-goong?

اریکا: ببخشید؟

Mann: **Ja, bitte?**
yah, bi-te?

رهگذر: بله، بفرمایید.

Erika: **Wie komme ich zur Beethovenstraße?**
vee kom-e iH tsoor bey-toh-fên-shtrah-se?

اریکا: چطور باید به خیابان بتهوون بروم؟

Mann: **Nehmen Sie die U-Bahn am Opernplatz.**
ney-men zee dee ooh-bahn am oh-pêrn-plâts.

رهگذر: باید در میدان اپرا سوار مترو شوید.

Erika: **Und wo ist der Opernplatz?**
oont voh ist dêr oh-pêrn-plâts?

اریکا: و میدان اپرا کجاست؟

Mann: **Gehen Sie die Wodanstraße geradeaus. Dann gehen Sie links in die Reuterstraße. Rechts liegt die Post und direkt gegenüber ist der Opernplatz.**

gey-en zee dee voh-dahn-shtrah-se ge-rah-de-ous. dān gey-en zee links in dee roy-ter-shtrah-se. rêHts leekt dee post oont dee-rêkt gey-gen-ue-ber ist dêr oh-pêrn-plâts.

رهگذر: خیابان ودان را مستقیم بروید پایین. بعد وارد خیابان رویتسر در سمت چپ شوید. سمت راستان اداره‌ی پست را می‌بینید و دقیقاً روبه‌روی آن میدان اپراست.

Erika: **Und welche U-Bahn nehme ich?**

oont vèllH-e ooh-bahn ney-me ih?

اریکا: و سوار چه متروی باید بشوم؟

Mann: **Die U5 bis zur Station Beethovenstraße.**

dee ooh fuenf bis tsoor shtat-tsee-ohn bey-toh-fên-shtrah-se.

رهگذر: سوار متروی شماره‌ی پنج شده و ایستگاه خیابان بتهوون پیاده شوید.

Erika: **Vielen Dank!**

fee-len dānk!

اریکا: خیلی ممنونم!

واژگان

links	links	چپ
rechts	rêHts	راست
Wo ist ... ?	voh ist ... ?	... کجاست؟
Nehmen Sie ...	ney-men zee ...	... بگیرید (درمورد وسایل نقلیه: سوار شوید)
Gehen Sie ...	gey-en zee ...	... بروید
die U-Bahn	dee ooh-bahn	مترو

سفر با خودرو یا سایر وسایل نقلیه

در زبان انگلیسی خیلی فرقی ندارد که شما با خودرو جایی بروید یا پیاده؛ اگر مسئله‌ی فاصله را کنار بگذاریم، به هر حال دارید به جایی «می‌روید». اما در آلمانی فعل **gehen** (رفتن) این قدر ساده نیست. شما می‌توانید پیاده به جایی «بروید» که آن را با **zu Fuß gehen** (tsooh foohs gey-en) بیان می‌کنید. اما اگر سوار خودرو، اتوبوس یا هر نوع وسیله‌ی نقلیه‌ی دیگری شوید «در حال رانندگی» به حساب می‌آید و حتی اگر پشت فرمان هم نباشید، باید از فعل **fahren** (fahr-en) استفاده کنید.

زمانی که فعل **fahren** را در یک جمله به کار می‌برید، به سه چیز احتیاج دارید: کلمه‌ای برای بیان نوع وسیله‌ای که با آن سفر می‌کنید، حرف اضافه‌ی **mit** (با) و شکل داتیو حرف تعریف مربوط به وسیله‌ی نقلیه. نمونه‌ای از کاربرد فعل **fahren** را در جمله می‌بینید که هدف از آن بیان نوع وسیله‌ی نقلیه است:

Ich fahre mit dem Auto. (ih fahr-e mit deym ou-toh.)

(من با خودرو می‌روم (می‌رانم).)

برای اینکه بتوانید از لغات و جملات مربوط به پیچیدن به راست یا چپ استفاده کنید، نیازی نیست حتماً سوار خودرو باشید. وقتی دوجرخه، اسکیت، اسکیت‌برد یا استوبرد سواری هم می‌کنید می‌توانید آن‌ها را برای توصیف پیچ‌هایی که پشت‌سر می‌گذارید، به کار ببرید.

برای اینکه به کسی بگویید به چپ یا راست بپیچد، می‌توانید از فعل **fahren** استفاده کنید. می‌گویید:

Fahren Sie links / rechts. (fahr-en zee links / rêhts.)

(به چپ/راست برو (بران).)

اگر در حال رانندگی بودید و مسیرتان را گم کردید، همیشه یادتان باشد از این جمله استفاده کنید:

Ich habe mich verfahren. Ich suche ... (ih hah-be miH fêr-fahr-en. ih zoonH-e ...) (من مسیرم را گم کردم. دنبال ... می‌گردم.)

برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی کلمات موردنیاز هنگام سفر با خودرو یا سایر وسایل نقلیه به فصل ۱۵ رجوع کنید.



به خاطر بسپارید

بیایید کمی صحبت کنیم

پائولا خودروبی کرایه کرده تا سفری یک‌روزه به فرانکفورت برود. او در مسیر منتهی به بوکنهایم، بخشی در فرانکفورت در حرکت است. پائولا در پمپ‌بنزین توقف می‌کند تا آدرس بگیرد.

Paula: **Entschuldigen Sie, wie komme ich nach Bockenheim?**
ènt-shool-di-gèn zee, vee kom-e iH nahH bok-en-haym?

پائولا: ببخشید، چطور باید به بوکنهایم بروم؟

Tankwart: **Nehmen Sie die Ausfahrt Frankfurt-Messe. Das sind ungefähr vier Kilometer von hier.**
ney-men zee dee ous-fahrt fränk-foort mès-e. Dàs zint oon-ge-fair feer ki-lo-mey-ter fon heer.

متصدی پمپ‌بنزین: از خروجی فرانکفورت - مسه بروید.
از اینجا حدود ۴ کیلومتر راه است.

Paula: **Alles klar! Danke.**
àl-es klair! dān-ke.

پائولا: بسیار خیم، ممنون!

پائولا به بوکنهایم می‌رسد اما به نظر می‌رسد مسیرش را گم کرده است. او می‌ایستد تا از یک افسر پلیس آدرس بگیرد.

Paula: **Entschuldigen Sie, ich habe mich verfahren. Ich suche den Hessenplatz.**
ènt-shool-di-gèn zee, iH hah-be miH fêr-fahr-en. iH zoohH-e deyn hês-èn-plàts.

پائولا: ببخشید، من مسیرم را گم کردم. دنبال میدان هسن می‌گردم.

Polizei: **An der nächsten Kreuzung fahren Sie rechts. Dann fahren Sie geradeaus, ungefähr einen Kilometer. Der Hessenplatz liegt auf der linken Seite.**
ān dêr nahH-sten kroy-tsoong fahr-en zee rêHts. dān fahr-en zee ge-rah-de-ous, oon-ge-fair ayn-en ki-lo mey-ter. dêr hês-en-plàts leekt ouf dêr lin-ken zay-te.

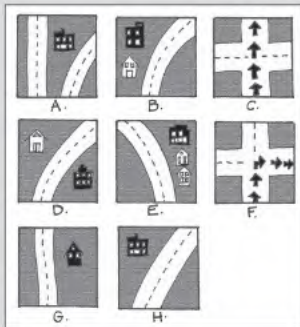
افسر پلیس: چهارراه بعدی به سمت چپ بپیچید. بعد
حدود یک کیلومتر مستقیم بروید. میدان حسن سمت
چپان است.

Paula: **Vielen Dank!**
fee-len dânk!

پائولا: خیلی متشکرم!



تصاویر مربوط به توضیحات را پیدا کنید.



1. ____ Das Haus ist direkt gegenüber.
2. ____ Das Haus ist auf der rechten Seite.
3. ____ Es ist das dritte Haus auf der rechten Seite.
4. ____ Fahren Sie geradeaus.
5. ____ Das Haus ist auf der linken Seite.
6. ____ Es ist das zweite Haus auf der linken Seite.
7. ____ Das Haus ist zwischen den zwei Straßen.
8. ____ Biegen Sie rechts ab.

« صحبت کردن درباره‌ی گرسنگی و تشنگی
و وعده‌های غذایی

« پیدا کردن یک رستوران یا سایر
غذاخوری‌ها

« خرید مواد خوراکی از خواربارفروشی یا
سایر فروشگاه‌ها

فصل ۸

بیرون غذا خوردن و رفتن به بازار

کشف نکاتی درباره‌ی غذا و عادات غذا خوردن در کشوری دیگر یکی از جالب‌ترین - و خوشمزه‌ترین - روش‌های یادگیری فرهنگ آن است. چه مایل باشید جلسه‌ی کاری‌تان را هنگام ناهار برگزار کنید و چه از شامی دوستانه لذت ببرید یا خودتان آشپزی کنید، این فصل به شما کمک می‌کند از پس مسائل مربوط به غذا برآید.

وقتی می‌خواهید در بخش آلمانی‌زبان اروپا بیرون از خانه غذا بخورید، احتمالاً متوجه می‌شوید که غذاها تفاوت زیادی با غذاهای کشور خودتان ندارند. یک غذای معمولی آلمانی شامل گوشت، سیب‌زمینی و سبزیجات یا سالاد است که تزیین زیادی هم ندارد. با این حال، غذاهای محلی هر منطقه با منطقه‌ی دیگر تفاوت دارد. پیشنهاد می‌کنیم امتحان کنید. علاوه بر این، احتمالاً طیف گسترده‌ای از غذاهای اصیل بین‌المللی، از اسپانیایی گرفته تا سیسیلی و پرتغالی و فیلیپینی و ترکی و تبتی، را نیز خواهید یافت.

غذایتان هرچه بود، یادتان باشد که مانند آلمانی‌ها، قبل از شروع به خوردن، جمله‌ی **Guten Appetit** (goot-ten äp-e-teet) (نوش جان) را به زبان بیاورید!

Hast du Hunger? و Hast du Durst?

وقتی بحث غذا در میان باشد، بیان گرسنگی و تشنگی اهمیت پیدا می‌کند! در غیر این صورت، هیچ راه چاره‌ای برای معده‌ی پرسروصدا و گلوی خشک‌تان نخواهید

یافت. به زبان آلمانی این طور می‌توانید درمورد گرسنگی و تشنگی‌تان صحبت کنید:

Ich habe Hunger / Durst. (iH hah-be hoong-er / doorst.)

(من گرسنه‌ام/ تشنه‌ام.)

Ich bin hungrig / durstig. (iH bin hoong-riH / door-stiH.)

(من گرسنه/ تشنه هستم.)

برای رفع گرسنگی یا عطش‌تان باید غذا بخورید **essen** (és-en) و بنوشید **trinken** (trin-ken). در ادامه، صرف فعل **essen** که فعلی بی‌قاعده است و **trinken** را می‌بینید (برای کسب اطلاعات بیشتر درمورد نحوه‌ی صرف افعال به فصل ۲ رجوع کنید):

صرف فعل	تلفظ
ich esse	iH é-s-e
du isst (مفرد، غیررسمی)	dooh ist
Sie essen (مفرد، رسمی)	zee é-s-en
er, sie, es isst	ér, zee, és ist
wir essen	veer é-s-en
ihr esst (جمع، غیررسمی)	eer èst
Sie essen (جمع، رسمی)	zee é-s-en
sie essen	zee é-s-en

صرف فعل	تلفظ
ich trinke	iH trin-ke
du trinkst (مفرد، غیررسمی)	dooh trinkst
Sie trinken (مفرد، رسمی)	zee trin-ken
er, sie, es trinkt	ér, zee, és trinkt
wir trinken	veer trin-ken
ihr trinkt (جمع، غیررسمی)	eer trinkt
Sie trinken (جمع، رسمی)	zee trin-ken
sie trinken	zee trin-ken

دو مثال که در آن‌ها از افعال **essen** و **trinken** استفاده شده است:

Wir essen gern Fisch. (veer é-s-en gèrn fish.)

(ما با کمال میل ماهی می‌خوریم.)

Trinkst du Bier? (trinkst dooh beer?) (آیا آب‌جو می‌نوشی؟)

همه‌چیز درباره‌ی وعده‌های غذایی

وعده‌های غذایی و ساعات صرف غذا در آلمان تفاوت چندانی با آمریکا ندارد. سه وعده‌ی غذایی که به آن‌ها **Mahlzeiten** (mahl-tsayt-en) می‌گویند، عبارت‌اند از:

» **das Frühstück** (dás frue-shtuek) (صبحانه)

» **das Mittagessen** (dás mi-tahk-ës-en) (ناهار)

» **das Abendessen** (dás ah-bent-ës-en) (شام)

صبحانه در بیشتر کافه‌ها و هتل‌ها بین ساعت ۷ تا ۱۰ صبح سرو می‌شود و اغلب مفصل‌تر از صبحانه‌های کانترینتال^۱ معمولی است. ناهار معمولاً بین ساعات ۱۱:۳۰ تا ۲ ظهر سرو می‌شود. ناهار برای برخی از آلمانی‌ها وعده‌ی غذایی اصلی روزانه است اما عده‌ای دیگر شام را وعده‌ی اصلی می‌دانند. در رستوران‌ها معمولاً بین ساعت ۶:۳۰ تا ۹ شب منوی غذایی کاملی وجود دارد. در شهرهای بزرگ‌تر و رستوران‌ها شاید این منوی کامل تا ساعت ۱۱ شب هم سرو شود. علاوه بر این، فست‌فودهای بسیاری از جمله چندین فست‌فود زنجیره‌ای آمریکایی نیز در آلمان وجود دارد.

عصرانه‌ی سنتی سرد وعده‌ای غذایی است که در خانه‌های آلمانی سرو می‌شود و شامل نان با گوشت سرد، پنیر، سالاد و دیگر مواد غذایی سرد است. این وعده در جنوب آلمان **Biergarten** (dêr beer-gâr-ten) (باغ آب‌جو) برگزار می‌شود که در آنجا خانواده‌ها و گروه‌های دوستانه غذایشان را روی میز پیک‌نیک می‌چینند و از عصرهای گرم تابستانی خود با **eine Maß Bier** (تلفظ مانند انگلیسی: aym-e mahs beer) (یک لیتر آب‌جو) لذت می‌برند.

گاهی ممکن است کلمه‌ی **Mahlzeit!** (mahl-tsayt) را برای احوالپرسی در هنگام ناهار از زبان مردم بشنوید. معنای تحت‌اللفظی این کلمه وعده‌ی غذایی است و به نظر نمی‌رسد کلمه‌ای برای احوالپرسی باشد. اما این نوع احوالپرسی بین همکاران



ترافلت‌های
فرهنگی

۱. Continental breakfast اصطلاحی است که به صبحانه‌های بزرگ شامل قهوه، نان، کره و مربا اطلاق می‌شود. - م.

در محل کار رایج است. اگر کسی این کلمه را به شما گفت، همان را تکرار کنید و لبخند بزنید!

چیدن میز برای یک وعده‌ی غذایی

روی میز غذاخوری آلمانی‌ها همان وسایلی دیده می‌شود که شما نیز سر میز غذایتان از آن‌ها استفاده می‌کنید:

- » das Glas (dās glahs) (لیوان)
- » die Tasse (dee tās-e) (فنجان)
- » der Teller (dēr tēl-er) (شقاب)
- » der Suppenteller (dēr zoop-en-tēl-er) (کاسه‌ی سوپ‌خوری)
- » die Serviette (dee sēr-vee-ét-e) (دستمال سفره)
- » das Messer (dās mēs-er) (چاقو)
- » die Gabel (dee gah-bel) (چنگال)
- » der Löffel (dēr lēf-fel) (قاشق)
- » das Besteck (dās be-shték) (سرویس چاقو، چنگال و قاشق)

اگر در رستوران هستید و به وسیله‌ای احتیاج دارید که روی میز نیست (مثل قاشق، چنگال یا چاقو)، پیشخدمت را با گفتن این عبارت صدا بزنید:

Entschuldigen Sie bitte! (ēnt-shool-di-gen zee bi-tel!) (عذر می‌خواهم!)

بعد از اینکه پیشخدمت متوجه شما شد، درخواستان را به این شکل مطرح کنید:

Kann ich bitte einen Löffel / eine Gabel / ein Messer haben?

(kân ih bi-te ayn-en lēf-fel / ayn-e gah-bel / ayn mēs-er hah-ben?)

(لطفاً یک قاشق/چنگال/چاقو می‌آورید؟)

بیرون غذاخوردن

غذاخوردن بیرون از خانه مسئله‌ی نسبتاً رایجی در آلمان است و تفاوت کمی بین رفتن به رستوران در آلمان و آمریکا وجود دارد. تنها چند تفاوت کوچک هست. مثلاً در بسیاری از رستوران‌های آلمانی، نیازی نیست منتظر شوید تا پیشخدمت میزتان را به شما نشان دهد. با این حال در رستوران‌های لوکس‌تر آلمان معمولاً پیشخدمت این



راهنمایی

کار را انجام می‌دهند. همچنین در آلمان مرسوم نیست که از پیشخدمت پاکت بگیرید تا تمایندی غذا را برای سگتان ببرید. اما می‌توانید به همراه سگتان به بسیاری از رستوران‌ها بروید، البته به شرط آنکه سگتان زیر میز بنشیند.

اروپایی‌ها به‌طور کلی ارزش زیادی برای غذا خوردن قائل‌اند. وقتی در اروپا غذا می‌خورید، می‌توانید از این تجربه‌ی آرام لذت ببرید. توقع نداشته باشید پس از پایان غذا صورت‌حساب را برایتان بیاورند، بلکه خودتان باید آن را درخواست کنید.

در مباحث بعدی به شما کمک می‌کنیم تا با غذا خوردن در بیرون از خانه آشنا شوید و بهترین تجربه‌ی ممکن را داشته باشید.

تصمیم‌گیری درباره‌ی مکان صرف غذا

بیشتر رستوران‌های آلمانی منوی خود را کنار در ورودی می‌گذارند تا شما به‌آسانی متوجه شوید در آنجا چه نوع غذاهایی را می‌توانید امتحان کنید (شکل ۱-۸). اگر در خیابان باشید و دنبال رستوران بگردید، این متوها در تصمیم‌گیری به شما کمک می‌کنند. با این حال، اگر می‌خواهید از کسی درباره‌ی رستورانی خاص سؤال کنید، بهتر است بدانید چه نوع رستوران‌هایی در آلمان وجود دارد. رایج‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

«**das Restaurant** (dās rēs-tuh-ron) (رستوران): طیف متنوعی از رستوران‌هایی شبیه رستوران‌های کشورهای دیگر در آلمان نیز یافت می‌شود که بسته به میزان شیک‌بودن، متوها و قیمت‌های متفاوتی دارند.

«**die Gaststätte** (dee gäst-shtët-e) (رستوران محلی): در این نوع رستوران‌های ساده‌تر، غذاهای محلی سرو می‌کنند.

«**das Gasthaus** (dās gäst-hous) / **der Gasthof** (dër gäst-hohf): معمولاً این مسافرخانه‌ها را در مناطق روستایی می‌بینید. اغلب آن‌ها غذاهای خانگی سرو می‌کنند و فضای خودمانی‌تری دارند. برخی از این رستوران‌ها در مناطق روستایی، محلی برای اقامت مسافران هم دارند.

«**die Raststätte** (dee räst-shtët-e) (رستوران‌های بین‌راهی): این رستوران‌ها معمولاً در کنار اتوبان‌ها قرار گرفته‌اند و پمپ‌بنزین و گاهی محلی برای اقامت دارند. نکته: این رستوران‌ها در انریش **der Rasthof** (dër räst-hohf) نامیده می‌شوند.

«**der Ratskeller** (dër rahts-kël-er): این نوع رستوران بر اساس غذاخوری موجود در **Keller** (kël-er) (زیرزمین) ساختمان شهرداری **Rathaus** (raht-hous) قرار دارد.

نام‌گذاری شده است. اغلب این نوع رستوران‌ها را در بناهای تاریخی خواهید یافت.

« **die Bierstube** / (dee beer-häl-e) **die Bierhalle** » (تالار آبجو): تالارهای آبجو مخصوص سرو آبجو از بشکه‌های عظیم است؛ اما علاوه بر آبجو می‌توانید غذاهای گرم (معمولاً هر روز فقط چند نوع غذا ارائه می‌شود)، سالاد و چوب شور هم سفارش دهید. معروف‌ترین تالارهای آبجو در مونیخ و ایالت باواریا هستند که در اواخر سپتامبر فستیوال دو هفته‌ای به‌نام فستیوال **Oktobefest** (ok-toh-ber-fêst) نیز در آنجا برگزار می‌شود. در این فستیوال همه‌ی آبجوسازی‌های مونیخ یک **Bierzelt** (beer-tsêlt) (چادر آبجوخوری) بسیار بزرگ برپا می‌کنند.

« **die Weinstube** (dee vayn-shtooch-be) (بار شراب‌نوشی): در این رستوران‌های دنج که اغلب در مناطق تولیدکننده‌ی شراب یافت می‌شوند، می‌توانید شرابی اعالا به‌همراه غذاها و تنقلات مخصوص بار سفارش دهید.

« **die Kneipe** (dee knayp-e) (بار-رستوران): این نوع ترکیب بار و رستوران شبیه چیزی است که در آمریکا وجود دارد. فضای این رستوران‌ها معمولاً خودمانی است و مردم محلی به آنجا رفت‌وآمد می‌کنند.

« **das Café** (däs café تلفظ مانند انگلیسی)) (کافه): کافه‌ها بسیار متنوع‌اند. در برخی از آن‌ها فقط **Kaffee und Kuchen** (käf-ey oont kooch-en) (قهوه و کیک) سرو می‌شود و برخی دیگر که بسیار لوکس هستند موه‌های کاملی دارند. سنت کافه‌گردی در وین شهرت زیادی دارد. در این کافه‌ها می‌توانید بنشینید، فنجانی قهوه بنوشید و روزنامه بخوانید.

« **der (Schnell)imbiss** (dêr (shnêl-jim-bis) (اسنک‌بار، رستوران فست‌فود): می‌توانید از این مکان‌ها غذاهایی مانند **Wurst** (woorst) (سوسیس) و **Pommes frites** (pom frit) (سبزی‌زمینی سرخ‌کرده) بخرید.

رزروکردن

رزروکردن همیشه در آلمان ضروری نیست. در واقع احتمالاً در طول هفته می‌توانید بدون نیاز به رزروکردن، میزی در رستوران به خود اختصاص دهید، مگر آنکه بخواهید به رستورانی خیلی خاص یا جایی بروید که تعداد میزهای محدودی دارد. نیازی نیست برای رفتن به **Kneipe** یا **Gaststätte** میز رزرو کنید. قانون چنین مکان‌هایی این است که هر که زودتر آمده زودتر سرویس می‌گیرد. با این حال، اگر می‌خواهید مطمئن باشید، قبل از رفتن تماس بگیرید و میزی رزرو کنید.

Buchung zum Frühstück	
Speisekarte	
Vorgerichte	Obstspezialität
Continental Frühstück	Spezial Obstsalat
Heute heute	Spezial Obstsalat
Mittag im Restaurant	Spezial Obstsalat
Mittag im Restaurant	Spezial Obstsalat
Suppen	Suppen
Tomatensuppe	Spezial Obstsalat
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Mittagessen	Mittagessen
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Mittagessen	Mittagessen
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Beefsuppe	Spezial Obstsalat
Beefsuppe	Spezial Obstsalat

شکل ۱
مستوان‌های آلمانی
معمولاً منوی خود را
کتابچه ورودی قرار
می‌دهند.

زمانی که می‌خواهید میز رزرو کنید، اصطلاحات زیر را به کار ببرید:

Ich möchte gern einen Tisch reservieren / bestellen.

(ih merH-te gërn ayn-en tish rê-zêr-vee-ren / be-shtêl-en.)

(می‌خواستم یک میز رزرو کنم.)

Haben Sie um ... Uhr einen Tisch frei? (hah-ben zee oom ... oohr

ayn-en tish fray?) (آیا برای ساعت ... میز خالی دارید؟)

Ich möchte gern einen Tisch für ... Personen um ... Uhr.

(ih merH-te gërn ayn-en tish fuer ... pêr-zohn-en oom ... oohr.)

(برای ساعت ... میزی برای ... نفر می‌خواهم.)

برای اینکه زمان موردنظر را دقیق مشخص کنید، می‌توانید روز موردنظر را اعلام یا از یکی از جملات زیر استفاده کنید:



راهنمایی

» am Freitag Abend (âm fray-tahk ah-bent) (عصر جمعه)

» heute Abend (hoy-te ah-bent) (امروز عصر)

» morgen Abend (mor-gen ah-bent) (فردا عصر)

» heute Mittag (hoy-te mi-tahk) (امروز ظهر)

» morgen Mittag (mor-gen mi-tahk) (فردا ظهر)

بنابراین باید چنین جملاتی را به کار ببرید:

Ich möchte gern für heute Abend einen Tisch reservieren.

(iH merH-te gërn fuer hoy-te ah-bent ayn-en tish rê-zêr-vee-ren.)

(می‌خواهم میز برای امروز عصر رزرو کنم.)

Haben Sie am Sonntag Abend um ... Uhr einen Tisch frei?

(hah-ben zee am zon-tahk ah-bent oom ... oohr ayn-en tish fray?)

(برای یکشنبه عصر ساعت ... میز خالی دارید؟)

بیایید کمی صحبت کنیم

مایک و دوستش، اوتو، می‌خواهند به رستوران لوکس جدیدی بروند که گالریا نام دارد. مایک با رستوران تماس می‌گیرد تا میز رزرو کند:

Restaurant: **Restaurant Galleria.**

rës-tuh-ron gâ-le-ree-â.

منشی رستوران: رستوران گالریا.

Mike: **Guten Tag. Ich möchte gern einen Tisch für heute Abend bestellen.**

gooh-ten tahk. iH merH-te gërn ayn-en tish fuer hoy-te ah-bent be-shtël-en.

مایک: سلام. می‌خواستم یک میز برای امشب رزرو کنم.

Restaurant: **Für wie viele Personen?**

fuer vee fee-le pêr-zohn-en?

منشی رستوران: برای چند نفر؟

Mike: **Zwei Personen, bitte. Haben Sie um acht Uhr einen Tisch frei?**

tsvay pêr-zohn-en, bi-te. hah-ben zee oom âHt oohr ayn-en tish fray?

مایک: دو نفر لطفاً. برای ساعت ۸ میز خالی دارید؟

Restaurant: **Tut mir leid. Um acht Uhr ist alles ausgebucht. Sie können aber um acht Uhr dreißig einen Tisch haben.**

tooht meer layt. oom âHt oohr ist âl-ës ous-ge-boohlt. zee kern-en ah-bêr oom âHt oohr dray-siH ayn-en tish hah-ben.

منتشی رستوران: متأسفم، همه‌ی میزها برای ساعت ۸ رزرو شده‌اند. اما برای ساعت ۸/۳۰ یک میز هست.

Mike: **Acht Uhr dreißig wäre auch gut.**
âht oohr dray-sih vai-re oohl gooh.
مایک: ۸/۳۰ هم خوب است.

Restaurant: **Und Ihr Name, bitte?**
oont eer nah-me, bi-te?
منتشی رستوران: اسمتان لطفاً؟

Mike: **Evans.**
evans [تلفظ مانند انگلیسی].
مایک: اوانس.

Restaurant: **Geht in Ordnung, ich habe den Tisch für Sie reserviert.**
geyt in ort-noong, ih hah-be deyn tish fuer zee rê-zêr-veert.
منتشی رستوران: همه‌چیز مرتب است. برایتان یک میز رزرو کردم.

Mike: **Vielen Dank. Bis heute Abend.**
fee-lên dânk, bis hoy-te ah-bent.
خیلی ممنونم. تا شب.

گاهی پیش می‌آید که برای رزرو کردن میز تماس بگیرید اما هیچ میزی خالی نباشد. در این شرایط چنین جمله‌ای می‌شنوید:

Es tut mir leid. Wir sind völlig ausgebucht. (êš tocht meer layt, veer zint fer-iiH ous-ge-boohht.) (متأسفم، همه‌ی میزها پر هستند.)

اگر بدون رزرو کردن وارد رستورانی شلوغ شوید، احتمالاً یکی از جملات زیر را می‌شنوید:

In ... Minuten wird ein Tisch frei. (in ... mi-nooh-ten virt ayn tish fray.)
(... دقیقه‌ی دیگر یک میز خالی خواهد شد.)

Können Sie in ... Minuten wiederkommen? (kern-en zee in ... mi-nooh-ten vee-der-kom-en.) (می‌توانید ... دقیقه‌ی دیگر تشریف بیاورید؟)



در بخش آلمانی زبان اروپا استفاده‌ی مشترک از یک میز در رستوران چیز عجیبی نیست، البته این مسئله را در رستوران‌های لوکس نخواهید دید. استفاده‌ی اشتراکی از یک میز، مخصوصاً در مکان‌های شلوغ و غذاخوری‌هایی رایج است که میزهای بزرگی دارند. اگر سر میزی نشسته باشید و یک صندلی خالی در کنارتان باشد، ممکن است کسی از شما بپرسد: *Ist hier noch frei?* (ist heer noch fray?) (این صندلی هنوز خالی است؟) یا *Können wir uns dazu setzen?* (kem-en veer oons dà-tsooh zèts-en?) (ما اینجا پیش شما بنشینیم؟). این امر مسئله‌ای غیررسمی است و نیازی نیست حتماً با کسی که میزتان را با او شریک شده‌اید، مشغول گفت‌وگو شوید. شاید از نظر برخی افراد نبود حریم شخصی کمی آزاردهنده باشد، اما از طرفی فرصت خوبی برای ملاقات با افراد بومی به حساب می‌آید.

رسیدن و نشستن سر میز

زمانی که به یک رستوران می‌رسید، باید سر میزتان بنشینید یا *Platz nehmen* (پلاتز نایمن) (جای بگیرید) و *Speisekarte* (shpayz-e-kâr-tê) (منو) را دریافت کنید. در رستوران‌های معمولی‌تر این خودتان هستید که باید میزی انتخاب کنید و بنشینید. اما در رستوران‌های لوکس یک پیشخدمت مرد *der Kellner* (دِر کِل-نِر) یا یک پیشخدمت زن *die Kellnerin* (دِر کِل-نِر) شما را به سمت میزتان هدایت خواهد کرد.

بیاید کمی صحبت کنیم

از موقعی که مایک میزی در رستوران گالریا رزرو کرده، او و اوتو چشم‌انتظار رفتن به آنجا هستند. آن‌ها به رستوران می‌رسند و می‌نشینند. (نمونه‌ی صوتی ۱۷) 

Mike: **Guten Abend. Mein Name ist Evans. Wir haben einen Tisch für zwei Personen bestellt.**
gooh-ten ah-bent. mayn nah-me ist evans. veer hah-ben ayn-en tish fuer tsvay pêr-zohn-en be-shtêlt.

مایک: عصر به‌خیر. من اوانس هستم. یک میز برای دو نفر رزرو کرده بودم.

Kellner: **Guten Abend. Bitte, nehmen Sie hier vorne Platz.**
gooh-ten ah-bent. bi-te, neym-en zee heer forn-e plâts.

پیشخدمت: عذر به خیر، بفرمایید اینجا بنشینید.

Ute: **Könnten wir vielleicht den Tisch dort drüben am Fenster haben?**

kern-ten veer fee-laylt deyn tish dort drue-ben
am fën-ster hah-ben?

اوته: امکانش هست سر آن میز کنار پنجره بنشینیم؟

Kellner: **Aber sicher, kein Problem. Setzen Sie sich. Ich bringe Ihnen sofort die Speisekarte.**

ah-ber ziH-er, kayn pro-bleym. zêts-en zee ziH. iH
bring-e een-en zo-fort dee shpayz-e-kâr-te.

پیشخدمت: البته، مشکلی ندارد. بفرمایید. الان منو را خدمتتان می‌آورم.

واژگان

bringen	<u>bring</u> -en	آوردن
vielleicht	<u>fee</u> -laylt	شاید
hier vorne	heer <u>form</u> -e	این جلو
dort drüben	dort <u>drue</u> -ben	آنجا
Setzen Sie sich.	<u>zêts</u> -en zee ziH.	بنشینید.
Tut mir leid!	tooht meer layt!	متأسفم!
Geht in Ordnung!	geyt in <u>ort</u> -noong!	همه چیز مرتب است.

رمزگشایی منو

بعد از اینکه تصمیم گرفتید به کدام رستوران بروید و میزی رزرو کردید، وارد مرحله‌ی جالبی می‌شوید: باید تصمیم بگیرید چه چیزی بخورید! البته آنچه در منو هست به این بستگی دارد که به چه نوع رستورانی رفته‌اید. برخلاف آمریکا، قیمت‌هایی که در منوی رستوران‌های آلمان نوشته شده شامل مالیات و حق سرویس هم می‌شود.

اگر به رستورانی فرانسوی، اسپانیایی یا چینی بروید، ممکن است منو به زبان آن کشور نوشته شده و زیر نام هر غذا، ترجمه‌ی آلمانی آن نیز درج شده باشد. در مکان‌های مشهور گردشگری ممکن است منو به انگلیسی نیز ترجمه شده باشد.



راهنمایی

مباحث بعدی اطلاعاتی درباره‌ی غذاهایی که در رستوران‌های اروپایی یافت می‌شوند، در اختیاران می‌گذارد. با این حال، به خاطر داشته باشید که غذاهای محلی در این مباحث گنجانده نشده است. غذاهای محلی هر منطقه تفاوت زیادی با منطقه‌ی دیگر دارد.

بسیاری از مناطق غذای مخصوص خودشان را دارند؛ مثلاً غذاهای منطقه‌ای خاصی وجود دارد که معمولاً می‌توانید در منوی رستوران‌های باواریا یا جنوب آلمان پیدایشان کنید، اما چنین غذاهایی در رستوران‌های هامبورگ یا مناطق شمالی آلمان یافت نمی‌شود. اتریش و سوئیس هم غذاهای خاص خودشان را دارند.

صبحانه

خوراکی‌های زیر در یک کشور آلمانی‌زبان برای صبحانه (zum Frühstück) سرو می‌شوند: (tsoom frue-shtuek)

- » das Brot (dás broht) (نان)
- » das Brötchen (dás brert-Hên) (نان رول، بروشن)
- » der Toast (dêr tohtst) (نان تست)
- » der Aufschnitt (dêr ouf-shnit) (گوشت سرد و پنیر)
- » die Butter (dee boot-er) (کره)
- » die Marmelade (dee mâr-me-lah-de) (مارمالاد، مربا)
- » das Müsli (dás mues-lee) (موسلی، غلات صبحانه)
- » die Milch (dee milH) (شیر)
- » der Saft (dêr zâft) (آبمیوه)
- » die Wurst (dee voorst) (سوسیس)
- » das Ei (dás ay) (تخم‌مرغ)
- » das Spiegelei (dás shpee-gêl-ay) (تیمرو)
- » die Rühreier (dee ruehr-ay-er) (تیمروی هم‌زده / اسکرامبل / اگ)

Brötchen صبحانه‌ی محبوب آلمانی‌هاست؛ با این حال، ممکن است نان‌ها و کروسن‌های مختلفی ببینید. همچنین در آلمان خوردن برش‌های گوشت سرد برای صبحانه نیز رایج است. اگر تخم‌مرغ سفارش دهید و تاکید نکنید که آن را به‌صورت هم‌زده یا تیمرو می‌خواهید، تخم‌مرغی عسلی در یک جاتخم‌مرغی دریافت خواهید کرد.



اشتها آورها

گزینه‌های زیر **Vorspeisen** (fohr-shpayz-en) (اشتها آورهای) محبوب آلمانی‌ها هستند:

- » **Gemischter Salat** (ge-mish-ter zâ-laht) (سالاد مخلوط)
- » **Grüner Salat** (gruen-er zâ-laht) (سالاد سبز)
- » **Melone mit Schinken** (mê-loh-ne mit shin-ken)
(طالبی با گوشت خوک)
- » **Meeresfrüchtesalat mit Toast** (meyr-es-frueh-te-zâ-laht mit tohst) (سالاد دریایی با نان تست)

سوپ‌ها

احتمالاً نام این **Suppen** (zoop-en) (سوپ‌ها) را در یک منوی آلمانی خواهید دید:

- » **Tomatensuppe** (to-mah-ten-zoop-e) (سوپ گوجه‌فرنگی)
- » **Kartoffelcremesuppe** (kâr-tof-el-kreym-zoop-e)
(سوپ سیب‌زمینی خامه‌ای)
- » **Gulaschsuppe** (gooh-lash-zoop-e)
(سوپ گوشت گاو (و گاهی گوشت خوک))
- » **Französische Zwiebelsuppe** (frân-tser-zi-she tsvee-bel-zoop-e)
(سوپ پیاز فرانسوی)

غذاهای اصلی

مانند هر فرهنگ دیگری **Hauptspeisen** (houpt-shpayz-en) (غذاهای اصلی) در آلمان بسیار متنوع‌اند. تعدادی از غذاهای اصلی که ممکن است در یک منوی آلمانی ببینید، این‌ها هستند:

- » **gefüllte Hühnerbrust mit Kartoffelpüree** (ge-fuel-te huen-er-broost mit kâr-tof-el-puer-ey) (سینه‌ی مرغ پرشده با پوره‌ی سیب‌زمینی)
- » **Frischer Spargel mit Räucherschinken** (frish-er shpâr-gel mit royH-er-shin-ken) (مارجوبه‌ی تازه با گوشت خوک دودی)

» Rumpsteak mit Pommes Frites und gemischtem Salat

(roomp-steak mit pom frit oont ge-mish-tem zâ-laht)

(استیک راسته با سیبزمینی سرخ کرده و سالاد مخلوط)

» Kalbsschnitzel nach Art des Hauses (kâlp-s-shnits-el nahH ârt

dês houz-es) (کتلت گوشت گوساله به سبک سرآشپز)

» Lammfrikassee mit Reis (lâm-frik-â-sey mit rays)

(قورمه‌ی گوشت گوسفندی با برنج)

» Lachs an Safransoße mit Spinat und Salzkartoffeln (lâks ân

zâf-rahn-zohs-e mit shpi-naht oont zâlf-s-kâr-tof-el-n)

(ماهی سالمون با سس زعفران به همراه اسفناج و سیبزمینی پخته شده)

» Fisch des Tages (fish dês tah-ges) (ماهی روز)

غذاهای فرعی (دورچین‌ها)

گاهی می‌توانید **Beilagen** (bay-lah-gen) (دورچین‌ها) را جدا از غذای اصلی

سفارش دهید. گزینه‌های محبوب زیر را در نظر بگیرید:

» Butterbohnen (boot-er-bohn-en) (لوبیاسبز کرم‌رنگ)

» Gurkensalat (goork-en-zâ-laht) (سالاد خیار)

» Kartoffelkroketten (kâr-tof-el-kroh-ket-en) (کراکت سیب‌زمینی)

دسرها

رستوران‌های آلمانی معمولاً گزینه‌های خیلی خوبی برای **zum Nachtisch**

(tsoom nah-tish) (دسر) ارائه می‌کنند؛ از جمله:

» Frischer Obstsalat (frish-er ohpst-zâ-laht) (سالاد میوه‌ی تازه)

» Apfelstrudel (âp-fel-shtrooh-del) (اشرودل سیب)

» Gemischtes Eis mit Sahne (ge-mish-tes ays mit zahn-e)

(بستنی مخلوط با خامه‌ی زده شده)

» Rote Grütze mit Vanillesoße (roh-te grue-tse mit vâ-ni-le-zohs-e)

(کمپوت توت قرمز با سس وانیل)

نوشیدنی‌ها

وقتی می‌خواهید **Wasser** (vâs-er) (آب) سفارش دهید، باید بین دو گزینه‌ی

گازدار و بی گاز انتخاب کنید: **ayn vās-) ein Wasser mit Kohlensäure** (آب گازدار) **er mit koh-len-zoy-re ein Wasser ohne Kohlensäure** یا **(ayn vās-er oh-ne koh-len-zoy-re)** (آب معمولی یا بی گاز). اگر از پیشخدمت **(ayn min-ēr-ahl-vās-ēr) ein Mineralwasser** (آب معدنی) درخواست کنید، معمولاً برایتان آب گازدار می آورد. آلمانی ها معمولاً در رستوران ها **Leitungswasser** (آب شیر) **(lay-toongs-vās-er)** نمی نوشند، با این حال اگر می خواهید چنین چیزی سفارش دهید، بگویید:

ein Glas Leitungswasser, bitte. (ayn glahs lay-toongs-vās-er, bi-te.)
(یک لیوان آب شیر، لطفاً.)

می توانید **Wein** (vayn) (شراب) را به صورت بطری - **die Flasche** (dee flāsh-e) - یا یک گلاس - **das Glas** (dās glahs) - سفارش دهید. گاهی نیز این امکان وجود دارد که بتوانید **die Karaffe** (dee kah-rāf-e) (تنگ شراب) سفارش دهید.

در فهرست زیر، نام چند **Getränke** (gē-train-ke) (نوشیدنی) رایج آمده است که در منوهای آلمانی می بینید:

- » **Bier** (beer) (آبجو) ([تلفظ مانند انگلیسی])
- » **das Export** (dās export) ([تلفظ مانند انگلیسی])
(آبجوی صادراتی شهر دورتموند)
- » **das Bier vom Fass** (dās beer fom fās) (آبجوی بشکه ای)
- » **das Pils / Pilsner** (dās pils / pilsner) ([تلفظ مانند انگلیسی])
(آبجوی پیلز / پیلسنر)
- » **helles / dunkles Bier** (hel-es / dunk-les beer) (آبجوی روشن / تیره)
(**Helles** مربوط به روشن بودن آبجو و رنگ آن است، نه میزان الکلیته)
- » **Wein** (vayn) (شراب)
- » **der Weißwein** (dêr vays-vayn) (شراب سفید)
- » **der Rotwein** (dêr roht-vayn) (شراب قرمز)
- » **der Tafelwein** (dêr taf-el-vayn) (شراب بسیار بی کیفیت)
- » **der Kaffee** (dêr kāf-ê) (قهوه)
- » **der Tee** (dêr tey) (چای)

سفارش دادن

درست مثل زبان انگلیسی، در زبان آلمانی هم اصطلاحات رایج متنوعی برای سفارش دادن غذا وجود دارد. خوشبختانه این اصطلاحات خیلی پیچیده نیستند و شما می‌توانید از آن‌ها، هم برای سفارش دادن غذا و نوشیدنی در رستوران و هم خرید مواد خوراکی از فروشگاه‌ها استفاده کنید. به این اصطلاحات توجه کنید.

Ich hätte gern ... (iH hət-e gərn ...) (می‌خواستم)

Für mich bitte ... (fuer miH bi-te ...) (به من بدهید لطفاً)

Ich möchte gern ... (iH mœht-te gərn ...)

(می‌خواستم ... سفارش بدهم/بخرم)

شاید هنگام سفارش دادن تصمیم بگیرید کمی ماجراجویی کنید و از پیشخدمت بخواهید چیزی را به شما پیشنهاد کند. این کار را با بیان جمله‌ی زیر انجام دهید:

Könnten Sie etwas empfehlen? (kern-ten zee ét-vàs êm-pfey-len?)

(می‌توانید چیزی به من پیشنهاد کنید؟)

احتمالاً پیشخدمت غذاهایی را نام می‌برد که با آن‌ها آشنا هستید. برای جلوگیری از سردرگمی، منو را در دستان بگیرید تا پیشخدمت با اشاره به نام غذاها درموردشان توضیح دهد.



راهنمایی

استفاده از وجه التزامی برای بیان خواسته‌ها

به افعال **möchte** و **könnte** **hätte** در میحث قبلی، بیشتر دقت کنید. برای استفاده از این افعال باید با وجه التزامی آشنا باشید.

وجه التزامی در زبان آلمانی کاربردهای بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به بیان آرزو، شرط یا دیدگاه خود اشاره کرد. در مثال‌های این میحث، برای بیان درخواست‌های مؤدبانه از این وجه استفاده می‌شود. در واقع وجه التزامی مانند فعل "would" در زبان انگلیسی عمل می‌کند.



نکات دستوری

عبارت **Ich hätte ...** (iH hət-e ...) (داشتنه بائسم) از فعل **haben** (həh-ben) (داشتن) مشتق می‌شود. تفاوت عمده‌ی نحوه‌ی بیان کردن در زبان انگلیسی و آلمانی، این است که کلمات "would" و "have" انگلیسی در زبان آلمانی در کلمه‌ی **hätte** گنجانده می‌شوند.

کافی است کلمه‌ی **gern** را به **hätte** بیفزایید تا جمله‌ای برای سفارش دادن بسازید: **Ich hätte gern ...** (iH hət-e gərn) (مایلم ... داشته باشم)

همچنین می‌توانید از عبارت ... **Ich möchte** (ih merH-te ...) (مایلم ...) استفاده کنید که از فعل **mögen** (mer-gen) (دوست‌داشتن) ساخته شده است. ساده است: **möchte** معادل آلمانی «تمایل‌داشتن، خواستن» یا عبارت انگلیسی "would like" است. به مثال زیر توجه کنید:

Ich möchte gern ein Glas Mineralwasser. (ih merH-te gern ayn glahs min-ër-ahl-väs-er.) (یک لیوان آب‌معدنی می‌خواستم.)

möchte و **hätte** هر دو بدون نیاز به مصدر فعل استفاده می‌شوند.

عبارت ... **Ich könnte** (ih kern-te ...) (می‌توانم ...) از فعل **können** (kern-en) (توانستن) ساخته شده است. **Könnte** با مصدر فعل ترکیب می‌شود تا درخواست زیر را بسازد:

Könnten Sie uns helfen? (kern-ten zee oons helf-en?)

(می‌توانید به ما کمک کنید؟)

بیایید کمی صحبت کنیم

مایک و اوتو فرصتی پیدا کرده‌اند تا نگاهی به منوی رستوران بیندازند. پیشخدمت بازمی‌گردد تا سفارش بگیرد. (نمونه‌ی صوتی ۱۸)



کپی دهید

Kellner: Darf ich Ihnen etwas zu trinken bringen?
dârf ih een-en êt-väs tooh trin-ken bring-en?

پیشخدمت: نوشیدنی صیل دارید؟

Mike: Ja, ich möchte gern ein Bier.
yah, ih merH-te gern ayn beer.

مایک: بله، من آبجو می‌خواستم.

Kellner: Pils oder Export?
pils oh-der export?

پیشخدمت: پیلز یا صادراتی؟

Mike: Export, bitte.
export, bi-te.

مایک: صادراتی لطفاً.

Kellner: Ein Export. Und was darf es für Sie sein?
ayn export. oont vâs dârf ês fuer zee zayn?

پیشخدمت: یک آبجوی صادراتی، شما چه چیزی میل دارید؟

Ute: **Mmm ... Soll ich den Sylvaner oder den Riesling bestellen?**

Mmm ... zol iH deyn Sylvaner [تلفظ مانند انگلیسی]
oh-der deyn Riesling [تلفظ مانند انگلیسی] be-shtel-en?

اوت: ممم، سیلوانا سفارش بدهم یا ریزلینگ؟

Kellner: **Ich kann Ihnen beide Weißweine empfehlen.**
iH kahn een-en bay-de vays-vayn-e em-pfey-len.

پیشخدمت: من هر دوی این شراب‌های سفید را پیشنهاد می‌کنم.

Ute: **Gut. Ich hätte gern ein Glas Sylvaner.**
gooht. iH hêt-e gèrn ayn glahs Sylvaner.

اوت: بسیار خوب، پس من یک گلاس سیلوانا می‌خواهم.

استفاده از افعال کمکی وجه‌نما برای تغییر آنچه می‌گویید

شاید بخواهید کمی بیشتر در مورد افعال **kann** و **soll** بدانید. این افعال به شما کمک می‌کنند عمل فعل اصلی جمله را مشخص تر کنید یا آن را تغییر دهید (به همین دلیل است که این افعال را «افعال کمکی وجه‌نما» می‌نامند). این افعال درست مانند همتای انگلیسی خود "may"، "should" و "can" عمل می‌کنند. فعل **Möchte** که در مبحث قبل درباره‌ی آن صحبت کردیم، نقشی دوجانبه به‌عنوان فعل کمکی و شرطی ایفا می‌کند. می‌توانید چگونگی صرف این افعال را در «پیوست ب» ببینید.

Ich darf ... (iH därf ...) (من اجازه دارم که، ممکن است ...) از فعل **dürfen** (duerf-en) (اجازه داشتن، ممکن بودن) ساخته شده است. **Ich soll ...** (iH zol ...) (من باید/بهنتر است که من ...) از فعل **sollen** (zol-en) (بایستن، مجبور بودن) ساخته شده است. **Ich kann ...** (iH kân ...) (من می‌توانم ...) از فعل **können** (kern-en) (توانستن) ساخته شده است. در ادامه، چند جمله‌ی نمونه را می‌بینید که در آن‌ها از **soll** و **kann** استفاده شده است:

Darf ich die Speisekarte haben? (darf iH dee shpayz-e-kâr-te hah-ben?)

(می‌توانم منو را داشته باشم (ببینم)؟)



نکات دستوری

Dürfen wir dort drüben sitzen? (*duerf-en veer dort drueb-en zits-en?*)

(می‌توانم آنجا بنشینم؟)

Sie sollten den Apfelstrudel bestellen. (*zee zol-ten den âp-fel-shtrooh-del be-shtêl-en.*) (بهتر است اُستروڈل سیب سفارش دهید.)

Soll ich Ihnen zwei Löffel bringen? (*zol iH een-en tsvay ier-fel bring-en?*)

(آیا باید دو قاشق برایتان بیاورم؟)

Kann ich bitte eine Serviette haben? (*kân iH bi-te ayn-e sêr-vee-êt-e hah-ben?*) (می‌توانم دستمال سفره داشته باشم لطفاً؟)

Können Sie uns bitte noch zwei Bier bringen? (*kern-en zee oons bi-te noH tsvay beer bring-en?*) (ممکن است دو آب‌جوی دیگر برایمان بیاورید؟)

سیگار کشیدن



ظرافت‌های
فرهنگی

تنها در چند قسمت اروپا هنوز سیگار کشیدن در رستوران مجاز است. امروزه در آلمان، اتریش و سوئیس معمولاً می‌توانید رستوران‌ها و بارهایی را پیدا کنید که سیگار کشیدن در آن‌ها مجاز است.

سفارش دادن غذایی ویژه

در حال حاضر، مردم در سراسر دنیا بیش از هر زمان دیگری از آنچه می‌خورند، آگاهی دارند. این مسئله یا به دلیل سلامتی‌شان است یا مسائل اخلاقی. به این ترتیب احتمالاً برای سفارش دادن غذایی ویژه به جملات زیر نیاز پیدا می‌کنید:

Haben Sie vegetarische Gerichte? (*hah-ben zee vey-gê-tahr-ish-e ge-niH-te?*) (آیا غذاهای گیاهی دارید؟)

Ich kann nichts essen, was ... enthält (*iH kân niHts ês-en, vâs ... ênt-haitt.*) (من نمی‌توانم غذایی بخورم که ... داشته باشد.)

Haben Sie Gerichte für Diabetiker? (*hah-ben zee ge-niH-te fuer dee-â-bey-ti-ker?*) (آیا غذایی مخصوص افراد مبتلا به دیابت دارید؟)

Haben Sie Kinderportionen? (*hah-ben zee kin-der-por-tee-ohn-en?*) (آیا پُرس مخصوص کودکان دارید؟)

استیک شما چطور باشد؟

اگر استیک گوشت سفارش دهید ممکن است پیشنهادی از شما بپرسند (می‌خواهید (vee hêf-en zee dâs steak gêm?) Wie hätten Sie das Steak gern? استیکتان چطور باشد؟) می‌توانید بسته به ذائقه‌تان چنین پاسخ‌هایی بدهید:

- **englisch** (eng-li:sh) (خام)
- **medium** (mey-dee-oom) (نیم‌پز یا پخت متوسط)
- **durchgebraten** (doorH-ge-braht-en) (کاملآ پخته)

پاسخ‌دادن به سؤال «چقدر غذایتان را دوست داشتید؟»

مرسوم است که پیشنهاد پس از صرف غذا جمله‌ی زیر را از شما بپرسد تا بپهمد غذایتان را دوست داشتید یا نه:

Hat es Ihnen geschmeckt? (hât ês een-en ge-shmékt?)

(آیا از غذایتان لذت بردید؟)

امیدواریم از غذایتان لذت برده باشید تا برای جواب‌دادن از یکی از جملات زیر استفاده کنید:

- » **danke, gut** (dân-ke, gooht) (ممنون، خوب)
- » **sehr gut** (zeyr gooht) (خیلی خوب)
- » **ausgezeichnet** (ous-ge-tsayH-net) (عالی)

درخواست صورت‌حساب و انعام‌دادن به پیشخدمت



ظرافت‌های
فرهنگی

از خودتان می‌پرسید چرا پیشخدمت، شما را سر میزتان معفل نگه داشته و صورت‌حساب را نمی‌آورد؟ در کشورهای آلمانی‌زبان، وقتی می‌خواهید حساب کنید، باید درخواست کنید صورت‌حسابتان را بیاورند. قرار دادن صورت‌حساب روی میز، قبل از درخواست مشتری، کاری زشت و بی‌ادبانه به حساب می‌آید. در مکان‌های غیررسمی مثل **Kneipe** فقط کافی است به پیشخدمت بگویید می‌خواهید حساب کنید. پرداخت معمولاً سر میز و با پول نقد صورت می‌گیرد. اما فکر نکنید باید به اندازه‌ی رستوران‌های آمریکایی شمالی انعام بدهید. پیشخدمت‌ها حقوق می‌گیرند و برای گذران زندگی به انعام احتیاجی ندارند. اگر صورت‌حساب خود را با پول نقد می‌پردازید، فقط کافی است مبلغ موردنظر را به اندازه‌ی ۸ تا ۱۰ درصد، روبه‌بالا گرد کنید. حواستان باشد از جمله‌ی **Stimmt so** (shlîmt zoh) (بقیه‌ی پول برای خودتان) استفاده کنید. این جمله به پیشخدمت می‌گوید که مبلغ اضافی، انعام اوست.

درخواست صورت حساب

وقتی غذا خوردن تان تمام شد، ممکن است پیشخدمت جمله‌ی زیر را از شما بپرسد تا بداند آیا آماده‌ی پرداخت صورت حسابتان هستید یا خیر:

Sonst noch etwas? (zɔnst noH ét-vás?) (چیز دیگری (میل دارید)؟)

وقت آن است که **die Rechnung** (rêH-noong) (صورت حساب) خود را پرداخت کنید، مگر آنکه بخواهید چیز دیگری سفارش دهید. با استفاده از جملات زیر می‌توانید درخواست صورت حساب کنید:

Ich möchte bezahlen. (iH merH-te be-tsahl-en.) (می‌خواهم حساب کنم.)

Die Rechnung, bitte. (dee rêH-noong, bi-te.) (صورت حساب لطفاً.)

در صورت لزوم می‌توانید هزینه‌ی غذای خود و همراهان تان را یکجا حساب کنید. در این صورت باید بگویید: **Alles zusammen, bitte.** (âH-es tsoo-zâm-en, bi-te.) (همه با هم لطفاً.) یا می‌توانید با این جمله درخواست کنید هزینه جداگانه محاسبه شود: **Wir möchten getrennt bezahlen.** (veer merH-ten ge-trênt be-tsahl-en.) (می‌خواهیم جداگانه حساب کنیم.)

در بسیاری از رستوران‌های آلمانی، به‌ویژه رستوران‌های لوکس، می‌توانید صورت حسابتان را با کارت اعتباری **die Kreditkarte** (dee krê-dit-kâr-te) پرداخت کنید. معمولاً روی پنجره یا کنار در ورودی این رستوران‌ها علائمی هست که نشان می‌دهد چه نوع کارت اعتباری‌ای پذیرفته می‌شود (درست مثل رستوران‌های آمریکایی). اگر می‌خواهید با کارت اعتباری پرداخت کنید، به این علائم توجه داشته باشید.

اگر به رسید **Quittung** (kvit-oong) احتیاج دارید، بعد از آنکه درخواست صورت حساب کردید، این موضوع را نیز بیان کنید:

Und eine Quittung, bitte. (oont ayn-e kvit-oong, bi-te.)

(و یک رسید لطفاً.)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

مایک و لوتِه از غذای عالی‌شان لذت بردند. آن‌ها درخواست صورت حساب می‌کنند، هزینه را می‌پردازند و به پیشخدمت انعام می‌دهند. (نمونه‌ی صوتی ۱۹)



گوش دهید

Mike: **Die Rechnung, bitte.**
dee rêH-noong, bi-te.

مایک: صورت حساب لطفاً.

Kellner: **Sofort. Das macht 45 Euro 80.**
 zoh-fort. dās māHt fuenf-oont-feer-tsiH oy-roh
 dHt-tsiH.

پیشخدمت: الان برایتان می‌آورم، می‌شود ۴۵ یورو و
 ۸۰ سنت.

مایک ۵۰ یورو روی میز می‌گذارد.

Mike: **Stimmt so.**
 shtimt zoh.

مایک: بقیه‌اش مال خودتان.

Kellner: **Vielen Dank.**
 fee-len dānk.

پیشخدمت: خیلی ممنونم.

Mike: **Bitte.**
 bi-te.

مایک: خواهش می‌کنم.

واژگان

bezahlen	be-tsahl-en	پرداخت کردن
die Kreditkarte	dee krê-dit-kār-te	کارت اعتباری
die Quittung	dee kvit-oong	رسید
In bar bezahlen	In bār be-tsahl-en	نقد پرداختن
die Rechnung	dee rêH-noong	صورتحساب
Stimmt so!	shtimt zoh!	بقیه‌اش مال خودتان!
Bitte.	bi-te.	لطفاً / خواهش می‌کنم.

خرید خوراکی

گاهی ممکن است حوصله نداشته باشید بیرون غذا بخورید. شاید ترجیح بدهید مواد
 خوراکی تهیه کنید، به پیک‌نیک بروید یا خودتان غذا بپزید. اگر می‌خواهید مواد
 خوراکی بخرید، باید بدانید کجا بروید یا چه بخرید. مبحث بعد کلمات مورد نیاز شما
 برای خرید انواع خوراکی‌ها از فروشگاه‌های مختلف را در اختیارتان می‌گذارد. برای

اینکه بدانید چطور باید مقدار مشخصی از مواد خوراکی را سفارش دهید، به فصل ۴ و مبحث مربوط به وزن‌ها و واحدهای اندازه‌گیری، رجوع کنید.

از کجا خرید کنید

در آلمان می‌توانید مواد خوراکی را از فروشگاه‌ها و مغازه‌های مختلفی تهیه کنید. در ادامه، فهرستی از فروشگاه‌هایی را می‌بینید که می‌توانید از آنجا خرید کنید:

» **das Lebensmittelgeschäft** (dàs ley-benz-mit-el-ge-shèft)

(خواربارفروشی)

» **der Supermarkt** (dêr zooh-pêr-mârk) (سوپرمارکت)

» **der Markt** (dêr mârkt) (بازار)

» **die Metzgerei** (dee mêts-ge-ray) (قصابی)

» **die Bäckerei** (dee bêk-e-ray) (نانوايي)

» **die Konditorei** (dee kon-dee-to-ray) (قنادی)

» **die Weinhandlung** (dee vayn-hând-loong) (فروشگاه مشروبات الکلی)

در آلمان می‌توان آبجو، شراب و دیگر نوشیدنی‌های الکلی را از سوپرمارکت‌ها، خواربارفروشی‌ها، فروشگاه‌های تخفیف‌دار و حتی برخی پمپ‌بنزین‌ها تهیه کرد. برخی ایستگاه‌های بزرگ قطار نیز فروشگاه‌هایی دارند که مواد خوراکی و نوشیدنی‌ها را عرضه می‌کنند. برخی از فروشگاه‌های بزرگ نیز سوپرمارکتی کامل در زیرزمین خود دارند.



یافتن آنچه می‌خواهید

در فروشگاه‌های مختلفی که در مبحث قبلی فهرست شدند می‌توانید اقلام خوراکی زیر را پیدا کنید:

» **die Backwaren** (dee bâk-vâr-en) (انواع نان)

» **das Gebäck** (dàs ge-bék) (تسیرینی‌ها، کیک‌ها)

» **das Gemüse** (dàs ge-mue-ze) (سبزیجات)

» **der Fisch** (dêr fish) (ماهی)

» **das Fleisch** (dàs flaysh) (گوشت)

» **das Obst** (dàs ohpst) (میوه)

فهرستی از مواد غذایی خاصی که احتمالاً مایلید خریداری کنید:

- » das Brot (dás broht) (نان)
- » das Brötchen (dás brert-Hen) (نان رول، براتسن)
- » das Roggenbrot (dás rog-en-broht) (نان چاودار)
- » das Schwarzbrot (dás shvárts-broht) (نان قهوه‌ای)
- » der Kuchen (dêr kooht-en) (کیک، شیرینی)
- » die Torte (dee tar-te) (کیک معمولاً چندلایه)
- » die Butter (dee boot-er) (کره)
- » der Käse (dêr kai-ze) (پنیر)
- » die Milch (dee millH) (شیر)
- » die Sahne (dee zahn-e) (خامه)
- » die Flunder (dee floon-der) (ماهی فلاندر، ماهی کفشک)
- » die Forelle (dee fohr-e-le) (قزل‌آلا)
- » der Kabeljau (dêr kah-bel-you) (ماهی روغن، کاد)
- » die Krabben (dee krâb-en) (میگو)
- » der Krebs (dêr kreyps) (خرچنگ)
- » der Tunfisch (dêr toohn-fish) (ماهی تن)
- » die Bratwurst (dee braht-voorst) (نوعی سوسیس)
- » das Hähnchen (dás hain-Hen) (مرغ)
- » das Rindfleisch (dás rint-flaysh) (گوشت گوساله)
- » der Schinken (dêr shin-ken) (ژامبون خوک)
- » das Schweinefleisch (dás shvayn-e-flaysh) (گوشت خوک)
- » der Speck (dêr shpêk) (بیکن)
- » die Wurst (dee voorst) (سوسیس)
- » der Apfel (dêr âp-fel) (سیب)
- » die Banane (dee bâ-nah-ne) (موز)
- » die Birne (dee birn-e) (گلابی)

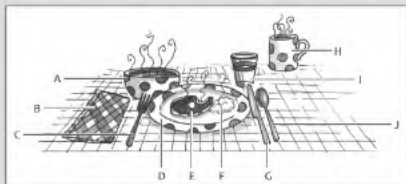
- » **die Bohne** (dee boh-n-e) (لوبیا)
- » **der Brokkoli** (dêr brah-ko-lee) (بروکلی)
- » **die Erbse** (dee êrp-se) (نخود)
- » **die Erdbeere** (dee eyrt-beyr-e) (توت‌فرنگی)
- » **die Gurke** (dee goork-e) (خیار)
- » **die Karotte** (dee kâ-rot-e) (هویج)
- » **die Kartoffel** (dee kâr-tof-el) (سیبزمینی)
- » **der Knoblauch** (dêr knoh-blouh) (سیر)
- » **der Kohl** (dêr kohl) (کلم)
- » **der Kopfsalat** (dêr kopf-zâ-laht) (کاهو)
- » **die Orange** (dee oh-ran-ge) (پرتقال)
- » **der Paprika** (dêr pâp-ree-kah) (فلفل دلمه‌ای)
- » **der Pilz** (dêr pilts) (قارچ)
- » **der Reis** (dêr rays) (برنج)
- » **der Salat** (dêr zâ-laht) (سالاد)
- » **das Sauerkraut** (dâs zou-er-krou) (کلم‌ترشی)
- » **der Spinat** (dêr shpi-nâht) (اسفناج)
- » **die Tomate** (dee to-mah-te) (گوجه‌فرنگی)
- » **die Zucchini** (dee tsoo-kee-ni) (کلو)
- » **die Zwiebel** (dee tsvee-bel) (پیاز)

اگر برای خرید به یک سوپرمارکت آلمانی بروید، احتمالاً متوجه می‌شوید که کیسه‌های پلاستیکی رایگان نیستند. باید خودتان ساک داشته باشید یا مبلغ اندکی برای خرید کیسه‌ی پلاستیکی به صندوقدار بپردازید. پس چرا چند کیسه‌ی پارچه‌ای نمی‌خرید که بتوانید بارها از آن‌ها استفاده کنید؟ در ضمن یادتان باشد که معمولاً خودتان باید مواد خوراکی‌تان را بسته‌بندی کنید.





برای ناهار به یک کافه رفته‌اید و یک لیوان آب، یک فنجان قهوه، سوپ، سالاد، استیک و پوره‌ی سیب‌زمینی سفارش داده‌اید. خوراکی‌های روی میز را شناسایی کنید تا مطمئن شوید پیشخدمت چیزی را فراموش نکرده است. هر جا که می‌دانستید کدام حرف تعریف باید به کار رود، از حروف تعریف معین **die, der, das** استفاده کنید.



- A. _____
- B. _____
- C. _____
- D. _____
- E. _____
- F. _____
- G. _____
- H. _____
- I. _____
- J. _____

«تصمیم‌گیری درباره‌ی مکان و زمان خرید»

«یافتن کالاها، جست‌وجو و درخواست کمک»

«جست‌وجوی لباس هنگام خرید»

«خریدکردن پس از انتخاب اقلام موردنیاز»

«مقایسه‌ی کالاها قبل از خرید»

فصل ۹

خریدکردن آسان شده است

خریدکردن در کشوری دیگر روشی جالب برای شناخت فرهنگ و هم‌صحبتی با افراد بومی آن کشور است. در کشورهای اروپایی این فرصت را دارید که اجناس منحصر به فردی در فروشگاه‌ها و بوتیک‌های وسوسه‌برانگیز پیدا کنید یا اگر حوصله دارید، می‌توانید به فروشگاه‌های زنجیره‌ای بروید که در همه‌ی شهرهای بزرگ وجود دارند.

مرکز شهر معمولاً پیاده‌روهای بزرگی دارد که انواع فروشگاه‌ها و رستوران‌ها در آنجا یافت می‌شود و آن‌ها را به مکانی ایدئال برای قدم‌زدن یا وینرین‌گردی که در آلمانی به آن **Schaufensterbummel** (shou-fens-ter-boom-el) می‌گویند، تبدیل کرده است.

در این فصل با اصطلاحات و عباراتی آشنا می‌شوید که هنگام خرید در سفر به کارتان می‌آید؛ اصطلاحاتی برای کمک‌خواستن، جست‌وجوی اقلام، پرو کردن لباس یا خرید محصولات موردنظر.

مکان‌هایی برای خرید در سطح شهر

اگر می‌خواهید چیزی بخرید، می‌توانید به انواع فروشگاه‌ها سر بزنید:

» **das Kaufhaus** (dás kouf-hous) (فروشگاه زنجیره‌ای)

» **das Fachgeschäft** (dás fáH-ge-shéft)

(فروشگاه تخصصی)

- » die Boutique (dee booh-teeek) (بوتیک)
- » die Buchhandlung (dee boohH-hând-loong) (کتابفروشی)
- » die Fußgängerzone (dee foohs-gâng-er-tsoh-ne) (محدوده پیاده‌رو)
- » der Kiosk (dêr kee-osk) (دکه‌ی روزنامه‌فروشی)
- » der Flohmarkt (dêr floh-mârklt) (بازار دست‌دوم‌فروشی و اجناس ارزان، سمساری)

ساعت کار فروشگاه‌ها

در آلمان ساعت کار را قانون اعلام می‌کند. در بیشتر شهرها، فروشگاه‌ها از دوشنبه تا شنبه و از ساعت ۶ صبح تا ۸ شب مشغول به کار هستند. در شهرهای کوچک، برخی از فروشگاه‌ها از ساعت ۱۲ تا ۲ ظهر برای ناهار تعطیل‌اند. انتظار نداشته باشید بانک‌ها بعد از ساعت ۴ بعدازظهر باز باشند با این حال ممکن است بانک‌هایی را نیز پیدا کنید که پنجشنبه‌ها تا ساعت ۶ عصر به کار خود ادامه دهند. روزهای یکشنبه بیشتر کسب‌وکارها تعطیل هستند.



نانوایی‌ها که نان‌های تازه‌ی رولی **Brötchen** (brêrt-Hen) می‌فروشند، استثنا هستند و روزهای یکشنبه نیز به فعالیت خود ادامه می‌دهند. در برخی شهرها که جاذبه‌ی گردشگری دارند، ممکن است برخی فروشگاه‌ها روز یکشنبه هم باز باشند. نمی‌توان فروشگاه‌ی پیدا کرد که مواد لازم ساندویچ را بفروشد؟ سری به پمپ‌بنزین‌های شبانه‌روزی بزنید که طیف وسیعی از خواربار نیز عرضه می‌کنند. همچنین برخی از فروشگاه‌ها در ایستگاه‌های قطار شهرهای بزرگ‌تر هم روزهای یکشنبه باز هستند.



برای آگاهی از ساعت کاری فروشگاه، چنین سؤالاتی بپرسید:

- » Wann öffnen Sie? (vân erf-nen zee?)
(کی (فروشگاه را) باز می‌کنید؟)
- » Wann schließen Sie? (vân shlees-en zee?)
(کی (فروشگاه را) می‌بندید؟)
- » Haben Sie mittags geöffnet? (hah-ben zee mi-tahks ge-erf-net?)
(آیا فروشگاه ظهر باز است؟)

پیدا کردن اقلام مورد نظر در فروشگاه

اگر در یک فروشگاه زنجیره‌ای هستید و می‌خواهید محصول یا بخشی خاص را پیدا کنید، می‌توانید از میز اطلاعات **die Auskunft** (dee ous-koonft) یا میز اطلاعات هستند، پاسخ سؤالات شما را می‌دانند و از طرفی با این کار می‌توانید فرصتی فوق العاده برای تمرین کردن و تقویت مهارت سؤال کردن تان به دست آورید. اگر به دنبال محصول بخصوصی هستید، می‌توانید اسم آن را در قالب یکی از این جملات به زبان بیاورید (فقط کافی است در پایان جمله نام محصول را به صورت جمع اضافه کنید):

» **Wo bekomme ich ...?** (voh be-kom-e iH ...?) (کجا می‌توانم ... بخرم؟)

» **Wo finde ich ...?** (voh fin-de iH ...?) (کجا می‌توانم ... پیدا کنم؟)

وقتی از مسئول اطلاعات سؤال می‌کنید، ممکن است با چنین پاسخی مواجه شوید: **führen wir nicht** (... fuer-en veer niHt) (ما ... را نداریم). شاید هم با استفاده از عبارات زیر، شما را به بخشی مناسبی از فروشگاه راهنمایی کنند:

» **Im Erdgeschoss.** (im ert-ge-shos.) (در طبقه‌ی همکف)

» **Im Untergeschoss.** (im oon-ter-ge-shos.) (در زیرزمین)

» **In der ... Etage.** (in der ... ê-tah-zhe.) (در طبقه‌ی ...)

» **Im ... Stock.** (im ... shtok.) (در طبقه‌ی ...)

» **Eine Etage höher.** (ayn-e ê-tah-zhe her-her.) (در طبقه‌ی بالا)

» **Eine Etage tiefer.** (ayn-e ê-tah-zhe teef-er.) (در طبقه‌ی پایین)

پس طبقه‌ی اول چه شد؟



ظرافت‌های
فرهنگی

آلمانی‌ها (و سایر اروپایی‌ها) در مقایسه با آمریکایی‌ها، نگاه متفاوتی به ساختمان‌ها دارند. آن‌ها طبقه‌ی همکف **das Erdgeschoss** (das ert-ge-shos) را طبقه‌ی اول نمی‌دانند و از طبقه‌ی بالای همکف شروع به شمردن طبقات می‌کنند. بر این اساس، طبقه‌ی دوم در آمریکا همان طبقه‌ی اول در آلمان است و سایر طبقات نیز به همین شکل پیش می‌روند.

اگر می‌خواهید بخشی از یک فروشگاه را ببینید یا دنبال محصول خاصی می‌گردید، می‌توانید از جمله‌ی **Wo finde ich ...?** (voh *fin-de ih* ...?) (کجا می‌توانم ... را پیدا کنم؟) استفاده کنید و یکی از اصطلاحات زیر را در جمله بگنجانید:

- » **die Toiletten** (dee toy-tét-en) (سرویس بهداشتی)
- » **die Herrenabteilung** (dee hér-en-áp-tay-loong) (بخش آقایان)
- » **die Damenabteilung** (dee dah-mên-áp-tay-loong) (بخش بانوان)
- » **die Kinderabteilung** (dee kin-der-áp-tay-loong) (بخش کودکان)
- » **die Schuhabteilung** (dee shoooh-áp-tay-loong)
(بخش مربوط به کفش)
- » **die Schmuckabteilung** (dee shmook-áp-tay-loong)
(بخش مربوط به جواهرفروشی)
- » **den Aufzug / den Fahrstuhl** (deyn ouf-tsook / deyn fâr-shtoohl)
(آسانسور)
- » **die Rolltreppe** (dee rol-trêp-e) (پله‌برقی)

اگر می‌خواهید هنگام درخواست کمک بسیار مؤدب به نظر برسید، همیشه می‌توانید جمله‌ی مؤدبانه‌ی **Entschuldigen Sie bitte** (ent-shool-di-gen zee bi-te) (بی‌بخشید لطفاً) را در ابتدا بیان کنید. مثل جمله‌ی زیر:

Entschuldigen Sie bitte, wo ist die Rolltreppe? (ent-shool-di-gen zee bi-te, voh ist dee rol-trêp-e?) (بی‌بخشید، پله‌برقی کجاست؟)

برای مشاهده‌ی جزئیات بیشتر درباره‌ی اصطلاحات مؤدبانه، به فصل ۳ رجوع کنید.



نگاهی به کالاها ببندازید

شاید گاهی دلتان بخواهد به‌تنهایی در فروشگاه قدم بزنید و نگاهی به محصولات بیندازید، بدون اینکه کسی مزاحمتان شود. با این حال ممکن است فروشندگان به سراغتان بیایند و بخواهند با بیان جملات زیر به شما کمک کنند:

Suchen Sie etwas Bestimmtes? (zooht-en zee et-vâs be-shîm-tes?) (دنبال چیز خاصی می‌گردید؟)

Kann ich Ihnen behilflich sein? (kân ih eehn-en be-hîlf-lih zayn?) (می‌توانم کمکتان کنم؟)

اگر فقط می‌خواهید نگاهی بیندازید، با بیان جمله‌ی زیر می‌توانید به‌شکلی مؤدبانه پیشنهاد کمک را رد کنید:

Ich möchte mich nur umsehen. (IH merH-te miH noohr oom-zey-en.)
(فقط می‌خواهم نگاهی به اطراف بیندازم.)

فروشنده احتمالاً با بیان جملات زیر به شما می‌گوید که هیچ ایرادی ندارد اگر بخواهید فقط نگاه کنید:

Aber natürlich. Sagen Sie Bescheid, wenn Sie eine Frage haben.
(ah-ber nâ-tuer-liH. zah-gen zee be-shayt, vên zee ayn-e frah-ge hah-ben.)
(البته، اگر سؤالی داشتید، از من بپرسید.)

Rufen Sie mich, wenn Sie eine Frage haben. (rooh-fen zee miH, vên zee ayn-e frah-ge hah-ben.)
(اگر سؤالی داشتید، مرا صدا کنید.)

کمک گرفتن حین خرید

گاهی ممکن است هنگام خرید به کمک احتیاج داشته باشید. در ادامه چند جمله‌ی کاربردی را می‌بینید که ممکن است بشنوید یا خودتان بیان کنید:

Würden Sie mir bitte helfen? Ich suche ... (vuer-den zee meer bi-te héf-fen. iH zoohH-e ...)
(لطفاً به من کمک می‌کنید؟ دنبال ... می‌گردم.)

Aber gern, hier entlang bitte. (ah-ber gêm, heer ént-lâng bi-te.)
(البته، از این طرف لطفاً.)

Welche Größe suchen Sie? (vêl-He grer-se zoohH-en zee?)
(تنبال چه سایزی می‌گردید؟)

Haben Sie so etwas in Größe ...? (hah-ben zee zoh ét-vâs in grer-se ...?)
(آیا از این مثل، سایز ... دارید؟)

Wie gefällt Ihnen diese Farbe? (vee ge-fêlt een-en deez-e fâr-be?)
(این رنگ را دوست دارید؟)

بیشتر فروشندگان در اتریش، آلمان و سوئیس صلاحیت و دانش کافی برای فروش را دارند. یکی از دلایل آن، سیستم آموزشی است. فروش هم مثل سایر رشته‌ها، معمولاً دوره‌ی آموزشی سه‌ساله‌ی تجارت به‌همراه کارورزی دارد.



ظرفیت‌های
فرهنگی

واژگان

der Aufzug	dêr <u>ouf</u> -tsook	آسانسور
die Rolltreppe	dee <u>rol</u> -trêp-e	پله برقی
die Abteilung	dee âb-tay-loong	بخش، دپارتمان
hier entlang	heer <u>ênt</u> -lâng	از این طرف
gefallen	gê-fâl-en	دوست داشتن، خوش آمدن
die Größe	dee grêr-se	اندازه
die Farbe	dee fâr-be	رنگ

خرید لباس

وقتی برای خرید لباس بیرون می‌روید، باید تصمیم بگیرید که چه نوع لباسی، چه رنگی، چه اندازه‌ای و البته با چه قیمتی می‌خواهید. بسیاری از اصطلاحات مربوط به لباس برای هر دو جنس کاربرد دارد و سایر اصطلاحات یا برای لباس‌های زنانه به کار می‌روند یا مردانه.

برخی از لباس‌های زنانه عبارت‌اند از:

- » die Bluse (dee blooh-ze) (بلوز)
- » das Kleid (dâs klayt) (پیراهن)
- » das Kostüm (dâs kos-tuem) (کت‌ودامن)
- » der Hosenanzug (dêr hoh-zen-ân-tsook) (کت‌شلوار)
- » der Rock (dêr rok) (دامن)

کلمات زیر معمولاً مربوط به لباس‌های مردانه است:

- » die Krawatte (dee krâ-vât-e) (کراوات)
- » der Anzug (dêr ân-tsook) (کت‌شلوار)

لباس‌هایی که هم مردان و هم زنان می‌توانند بپوشند:

» der Pullover, der Pulli (dér poo-loh-ver, dér poo-lee) (پلیور)

» die Strickjacke (dee shtrik-yâ-ke) (ژاکت کش‌یاف پشمی)

» das Jackett, die Jacke (dâs jhâ-kêf, dee yâ-ke) (جاکتشن)

» der Blazer (dér bley-zer) (کت بلیزر)

» die Weste (dee vês-te) (جلیقه)

» die Schuhe (dee shooh-e) (کفش)

» der Mantel (dér mân-tel) (کت)

» die Hose (dee hoh-ze) (شلوار)

» das Hemd (dâs hêmt) (پیراهن)

» das T-Shirt (dâs T-shirt [تلفظ مانند انگلیسی]) (تی‌شرت)

لباس‌های فهرست‌های پیش‌گفته جنس‌ها و طرح‌های متفاوتی دارند؛ از جمله:

» die Seide (dee zay-de) (ابریشم)

» die Wolle (dee vol-e) (پشم)

» die Baumwolle (dee boum-vol-e) (پنبه)

» das Leinen (dâs layn-en) (کتان)

» das Leder (dâs ley-der) (چرم)

» gestreift (ge-shtrayff) (راه‌راه)

» kariert (kâr-eert) (چهارخانه)

» bunt (boont) (رنگارنگ)

» gepunktet (ge-poonk-tet) (خال‌خال)

» einfarbig (ayn-fâr-biH) (تک‌رنگ)

» sportlich (shport-liH) (ورزشی، غیررسمی)

» elegant (ê-le-gânf) (شیک)

در شکل ۹-۱ نام آلمانی انواع لباس‌ها را می‌بینید.



شکل ۱-۱
انواع رایج لباس

آشنایی با رنگ‌ها

رنگ‌های **Farben** (fär-ben) اصلی عبارت‌اند از:

- » schwarz (shvårts) (مشکی)
- » weiß (vays) (سفید)
- » rot (roht) (قرمز)
- » grün (gruen) (سبز)
- » gelb (gêlp) (زرد)
- » braun (brown [تلفظاً مانند انگلیسی]) (قهوه‌ای)
- » lila (lee-lâ) (بنفش)
- » orange (o-rânc) (نارنجی)
- » grau (grou) (خاکستری)
- » blau (blou) (آبی)

این کلمات مربوط به رنگ همگی صفت هستند. برای اینکه بدانید چطور آن‌ها را در عبارات و جملات بگنجانید، فصل ۲ را ببینید.

دانستن سایز خود

پیدا کردن لباس با اندازه‌ی مناسب ممکن است در هر موقعیت خریدی مشکل ساز شود. جدول‌های زیر راهنمای مفیدی برای کمک به شما هستند.

معادل‌های نسبی برای سایز لباس بانوان:

آمریکا	۴	۶	۸	۱۰	۱۲	۱۴	۱۶	۱۸	۲۰
آلمان	۳۴	۳۶	۳۸	۴۰	۴۲	۴۴	۴۶	۴۸	۵۰

معادل‌های سایز کاپشن و کتشلوار مردانه:

آمریکا	۳۸	۴۰	۴۲	۴۴	۴۶	۴۸	۵۰
آلمان	۴۸	۵۰	۵۲	۵۴	۵۶	۵۸	۶۰

بیایید کمی صحبت کنیم

خانم شولته در بخش مخصوص بانوان یک فروشگاه است و می‌خواهد یک بلوز بخرد. او از یک فروشنده‌ی خانم کمک می‌گیرد. (نمونه‌ی صوتی ۲۰)



نمونه صوتی

Verkäuferin: **Kann ich Ihnen behilflich sein?**

kân ih een-en be-hîlf-lîhl zayn?

فروشنده‌ی خانم: می‌توانم کمکتان کنم؟

Frau Schulte: **Ja bitte. Ich suche eine Bluse.**

yah bi-te. ih zoohH-e ayn-e blooh-ze.

خانم شولته: بله لطفاً. دنبال یک بلوز می‌گردم.

Verkäuferin: **Hier entlang, bitte. Welche Farbe soll es denn sein?**

heer ênt-lang, bi-te. vêllH-e fâr-be zol ês dên zayn?

فروشنده‌ی خانم: از این طرف لطفاً. چه رنگی می‌خواهید؟

Frau Schulte: **Weiß.**

Vays.

خانم شولته: سفید.

Verkäuferin: **Suchen Sie etwas Lässiges?**

zoohH-en zee êt-vâs lês-ee-ges?

فروشنده‌ی خانم: دنبال بلوز راحتی هستید؟

Frau Schulte: **Nein, eher etwas Elegantes.**

nayn, ê-her êt-vâs ey-le-gân-tes.

خانم شولته: نه، یک چیز شیک می‌خواهم.

Verkäuferin: **Gut. Welche Größe haben Sie?**

gooht. vêlH-e grer-se hah-ben zee?

فروشنده‌ی خانم: خوب است. سایزتان چیست؟

Frau Schulte: **Größe 38.**

grer-se âHt-oon-dray-siH.

خانم شولته: سایز ۳۸.

Verkäuferin: **Wie gefällt Ihnen dieses Modell?**

vee ge-fêlt een-en deez-es mo-dêl?

فروشنده‌ی خانم: از این مدل خوشتان می‌آید؟

Frau Schulte: **Sehr gut.**

zeyr gooht.

خانم شولته: خیلی.

پرو کردن لباس

وقتی لباسی پیدا می‌کنید که خوب به نظر می‌رسد، احتمالاً می‌خواهید آن را امتحان کنید. در چنین شرایطی، می‌توانید از فروشنده سؤال زیر را بپرسید و نام لباس مدنظر را در جای خالی قرار دهید:

Kann ich ... anprobieren? (kân iH ... ân-pro-bee-ren?)

(می‌توانم ... را امتحان کنم؟)

یا ممکن است فروشنده سؤال شما را پیش‌بینی کند و بپرسد:

Möchten Sie ... anprobieren? (mêHt-ten zee ... ân-pro-bee-ren?)

(مایلید ... را پرو کنید؟)

در هر دو صورت، مرحله‌ی بعدی این است که به اتاق پرو بروید. می‌توانید مکان آن را با این سؤال جویا شوید:

Wo sind die Umkleidekabinen? (voh zint dee oom-klay-de-kâ-been-en?) (اتاق‌های پرو کجا هستند؟)

بعد از اینکه لباس موردنظرتان را پوشیدید، فروشنده احتمالاً یکی از سؤالات زیر را از شما می‌پرسد تا نظرتان را در مورد آن لباس بداند:

Passt ...? (pâst ...?) (آیا ... اندازه است؟)

Wie passt Ihnen ...? (wie pâst een-en ...?)

(... چگونه است؟ اندازه است؟)

Gefällt Ihnen ...? (ge-félt een-en ...?) (از ... خوشتان می‌آید؟)

می‌توانید با توجه به لباس موردنظرتان، با هر کدام از جملات زیر به سؤال فروشنده پاسخ دهید:

Nein, ... ist zu lang / kurz / eng / weit / groß / klein. (nayn, ... ist

tsooh lâng / koorts / êng / vayt / grohs / klây.)

(نه، ... خیلی بلند/کوتاه/تنگ/گشاد/بزرگ/کوچک است.)

Können Sie mir eine andere Größe bringen? (kern-en zee meer

ayn-e ân-de-re grer-se bring-en?) (می‌توانید سایز دیگری برایم بیاورید؟)

... passt sehr gut. (... pâst zeyr gooht.) (کاملاً اندازه‌ام است.)

... steht mir. (... shteyt meer.) (... به من می‌آید.)

... gefällt mir. (... ge-félt meer.) (از ... خوشم می‌آید.)

Ich nehme ... (IH ney-me ...) (... را می‌خواهم.)

واژگان

(zu) eng	(tsooh) êng	(خیلی) تنگ
weit	vayt	گشاد
lang	lâng	بلند
kurz	koorts	کوتاه
groß	grohs	بزرگ
klein	klây	کوچک

das Modell	dās mo-dêl	مدل، سبک
anprobieren	ân-pro-bee-ren	پرو کردن
bringen	bring-en	آوردن
passen	pās-en	اندازه بودن
stehen	stey-en	مناسب بودن
gefallen	ge-fâl-en	علاقه داشتن، دوست داشتن
gefällt mir	ge-fêlt meer	دوست دارم، خوشم می آید
die Umkleidekabine	dee oom-klay-de-kâ-been-e	اتاق پرو
kaufen	kouf-en	خریدن

بیایید کمی صحبت کنیم

خانم شولته، بلوزی را که فروشنده‌ی خاتم به او نشان داد پسندیده و می‌خواهد آن را پرو کند. مکالمه‌ی احتمالی آن‌ها چنین پیش می‌رود.
(نمونه‌ی صوتی ۲۱)



گوشه دهید

Frau Schulte: **Ich möchte diese Bluse anprobieren. Wo sind die Umkleidekabinen, bitte?**

iH merH-te deez-e blooh-ze ân-pro-bee-ren.
voh zint dee oom-klay-de-kâ-been-en, bi-te?

خانم شولته: می‌خواهم این بلوز را امتحان کنم. اتاق پرو کجاست؟

Verkäuferin: **Ja, natürlich. Da drüben sind die Umkleidekabinen.**

yah, nâ-tuer-liH. dâ drue-ben zint dee oom-klay-de-kâ-been-en.

فروشنده‌ی خانم: البته. اتاق پرو آنجاست.

(چند دقیقه بعد خانم شولته باز می‌گردد.)

Verkäuferin: **Passt die Bluse?**
pâst dee blooh-ze?

فروشنده‌ی خانم: بلوز اندازه‌تان بود؟

Frau Schulte: **Ja. Ich nehme die Bluse.**
yah. iH ney-me dee blooh-ze.

خانم شولته: بله، این بلوز را می‌خواهم.

پرداخت هزینه

اغلب اوقات هنگام خرید، روی هر محصول برچسب قیمت می‌بینید. این قیمت، مبلغی است که باید به صندوق بپردازید و شامل مالیات فروش یا همان مالیات بر ارزش افزوده نیز می‌شود. به این مالیات در زبان آلمانی **die Mehrwertsteuer (Mwst)** (dee mër-vèrt-shtoy-er) گفته می‌شود.

اگر شما در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا اقامت ندارید، معمولاً وقتی از این کشورها خارج می‌شوید، می‌توانید مالیات بر ارزش افزوده‌ی پرداخت‌شده‌تان را پس بگیرید. عمل بازپس‌گیری مالیات بر ارزش افزوده را **die Mehrwertsteuerrückerstattung** (dee mër-vèrt-shtoy-er-ruek-ër-shtât-oong) می‌گویند. اگرچه معادل آلمانی بازپس‌گیری مالیات کمی ترسناک به نظر می‌رسد، فرایند بازپس‌گیری معمولاً ساده است. فقط کافی است هنگام پرداخت پول، فرم مربوط به بازپس‌گیری مالیات را از صندوقدار بگیرید. رسید همه‌ی محصولات خریداری‌شده و همچنین فرم‌ها را نگه دارید تا بتوانید در فرودگاه، قبل از خروج از اتحادیه‌ی اروپا، هزینه‌های پرداخت‌شده‌تان را از مأمور مالیات دریافت کنید. (چون باید محصولات خریداری‌شده را به او نشان دهید، حواستان باشد آن‌ها را در چمدانی که می‌خواهید به قسمت بار هواپیما بدهید، نگذارید!)

گاهی مجبور می‌شوید قیمت **der Preis** (dër prays) یک کالا را سؤال کنید. احتمال دارد برچسب‌های قیمت، به‌دلیل کوچک‌بودن بیفتند یا ناخوانا باشند، به‌ویژه اگر با دست نوشته شده باشند. این مسئله را هم در نظر داشته باشید که عدد ۱ در زبان آلمانی، اگر بدخط نوشته شود، شبیه عدد ۷ انگلیسی است. اما نگران نباشید. می‌توانید با جملات ساده‌ی زیر درباره‌ی قیمت سؤال کنید:

Was kostet ...? (vàs kos-tet ...?) (قیمت ... چقدر است؟)

Wie viel kostet ...? (vee feel kos-tet ...?) (قیمت ... چقدر است؟)



راهنمایی

واژگان

kosten	<u>kos</u> -ten	قیمت‌داشتن
der Preis	dër prays	قیمت
die Mehrwertsteuer (Mwst)	dee mër-vért- shtoy-er	مالیات بر ارزش افزوده
die Mehrwertsteuerrück- erstattung	dee mër-vért- shtoy-er-ruek-ër- shtât-oong	بازپس‌گیری مالیات بر ارزش افزوده

بیایید کمی صحبت کنیم

خانم شولته به‌طرف صندوق می‌رود تا هزینه‌ی کالایی را که خریده پرداخت کند. مکالمه‌ی او با صندوقدار این‌گونه خواهد بود:

Kassiererin: **Das macht 49 Euro.**
dâs mâht noyn-oont-feer-tsih oy-roh.
صندوقدار: ۴۹ یورو، لطفاً.

Frau Schulte: **Nehmen Sie Kreditkarten?**
ney-men see krey-dît-kâr-ten?
خانم شولته: می‌توانم با کارت اعتباری پرداخت کنم؟

Kassiererin: **Kein Problem.**
kayn pro-bleym.
صندوقدار: ایرادی ندارد.

Frau Schulte: **Hier bitte.**
heer bi-te.
خانم شولته: بفرمایید.

Kassiererin: **Danke. Würden Sie bitte unterschreiben?
Und hier ist Ihre Quittung.**
dân-ke, wuer-den zee bi-te un-ter-schray-ben?
oont heer ist eer-e kvit-oong.
صندوقدار: متشکرم. لطفاً اینجا را امضا می‌کنید؟ این
هم رسیدتان.

مقایسه کردن اشیا با یکدیگر

وقتی مشغول خرید چیزی برای خود یا دیگران هستید، مقایسه کردن کالاها با یکدیگر مهم می‌شود. در زبان انگلیسی، وقتی می‌خواهید دو چیز را با هم مقایسه کنید، از کلمه‌ی "than" و صفت یا قید مناسب استفاده می‌کنید. مقایسه کردن در زبان آلمانی نیز دقیقاً به همین شکل است. فقط به کلمه‌ی **als** (آلز) و صفت یا قید مناسب نیاز دارید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

» **Die braunen Schuhe sind billiger als die schwarzen.** (dee

broun-en shooh-e zint bil-ee-ger âls dee shvârts-en.)

(کفش‌های قهوه‌ای ارزان‌تر از (کفش‌های) مشکی هستند)

» **Das blaue Kleid gefällt mir besser als das Rote.** (dâs blou-e

klayt ge-fêlt meer bês-er âls dâs roh-te.)

(من پیراهن آبی را بیشتر از (پیراهن) قرمز دوست دارم.)

» **Dieses Geschäft hat modischere Kleidung als das Andere**

gegenüber. (deez-es ge-shêft hât moh-dish-er-e klay-doong âls

dâs ân-dêre gey-gen-ue-ber.)

(لباس‌های این فروشگاه شیک‌تر از فروشگاه روبه‌رویی است.)



کلمه‌ی آلمانی مناسب برای هر بخش فروشگاه را در کنار شماره‌ی طبقه‌ی مربوط به آن بنویسید. جملات زیر را بخوانید و مشخص کنید هر بخش، مربوط به کدام طبقه است. توجه کنید که جمله‌ی A سرنخی برای جمله‌ی B و جمله‌ی C سرنخی برای جمله‌ی D به حساب می‌آید و همین‌طور ادامه می‌یابد. (راهنمایی: **Erdgeschoss** در آمریکای شمالی همان طبقه‌ی اول است، **1. Etage** در آمریکای شمالی طبقه‌ی دوم است و به همین ترتیب پیش می‌رود، **Untergeschoss** معادل آلمانی زیرزمین است.)

- A. Sie finden Schuhe im vierten Stock, und ...
- B. ... die Kinderabteilung ist eine Etage tiefer.
- C. Der Supermarkt ist im Untergeschoss, und ...
- D. ... die Schmuckabteilung ist eine Etage höher.
- E. Steve Jobs & Bill Gates sind im sechsten Stock, und ...
- F. ... das Restaurant ist eine Etage höher.
- G. Die Herrenabteilung ist im zweiten Stock, und ...
- H. ... die Damenabteilung ist eine Etage tiefer.
- I. TV/Telekommunikation sind im fünften Stock.

نقشه‌ی فروشگاه سلوما

Etage/Stock (طبقه)	Abteilung (بخش)
7	_____
6	_____
5	_____
4	_____
3	_____
2	_____
1	_____
Erdgeschoss	_____
Untergeschoss	_____

«تصمیم‌گیری درباره‌ی مکان گشت‌وگذار»

«صحبت‌کردن درباره‌ی رویدادی که در آن حضور داشتید»

«رفتن به کنسرت، نمایشگاه هنری یا مهمانی»

فصل ۱۰

گشت‌وگذار در شهر

در آلمان و سایر کشورهای اروپایی، رویدادهای فرهنگی زیادی رخ می‌دهد. نه تنها بودجه‌ی کشوری و ایالتی به حمایت از هنر اختصاص داده می‌شود، بلکه اروپایی‌ها نیز تلاش زیادی برای به‌نمایش گذاشتن دارایی‌های فرهنگی‌شان انجام می‌دهند. برای اینکه کمی از سلیقه‌ی فرهنگی آلمانی‌ها سر درآورید، رسانه‌ها را دنبال کنید تا متوجه شوید چه برنامه‌هایی در حال اجرا هستند. علاوه بر وبگاه‌های محلی، روزنامه‌ها و سایر رسانه‌های محلی به‌صورت هفتگی و با چاپ‌کردن **Veranstaltungskalender** (fēr-ən-shtəl-toongs-kā-len-der) (تقویم رویدادها) برنامه‌ها، اطلاع‌رسانی می‌کنند.

ما یلید چه کاری انجام دهید؟

گاهی دوست دارید تنهایی بیرون بروید و گاهی نیز ما یلید شخص دیگری همراهی‌تان کند. اگر قصد دارید با کسی بیرون بروید و ایده‌هایتان درمورد نحوه‌ی گشت‌وگذار را با او در میان بگذارید، از او بپرسید:

Was wollen wir unternehmen? (vās vol-en veer oon-ter-ney-men?)

(چه کار کنیم؟ / چه برنامه‌ای بریزیم؟)

اگر می‌خواهید از برنامه‌های شخصی دیگری مطلع شوید، از جملات زیر استفاده کنید. وقتی هم که می‌خواهید بدانید شخصی وقت خالی دارد یا نه، می‌توانید آن‌ها را به کار ببرید:

Haben Sie (heute Abend) etwas vor? (hah-ben zee [hoy-te ah-bênt]

ët-vās fohr?) (آیا / برای امشب / برنامه‌ای دارید؟)

Haben Sie (heute Abend) Zeit? (*hah-ben zee [hoy-te ah-bënt] tsayt*)
(آیا برای امشب وقت خالی دارید؟)

Hast du (morgen Vormittag) etwas vor? (*hâst dooh [mor-gen fohr-mi-tahk] et-vâs fohr?*) (آیا برای فردا قبل از ظهر برنامه‌ای داری؟)

از شکل رسمی **Sie** (zee) (شما) وقتی استفاده کنید که با مخاطبان صمیمی نیستید و شکل غیررسمی **du** (doo) (تو) را زمانی به کار ببرید که با کسی احساس نزدیکی و صمیمیت می‌کنید.



به خاطر بسازید

رفتن به سینما

وقتی می‌خواهید به فردی بگویید مایلید سینما بروید، از جملات زیر استفاده کنید:

Ich möchte ins Kino gehen. (*ih merht-te ins kee-noh gey-en.*)
(من مایلیم به سینما بروم.)

Ich möchte einen Film sehen. (*ih merht-te ayn-en film zey-en.*)
(من دوست دارم یک فیلم ببینم.)

دیدن فیلم به زبانی که در حال یادگیری‌اش هستید، روشی عالی برای آشن شدن گوشتان با صداهای آن زبان است. همچنین می‌توانید درک خوبی از گویش‌های مختلف پیدا کنید. افراد بسیاری در سراسر دنیا با تماشای فیلم‌های آمریکایی به تمرین و یادگیری زبان انگلیسی می‌پردازند.



راهنمایی

تماشای فیلم

دیدن وبگاه‌ها، راهنماهای هفتگی محلی یا فهرست روزنامه‌ها، بهترین گزینه برای آگاهی از فهرست فیلم‌های در حال نمایش است. این فهرست‌ها معمولاً همه چیز را در مورد **die Vorstellung** (*dee fohr-stël-oong*) (نمایش) به شما می‌گویند: اینکه چه فیلمی در چه زمان و چه مکانی به نمایش درمی‌آید، کدام بازیگران در آن فیلم بازی می‌کنند و آیا فیلم **im Original** (*im o-ri-gi-nahl*) (به زبان اصلی) پخش می‌شود یا نه. اصطلاح **OmU** مخفف **Original mit Untertiteln** (*o-ri-gi-nahl mit oon-tër-ti-teln*) (زبان اصلی به همراه زیرنویس) و کلمه‌ی **synchronisiert** (*zynkro-nee-zeert*) به معنای «دوبله» است. [کادر خاکستری «چه صدای عجیبی داری» را در ادامه بخوانید تا بیشتر با زبان‌ها در فیلم آشنا شوید.]

اگر به اینترنت یا سایر منابع اطلاعاتی دسترسی ندارید، جملات زیر می‌تواند در

پرسیدن سؤالاتی درباره‌ی فیلم‌ها به شما کمک کند:

In welchem Kino läuft ...? (in vèlH-èm kee-noh loyft ...?)

(فیلم ... در کدام سینما اکران می‌شود؟)

Um wie viel Uhr beginnt die Vorstellung? (oom vee feel oohr be-gint

dee fohr-stèl-oong?) (نمایش چه ساعتی شروع می‌شود؟)

Läuft der Film im Original oder ist er synchronisiert? (loyft dêr

film im o-ri-gi-nahl oh-der ist êr zyn-kro-nee-zeert?)

(/یا فیلم به زبان اصلی پخش می‌شود یا دوبله شده است؟)

چه صدای عجیبی داری



بیشتر فیلم‌های خارجی‌ای که در آلمان به نمایش درمی‌آیند به زبان آلمانی دوبله می‌شوند، اگرچه برخی از سالن‌های نمایش فیلم به‌ویژه سالن‌های کوچک و خصوصی، مخصوص نمایش فیلم‌های خارجی به زبان اصلی و با زیرنویس آلمانی هستند: (o-ri-gi-nahl-fàs-oong mit dey-chen-cos-têr-ê-tein) **Originalfassung mit deutschen Untertiteln** (نسخه‌ی اصلی با زیرنویس آلمانی). پس اگر حوصله‌ی شنیدن دوباره‌ی صنای دوبله‌شده‌ی بازیگران هالیوودی را ندارید می‌توانید نسخه‌ی دوبله‌نشده‌ی فیلم را پیدا کنید یا سراغ فیلم‌هایی بروید که زبان‌شان آلمانی است. اگر می‌خواهید به دیدن فیلم‌های آمریکایی (o-ri-gi-nahl-fàs-oong mit oon-têr-ê-tein) **Originalfassung mit Untertiteln** (نسخه‌ی اصلی با زیرنویس) بروید، این شانس را دارید که هنگام شنیدن زبان انگلیسی، ترجمه‌ی جملات را به زبان آلمانی بخوانید و احتمالاً چند اصطلاح کاربردی یاد بگیرید.

خرید بلیت

هنگام خرید بلیت اپراه سینما یا موزه می‌توانید از جمله‌ی زیر استفاده کنید:

Ich möchte (zwei) Karten / Eintrittskarten für ... (iH merH-te [tsvay]

kâr-ten / ayn-trits-kâr-ten fuer ...) (من / دو / بلیت برای ... می‌خواهم.)

بعد از خرید بلیت می‌توانید از متصدی فروش بلیت نیز کمی اطلاعات بگیرید؛ از جمله:

Die Vorstellung hat schon begonnen. (dee fohr-shtêl-oong hât shon

be-gon-en.) (نمایش شروع شده است.)

Die ... -Uhr-Vorstellung ist leider ausverkauft. (dee ... -oohr-fohr-

stêl-oong ist lay-der ous-fêr-kouft.)

(متأسفانه بلیت‌های نمایش ساعت ... تمام شده است.)

Wir haben noch Karten für die Vorstellung um ... Uhr. (veer hah-ben noH kâr-ten fuer dee fohr-shtêl-oong oom ... oohr.)

(هنوز برای نمایش ساعت ... بلیت داریم)

می‌توان از این جملات برای هر نوع نمایش یا برنامه‌ای، نه فقط نمایش فیلم، استفاده کرد

بیایید کمی صحبت کنیم

آنتیه با دوستش رابرت تلفنی صحبت می‌کند. آنتیه می‌خواهد به سینما برود. او بعد از سلام و احوالپرسی، سراغ اصل مطلب می‌رود. (نمونه‌ی صوتی ۲۲)



گوشه دهید

Antje: Der neue Zeichentrickfilm von Pixar Studios soll super witzig sein.

dêr noy-e tsayH-en-trik-film fon pix-ahr shtooH-dee-ohs sol sooh-per vits-eeH zayn.

آنتیه: انیمیشن جدید شرکت پیکسار باید خیلی خنده‌دار باشد.

Robert: Wann willst du gehen?
vân vilst dooh gey-en?

رابرت: کی می‌خواهی بروی؟

Antje: Morgen Abend habe ich Zeit.
mor-gen ah-bênt hah-be iH tsayt.

آنتیه: من فردا شب وقت دارم.

Robert: Morgen passt mir auch. In welchem Kino läuft der Film?
mor-gen pâst meer ouH. in vêH-êM kee-noh loyft dêr film?

رابرت: فردا برای من هم خوب است. کدام سینما این فیلم را پخش می‌کند؟

Antje: Im Hansatheater. Die Vorstellung beginnt um 8 Uhr.
im hân-sâ-tey-ah-ter. dee fohr-shtêl-oong be-gint oom âHt oohr.

آنتیه: سینما هانسا. نمایش ساعت ۸ شروع می‌شود.

Robert: **Gut, treffen wir uns um Viertel vor acht vor dem Kino.**

gooht, trêf-en veer oons oom fir-tel fohr âht fohr deym kee-noh.

آنتیه: بسیار خوب. پس قرارمان ساعت یک ربع به هشت جلوی سینما.

Antje: **Prima. Bis morgen dann.**

pree-mâ. bis mor-gen dâh.

آنتیه: عالی است! پس تا فردا.

واژگان

das Kino	dâs kee-no	سینما
der Spielfilm	dêr shpeel-film	فیلم اصلی (در حال اکران در یک سینما)، فیلم بلند
die Vorstellung	dee fohr-shtêl-oong	نمایش
die Karte	dee kâr-te	بلیت
die Eintrittskarte	dee ayn-trits-kâr-te	بلیت ورودی
witzig	vits-eeH	بامزه
sehen	zey-en	دیدن
laufen	louf-en	نمایش دادن

دو معادل آلمانی کلمه‌ی «بلیت» (نمایش): **Karte** و **Eintrittskarte** هستند. تنها تفاوت آن‌ها این است که **Eintrittskarte** کلمه‌ای مرکب است و به شکل تحت‌اللفظی بلیت ورودی معنا می‌شود. در زبان آلمانی با کلمات مرکب بسیاری مواجه می‌شوید که اغلب ترکیبی از دو کلمه هستند؛ مثلاً همین کلمه که ترکیبی از **Karte** و **Eintritt(s)** است.



نکات دستوری

زمان گذشته‌ی ساده‌ی فعل “Sein”

در فصل ۲ درمورد زمان حال فعل **sein** (zayn) صحبت کردیم: **Ich bin ... / du bist ...** (ih bin ... / dooh bist ...) (من... هستم/تو... هستی).
وقتی با جملاتی مانند (من... بودم / تو... بودی / آن‌ها... بودند) درمورد مسائلی صحبت می‌کنیم که در گذشته رخ داده‌اند، باید فعل **sein** را در زمان گذشته‌ی ساده به کار ببریم. گذشته‌ی ساده‌ی این فعل چنین است:

صرف فعل	تلفظ
ich war	ih vahr
du warst	dooh vârst
Sie waren	zee vah-ren
er, sie, es war	êr, zee, es vahr
wir waren	veer vah-ren
ihr wart	eer vârt
Sie waren	zee vah-ren
sie waren	zee vah-ren

می‌توانید از گذشته‌ی ساده‌ی فعل **sein** برای بیان ایده‌ها و سوالات مختلف استفاده کنید. به مثال‌های زیر توجه کنید:

Ich war gestern im Kino. (ih vahr gês-tern im kee-noh.)

(من دیروز سینما بودم.)

Wie war der Film? (vee vahr dêr film?) (فیلم چطور بود؟)

Wir waren heute Morgen im Kunstmuseum. (veer vah-ren hoy-te mor-gen im koonst-moo-sey-oom.) (ما امروز صبح موزه‌ی هنر بودیم.)

تعطیلی روزهای دوشنبه



ظرافت‌های
فرهنگی

قابل‌توجه دوستانداران موزه: موزه‌های آلمان، مانند بسیاری از موزه‌ها و مراکز فرهنگی اروپایی، روزهای دوشنبه تعطیل هستند: **montags geschlossen** (mohn-tahks ge-shlos-en). سایر موزه‌ها نیز روزهای سه‌شنبه **dienstags** (deens-tahks) تعطیل‌اند. قبل از رفتن به این مراکز حتماً **die Öffnungszeiten** (dee erf-noongs-tsay-en) (ساعات کار)شان را بررسی کنید.

Warst du letzte Woche in Wien? (vårst dooh léts-te voH-e in veen?)

(آیا هفته‌ی پیش وین بودی؟)

Wo waren Sie am Freitag? (vo vah-ren zee àm fray-tahk?)

(جمعه کجا بودید؟)

رفتن به موزه

موزه‌ها در آلمان از دیرباز موردتوجه بوده‌اند. موزه‌های مشهور بسیاری در این کشور وجود دارد. بسیاری از این موزه‌ها بودجه‌های دولتی و ایالتی دریافت می‌کنند و در نتیجه اغلب، هزینه‌ی بلیت ورودی‌شان بسیار کم است.

اگر به هنر علاقه‌مندید، فراموش نکنید به **Kunstmuseum** (koonst-moo-sey-oom) (موزه‌ی هنر) سر بزنید. اگر می‌خواهید اطلاعات بیشتری درباره‌ی سبک زندگی سنتی منطقه‌ای خاص به دست آورید، به **Freilichtmuseum** (fray-leeHt-moo-sey-oom) (موزه‌ی فضای باز) بروید. در مونیخ و چند شهر دیگر برای هر چیزی که فکرتان را بکشد، از جمله **Biermuseum** (beer-moo-sey-um) (موزه‌ی آبجو)، موزه پیدا می‌کنید!

وقتی می‌خواهید به یک **Ausstellung** (ous-shtêl-oong) (نمایشگاه) بروید، جملات زیر به کارتان می‌آید:

Ich möchte ins Museum gehen. (iH merH-te ins moo-sey-oom gey-en.)

(من می‌ایم به موزه بروم.)

Ich möchte die... Ausstellung sehen. (iH merH-te dee... ous-shtêl-oong zey-en.) (می‌ایم نمایشگاه ... را ببینم.)

In welchem Museum läuft die... Ausstellung? (in vêlH-em moo-sey-oom loyft dee... ous-shtêl-oong?) (نمایشگاه ... در کدام موزه برگزار می‌شود؟)

Ist das Museum montags geöffnet? (ist dās moo-sey-oom mohn-tahks ge-erf-net?) (آیا موزه در روزهای دوشنبه باز است؟)

Um wie viel Uhr öffnet das Museum? (oom vee-feel oohr erf-net dās moo-sey-oom?) (موزه ساعت چند باز می‌شود؟)

Gibt es eine Sonderausstellung? (gipt ês ayn-e zon-der-ous-shtêl-oong?) (آیا نمایشگاه خاصی وجود دارد؟)



بیا یاد کمی صحبت کنیم

یان و مونا برای رفتن به موزه برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها دوستان اینگو را هم دعوت می‌کنند تا با آن‌ها همراه شود.

Jan: **Hallo, Ingo. Wir wollen morgen ins Städtische Museum.**

hā-lo, in-go. veer vol-en mor-gen ins shtē-ti-she moo-sey-oom.

یان: سلام اینگو. ما می‌خواهیم فردا به موزه‌ی شهر برویم.

Mona: **Wir wollen uns die Ausstellung über die Bronzezeit ansehen. Kommst du mit?**

veer vol-en oons dee ous-shtēl-oong ue-ber dee bron-tse-tsayt ān-zey-en. komst dooh mit?

مونا: می‌خواهیم نمایشگاه مربوط به عصر برنز را ببینیم. تو هم می‌آیی؟

Ingo: **Hmm, ich weiß nicht. Die Ausstellung habe ich schon letzte Woche gesehen.**

hmm, iH vays niht. dee ous-shtēl-oong hah-be iH shohn lets-te voll-e ge-zey-en.

اینگو: ممم، نمی‌دانم. من هفته‌ی پیش این نمایشگاه را دیدم.

Mona: **Hat sie dir gefallen?**

hāt zee deer ge-fāl-en?

مونا: دوستش داشتی؟

Ingo: **Ja. Vielleicht komme ich noch einmal mit.**

yah. fee-layht kom-e iH noH ayn-mahl mit.

اینگو: بله. شاید یک بار دیگر هم بیایم.

Jan: **Wir wollen morgen um 10.00 Uhr in die Ausstellung.**

veer vol-en mor-gen oom tsey-n oohr in dee ous-shtēl-oong.

یان: ما می‌خواهیم فردا ساعت ۱۰ برویم نمایشگاه.

Ingo: **Gut. Ich treffe euch dort.**

gooh-t. iH trēf-e oyH dohrt.

اینگو: خوب است. آنجا می‌بینم.

صحبت کردن درباره‌ی کارهایی که در گذشته انجام داده‌اید

کمی پیش‌تر در همین فصل یاد گرفتید که چطور باید زمان گذشته‌ی ساده‌ی فعل **sein** (بودن) را بسازید تا بتوانید جملاتی مانند «من دیروز در موزه بودم» یا «دیروز هوا سرد بود» را بیان کنید. اما برای بیان تمام اتفاقاتی که در گذشته افتاده‌اند، باید از شکل متفاوتی از افعال استفاده کنید.

برای صحبت کردن درباره‌ی کارهایی که در گذشته انجام شده‌اند باید از زمان گذشته‌ی کامل استفاده کنید. برای ساخت زمان گذشته‌ی کامل به دو بخش فعلی احتیاج دارید و باید بدانید آن‌ها را در کجای جمله قرار دهید:

«در وهله‌ی اول باید فعل **haben** (*haben*) (داشتن) یا **sein** را در زمان حال به‌درستی صرف کنید. اگر می‌خواهید سؤال بپرسید، این فعل به‌عنوان اولین کلمه‌ی جمله‌ی پرسشی ظاهر می‌شود. اگر جمله‌ی شما خبری است، در جایگاه دوم جمله قرار می‌گیرد.

«شما اسم مفعول افعال را نیز لازم دارید که در پایان جمله (یا عبارت) قرار می‌گیرد. اینکه باید کدام یک از فعل‌های **haben** یا **sein** را استفاده کنید، به فعلی بستگی دارد که می‌خواهید آن را به کار ببرید. به عبارت ساده‌تر، بیشتر افعال به **haben** نیاز دارند و برخی دیگر، همراه فعل **sein** به کار می‌روند. فقط کافی است به خاطر بسپارید که کدام افعال با **haben** و کدام با **sein** صرف می‌شوند. (مبحث بعدی در مورد نحوه‌ی ساخت اسم مفعول فعل‌ها توضیح می‌دهیم.)

باید زمان گذشته‌ی کامل را زمانی نجات‌بخش در نظر بگیرید. این زمان در زبان آلمانی بسیار کاربردی است و می‌توانید آن را برای بیان اتفاقات و موقعیت‌هایی که در گذشته رخ داده‌اند به کار ببرید. در واقع به سایر زمان‌های گذشته نیازی نخواهید داشت، مگر آنکه بخواهید زمانی به زبان آلمانی یا نامه‌ای خطاب به مجلس آلمان بنویسید.



راهنمایی

ساخت اسم مفعول

سعی کنید در کنار هر فعل جدیدی که یاد می‌گیرید، اسم مفعول آن را نیز به خاطر بسپارید. چند قاعده وجود دارد که یادگیری اسم مفعول را ساده‌تر می‌کند. برای به کارگیری این قواعد باید بدانید هر فعل در چه گروهی قرار می‌گیرد.

افعال باقاعده

افعال باقاعده طیف وسیعی از افعال زبان آلمانی را تشکیل می‌دهند. برای ساختن اسم مفعول این فعل‌ها، از فرمول زیر استفاده کنید:

اسم مفعول = **(e)t** + (مصدر بدون **-en**) ریشه‌ی فعل + **ge**

در واقع، این نکته آن قدرها هم سخت نیست! در ادامه می‌بینید که این فرمول چگونه برای فعل رایجی مثل **fragen** (*frah-gen*) (پرسیدن) به کار می‌رود:

ge + frag + t = gefragt

حالا فعلی مانند فعل **reden** (*rey-den*) (صحبت کردن) را ببینید که به جای **t** پسوند **-et** می‌گیرد:

ge + red + et = geredet

در این مورد باید **-et** و در نتیجه یک سیلاب دیگر اضافه کنید. شناسه‌ی **-et** به افعالی اضافه می‌شود که ریشه‌شان به **-d**, **-t**, **-fn** یا **-gn** ختم می‌شود و دلیلش این است که راحت‌تر بتوان فعل را تلفظ کرد (و شنید).

فعل دیگری که از این الگو تبعیت می‌کند، **öffnen** (*erf-nen*) (باز کردن) است:

ge + öffn + et = geöffnet

افعال بی‌قاعده

برخی فعل‌ها که آن‌ها را بی‌قاعده می‌نامیم، از الگوی دیگری پیروی می‌کنند. به ابتدای این افعال **ge-** و به انتهایشان **-en** افزوده می‌شود. ساخت اسم مفعول افعال بی‌قاعده چنین است:

اسم مفعول = **en** + (مصدر بدون **-en**) ریشه‌ی فعل + **ge**

فعل **kommen** (*kom-en*) (آمدن) مثال خوبی برای این دسته فعل‌هاست:

ge + komm + en = gekommen

برخی از افعال بی‌قاعده که نحوه‌ی املا‌ی آن‌ها در هنگام ساخت اسم مفعول تغییر می‌کند، کمی پیچیده هستند. برای مثال، ممکن است یکی از حروف باصدا یا حتی بی‌صدا‌ی ریشه‌ی فعل تغییر کند.

حرف باصدا‌ی ریشه‌ی فعلی **helfen** (*helf-en*) (کمک کردن) از **e** به **o** تغییر می‌کند:

ge + holf + en = geholfen



نکات دستوری

فعل **gehen** (gey-en) (رفتن) بیشتر تغییر می‌کند و از **geh** به **gang** تغییر شکل می‌دهد:

ge + gang + en = gegangen

استفاده از فعل “haben” در زمان‌های کامل

از آنجا که صرف فعل **haben** در زمان حال اهمیت زیادی برای ساخت زمان‌های کامل دارد، نگاهی سریع به شیوهی صرف‌شدن این فعل در زمان حال می‌اندازیم:

صرف فعل	تلفظ
ich habe	iH <i>hah</i> -be
du hast	dooh <i>hâst</i>
Sie haben	zee <i>hah</i> -ben
er, sie, es hat	êr, zee, ês <i>hât</i>
wir haben	veer <i>hah</i> -ben
ihr habt	eer <i>hâpt</i>
Sie haben	zee <i>hah</i> -ben
sie haben	zee <i>hah</i> -ben

در جدول ۱-۱۰ برخی افعال آلمانی را می‌بینید که در ساخت زمان گذشته‌ی کامل آن‌ها فعل **haben** به کار می‌رود.

جدول ۱-۱۰ افعالی که در ساخت زمان گذشته‌ی کامل آن‌ها از فعل “Haben” استفاده می‌شود

فعل	گذشته‌ی کامل (اسم مفعول)
arbeiten (âr-bay-en) (کار کردن)	gearbeitet
essen (ês-en) (خوردن)	gegessen
hören (her-en) (شنیدن)	gehört
kaufen (kau-f-en) (خریدن)	gekauft
lachen (lâf-en) (خندیدن)	gelacht
lesen (ley-zen) (خواندن)	gelesen
machen (mâht-en) (انجام دادن)	gemacht
nehmen (ney-men) (گرفتن)	genommen
schlafen (shlâf-en) (خوابیدن)	geschlafen

فعل	گذشته‌ی کامل (اسم مفعول)
sehen (zey-en) (دیدن)	gesehen
spielen (shpe-len) (بازی کردن)	gespielt
trinken (rin-kan) (نوشیدن)	getrunken

این هم چند نمونه که در آن‌ها فعل **haben** با اسم مفعول ترکیب شده است تا زمان گذشته‌ی کامل ساخته شود:

Ich habe den Film gesehen. (iH hah-be deyn film ge-zey-en.)

(من فیلم را دیدم.)

Hast du eine Theaterkarte bekommen? (hâst dooh ayn-e tey-ah-ter-kâr-te be-kom-en?) (بلیت تئاتر گرفتی؟)

Wir haben das Kino verlassen. (veer hah-ben dâs kee-noh vêr-lâs-en.)

(ما سینما را ترک کردیم.)

Habt ihr Karten für die Matinee gekauft? (hâpt eer kâr-ten fuer dee mâ-tee-ney ge-kouft?) (برای نمایش روز بلیت گرفتید؟)

Ich habe viel gelacht. (iH hah-be feel ge-lâht.) (من خیلی خندیدم.)

استفاده از فعل “sein” در زمان گذشته‌ی کامل

در ساخت زمان گذشته‌ی کامل برخی افعال از فعل **haben** استفاده نمی‌شود، بلکه فعل **sein** به کار می‌رود. نگاهی به نحوه‌ی صرف این فعل در زمان حال می‌اندازیم:

صرف فعل	تلفظ
ich bin	iH bin
du bist	dooh bist
Sie sind	zee zînt
er, sie, es ist	êr, zee, ês ist
wir sind	veer zint
ihr seid	eer zayt
Sie sind	zee zint
sie sind	zee zint

از جمله افعالی که به کمک فعل **sein** صرف می‌شوند، می‌توان به خود این فعل و تعداد زیادی از افعالی اشاره کرد که تغییری در مکان یا حالت را نشان می‌دهند. کمی پیچیده به نظر می‌رسد؟ در جدول ۲-۱۰ افعال رایجی را می‌بینید که در ساخت زمان گذشته‌ی کامل آن‌ها از فعل **sein** استفاده می‌شود.

همه‌ی افعالی که با فعل **sein** صرف می‌شوند، افعال بی‌قاعده هستند: اسم مفعول همه‌ی آن‌ها بی‌قاعده است. سعی کنید هر وقت فعلی را یاد می‌گیرید که با **sein** صرف می‌شود، اسم مفعول آن را نیز به خاطر بسپارید.



راهنمایی

افعالی که در ساخت زمان گذشته‌ی کامل آن‌ها از فعل **sein** استفاده می‌شود

جدول ۲-۱۰

فعل	گذشته‌ی کامل (اسم مفعول)
fahren (fahr-en) (رانندگی کردن)	gefahren
fliegen (flie-gen) (پرواز کردن)	geflogen
gebären (ge-bä-ren) (به دنیا آمدن)	geboren
gehen (gey-en) (رفتن)	gegangen
kommen (kom-en) (آمدن)	gekommen
laufen (lauf-en) (دویدن)	gelaufen
sein (zayn) (بودن)	gewesen
sterben (shër-ben) (مردن)	gestorben

چند مثال که در آن‌ها از فعل **sein** برای ساخت زمان گذشته‌ی کامل استفاده شده است:

Ich bin ins Theater gegangen. (ih bin ins tey-ah-ter ge-gäng-en.)
(من به تئاتر رفتم.)

Bist du mit dem Auto gekommen? (bist dooh mit deym ou-to ge-kom-en?)
(آیا با خودرو آمده‌ای؟)

Sie ist mit dem Zug gefahren. (zee ist mit deym tsoohk ge-fahr-en.)
(او با قطار رفت.)

Wir sind letzte Woche ins Kino gegangen. (veer zint lêts-te woh-e ins kee-noh ge-gäng-en.)
(ما هفته‌ی پیش به سینما رفتیم.)

گردش‌های تفریحی

در هر جایی از اروپا که باشید، احتمالاً برای بازدید از مراکز فرهنگی برگزارکننده‌ی **Oper** (oh-per) (اپرا)، **Konzert** (kon-tsért) (کنسرت)، **Sinfonie** (سمفونی) و **Theater** (tey-ah-ter) (تئاتر) فقط سفری کوتاه لازم است. مراکز برگزاری هنرهای نمایشی در اروپا فراوان‌اند. اگر مایلید در شهر بگردید، بگویید:

Ich möchte heute Abend ausgehen. (ih merH-te hoy-te ah-bént ous-gey-en.) (دوست دارم امروز عصر به گردش بروم.)

نگران نوع پوشش هستید؟ شما نسبتاً آزادید هرچه می‌خواهید بپوشید؛ اگرچه اروپایی‌ها از اینکه در اپراها و ارکسترهای سمفونیک لباس‌های ویژه‌ی خود را بپوشند، لذت می‌برند، به‌ویژه اگر بخواهند در **Premiere** (prém-yee-re) (تسب افتتاحیه) یا **Galavorstellung** (gá-lá-fohr-shtél-oong) (جشن‌های خاص رسمی و عمومی) شرکت کنند. در غیر این صورت، تا وقتی که تی‌شرت، شلوار جین و کتانی نباشد، تیپ شما مشکلی نخواهد داشت.

کلمات و جملات زیر هنگام گردش‌های شبانه به کارتان می‌آید:

Ich möchte ins Theater / Konzert gehen. (ih merH-te ins tey-ah-ter / kon-tsért gey-en.) (مایلیم به تئاتر/کنسرت بروم.)

Ich möchte in die Oper gehen. (ih merH-te in dee oh-per gey-en.) (می‌خواهم به اپرا بروم.)

Gehen wir ins Theater / Konzert. (gey-en veer ins tey-ah-ter / kon-tsért.) (بیاوید به تئاتر/کنسرت برویم.)

Gehen wir ins Ballet. (gey-en veer ins bâ-lét.) (بیاوید برویم رقص باله ببینیم.)

Wann ist die Premiere von ...? (vân ist dee prém-yee-re fon ...?) (تسب افتتاحیه ... چه زمانی است؟)

In welchem Theater spielt ...? (in vêlH-em tey-ah-ter shpeelt ...?) (نمایش ... در کدام تئاتر اجرا می‌شود؟)



ظرف‌های فرهنگی

واژگان

das Theater	dās <u>tey-ah</u> -ter	تئاتر
die Oper	dee oh-per	اپرا
die Sinfonie	dee sin-foh- <u>nee</u>	سمفونی
das Ballett	dās bā- <u>lét</u>	رقص باله
die Pause	dee pou- <u>ze</u>	آنتراکت، فرصت تنفس
der Sänger/die Sängerin	dêr zēn-ger/ dee zēn-ge-rin	خواننده
der Schauspieler/ die Schauspielerin	dêr shou-shpee-ler/ dee shou-spee-le-rin	بازیگر مرد/بازیگر زن
der Tänzer/die Tänzerin	dêr tēn-tser/ dee tēn-tse-rin	رقصنده
singen	zing-en	آواز خواندن
tanzen	tān-tsen	رقصیدن
klatschen	klāch-en	دست زدن
der Beifall	dêr bay-fāl	تشویق
die Zugabe	dee tsooh-gah-be	اجرای مجدد قطعه
die Kinokasse/ Theaterkasse	dee kee-noh-kās-e/ tey-ah-ter-kās-e	گیشه سینما و تئاتر
der Platz	dêr plāts	صندلی، جایگاه

چطور بود؟ صحبت کردن درباره‌ی تفریحات

وقتی حرف از گردش و تفریح می‌شود، گویا همه در مورد آن نظری دارند، پس چرا باید این بحث جالب را از دست بدهید؟

پرسیدن نظر دیگران

شاید کسی از شما یا از شخص دیگری این سؤال‌ها را بپرسد تا درباره‌ی یک نمایشگاه، فیلم یا نمایش با شما گفت‌وگو کند (اولین جمله، رسمی و دومی غیررسمی است):

Hat Ihnen die Ausstellung/der Film/die Oper gefallen? (hāt een-en dee ous-shtêl-oong/dêr film/dee oh-per ge-fäl-en?)

(آیا نمایشگاه/فیلم/اپرا را دوست داشتید؟)

Hat dir die Ausstellung/der Film/die Oper gefallen?

(hât deer dee ous-shtêl-oong/dêr film/dee oh-per ge-fâl-en?)

(آیا نمایشگاه/فیلم/اپرا را دوست داشتی؟)

بیان دیدگاه شخصی

حالا نوبت بخش جالب ماجراست؛ اینکه به کسی بگویند نظرتان درباره‌ی فیلم یا نمایشی که آن لحظه دیده‌اید، چیست. اگر هنوز در ابتدای مسیر یادگیری زبان آلمانی هستید، فقط می‌توانید بگویید آیا نمایش را دوست داشته‌اید یا نه. یکی از جملات زیر را امتحان کنید:

Die Ausstellung/der Film/die Oper hat mir (sehr) gut gefallen. (dee ous-shtêl-oong/dêr film/dee oh-per hât meer [zeyr] gooht ge-fâl-en.)

(من نمایشگاه/فیلم/اپرا را [خیلی] دوست داشتم.)

Die Ausstellung/der Film/die Oper hat mir (gar) nicht gefallen. (dee ous-shtêl-oong/dêr film/dee oh-per hât meer [gâr] niht ge-fâl-en.)

(من [اصلاً] نمایشگاه/فیلم/اپرا را دوست نداشتم.)

شاید بخواهید جمله‌ی خود را با بیان یک دلیل، کامل‌تر کنید. جملات زیر را در نظر بگیرید:

Die Ausstellung/der Film/die Oper war wirklich ... (dee ous-shtêl-oong/dêr film/dee oh-per vahr virk-lih...) (نمایشگاه/فیلم/اپرا واقعاً ... بود.)

سپس می‌توانید دیدگاهتان را با آوردن یکی از صفات مناسب زیر تکمیل کنید. همواره می‌توان با افزودن حرف ربط **und** (و) (oont) از چند صفت پست‌سره‌م استفاده کرد:

» **aufregend** (ouf-rey-gent) (هیجان‌انگیز)

» **ausgezeichnet** (ous-ge-tsayH-net) (عالی)

» **enttäuschend** (ënt-toy-shënt) (نامیدکننده)

» **fantastisch** (fân-täs-tish) (عالی)

» **langweilig** (lâng-vay-lih) (خسته‌کننده)

» **sehenswert** (zey-ëns-veyrt) (دینی)

» **spannend** (shpân-ënt) (هیجان‌انگیز)

» **unterhaltsam** (oon-ter-hält-tsahm) (سرگرم‌کننده)

» **wunderschön** (voon-der-shern) (زیبا)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

خانم پترز شب گذشته به تئاتر رفته است. او امروز می‌خواهد در اداره درباره‌ی نمایش شب گذشته با همکارش، آقای کروگر، صحبت کند. (نمونه‌ی صوتی ۲۲)



گوش دهید

Herr Krüger: **Sind Sie nicht gestern im Theater gewesen?**
zint zee nillt gës-tern im teh-ah-ter ge-vey-zen?

آقای کروگر: دی‌شب به تئاتر نرفته بودید؟

Frau Peters: **Doch. Ich habe das neue Ballet gesehen.**
doh. ih hah-be däs nay-e bâ-lët ge-zey-en.

خانم پترز: چرا. اجرای جدید باله را دیدم.

Herr Krüger: **Wie hat es Ihnen gefallen?**
vee hât ês een-en ge-fäl-en?

آقای کروگر: چطور بود؟

Frau Peters: **Die Tänzer waren fantastisch. Die Vorstellung hat mir ausgezeichnet gefallen.**
dee tăn-tser vahr-ren fân-tâs-tish. dee fohr-shtël-oong hât meer ous-ge-tsayH-net ge-fäl-en.

خانم پترز: رقصنده‌ها عالی بودند. خیلی از نمایش خوشم آمد.

Herr Krüger: **War es einfach, Karten zu bekommen?**
vahr ês ayn-fâh, kâr-ten tsooh be-kom-en?

آقای کروگر: خرید بلیت آسان بود؟

Frau Peters: **Ja. Ich habe die Karte gestern Morgen an der Theaterkasse gekauft.**
yah. ih hah-be dee kâr-te gës-tern mor-gen an dêr tey-ah-ter-kâs-e ge-kouft.

خانم پترز: بله. دیروز صبح بلیت‌ها را از گیشه خریدم.

درست مثل سایر کشورها، در آلمان نیز انواع مهمانی برگزار می‌شود. آلمانی‌ها از اینکه به بهانه‌های مختلف دور هم جمع شوند، لذت می‌برند؛ حال چه مهمانی رسمی شام باشد، چه دورهمی باریکیوی بعدازظهر یکشنبه. اگر به یک مهمانی نسبتاً رسمی در منزل شخصی دعوت شدید، ادب حکم می‌کند که هدیه‌ای کوچک، مثلاً یک بطری نوشیدنی یا یک دسته‌گل همراه خود ببرید.

اگر به مهمانی غیررسمی دعوت شوید، ممکن است میزبان از شما بخواهد چیزی برای خوردن یا نوشیدن با خود بیاورید. همچنین می‌توانید پیش‌قدم شوید و برسید که آیا باید چیزی با خود ببرید یا نه:

Soll ich etwas mitbringen? (zol iH êt-väs mit-bring-en?)

(آیا باید چیزی با خودم بیاورم؟)

اگر به مهمانی عصرگاهی **Kaffee und Kuchen** (kā-fey oont kooH-en) (کافه و قهوه) دعوت شدید، حتماً سروقت بروید. در واقع برخی از آلمانی‌ها مایلند حتی ده دقیقه زودتر برسند، ده دقیقه در خیابان منتظر شوند و در زمان مقرر رنگ را به صدا درآورند تا جانب احتیاط را رعایت کرده باشند. توقع نداشته باشید برای شام هم آنجا بمانید، ممکن است شما را به شام دعوت کنند، اما روی آن حساب باز نکنید.



دعوت‌شدن به مهمانی

زمانی که قرار است به مهمانی دعوت شوید - **die Einladung** (dee ayn-lah-doong) (دعوت) - احتمالاً یکی از جملات زیر را می‌شنوید:

Ich würde Sie gern zu einer Party einladen. (iH vuer-de zee gêm tsooh aym-er pār-tee ayn-lah-den.) (می‌خواهم شما را به یک مهمانی دعوت کنم.)

Wir wollen ein Fest feiern. Hast du Lust zu kommen? (veer vol-en ayn fêst fay-ern, hâst dooh loost tsooh kom-en?)

(می‌خواهیم یک مهمانی برگزار کنیم، دوست داری بیایی؟)

رد کردن دعوت

اگر نمی‌توانید دعوت طرف مقابل را بپذیرید (یا به دلایلی نمی‌خواهید در آن مهمانی حضور داشته باشید)، می‌توانید مؤدبانه دعوت آن شخص را رد کنید و بگویید:

Nein, tut mir leid, ich kann leider nicht kommen. (nayn, toot meer layt, iH kân fay-der niHt kom-en.) (نه، متأسفانه، نمی‌توانم بیایم.)

Nein, da kann ich leider nicht. Ich habe schon etwas anderes vor.
(nayn, dá kân iH lay-der niHt. iH hah-be shohn ét-vàs án-de-res fohr.)
(نه، مناسفانه نمی‌توانم بیایم، برنامه‌ی دیگری دارم.)

پذیرفتن دعوت

اگر تمایل دارید به مهمانی موردنظر بروید، می‌توانید با بیان جملات زیر دعوت را بپذیرید:

Vielen Dank. Ich nehme die Einladung gern an. (fee-len dânk. iH neh-me dee ayn-lah-doong gêm ân.)

(خیلی ممنونم، با کمال میل دعوت شما را می‌پذیرم.)

Gut, ich komme gern. (gooht, iH kom-en gêm)

(خوب است، دوست دارم بیایم.)

صحبت کردن درباره‌ی مهمانی

Wie war die Party am Samstag? وقتی کسی از شما می‌پرسد
(vee vahr dee pâr-tee am zâms-tahk?) (مهمانی شبه چطور بود؟)، می‌توانید
به کمک جملات زیر به او پاسخ دهید:

Toll, wir haben bis ... Uhr gefeiert. (tol, veer hah-ben bis ... oohr ge-fay-ért.)
(عالی بود، ما تا ساعت ... جشن گرفتیم.)

Wir haben uns ausgezeichnet unterhalten. (veer hah-ben oons aus-ge-tsayht-net on-ter-hâl-ten.)
(لحظات فوق‌العاده‌ای داشتیم.)

Das Essen war ... (dàs ês-en vahr ...) (عنا ... بود.)

Wir haben sogar getanzt. (veer hah-ben zoh-gahr ge-tântst.)

(ما حتی رقصیدیم.)

Die Musik war ... (dee mooh-zeek vahr ...) (موسیقی ... بود.)

Das Fest war ... (dàs fêst vahr ...) (مهمانی ... بود.)

برای کامل کردن جملات بالا با صفات مناسب، مبحث پیش‌گفته‌ی «بیان دیدگاه شخصی» را ببینید و از فهرست صفات استفاده کنید.



بسیاری از کلمات آلمانی شباهت زیادی (به لحاظ معنایی یا املائی) به کلمات انگلیسی دارند. در جملات زیر عده‌ای در مورد دیدگاه‌هایشان درباره‌ی یک رویداد صحبت می‌کنند. مشخص کنید آن‌ها از چه رویدادی صحبت می‌کنند و سپس آن کلمه را در انتهای جمله بنویسید. از فهرست کلمات زیر که مشابه هم‌تایان انگلیسی‌شان هستند، بهره بگیرید.



1. Die Ausstellung hat uns sehr gut gefallen. _____
2. Die Zugabe war auch ausgezeichnet. _____
3. Ich habe die Originalfassung gesehen. _____
4. Die Tänzer haben mir gut gefallen. _____
5. Die Sänger sind fantastisch gewesen. _____
6. Wir haben viel gegessen und getrunken. _____

« برقرار کردن تماس‌های تلفنی

« ارسال نامه، فکس و ایمیل

« آشنایی با اصطلاحات پایهای کسب‌وکار

فصل ۱۱

کسب‌وکار و ارتباطات از راه دور

تعامل با دیگران به‌مدد ارتباطات از راه دور، روزبه‌روز در حال افزایش است؛ حال چه بخواهید پیتزا سفارش بدهید، چه کسب‌وکار خود را از کشور یا حتی قاره‌ای دیگر مدیریت کنید. اولین گام این است که تصمیم بگیرید برای رساندن پیام خود از چه ابزاری استفاده کنید: تلفن، ایمیل، فکس یا نام‌نگاری به سبک قدیم. در این فصل به بررسی تک‌تک این ابزارها می‌پردازیم. در پایان نیز خلاصه‌ای از اصطلاحات رایج در محیط کاری را بیان می‌کنیم و چند نکته در مورد کسب‌وکار ارائه می‌دهیم.

تلفن‌زدن آسان شده است!

آلمانی‌ها وقتی **das Telefon** (dàs tē-le-fohn) (تلفن) را برمی‌دارند، معمولاً تماس را با بیان کردن نامشان پاسخ می‌دهند؛ به‌ویژه وقتی در اداره هستند. اگر با منزل شخصی تماس بگیرید، ممکن است **Hallo?** (hà-loh?) (آلو سلام) را بشنوید. اگر قصد دارید بگویید که می‌خواهید با کسی تماس بگیرید یا شخص دیگری می‌خواهد با شما تماس بگیرد، از فعل **anrufen** (ân-roohf-en) (تماس‌گرفتن) استفاده کنید. این یک فعل جداشدنی است. بنابراین پیشوند **an** (ân) (به) از ریشه‌ی **rufen** (roohf-en) (تماس‌گرفتن) جدا شده و چنین صرف می‌شود:

صرف فعل

ich rufe an

du ruft an

Sie rufen an

er, sie, es ruft an

تلفظ

ɪh roohf-e ân

doooh roohfst ân

zee roohf-en ân

êr, zee, ês roohft ân

صرف فعل

wir rufen an

ihr ruft an

Sie rufen an

sie rufen an

تلفن

veer rooht-en an

eer rooht an

zee rooht-en an

zee rooht-en an

برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد افعال جذاشدنی به فصل ۱۵ رجوع کنید.

شخص دیگری را پای تلفن خواستن

اگر شخصی که می‌خواهید با او صحبت کنید، همان کسی نبود که تلفن را برداشته، باید درخواست کنید شما را به او ارتباط دهند. به چند شکل متفاوت می‌توانید بیان کنید که می‌خواهید با شخص خاصی صحبت کنید:

Ich möchte gern Herrn/Frau ... sprechen. (ih merH-te gèrn hêrn/frou ... shprêH-en.) (مایلم با آقای/خانم ... صحبت کنم.)

Ist Herr/Frau ... zu sprechen? (ist hêr/frou ... tsooh shprêH-en?) (آقای/خانم ... در دسترس است؟)

Kann ich bitte mit Herrn/Frau ..., sprechen? (kân ih bi-te mit hêrn/frou ..., shprêH-en?) (می‌توانم با آقای/خانم ... صحبت کنم؟)

Herrn/Frau ..., bitte. (hêrn/frou ..., bi-te.) (آقای/خانم ... لطفاً.)

اگر کسی که تلفن را برداشته خیلی سریع صحبت می‌کند و شما از حرف‌هایش چیزی متوجه نمی‌شوید، جملات زیر را امتحان کنید:

Können Sie bitte langsamer sprechen? (kern-en zee bi-te lãng-zahm-er sprêH-en?) (می‌توانید آهسته‌تر صحبت کنید؟)

Können Sie das bitte wiederholen? (kern-en zee dâs bi-te vee-der-hoh-len?) (ممکن است تکرار کنید؟)

اگر آن شخص در پاسخ به سؤالتان انگلیسی صحبت کرد، این مسئله را شکست در نظر بگیرید. شاید او می‌خواهد انگلیسی‌اش را تقویت کند!

برقراری ارتباط

بعد از درخواست صحبت با شخص خاصی، ممکن است پاسخ‌های متفاوتی را بسته به شرایط دریافت کنید:

خدا حافظی کردن پشت تلفن



ظرافت‌های
فرهنگی

ایا *auf Wiederhören* (ouf vee-der-her-en) برایتان آشناست؟ این جمله معادل *auf Wiedersehen* (ouf vee-der-zey-en) (خداحافظ) است که فقط پشت تلفن به کار می‌رود. *Auf Wiedersehen* ترکیبی از *wieder* (voo-der) (دوباره) با فعل *sehen* (zey-en) (دیدن) است. در حالی که در *auf Wiederhören* از فعل *hören* (her-en) (شنیدن) استفاده می‌شود که به صورت تحت‌اللفظی به امید شنیدن دوباره (صلای شما) معنا می‌شود. متعلق است، مگر نه؟

Am Apparat. (âm â-pa-raht.)

(خودم هستم، | معنای تحت‌اللفظی: پای دستگاه |)

Einen Moment bitte, ich verbinde. (ayn-en moh-mént bi-te, iH fêr-bin-de.)
(یک لحظه صبر کنید لطفاً، ارتباط می‌دهم.)

Er/sie telefoniert gerade. (êr/zee tê-le-foh-neert ge-rah-de.)

(او در حال حاضر دارد با تلفن صحبت می‌کند.)

Die Leitung ist besetzt. (dee lay-toong ist be-zêtst.) (خط مشغول است.)

Können Sie später noch einmal anrufen? (kern-en zee shpai-ter noH ayn-mahl ân-roohf-en?)
(می‌توانید بعداً تماس بگیرید؟)

Kann er/sie Sie zurückrufen? (kân êr/zee zee tsoo-ruek-roohf-en?)
(او می‌تواند دوباره با شما تماس بگیرد؟)

Hat er/sie Ihre Telefonnummer? (hât êr/zee eer-e tê-le-fohn-noom-er?)
(آیا او شماره تلفن شما را دارد؟)

در ادامه، اصطلاحاتی را می‌بینید که هنگام بروز مشکل در برقراری ارتباط، می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید.

Es tut mir leid. Ich habe mich verwählt. (ês tooht meer layt, iH hah-be miH fer-vailt.)
(متأسفم، شماره را اشتباه گرفتم.)

Die Verbindung ist schlecht. (dee fêr-bin-doong ist shlēht.)
(ارتباط به درستی برقرار نشده است.)

Er/sie meldet sich nicht. (êr/zee mêl-det ziH niht.)
(او تلفن را جواب نمی‌دهد.)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

گفتگوئی بین خانم باوئر، دستیار شخصی آقای هوبر، و آقای مایسنر، یکی از مشتریان شرکت را می‌بینید. (نمونه‌ی صوتی ۲۴)



گوش دهید

Frau Bauer: **Firma TransEuropa, Bauer. Guten Morgen!**
fir-mā trāns-oy-roh-pā, bou-er, gooh-ten mor-gen!

خانم باوئر: شرکت ترنس اروپا، باوئر هستم. صبح به‌خیر!

Herr Meißner: **Guten Morgen! Herrn Huber, bitte.**
gooh-ten mor-gen! hērn hooch-ber, bi-te.

آقای مایسنر: صبح به‌خیر! لطفاً آقای هوبر.

Frau Bauer: **Wie ist ihr Name, bitte?**
vee ist eer nah-me, bi-te?

خانم باوئر: ببخشید، اسمتان چیست؟

Herr Meißner: **Meißner. Ich bin von der Firma Schlecker.**
mays-ner: ih bin fon dēr fir-mā shlēk-er.

مایسنر: از شرکت شلیکا تماس می‌گیرم.

Frau Bauer: **Ich verbinde ... Tut mir leid. Herr Huber ist in einer Besprechung. Kann er Sie zurückrufen?**

ih fēr-bin-de ... tooht meer layt, hēr hooch-ber ist in ayn-er be-shprell-oong, kån ēr zee tsoo-ruek-roohf-en?

خانم باوئر: وصل می‌کنم ... متأسفم، آقای هوبر در جلسه هستند. ممکن است ایشان با شما تماس بگیرند؟

Herr Meißner: **Selbstverständlich. Er hat meine Telefonnummer.**
zēlpst-fēr-shtant-lih. ēr hāt mayn-e tē-le-fohn-noom-er.

آقای مایسنر: البته، شماره‌تلفن مرا دارند.

Frau Bauer: **Gut, Herr Meißner. Auf Wiederhören!**
gooht, hēr mays-ner. ouf vee-der-herr-en!

خانم باوئر: بسیار خب آقای مایسنر، خدا حافظ!

Herr Meißner: **Vielen Dank. Auf Wiederhören!**
fee-len dânk. ouf vee-der-herr-en!

آقای مایسنر: خیلی ممنونم. خدانگهدار!

واژگان

das Telefon	dās tē-le-fohn	تلفن
das Handy	dās hēn-dee	موبایل
anrufen	ân-rooht-en	تماس گرفتن
zurückrufen	tsoo-ruek-rooht-en	دوباره تماس گرفتن
auf Wiederhören!	ouf vee-der-herr-en	خداحافظ! (پشت تلفن)
das Telefonbuch	dās tē-le-fohn-boohH	دفتر تلفن
das Telefongespräch	dās tē-le-fohn-ge-shpraiH	تماس، مکالمه‌ی تلفنی
die Telefon-nummer	dee tē-le-fohn-noom-er	شماره تلفن
der Anrufbeantworter	dēr ân-rooht-be-ânt-for-ter	منتی تلفنی

استفاده از تلفن



ملاقات‌های
فرهنگی

اگر دوست دارید هنگام اقامت در آلمان یا هر جای اروپا از موبایل استفاده کنید، قبل از اینکه به اروپا برسید، خریدن آن را انجام دهید. شاید بخواهید از سیم‌کارت اعتباری برای گوشی موبایلتان استفاده کنید، اما باید ابتدا از اپراتور خود بپرسید که سیم‌کارتان در اروپا کار می‌کند یا نه. گزینه‌ی دیگر این است که یک گوشی اعتباری یا کرایه‌ای بگیرید. اگر می‌خواهید در آلمان از **die Telefonzelle** (تلفن عمومی) تماس بگیرید، باید زحمت پیدا کردن جاده‌ی تلفن را به جان بخرید. اگر تلفن عمومی پیدا کردید، باید بفهمید چگونه کار می‌کند (و احتمالاً باید یک **Telefonkarte** (کارت تلفن) نیز بخرید). شاید آسان‌تر باشد که از یک فروشنده، برای خود **das Handy** (موبایل) تهیه کنید.

قرار ملاقات گذاشتن

شاید بخواهید با شخصی قرار ملاقات بگذارید. در ادامه کلماتی را می‌بینید که به شما کمک می‌کنند:

Ich möchte gern einen Termin machen. (iH merH-te gern ayn-en tēr-meen māt-en.) (می‌خواهم یک قرار ملاقات بگذارم.)

Kann ich meinen Termin verschieben? (kân iH mayn-en tēr-meen fēr-shee-ben?) (آیا می‌توانم قرار ملاقاتم را تغییر دهم؟)

در ادامه پاسخ‌های احتمالی فرد مقابل به جملات بالا را می‌بینید:

Wann passt es Ihnen? (vân pâst ês een-en?)

(چه زمانی برایتان مناسب است؟)

Wie wäre es mit ...? (vee vâi-re ês mit ...?) (... چطور؟)

Heute ist leider kein Termin mehr frei. (hoy-te ist lay-der kayn tēr-meen meyr fray.) (متأسفانه امروز وقت خالی نداریم.)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

خانم باوئر باید از دکتر وقت بگیرد. او با لیزا، دستیار دکتر صحبت می‌کند.

Liza: **Praxis Dr. Eggert.**
prâx-is dok-tor êg-ert.

لیزا: مطب دکتر اِگرت.

Frau Bauer: **Guten Tag, Anita Bauer. Ich möchte einen Termin für nächste Woche machen.**
gooh-ten tahk, â-nee-tâ bou-er. iH merH-te ayn-en tēr-meen fuer naiH-ste voH-e māt-en.

خانم باوئر: سلام. من آنیتا باوئر هستم. می‌خواهم برای هفته‌ی بعد وقت بگیرم.

Liza: **Wann passt es Ihnen?**
vân pâst ês een-en?

لیزا: چه زمانی برایتان مناسب است؟

Frau Bauer: **Mittwoch wäre gut.**
mit-vôH vâi-re gooht.

خانم باوئر: چهارشنبه خوب است.

Liza: **Mittwoch ist leider kein Termin mehr frei.
Wie wäre es mit Donnerstag?**

*mit-voH ist lay-der kayn têr-meen meyr fray. Vee
vai-re ês mit don-ers-tahk?*

لیزا: متأسفانه چهارشنبه وقت خالی نداریم. پنجشنبه
چطور است؟

Frau Bauer: **Donnerstag ist auch gut. Geht fünfzehn Uhr?
don-ers-tahk ist oull gooht. geyt fuenf-tseyen
oohr?**

خانم باوئر: پنجشنبه هم خوب است. ساعت ۳ وقت
دارید؟

Liza: **Kein Problem. Dann bis Donnerstag.
kayn proh-bleym. dân bis don-ers-tahk.**

لیزا: مشکلی نیست. پس تا پنجشنبه.

Frau Bauer: **Danke schön. Auf Wiederhören.
dân-ke shern. ouf vee-der-herr-en.**

خانم باوئر: خیلی ممنونم. خدا حافظ.

پیام گذاشتن

متأسفانه صحبت کردن با شخص موردنظر همیشه امکان پذیر نیست و گاهی مجبور می شوید پیام بگذارید. در چنین شرایطی، اصطلاحات زیر به کارتان می آید (در برخی از این عبارات ضمائر داتیو (مفعولی غیرمستقیم) به کار رفته اند که می توانید در بحث بعدی چیزهای بیشتری درموردشان بخوانید):

Kann ich ihm/ihr eine Nachricht hinterlassen? (kân iH eem/eer
ayn-e nahH-riHt hin-ter-lâs-en?) (آیا می توانم برای او پیام بگذارم؟)

Kann ich ihm/ihr etwas ausrichten? (kân iH eem/eer êt-vâs ous-
riH-ten?) (آیا می توانم برای او پیام بگذارم؟)

Möchten Sie eine Nachricht hinterlassen? (merH-ten zee ayn-e
nahH-riHt hin-ter-lâs-en?) (آیا می خواهید پیام بگذارید؟)

Ich bin unter der Nummer ... zu erreichen. (iH bin oon-ter dêr noom-
er ... tsooh êr-ayH-en.) (می توانید با شماره تلفن ... با من تماس بگیرید.)

چند نکته درباره‌ی ضمایر داتیو (مفعولی غیرمستقیم)



ضمیر *ihm* (به او/مذکر) و *ihr* (به او/مؤنث) ضمایر شخصی در وجه داتیو هستند. در زبان آلمانی هنگامی که ضمایر کنار حرف اضافی مانند *mit* (با) قرار می‌گیرند، باید از ضمایر داتیو استفاده کنید. پس وقتی می‌خواهید بگویید که قصد دارید با شخصی صحبت کنید، باید این‌طور بیان کنید:

Ich möchte gern mit ihm/ihr sprechen. (iH merH-te gern mit eem/ eer shprêH-en.) (می‌خواهم با او صحبت کنم.)

و اگر نتوانستید با فرد موردنظران صحبت کنید، جمله‌ی زیر را بگویید تا مشخص شود که دارید برای او پیغامی می‌گذارید:

Ich hinterlasse ihm/ihr eine Nachricht. (iH hin-ter-läs-e eem/ eer ayn-e nahH-niHt.) (من برای او یک پیغام می‌گذارم.)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

خانم باوئر که سمت دستیار را در شرکت ترنس‌اروپا دارد، به تماس تلفنی هانس زایبولد، یکی از دوستان قدیمی رئیسش، آقای هوپر، پاسخ می‌دهد.

Frau Bauer: **Firma TransEuropa, guten Tag!**
fir-mâ trâns-oy-roh-pâ, gooH-ten tahk!
خانم باوئر: سلام، شرکت ترنس‌اروپا.

Herr Seibold: **Guten Tag, Seibold hier. Kann ich bitte mit Herrn Huber, sprechen?**
gooH-ten tahk zay-bolt heer. kân iH bi-te mit hêrn hooH-ber, shprêH-en?
آقای زایبولد: سلام، زایبولد هستم. می‌توانم با آقای هوپر صحبت کنم؟

Frau Bauer: **Guten Tag, Herr Seibold. Einen Moment bitte, ich verbinde.**
gooH-ten tahk hêr zay-bolt. ayn-en moh-mênt bi-te, iH fêr-bin-de.
خانم باوئر: سلام آقای زایبولد. یک لحظه لطفاً. وصل می‌کنم.

(بعد از چند لحظه)

Frau Bauer: **Herr Seibold? Herr Huber spricht gerade auf der anderen Leitung. Möchten Sie ihm eine Nachricht hinterlassen?**
hêr zay-bolt? hêr hooh-ber shpriHt ge-rah-de ouf dêr ân-de-ren lay-toong. merH-ten zee eem ayn-e nahH-riHt hin-ter-lâs-en?

خانم باوئر: آقای زایبولد، آقای هوبر دارند با خط دیگری صحبت می‌کنند. می‌خواهید برایشان پیغام بگذارید؟

Herr Seibold: **Ja bitte. Ich bin unter der Nummer 089 57 36 488 zu erreichen.**
yah, bi-te. iH bin oon-têr dêr noom-er nool âHt noyn fuenf zee-ben dray zeks feer âHt âHt tsooh êr-rayH-en.

آقای زایبولد: بله لطفاً. می‌توانید با شماره‌ی ۰۸۹ ۵۷ ۳۶ ۴۸۸ با من تماس بگیرید.

Frau Bauer: **Ich werde es ausrichten!**
iH vêr-de ês ous-riH-ten!

خانم باوئر: پیغامتان را می‌رسانم!

Herr Seibold: **Vielen Dank! Auf Wiederhören!**
vee-len dânk! ouf vee-der-herr-en!

آقای زایبولد: خیلی متشکرم! خداحافظ!

ارسال پیام‌های مکتوب

با توجه به کارهای زیادی که می‌توان با تلفن انجام داد، ممکن است از خود پرسید که چرا اصلاً شخصی باید زحمت نوشتن نامه را به جان بخرد؟ هنوز هم افراد زیادی دوست دارند و گاهی مجبور می‌شوند پیام‌های مکتوب برای یکدیگر ارسال کنند. کتاب‌های زیادی درباره‌ی هنر نامه‌نگاری به زبان آلمانی نوشته شده است. در اینجا فقط می‌خواهیم اطلاعاتی خلاصه‌شده در این باره به شما بدهیم تا بتوانید به‌شکلی مناسب نامه را آغاز کنید و به پایان ببرید.

برای نامه‌نگاری به زبان آلمانی باید چند جمله‌ی مخصوص به کار ببرید. جمله‌ای که باید نامه را با آن شروع کنید: ... **Sehr geehrte Frau / Sehr geehrter Herr**



راهنمایی

(zeyr ge-eyr-te frou/zeyr ge-eyr-ter hêr) (خانم/آقای ... عزیز) است و عبارت
(mit froynt-liH-en grues-en) **Mit freundlichen Grüßen** (با/احترام) نیز
اغلب در پایان نامه‌ها دیده می‌شود.

برخلاف زبان انگلیسی، اولین کلمه در جمله‌ی آغازین یک نامه‌ی آلمانی با حرف
بزرگ شروع نمی‌شود، مگر آنکه کلمه‌ی اول «اسم» باشد.
فرض ما این است که شما کیوتر نامه‌بر ندارید، به همین خاطر در مبحث بعدی
توضیح می‌دهیم که چگونه باید نامه‌تان را ارسال کنید.

ارسال نامه یا کارت پستال

اگر به صف طولانی **das Postamt** (dâs post-âmt) (اداره‌ی پست) نگاهی بیندازید،
متوجه می‌شوید که بهتر است چند جمله‌ی ساده را یاد بگیرید تا بتوانید به سریع‌ترین
و راحت‌ترین شکل ممکن **der Brief** (dêr breef) (نامه)، **die Postkarte**
(deeahn-zîHts-kâr-te) **die Ansichtskarte** (کارت پستال)،
(کارت پستال عکس‌دار) یا **das Paket** (dâs pâ-keyt) (بسته) خود را ارسال کنید.

خرید تمبر

در آلمان **Briefmarken** (breef-mâr-ken) (تمبرها) - یا اگر فقط یک تمبر
می‌خواهید **die Briefmarke** (dee breef-mâr-ke) (تمبر) - را از اداره‌ی پست
خریداری می‌کنند. برای خرید تمبر کافی است جمله‌ی زیر را به کارمند اداره‌ی پست
بگویید:

Ich möchte gern Briefmarken kaufen. (îH mœH-te gern breef-mâr-
ken kouf-en.) (می‌خواهم چند تمبر بخرم.)

برای مشخص کردن تعداد و ارزش تمبرهایی که می‌خواهید، درخواستان را به شکل
زیر بیان کنید:

5-mal 50 Cent und 10-mal 20 Cent. (fuenf-mahl fuenf-tsiH sent oont
tseyrn-mahl tsvân-tsiH sent.) (پنج تمبر ۵۰ سنتی و ده تمبر ۲۰ سنتی.)

اگر می‌خواهید بدانید هزینه‌ی پستی مرسوله‌تان چقدر می‌شود، در حین ارائه‌ی نامه
یا کارت پستال از متصدی بپرسید:

Wie viel kostet es, diesen Brief/diese Ansichtskarte nach

Amerika zu schicken? (vee feel kos-tet ês, deez-en breef/deez-e
ahn-zîHts-kâr-te nahH â-mey-ree-kah tsooh shik-en?)

(هزینه‌ی ارسال این نامه/کارت پستال عکس‌دار به آمریکا چقدر می‌شود؟)

انداختن نامه در صندوق پست

در آلمان نیز درست مانند هرجای دیگری می‌توانید مرسوله‌تان را به اداره‌ی پست تحویل دهید، آن را در یکی از صندوق‌های (قرار گرفته روی دیوار) اداره‌های پست یا در **Briefkasten** (breef-käst-en) (صندوق پست)‌های موجود در خیابان‌ها یا روبه‌روی اداره‌های پست بیندازید (صندوق‌های پستی در آلمان زرد رنگ هستند). گاهی می‌بینید که چند صندوق پستی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند: یکی از آن‌ها برای همان شهری است که در آن حضور دارید که البته حومه‌ی آن شهر را نیز در بر می‌گیرد و دیگری برای مکان‌های دیگر. بنابراین ممکن است صندوق‌هایی را ببینید که مثلاً روی آن‌ها نوشته شده **Köln und Umgebung** (Kerln oont oom-gey-boong) (کلن و حومه) و **Andere Orte** (än-de-re or-te) (مکان‌های دیگر).

در آلمان نمی‌توانید مرسوله‌هایتان را در صندوق پستی بگذارید تا مأمور پست آن‌ها را بردارد.



به خاطر بسپارید

سؤال کردن درباره‌ی خدمات ویژه

اگر می‌خواهید از پست سریع، هوایی یا سفارشی استفاده کنید باید با این کلمات آشنا باشید:

- » **der Eilbrief** (dér ayt-breef) (پست سریع)
- » **das Einschreiben** (dàs ayn-shrayb-en) (پست سفارشی)
- » **die Luftpost** (dee looft-post) (پست هوایی)
- » **das Paket** (dàs pâ-keyt) (پسته)

برای ارسال چنین مرسوله‌هایی باید جملات زیر را به کارمند اداره‌ی پست بگویید:

Ich möchte diesen Brief per Eilzustellung/per Luftpost/per

Einschreiben schicken. (IH merH-te deez-en breef pêr ayt-tsooh-shtêl-oong/pêr looft-post/pêr ayn-shrayb-en shik-en.)

(می‌خواهم این نامه را با پست سریع/هوایی/سفارشی ارسال کنم.)

Ich möchte dieses Paket aufgeben. (IH merH-te deez-es pâ-keyt

ouf-gey-ben.) (می‌خواهم این بسته را ارسال کنم.)

وقتی می‌خواهید نامه‌ای ارسال کنید، با کلمات زیر مواجه می‌شوید (همچنین این کلمات را در فرم مربوط به پست سفارشی هم می‌بینید):

- » **der Absender** (dêr âp-zên-der) (فرستنده)
- » **der Empfänger** (dêr êm-pfêng-er) (گیرنده)
- » **das Porto** (dâs por-toh) (هزینه‌ی پست)

ارسال ایمیل

اگر می‌خواهید ایمیلتان را چک کنید، احتمالاً در هتل به اینترنت بی‌سیم (Wi-Fi) دسترسی خواهید داشت. در غیر این صورت باید به کافی‌نت بروید.

ویژگی مهم ایمیل و اینترنت این است که زبان مورد استفاده‌ی آن زبان بین‌المللی است: زبان کاربردی در دنیای رایانه‌ها اغلب انگلیسی است. با این حال، دانستن معادل چند کلمه‌ی مرتبط به ایمیل به زبان آلمانی مفید خواهد بود:

- » **der Computer** (dêr computer [تلفظ مانند انگلیسی]) (رایانه)
- » **die E-mail** (dee e-mail [تلفظ مانند انگلیسی]) (ایمیل)
- » **die E-mail-Adresse** (dee e-mail ah-drês-e) (آدرس ایمیل)
- » **das Internet** (dâs Internet [تلفظ مانند انگلیسی]) (اینترنت)

ارسال فکس

اگر مایل نیستید از **Faxgerät** (fâx-ge-rêt) (دستگاه فکس) فرد دیگری استفاده کنید، می‌توانید از بیشتر کافی‌نت‌ها و هتل‌ها یا برخی مغازه‌های فتوکپی، **Fax** (fâx) (فکس) ارسال کنید. فقط کافی است وارد مغازه شوید و به شخصی که آنجا کار می‌کند بگویید:

Ich möchte etwas faxen. (ih mœht-te êt-vâs fâx-en.)

(می‌خواهم چیزی فکس کنم.)

بعد از اینکه جایی برای ارسال فکس پیدا کردید، متصدی آنجا از شما **die Faxnummer** (dee fâx-noom-er) (شماره‌ی فکس) را می‌خواهد.

بهتر است شماره‌ی فکس موردنظران را از قبل روی یک تکه کاغذ بنویسید تا وقتی که شماره را خواستند، با لیخندی سرشار از اعتماد به نفس آن را به متصدی دستگاه بدهید.



تذکره

بیایید کمی صحبت کنیم

روز کاری خانم باوئر تقریباً تمام شده است و او فقط باید پستهای را
از اداره ی پست ارسال کند. به مکالمه ی او با **der Postangestellte**
(dër post-ân-ge-shtèl-te) (کارمند اداره ی پست) توجه کنید.

Frau Bauer: **Guten Tag. Ich möchte ein Paket
aufgeben.**
gooh-ten tahk. ih merH-te ayn pâ-keyt
ouf-gey-ben.

خانم باوئر: سلام. می خواهم پستهای را ارسال
کنم.

Der Postangestellte: **Jawohl. Füllen Sie bitte dieses
Formular aus.**
yah-vohl. fuel-en zee bi-te deez-es fohr-
moo-lahr ous.

کارمند اداره ی پست: حتماً. لطفاً این فرم را
پر کنید.

Frau Bauer: **Was für ein Formular ist das?**
vâs fuer ayn fohr-moo-lahr ist dâs?

خانم باوئر: این چه فرمی است؟

Der Postangestellte: **Es ist eine Zollerkklärung.**
ês ist ayn-e tsol-êr-klair-oong.

کارمند اداره ی پست: اظهارنامه ی گمرکی.

(خانم باوئر فرم را پر می کند و آن را به متصدی می دهد.)

Frau Bauer: **Bitte.**
bi-te

خانم باوئر: بفرمایید.

Der Postangestellte: **Also, das macht 12,60 Euro.**
âl-zoh, dâs maHt tsverlf oy-roh sêH-tsiH.

کارمند اداره ی پست: خب، می شود ۱۲ یورو
و ۶۰ سنت.

آشنایی با محل کار

وقتی صحبت از محل کار می‌شود، آلمانی‌ها به کارایی، بهره‌وری بالا و رفتار حرفه‌ای مشهورند. اما شاید تعجب کنید اگر بدانید که آن‌ها، از لحاظ آماری، ساعات کمتری نسبت به آمریکایی‌ها کار می‌کنند. البته نه اینکه آن‌ها نخواهند تا دیروقت کار کنند، بلکه آلمانی‌ها دوست دارند تعطیلات بیشتری داشته باشند. بسیاری از شرکت‌ها روز جمعه نیز خیلی زود تعطیل می‌شوند [علاوه بر شنبه و یکشنبه].

اگر در یک **Büro** (bue-roh) (اداره)ی آلمانی‌زبان مشغول به کار شوید، **Büroarbeit** (bue-roh-är-bayt) (کارهای اداری) مختلفی به شما سپرده می‌شود. آن‌همه وسیله‌ای که روی میزتان قرار گرفته یا در کمده‌تان انبار شده‌اند، چه نام دارند؟ به خواندن ادامه دهید. وقتی این اصطلاحات را یاد می‌گیرید، باید بدانید چطور از آن‌ها استفاده کنید. حالا وقت کار است!

کار اداری شامل وظایفی می‌شود که یا خودتان باید انجام دهید یا شخص دیگری را مأمور انجام آن کنید. در ادامه اصطلاحاتی را می‌بینید که در چنین شرایطی به دردتان می‌خورد. همچنین وقتی به کمک احتیاج دارید، می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید:

Wo finde ich den Fotokopierer / das Faxgerät? (voh fin-de iH deyn foh-toh-ko-peer-er/dàs fâx-gê-reyt?)

(دستگاه کپی/فکس کجاست؟)

Können Sie mir bitte zeigen, wie das funktioniert? (kern-en zee meer bi-te tsay-gen vee dàs foonk-tsee-oh-neert?)

(می‌توانید لطفاً طرز کار [این دستگاه] را به من نشان دهید؟)

Würden Sie bitte diesen Brief für mich übersetzen? (vuer-den zee bi-te deez-en breef fuer miH ue-ber-zêts-en?)

(این نامه را برای من ترجمه می‌کنید لطفاً؟)

بهشت دوستداران تعطیلات!



ظرافت‌های
فرهنگی

آلمانی‌ها بیشتر از آمریکایی‌ها به تعطیلات می‌روند. مسی روز کاری برای تعطیلات علاوه‌ی مشخصی باحقوق برای مناسبت‌ها، در برخی از ایالت‌های آلمان حدود دوازده مناسبت و تعطیلات رسمی وجود دارد. با این حال، آلمانی‌ها اغلب، وقت کافی برای رفتن به سفر ندارند و به همین دلیل بخشی از تعطیلاتشان را به سال بعد موکول می‌کنند.

لوازم و تجهیزات اداری

اغلب وسایل زیر را روی **Schreibtisch** (shrayp-tish) (میز کار) خود می‌بینید:

- » **der Brief** (dêr breef) (نامه)
- » **der Bürostuhl** (dêr bue-roh-shtool) (صندلی اداری)
- » **der Computer** (dêr computer [تلفظ مانند انگلیسی]) (رایانه)
- » **der Drucker** (dêr drook-er) (چاپگر، پرینتر)
- » **das Faxgerät** (dâs fâx-gê-reyt) (دستگاه فکس)
- » **der Fotokopierer** (dêr foh-toh-ko-peer-er) (دستگاه کپی)
- » **die Lampe** (dee lâm-pe) (چراغ مطالعه، لامپ)
- » **die Maus** (dee mouse [تلفظ مانند انگلیسی]) (ماوس)
- » **das Telefon** (dâs té-le-fohn) (تلفن)
- » **die Unterlagen** (dee oon-ter-lah-gen) (مدارک، اسناد)

اگر برای پیدا کردن چیزی به کمک نیاز داشتید، سؤال **Wo ist ...?** (voh ist) (... کجاست؟) را فراموش نکنید.



به خاطر بسپارید

دیر یا زود به یکی از وسایل زیر نیاز پیدا می‌کنید:

- » **der Bleistift** (dêr blay-shtift) (مداد)
- » **der Kugelschreiber** (dêr koooh-gel-shray-ber) (خودکار)
- » **das Papier** (dâs pâ-peer) (کاغذ)
- » **der Umschlag** (dêr oom-shlahk) (پاکت نامه)

وقتی به یکی از این وسایل نیاز داشتید و بعد از جست‌وجو نتوانستید آن را پیدا کنید، با سؤال‌های زیر، از یکی از همکاران‌تان کمک بخواهید:

Haben Sie einen Kugelschreiber/einen Umschlag für mich? (hah-ben zee ayn-en koooh-gel-shray-ber/ayn-en oom-shlahk fuer miH?)
(می‌توانید یک خودکار/یک پاکت نامه به من بدهید؟)

Können Sie mir sagen, wo ich Umschläge/Bleistifte/Papier finde? (kem-en zee meer zah-gen, voh iH oom-shlê-gel/blay-shtift-e/-pâ-peer fin-de?)

(می‌توانید به من بگویید از کجا پاکت نامه/مداد/کاغذ پیدا کنم؟)

کسب‌وکار به زبان آلمانی

کشورهای آلمانی‌زبان نیز درست مانند هرجای دیگری، دنیای کسب‌وکار خود را دارند که فرهنگی خاص و زبانی مخصوص بر آن حاکم است. افراد غیربومی در این کشورها سال‌ها درس می‌خوانند، دوره‌های مختلفی را در زمینه‌ی جلسات، مذاکرات، گفت‌وگوی تلفنی و سخنرانی می‌گذرانند تا بتوانند به‌شکلی موفقیت‌آمیز در این کشورها به کسب‌وکار بپردازند. این فصل (و حتی این کتاب) مجال کافی برای پرداختن به تمام جزئیات لازم به‌منظور برقراری ارتباط در سطح کاری را ندارد و احتمالاً خودتان نیز فرصت کافی برای یادگیری همه‌ی نکات را نخواهید داشت. اما ممکن است در موقعیتی قرار بگیرید که دانستن چند اصطلاح مربوط به کسب‌وکار و چند توصیه برای پیشبرد امور به دردتان بخورد.

اگر می‌خواهید با آلمانی‌ها کار کنید، بهتر است از قبل تماس بگیرید و پرسید که آیا می‌توانند **der Dolmetscher** (dér dol-mêch-er) (مترجم شفاهی آقا)، **die Dolmetscherin** (dee dol-mêch-er-in) (مترجم شفاهی خانم)، **der Übersetzer** (dér ueber-zêts-ër) (مترجم آقا) یا **die Übersetzerin** (dee ue-ber-zêts-ër-in) (مترجم خانم) به شما معرفی کنند یا نه. همچنین پرسید که آیا مترجم در طول جلسه **die Notizen** (dee noh-tîts-en) (یادداشت) هم برمی‌دارد تا شما در پایان جلسه خلاصه‌ای از گفت‌وگوها را داشته باشید یا خیر. به‌هیچ‌وجه برای درخواست مترجم خجالت نکشید. همه‌ی کسانی که در سراسر دنیا به‌شکلی حرفه‌ای به کسب‌وکار مشغول‌اند، احترام ویژه‌ای برای افرادی قائل‌اند که در صورت نیاز، بخشی از کارهایشان را به شخص دیگری واگذار می‌کنند.

بسیاری از سمت‌های شغلی در آلمان دو حالت مذکر و مؤنث دارند. اغلب سمت‌های شغلی مخصوص آقایان به **-er** ختم می‌شود؛ مثل **der Dolmetscher** (مترجم شفاهی آقا). سمت‌های شغلی بانوان به **-erin** ختم می‌شود که نمونه‌ی آن **die Dolmetscherin** (مترجم شفاهی خانم) است.

در ادامه، چند نکته‌ی دیگر ارائه کرده‌ایم تا با آمادگی بیشتری کسب‌وکاران را **auf Deutsch** (به زبان آلمانی) پیش ببرید:

«نحوه‌ی معارفه‌ی رسمی را در فصل ۳ مطالعه کنید. اگر بخش معارفه را به‌درستی پیش ببرید، نشان می‌دهید که به ادامه‌ی گفت‌وگو علاقه‌مندید؛ حتی اگر از خیلی از حرف‌های ردوبدل شده سر درنیاورید!»

«بحث «توصیف شغل» را در فصل ۶ مطالعه کنید. در این بحث کلماتی یاد می‌گیرید که به‌وسیله‌ی آن‌ها می‌توانید گفت‌وگویی کوتاه درباره‌ی کارتان با دیگران ترتیب دهید.



راهنمایی



نکات دستوری

« برخی از اصطلاحات رایج اداری:

(ân-roohf-en) **anrufen** (تلفن زدن، تماس گرفتن)

(dee be-shprêH-aong) **die Besprechung** (جلسه)

(dêr shêl/die shêf-in) **der Chef/die Chefin** (رئیس)

(dêr di-rêk-tohr/dee di-rêk-tohr-in) **der Direktor/die Direktorin** (مدیر)

dêr mit-âr-bay-ter/dee mit-âr-) **der Mitarbeiter/die Mitarbeiterin** (همکار/کارمند)

(dêr zê-krê-têr/dee zê-krê-têr-in) **der Sekretär/die Sekretärin** (منشی)

(dêr têr-meen) **der Termin** (قرار ملاقات)

بیایید کمی صحبت کنیم

به مکالمه‌ی زیر بین خانم زایفرت و دستیارش، خانم رموت، توجه کنید.
خانم زایفرت زودتر به اداره آمده است چون جلسه‌ی مهمی دارد.

Frau Seifert: **Guten Morgen, Frau Remmert.**
gooH-ten mor-gen, frou rêM-ert.

خانم زایفرت: صبح به‌خیر خانم رموت.

Frau Remmert: **Guten Morgen, Frau Seifert.**
gooH-ten mor-gen, frou zayf-êrt.

خانم رموت: صبح به‌خیر خانم زایفرت.

Frau Seifert: **Wissen Sie, ob Herr Krause heute im Hause ist?**
vis-en zee, op hêr krouz-e hoy-te im houz-e ist?

خانم زایفرت: آیا می‌دانید آقای کراوزه امروز در اداره هست یا نه؟

Frau Remmert: **Ich glaube ja.**
iH glou-be yah.

خانم رموت: فکر می‌کنم بله.

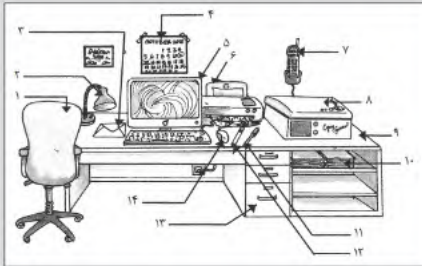
- Frau Seifert: **Ich muss dringend mit ihm sprechen.**
iH moos *dring*-end mit eem *shprêH*-en.
خانم زایفرت: من باید فوراً با او صحبت کنم.
- Frau Remmert: **In Ordnung. Ach ja, Frau Hoffmann von der Firma Solag hat angerufen.**
in ord-noong. ahH yah, frou *hof*-mân fon dêr
fir-mâ soh-lahk hât ân-gê-roohf-en.
خانم رمرت: بسیار خوب، راستی، خانم هافمن از شرکت زولاگ تماس گرفته بود.
- Frau Seifert: **Gut, ich rufe sie gleich an. Und würden Sie bitte diesen Brief für mich übersetzen?**
gooht, iH roohf-e zee glayHl ân. oont vuer-den
zee bî-te deez-en breef fuer miH ue-ber-zêts-en?
خانم زایفرت: خوب است، همین الان با او تماس می گیرم. می توانید این نامه را برای من ترجمه کنید لطفاً؟
- Frau Remmert: **Wird gemacht, Frau Seifert.**
virt gê-mâHt frou zayf-êrt
خانم رمرت: انجام می دهم خانم زایفرت.

واژگان

gleich	glayH	همین الان
sofort	zo- <u>fort</u>	خیلی زود، سریعاً
dringend	<u>dring</u> -end	فوراً
im Hause sein	im houz-e zayn	در ساختمان / اداره بودن
in Ordnung	in ord-noong	بسیار خوب، باشد
Wird gemacht	virt ge- <u>mâHt</u>	انجام می شود. (انجام می دهم.)



در تصویر زیر وسایلی را می‌بینید که معمولاً در اداره‌ها یافت می‌شود. معادل آلمانی هرکدام از آن‌ها را در جای خالی بنویسید.



- | | |
|-----------------|----------------|
| ۱. صندلی اداری: | ۸. دستگاه کپی: |
| ۲. چراغ مطالعه: | ۹. میز: |
| ۳. پاکت نامه: | ۱۰. کاغذ: |
| ۴. تقویم: | ۱۱. خودکار: |
| ۵. رایانه: | ۱۲. مداد: |
| ۶. پرینتر: | ۱۳. کفش: |
| ۷. تلفن: | ۱۴. ماوس: |

« صحبت کردن درباره‌ی ورزش‌ها

« شناخت افعال و ضمائر انعکاسی

« سفر به کوهستان، روستا یا دریا

فصل ۱۲

تفریحات و سرگرمی‌های بیرون از خانه

در این فصل تگاهی می‌اندازیم به کارهای جالبی که افراد در اوقات فراغت انجام می‌دهند. اروپایی‌ها دوست دارند بیشترین استفاده را از این اوقات ببرند. آلمانی‌ها، به‌خصوص، عاشق جهانگردی هستند، اما از دیدن مناطق زیبای کشور خودشان نیز لذت می‌برند.

در کشورهای آلمانی‌زبان اروپا می‌توانید از انواع ورزش‌ها و تفریحات لذت ببرید. انتخاب با خودتان است! می‌توانید قایق‌سواری در دریاچه را امتحان کنید، برای اسکی کردن به کوهستان بروید، دوچرخه‌های مخصوص کوهستان را سوار شوید، لب ساحل استراحت کنید یا حین قدم‌زدن در مسیرهای مخصوص پیاده‌روی در طبیعت، از مناظر اطرافتان لذت ببرید.

ورزش کردن

اروپایی‌ها نیز مثل سایر انسان‌های کره‌ی زمین از شرکت کردن در فعالیت‌های ورزشی در سالن و فضای باز لذت می‌برند. ورزش‌های سستی و محبوب، فوتبال (که با فاصله‌ی زیادی در صدر محبوب‌ترین ورزش‌ها قرار دارد)، والیبال، دوچرخه‌سواری، اسکی و پیاده‌روی هستند. ورزش‌های نسبتاً جدیدی مانند تیس، گلف و موج‌سواری نیز در اروپا رواج دارند. با استفاده از کلمات و جملاتی که در ادامه می‌آیند می‌توانید **auf Deutsch** (ouf doych) (به زبان آلمانی) علاقه‌تان به ورزش را با دیگران در میان بگذارید!

بازی کردن با فعل “spielen”

می‌توانید علاقه‌ی کلی‌تان به انجام‌دادن بسیاری از ورزش‌ها را با فعل **spielen** (شپیل-ن) بیان کنید. فقط کافی است نام ورزش موردنظر را در

جالی خالی جمله‌ی زیر قرار دهید:

Ich spiele gern ... (iH shpeel-e gèrn ...) (دوست دارم ... بازی کنم)

ورزش‌هایی که می‌توانند در جای خالی جمله‌ی بالا قرار بگیرند، عبارت‌اند از:

» Basketball (basketball) [تلفظ مانند انگلیسی]

» Fußball (foohs-bál) (فوتبال)

» Golf (golf) [تلفظ مانند انگلیسی]

» Tennis (tennis) [تلفظ مانند انگلیسی]

» Volleyball (volleyball) [تلفظ مانند انگلیسی]

افعال ورزشی

فعل **spielen** برای برخی از ورزش‌ها کاربرد ندارد، چراکه خود آن‌ها به‌شکل فعلی بیان می‌شوند. اگر می‌خواهید علاقه‌تان به این ورزش‌ها را بیان کنید، ساختار زیر را به کار بگیرید:

Ich möchte gern ... (iH merht-te gèrn ...) (مایلم، دوست دارم ...)

برای کامل کردن این جمله کافی است فعلی را به انتهای آن اضافه کنید که نشان‌دهنده‌ی ورزش موردنظر باشد. نیازی به صرف کردن آن نیست. برای مثال:

Ich möchte gern segeln. (iH merht-te gèrn zey-geln.)

(من دوست دارم قایق‌سواری کنم)

تعدادی فعل درمورد ورزش که می‌توانید از آن‌ها استفاده کنید:

» Fahrrad fahren (fahr-rât fahr-en) (دوچرخه‌سواری کردن)

» joggen (jog-en) (آهسته‌دویدن)

» schwimmen (shvim-en) (شنا کردن)

» segeln (zey-geln) (قایق‌سواری کردن)

» Ski fahren (shee fahr-en) (اسکی کردن)

» windsurfen (vint-scoof-en) (موج‌سواری کردن)

هنگام صحبت کردن درباره‌ی علایق ورزشی‌تان می‌توانید از ساختار زیر نیز کمک بگیرید:

Ich ... gern. (iH ... gèrn.) (دوست دارم ...)

در این ساختار باید فعلی را که در جای خالی قرار می‌دهید، صرف کنید. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

Ich schwimme gern. (iH shvīm-e gēr.n.) (دوست دارم شنا کنم.)

Ich fahre gern Fahrrad. (iH fahr-e gēr.n fahr-rât.)

(دوست دارم دوچرخه‌سواری کنم.)

دعوت کردن کسی به بازی

اگر می‌خواهید شخصی را به مشارکت در فعالیتی خاص دعوت کنید، از اصطلاحات زیر بهره بگیرید. یا در جای خالی، فعلی را در حالت مصدری قرار دهید یا اسم ورزش را به همراه فعل **spielen** بیاورید:

Lass uns ... gehen! (lās oons ... gey-en!) (بیایید برویم ...!)

Möchtest du ...? (merH-test dooh ...) (دوست داری ...؟)

به دو مثال زیر نگاه کنید:

Lass uns windsurfen gehen! (lās oons vint-soorf-en gey-en!)

(بیایید موج‌سواری کنیم.)

Möchtest du Volleyball spielen? (merH-test dooh volleyball speel-en?)

(دوست داری والیبال بازی کنیم؟)

بیایید کمی صحبت کنیم

بعد از ظهر جمعه است و میثائل، دوستش اینگو را در مترو می‌بیند:

Michael: **Grüß dich Ingo. Was machst du morgen?**
grues diH een-goh. Vās māHst dooh mor-gèn?

میثائل: سلام اینگو. فردا چه کار می‌کنی؟

Ingo: **Nichts Besonderes. Joggen oder schwimmen.**
Was hast du vor?
nillts be-zon-der-es. jog-en oh-der shvīm-en. vās
hâst du for?

اینگو: کار خاصی ندارم. پیاده‌روی یا شنا. تو چه برنامه‌ای داری؟

Michael: **Ich möchte gern Fahrrad fahren. Kommst du mit?**

iH merH-te gêrn fahr-rât fahr-en. Komst du mit?

میشائیل: من دوست دارم دوچرخه‌سواری کنم. تو هم می‌آیی؟

Ingo: **Ja, sicher. Wohin fahren wir?**

yâh, zeeH-er. voh-hin fahr-en veer?

اینگو: بله حتماً. کجا برویم؟

Michael: **Lass uns zum Starnberger See fahren. Wir können dort in den Biergarten gehen.**

lâs oons tsoom shtahrn-bêr-ger zey fahr-en. veer kern-en dort in deyn beer-gâr-ten gey-en.

میشائیل: بیا به دریاچه‌ی استارن‌برگر برویم. آنجا می‌توانیم به باغ آب‌جو برویم.

Ingo: **Abgemacht! Bis morgen!**

ahp-ge-mâHt. bis mor-gen!

اینگو: قبول! تا فردا!

واژگان

etwas vorhaben	èt-wâs for-hah-ben	برنامه‌داشتن
mitkommen	mit-kom-en	همراه آمدن
ja, sicher	jâh, zeeH-er	بله، حتماً
wohin	voh-hin	کجا
abgemacht	ahp-ge-mâHt	قبول، باشد
bis morgen	bis mor-gen	تا فردا

استفاده از افعال انعکاسی برای صحبت کردن درباره‌ی برنامه‌ها

برنامه‌هایی برای تعطیلات خود چیده‌اید و بسیار مشتاقید در فعالیت‌هایی شرکت کنید که به آن‌ها علاقه دارید. چگونه باید به کسی بگویید که چشم‌انتظار چیزی هستید؟

آلمانی‌ها می‌گویند:

Ich freue mich auf den Urlaub. (iH froy-e miH ouf deyn oor-loup.)

(چشم‌انتظار تعطیلات هستم.)

توجه داشته باشید که این جمله یک فعل انعکاسی دارد. افعال انعکاسی در زبان آلمانی کاربری خیلی بیشتری نسبت به زبان انگلیسی دارند. در ادامه بیشتر به این افعال می‌پردازیم.

افعال انعکاسی انعطاف‌پذیر

افعال زبان آلمانی کمی عجیب‌غریب‌اند. کارهایی می‌کنند که فعل‌های انگلیسی اصلاً بلد نیستند! برای مثال، افعال آلمانی می‌توانند در پایان جمله بیایند و گاهی به دو قسمت تقسیم می‌شوند و یک قسمتشان به انتهای جمله فرستاده می‌شود! (برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد فعل‌های جداشدنی به فصل ۱۴ رجوع کنید.) وقتی می‌خواهید افعال انعکاسی را یاد بگیرید، باید خود را حسابی آماده کرده باشید.

برخی از افعال آلمانی به‌تنهایی کاربرد ندارند و باید به‌همراه یک ضمیر کمکی بیایند و بسته به نقشی که در جمله دارند می‌توانند آکوزاتیو (مفعولی مستقیم) یا داتیو (مفعولی غیرمستقیم) باشند. این ضمیر بازنمایی از فاعل است. به همین دلیل است که این افعال و ضمایر را انعکاسی می‌نامند.

ساخت ضمایر آکوزاتیو و داتیو

این ضمایر به‌اصطلاح انعکاسی چه هستند و تبدیل کردن‌شان به آکوزاتیو و داتیو یعنی چه؟ خوب، بسیاری از آن‌ها برایتان آشنا خواهند بود. در جدول ۱۲-۱ فهرست ضمایر فاعلی، آکوزاتیو و داتیو را می‌بینید. توجه کنید که فقط دو شکل انعکاسی در دو وجه آکوزاتیو و داتیو یکسان نیستند: **mich/mir** (miH/meer) (مرا، به من، خودم) و **dich/dir** (diH/deer) (تو را، به تو، خودت). ضمایر انعکاسی آکوزاتیو و داتیو معانی یکسانی دارند.

جدول ۱۲-۱ ضمایر انعکاسی آکوزاتیو و داتیو

ضمایر شخصی فاعلی	ضمایر انعکاسی آکوزاتیو	ضمایر انعکاسی داتیو
ich (iH) (من)	mich (miH) (خودم)	mir (meer) (خودم)
du (dooH) (تو)	dich (diH) (خودت)	dir (deer) (خودت)
er, sie, es (ër, zee, ês) (او (مذکر، مؤنث)، آن)	sich (ziH) (خودش)	sich (ziH) (خودش)



ضمایر انعکاسی داتیو	ضمایر انعکاسی اکوزاتیو	ضمایر شخصی فاعلی
uns (oons) (خودمان)	uns (oons) (خودمان)	wir (veer) (ما)
euch (oyH) (خودتان)	euch (oyH) (خودتان)	ihr (eer) (شما) (جمع، غیررسمی)
sich (ziH) (خودشان)	sich (ziH) (خودشان)	sie (zee) (آنها)
sich (ziH) (خودتان)	sich (ziH) (خودتان)	Sie (zee) (شما) (مفرد/جمع، رسمی)

ضمیر انعکاسی در جملات ساده بعد از فعل صرف شده قرار می‌گیرد. در سؤالاتی که با فعل شروع می‌شود، ضمیر انعکاسی پس از فاعل قرار می‌گیرد. (برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد نحوه ساخت سؤال در زبان آلمانی به فصل ۲ رجوع کنید) مثال‌های زیر درباره‌ی نقش افعال و ضمایر انعکاسی در جمله هستند:

Ich interessiere mich für die Natur. (ih in-te-rê-see-re miH fuer dee nâ-toohr.)
(من به طبیعت علاقه دارم.)

در این جمله، فاعل **ich** (من) در ضمیر **mich** (خودم) بازتاب یا انعکاس پیدا کرده است: (معنای تحت‌اللفظی: من خودم به طبیعت علاقه دارم.)

Freust du dich auf deinen Urlaub? (froyst dooh diH ouf dayn-en oor-loup?)
(آیا چشم‌انتظار تعطیلات هستی؟)

Herr Grobe hat sich für einen Segelkurs angemeldet. (hêr groh-be hât ziH fuer ayn-en zey-geel-koors ân-ge-mêl-det.)
(آقای گروب در یک کلاس قایق‌رانی ثبت‌نام کرد.)

Herr und Frau Weber erholen sich im Urlaub an der Küste. (hêr oont frau vey-ber êr-hohl-en ziH im oor-loup ân dêr kues-te.)
(آقا و خانم وبر در تعطیلات به استراحت کردن در ساحل می‌پردازند.)

چند فعل انعکاسی رایج

اگر از خودتان می‌پرسید از کجا باید بدانید کدام افعال انعکاسی هستند و کدام نیستند، باید به شما آفرین بگویم. سؤال خوبی است. اما متأسفانه قرار نیست پاسخ خوبی به شما بدهیم؛ باید حفظشان کنید.

با چند فعل انعکاسی شروع کنید که به همراه ضمایر انعکاسی اکوزاتیو به کار می‌روند. برای مثال، **sich freuen** (ziH froy-en) (خوشحال شدن، منتظر بودن) را در نظر بگیرید.

صرف فعل

ich freue mich

du freust dich

Sie freuen sich

er, sie, es freut sich

wir freuen uns

ihr freut euch

Sie freuen sich

sie freuen sich

تلفظ

iH froy-e miH

dooh froyst diH

zee froy-en ziH

êr, zee, ês froyt ziH

veer froy-en oons

eer froyt oyH

zee froy-en ziH

zee froy-en ziH

برخی از رایج‌ترین افعال انعکاسی که به همراه ضمیر آکوزاتیو به کار می‌روند، عبارت‌اند از:

» **sich anmelden** (ziH an-mêl-den) (ثبت‌نام کردن)

» **sich aufregen** (ziH ouf-rey-gen) (هیجان‌زده یا ناراحت شدن)

» **sich beeilen** (ziH bê-ay-len) (عجله کردن)

» **sich entscheiden** (ziH ênt-shay-den) (تصمیم‌گیری کردن)

» **sich erholen** (ziH êr-hohl-en) (استراحت کردن یا بازتوانی کردن)

» **sich erinnern** (ziH êr-in-em) (به یاد آوردن)

» **sich freuen auf** (ziH froy-en ouf) (چشم‌انتظار چیزی بودن)

» **sich freuen über** (ziH froy-en ue-ber) (خوشحال بودن از چیزی)

» **sich gewöhnen an** (ziH ge-vern-en ân) (به چیزی عادت کردن)

» **sich interessieren für** (ziH in-te-ré-see-ren fuer)

(به چیزی علاقه‌داشتن)

» **sich setzen** (ziH zêts-en) (نشستن)

» **sich unterhalten** (ziH oon-têr-hâl-ten) (صحبت کردن، سرگرم‌شدن)

» **sich verletzen** (ziH fêr-lefs-en) (آسیب‌دیدن)

بیا یاد کمی صحبت کنیم



گوش دهید

«آنکه» در سوپرمارکت، دوستش یورگن را می‌بیند. آن‌ها مشغول صحبت کردن درباره‌ی برنامه‌های تعطیلات آنکه هستند. (نمونه‌ی صوتی ۲۵)

Jürgen: **Hallo Anke. Wie gehts? Wir haben uns lange nicht gesehen.**

hã-lo ân-ke, vee geys? veer hah-ben oons lãng-e niHt ge-zey-en.

یورگن: سلام آنکه. حالت چطور است؟ مدت‌هاست
همدیگر را ندیده‌ایم.

Anke: **Ich hatte viel zu tun. Aber jetzt mache ich endlich Urlaub.**

iH hãt-e feel tooh toohn. ah-ber yêst mãH-e iH ênt-liH oor-loup

آنکه: خیلی کار داشتم. اما بالاخره می‌خواهم به
تعطیلات بروم.

Jürgen: **Wie schön. Hast du was vor?**

vee shern. hãst dooh vãs for?

یورگن: چه خوب. برنامه‌ای داری؟

Anke: **Ja. Ich fahre in die Schweiz. Ich nehme an einem Snowboardkurs teil.**

yah. iH fahr-e in dee shvayts. iH ney-me ân ayn-em snah-bord-koors tayl.

آنکه: بله. به سوئیس می‌روم و در یک کلاس اسنوبرد
شرکت می‌کنم.

Jürgen: **Wie lange bleibst du?**

vee lãng-e blaypst dooh?

یورگن: چه مدت می‌مانی؟

Anke: **Zwei Wochen. Ich freue mich riesig auf den Kurs.**

tsvay voH-en. iH fray-e miH ree-zilH ouf deyn koors.

آنکه: دو هفته. واقعاً منتظر این کلاس هستم.

Jürgen: **Ich hoffe, du verletzst dich nicht!**

iH hof-e, dooh vêr-lêtst diH niHt!

یورگن: امیدوارم آسیب نبینی!

واژگان

teilnehmen an	tayl-ney-men àn	شرکت کردن در
endlich	ènt-liH	نهایتاً، بالاخره
sich auf etwas freuen	ziH ouf èt-vàs froy-en	چشم‌انتظار چیزی بودن
sich sehen	ziH zey-en	یکدیگر را دیدن
bleiben	blay-ben	ماندن
der Kurs	dêr koors	کلاس، دوره‌ی آموزشی

افعال انعکاسی انعطاف‌پذیر

تا اینجا افعالی را دیدید که همراه ضمایر انعکاسی آکوزاتیو به کار می‌روند. اگر می‌خواهید بیشتر به پیچیدگی افعال آلمانی پی ببرید، این جنبه از آن‌ها را نیز در نظر بگیرید. برخی از افعال - که بسیاری از آن‌ها به بهداشت شخصی مربوطند - با ضمایر انعکاسی داتیو به کار می‌روند. نگاهی به آن‌ها بیندازید:

Ich putze mir die Zähne. (iH poots-e meer dee tsai-ne.)

(من دندان‌هایم را مسواک می‌زنم.)

Ich wasche mir die Hände. (iH vâsh-e meer dee hên-de.)

(من دستانم را می‌شویم.)

یک نکته‌ی دیگر: ممکن است افعالی را ببینید که سه‌جانبه عمل می‌کنند! بدون اینکه بخواهیم وارد جزئیات شویم، فقط فعل **waschen** را در نظر می‌گیریم. علاوه بر کاربرد آن به‌همراه ضمیر داتیو که در مثال آخر دیدید، می‌توانید آن را در کنار یک ضمیر آکوزاتیو نیز به کار ببرید؛ مانند:

Ich wasche mich schnell. (iH vâsh-e miH shnêl.)

(من به‌سرعت /خودم/ را می‌شویم.)

فعل **waschen** بدون ضمیر نیز به کار می‌رود:

Ich wasche das Auto morgen. (iH vâsh-e dâs ou-toh mor-gen.)

(فردا خودرویم را می‌شویم.)

اگر کنجکاوی و می‌خواهید اطلاعات بیشتری در مورد خمایر و افعال انعکاسی و نکات بسیار دیگری درباره‌ی دستور زبان آلمانی به دست آورید، کتاب *Intermediate German For Dummies* را مطالعه کنید.



راهنمایی

کشف دنیای بیرون از خانه

آیا هفته‌ی کاری سختی را پشت سر گذاشته‌اید؟ از ورزش کردن در باشگاه خسته شده‌اید؟ شاید بخواهید کمی از این کارها فاصله بگیرید و با خانواده یا دوستان تان به گردشی عالی بروید. اگر چنین است، بند کفش‌های پیاده‌روی تان را محکم کنید و دوربین و دفترچه‌ی راهنمای تان را بردارید. ناهارتان را فراموش نکنید، چون ممکن است در دل طبیعت با هیچ کافه یا رستورانی مواجه نشوید!

بیرون رفتن

اگر به قدم‌زدن و پیاده‌روی علاقه دارید، جملات زیر به دردتان می‌خورد:

Wollen wir spazieren/wandern gehen? (vol-en veer shpā-tsee-ren/vān-dem gey-en?) (برویم قدم بزنیم/گردش کنیم؟)

Ich möchte spazieren/wandern gehen. (iH merH-te shpā-tsee-ren/vān-dem gey-en.) (دوست دارم قدم بزنم/بروم گردش.)

آنچه بین راه می‌بینید

زمانی که از تور گردشی خود باز می‌گردید، می‌توانید آنچه را دیده‌اید به کمک جملات زیر برای بقیه تعریف کنید:

Ich habe ... gesehen. (iH hah-be ... gē-zey-en.) (من ... دیدم.)

Ich habe ... beobachtet. (iH hah-be ... bē-oh-bâH-tet.)

(من مشغول تماشای ... بودم.)

فقط کافی است جاهای خالی را پر کنید. احتمال دارد در طول مسیر با هر کدام از موارد زیر روبه‌رو شوید:

» **der Baum** (dêr boum) (درخت)

» **der Fluss** (dêr floos) (رودخانه)

» **die Kuh** (dee kooh) (گاو)

» das Meer (dâs meyr) (دریا، اقیانوس)

» das Pferd (dâs pfêrt) (اسب)

» das Reh (dâs rey) (گوزن)

» das Schaf (dâs shahf) (گوسفند)

» der See (dêr zey) (دریاچه)

» der Vogel (dêr foh-gel) (پرنده)

یادتان باشد هنگام ساخت جملات بالا باید از وجه آکوزاتیو استفاده کنید. (برای کسب اطلاعات بیشتر در این زمینه به فصل ۲ رجوع کنید.) اگر بخواهید اسم مذکری به کار ببرید، جمله‌تان به این شکل خواهد بود:

Ich habe einen Adler gesehen. (ih hah-be ayn-en âd-ler ge-zey-en.)

(من یک عقاب دیدم.)

برای اسامی مؤنث از ساختار زیر استفاده کنید:

Ich habe eine lilafarbene Kuh gesehen! (ih hah-be ayn-e fee-lâ-fâr-bên-e kooH ge-zey-en!) (من یک گاو بنفش دیدم.)

البته شاید در کوه‌های آلپ با چنین حیوانی مواجه نشوید، اما گاو بنفش را می‌توانید روی جلد یکی از معروف‌ترین برندهای شکلات ببینید.

اسامی خنثی را به شکل زیر در جمله قرار دهید:

Ich habe ein Reh gesehen. (ih hah-be ayn rey ge-zey-en.)

(من یک گوزن دیدم.)

شاید هم بخواهید شکل جمع این کلمات را به کار ببرید که به‌طور کلی، کار آسان‌تری است:

Ich habe viele Vögel gesehen. (ih hah-be fee-le fer-gel ge-zey-en.)

(من پرندهای زیادی دیدم.)

هم افرادی که برای قدم‌زدن تفریحی به آلپ می‌روند و هم کسانی که به‌صورت حرفه‌ای کوه‌نوردی می‌کنند، گزینه‌های بسیاری در اختیار خواهند داشت. وقتی در کوهستان با افراد آلمانی‌زبان روبه‌رو می‌شوید و کمی با آن‌ها گفت‌وگو می‌کنید، متوجه می‌شوید افراد کاملاً غریبه یکدیگر را با ضمیر **du** خطاب می‌کنند. استفاده از این ضمیر غیررسمی نشان‌دهنده‌ی رفاقتی است که بین دوستاران کوه‌نوردی وجود دارد.



نکات دستوری



تفریحات و سرگرمی‌های بیرون از خانه
فرهنگی

بیا یاد کمی صحبت کنیم



گوش دهید

آقا و خانم پالسن در شهر کوچکی در نزدیکی کوهستان هستند و امروز می‌خواهند به پیاده‌روی بروند. آن‌ها با خانم کرویتزا در اداری اطلاعات گردشگری محلی صحبت می‌کنند تا بیشتر با مسیرهای پیاده‌روی کوهستانی آشنا شوند. (نمونه‌ی صوتی ۲۶)

Frau Paulsen: Guten Morgen. Wir möchten eine Wanderung machen.

gooh-ten mor-gen. veer merH-ten ayn-e vān-der-oong māt-en.

خانم پالسن: صبح بخیر. ما می‌خواهیم برویم پیاده‌روی.

Frau Kreutzer: Ich kann Ihnen eine Wanderkarte für diese Gegend geben.

iH kām een-en ayn-e vān-dēr-kār-te fuer deez-e gey-gend gey-ben.

خانم کرویتزا: من می‌توانم نقشه‌ی پیاده‌روی این منطقه را به شما بدهم.

Herr Paulsen: Das ist genau das, was wir brauchen.

dās ist ge-nou dās, vās veer brouH-en.

آقای پالسن: این دقیقاً همان چیزی است که ما احتیاج داشتیم.

Frau Kreutzer: Wie wäre es mit dem Hornberg? Wenn Sie Glück haben, können Sie sogar einige Murmeltiere sehen.

vee vair-e ēs mit deym hohrn-bêrg? vèn zee gluek hah-ben, kern-en zee zoh-gār ayn-ee-ge moor-mel-teer-e zey-en.

خانم کرویتزا: کوه هورن چطور است؟ اگر شانس بیاورید، ممکن است حتی مارموت [نوعی سنجاب] هم ببینید.

Herr Paulsen: Das klingt gut. Können Sie uns den Weg auf der Karte markieren?

dās klinkt goohT. keer-en zee oons deyn vëg ouf dēr kār-te mār-keer-en?

آقای پالسن: خوب است، می‌توانید مسیر را روی نقشه برابمان مشخص کنید؟

Frau Kreutzer: **Ja, natürlich.**
yah, nâ-tuer-liih.

خانم کرویتر: بله، البته.

Frau Paulsen: **Vielen Dank für ihre Hilfe.**
fee-len dânk fuer eer-e hil-fe.

خانم پالسن: از کمکتان بسیار متشکرم.

رفتن به کوهستان

چه بخواهید به کوه آلپ بروید چه هر کوه دیگری، مطمئناً با افراد محلی روبه‌رو خواهید شد. در واقع ممکن است در بعدازظهر روز یکشنبه با خانواده‌هایی مواجه شوید که همگی برای پیاده‌روی بیرون آمده‌اند، قبل از اینکه به آن‌ها ملحق شوید، زبان آلمانی خود را با دانستن واژگان زیر تقویت کنید:

- » der Berg (dêr bêrg) (کوهستان)
- » das Gebirge (dâs ge-bîr-ge) (رشته کوه)
- » der Gipfel (dêr gîp-fel) (قله)
- » der Hügel (dêr hue-gel) (تپه)
- » das Naturschutzgebiet (dâs nâ-tooht-shoots-ge-beet)
(منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی طبیعی)
- » das Tal (dâs tahl) (دره)

به جمله‌های زیر توجه کنید:

Wir fahren in die Berge. (veer fahr-en in dee bêr-ge.)

(ما به کوهستان می‌رویم.)

Wir wollen wandern gehen. (veer vol-en vâ-n-der-n ge-y-en.)

(ما می‌خواهیم برویم، پیاده‌روی.)

Ich will bergsteigen. (ih vil bêrg-shtayg-en.) (می‌خواهم کوه‌نوردی کنم.)

واژگان

wandern	<u>v</u> an-der-n	پیداهروی در طبیعت و کوهستان
spazieren gehen	shpâ-tsee-ren gey-en	به گردش رفتن
die Wanderung	dee <u>v</u> an-der-oong	گردش، پیداهروی (در طبیعت)
die Karte	dee <u>k</u> âr-te	نقشه
der Weg	dêr veyk	مسیر
die Gegend	dee <u>g</u> ey-gent	منطقه

بیایید کمی صحبت کنیم

آقای مالا در مسیر بازگشت به خانه با خانم پل مواجه می‌شود. آن‌ها شروع به صحبت کردن درباره‌ی برنامه‌های سفرشان می‌کنند.

Frau Pohl: **Tag Herr Mahler. Na, haben Sie schon Urlaubspläne gemacht?**

tahk hêr mah-ler. nah, hah-ben zee shon oor-loupsplên-e ge-mâht?

خانم پل: سلام آقای مالا، برنامه‌ای برای تعطیلاتتان ریخته‌اید؟

Herr Mahler: **Aber ja, meine Frau und ich werden wieder in die Berge fahren.**

ah-ber yah, mayn-e frau oont iH vêr-den vee-der in dee bêr-ge fahr-en.

آقای مالا: بله، من و همسرم باز هم به کوهستان خواهیم رفت.

Frau Pohl: **Wieder in die Alpen?**

vee-der in dee âlp-en?

خانم پل: باز هم آلپ؟

Herr Mahler: **Nein, diesmal gehen wir in den Pyrenäen wandern. Und Sie?**

nayn, dees-mål gey-en veer in deyn per-re-nê-en
vândern. oont zee?

آقای مالا: نه، این بار می‌خواهیم به کوه‌های پیرنه برویم.
شما چگونه؟

Frau Pohl: **Wir wollen im Herbst in die Dolomiten zum Bergsteigen.**

veer vol-en im hêrpst in dee do-lo-meet-en
tsoom bêrg-shtayg-en.

خانم پل: ما می‌خواهیم در پاییز در کوه‌های دولومیت
کوهنوردی کنیم.

Herr Mahler: **Haben Sie schon ein Hotel gebucht?**

hah-ben zee shohn ayn hotel ge-boohht?

آقای مالا: هتل رزرو کرداید؟

Frau Pohl: **Nein, wir werden in Berghütten übernachten.**

nayn, veer vêr-den in bêrg-huet-en ue-ber-nôht-
ten.

خانم پل: نه، می‌خواهیم در کلبه‌های کوهستانی اقامت
کنیم.

رفتن به روستا

خیلی از رفتن به کوهستان لذت نمی‌برید؟ نظرتان در مورد آب‌وهوای فوق‌العاده‌ی روستا چیست؟ آلمان در حدود ۸۲ میلیون نفر جمعیت دارد، ولی باز هم شما می‌توانید مناطقی را در این کشور پیدا کنید که بسیار ساکت و آرامش‌بخش هستند. گاهی این مکان‌ها در کمال تعجب نزدیک مراکز شهری قرار دارند. همچنین ناگفته پیداست که چنین مکان‌هایی را در اتریش و سوئیس نیز می‌توانید پیدا کنید. فقط کافی است لغات مرتبط با این مناطق را به‌خوبی بلد باشید:

» der Bauernhof (dêr bou-ern-hohf) (مزرعه)

» das Dorf (dâs dorf) (دهکده)

» das Feld (dâs fêlt) (زمین کشاورزی)

» das Land (dâs lânt) (روستا)

» der Wald (dêr vâlt) (جنگل)

» die Wiese (dee veez-e) (چمنزار)

به چند مثال توجه کنید:

Wir fahren aufs Land. (veer fahr-en oufs lânt.) (ما به روستا می‌رویم.)

Wir machen Urlaub auf dem Bauernhof. (veer mâH-en oor-loup ouf deym bou-ern-hohf.) (ما تعطیلاتمان را در یک مزرعه می‌گذرانیم.)

Ich gehe im Wald spazieren. (IH gey-e im vâlt shpâ-tsee-ren.)

(من به جنگل می‌روم تا قدم بزنم.)

بیایید کمی صحبت کنیم

دنیل اتفاقی با دوستش الن روبه‌رو می‌شود. بعد از سلام و احوالپرسی، دنیل در مورد تعطیلات پیش رو با الن صحبت می‌کند.

Daniel: **Ich fahre in der letzten Juli Woche aufs Land.**
ih fahr-e in dêr lêts-te yooH-lee vohf-e oufs lânt.

دنیل: من در آخرین هفته‌ی ماه ژوئیه به روستا می‌روم.

Ellen: **Fährst du allein?**
fahst dooh âl-ayn?

الن: تنها می‌روی؟

Daniel: **Nein, ich verreise zusammen mit meiner Schwester und ihren Kindern.**
nayn, ih fêr-ray-ze tsoo-zâm-en mit mayn-er shvê's-ter oont eer-en kin-dern.

دنیل: نه، با خواهرم و بچه‌هایش سفر می‌کنیم.

Ellen: **Habt ihr eine Ferienwohnung gemietet?**
hahpt eer ayn-e feyr-ee-ên-vohn-oong ge-meet-et?

الن: آیا آپارتمان کرایه کردید؟

Daniel: **Nein. Wir übernachten auf einem Bauernhof in einem kleinen Dorf.**
nayn, veer ue-bêr-nâHt-en ouf ayn-em bou-ern-hohf in ayn-em klâyn-en dorf.

دنیل: نه. شب را در یک مزرعه در دهکده‌ای کوچک می‌گذرانیم.

Ellen: **Die Kindern freuen sich sicher.**

dee kin-der froy-en zih zih-er.

الن: احتمالاً بچه‌ها چشم انتظار / این سفر / هستند.

Daniel: **Und wie!**
oont vee!

دنیل: چه جور هم!

رفتن به دریا

اگر رفتن به کوهستان یا روستا برایتان سخت و ناخوشایند است، شاید کمی نسیم خنک و خیسسی آب روحتان را تازه کند! چه بخواهید به یکی از جزایر بادخیز دریای شمال بروید و چه آرامش دریای بالتیک را ترجیح دهید، می‌توانید از طبیعت لذت ببرید و با لغات زیر با افراد بومی گرم صحبت شوید:

- » die Ebbe (dee êb-e) (جزر)
- » die Flut (dee floot) (مد)
- » die Gezeiten (dee gè-tsayt-en) (جزر و مد)
- » die Küste (dee kues-te) (ساحل)
- » das Meer (dás meyr) (دریا)
- » die Nordsee (dee nort-zey) (دریای شمال)
- » die Ostsee (dee ost-zey) (دریای بالتیک)
- » der Sturm (dêr shtoom) (طوفان)
- » die Wellen (dee vèl-en) (موج‌ها)
- » der Wind (dêr vint) (باد)

بیایید کمی صحبت کنیم

اودو و کارین در مورد مسافرتشان در روزهای تعطیل صحبت می‌کنند. هر دوی آن‌ها می‌خواهند به دریا بروند، اما ایده‌هایشان درباره‌ی تفریح متفاوت است.

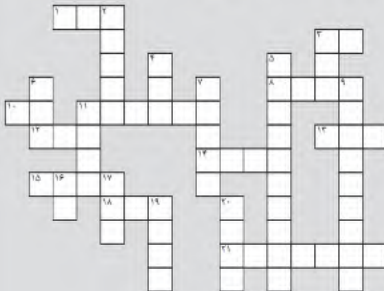
Udo: **Wir wollen dieses Jahr an die Ostsee.**
veer vol-en deez-es yahr ân dee ost-zey.

اودو: ما امسال می‌خواهیم به دریای بالتیک برویم.

- Karin: **Toll! Und was macht ihr dort?**
Toll! oont vâs mâHt eer dort?
کارین: عالی است، می‌خواهید آنجا چه کار کنید؟
- Udo: **Wir wollen windsurfen. Und ihr?**
veer vol-en vînt-soorf-en. oont eer?
اودو: می‌خواهیم موج‌سواری کنیم. شما چطور؟
- Karin: **Wir werden auf eine Nordseeinsel fahren. Wir wollen im Watt wandern gehen.**
veer vêr-den ouf ayn-e nort-zey-in-zel fahr-en.
veer vol-en im vât vân-dern gey-en.
کارین: ما به یکی از جزایر دریای شمال می‌رویم.
می‌خواهیم موقع جزر پیاده‌روی کنیم.
- Udo: **Ist das nicht gefährlich?**
ist dâs niHt ge-fair-lîH?
اودو: خطرناک نیست؟
- Karin: **Nein, man geht bei Ebbe los, und dann hat man einige Stunden Zeit, bevor die Flut kommt.**
nayn, mân geyt bay êb-e lohs, oont dân hât mân ayn-ee-ge shtoon-den tsayt, bê-fohr dee flooht komt.
کارین: نه، باید هنگامی که آب پایین رفته شروع به پیاده‌روی کنی. تا زمانی که آب دوباره بالا بیاید، چند ساعت وقت دارید.
-



با کلمات آلمانی مناسب، جدول را کامل کنید.



- | عمودی | افقی |
|-----------------------------|-----------------------|
| ۲. سلام | ۱. من |
| ۳. حرف تعریف (مذکر) | ۳. تو (غیررسمی، مفرد) |
| ۴. مسیر، راه | ۸. کلاس |
| ۵. اسکیت‌بورد | ۱۰. بله |
| ۶. حرف تعریف (خنثی) | ۱۱. فردا |
| ۷. جزیره | ۱۲. دریاچه |
| ۹. اسکی کردن | ۱۳. او (مؤنث) |
| ۱۱. اقیانوس | ۱۴. جزر |
| ۱۶. آن | ۱۵. کوهستان |
| ۱۷. خوب | ۱۸. و |
| ۱۹. دهکده | ۲۱. دریای شمال |
| ۲۰. حرف تعریف نامعین (مؤنث) | |



در این بخش...

شاید موقعیتی پیش بیاید که به بخش‌های آلمانی‌زبان اروپا سفر کنید. هدف این بخش، کمک به شما در این زمینه است. ما همه‌ی جوانب مربوط به سفر، از جمله مراحل برنامه‌ریزی، تبدیل پول، استفاده از سیستم حمل‌ونقل عمومی و رزرو کردن اتاق در هتل را بررسی می‌کنیم.

Gute Reise! (goh-te ray-ze!) (سفر به‌خیر!)

« برنامه‌ریزی برای سفر

« نام‌بردن تاریخ‌های مشخص

« تهیه‌ی پاسپورت، ویزا و دیگر ملزومات سفر

فصل ۱۳

برنامه‌ریزی برای سفر

ایا می‌خواهید برای تفریح به ارتفاعات آلپ بروید یا کنار دریا؟ **Ausflug** (اوس-فلووک) (گردشی) یک‌روزه از مونیخ تا دریاچه‌ی بکر ایالت باواریا، یعنی دریاچه‌ی **Königsee** (کونگ-زیه) چطور است؟ نظرتان درمورد **Pauschalreise** (پاوشال-رایزه) (تور مسافرتی) یک‌هفته‌ای به ترکیه چیست؟ مهم نیست مقصدتان کجاست، مهم این است که خود را برای سفر مهیا کرده باشید. باید پس از بررسی تقویم، تاریخی مشخص کنید و مطمئن شوید پاسپورتان، علاوه بر مدت سفر، شش ماه بیشتر اعتبار داشته باشد (به‌ویژه اگر می‌خواهید سفر برون‌مرزی بروید). همچنین باید هتل رزرو کنید و باقی کارها را انجام دهید. هنگام برنامه‌ریزی برای سفر، چه بخواهید اطلاعات موردنیازتان را آنلاین به دست آورید و چه از طریق تعامل با دیگران، اطلاعات موجود در این فصل کمکتان می‌کند.

کمک‌گرفتن از کارمندان آژانس مسافرتی

رزرو کردن بلیت برای سفر، به‌صورت آنلاین، کار راحت و سریعی است، اما اگر در اروپا هستید و می‌خواهید سفرتان را از همان جا شروع کنید، ممکن است احساس کنید کارمندان آژانس‌های مسافرتی بهتر می‌توانند به نیازهای شما رسیدگی کنند. شما که نمی‌خواهید پنج شب را در هتلی بگذرانید که صدای موسیقی کرکننده و شبانه‌روزی باشگاهی کنار استخرش مسافرتان را خراب کند!

وقتی با **das Reisebüro** (داس رایزه-بوره) (آژانس مسافرتی) تماس می‌گیرید، جمله‌ی زیر را به کارمندی که گوشی را برداشته، بگویید:

Ich möchte gern ... (iH merH-te gern ...) (من می‌ایم ...)

می‌توانید هر کدام از عبارت‌های زیر را در ادامه‌ی جمله‌ی پیش‌گفته بیاورید تا مشخص کنید او چه کمکی می‌تواند به شما بکند:

... einen Flug nach ... buchen. (ayn-en floohk nahH ... boohH-en.)

(پروازنی برای ... رزرو کنیم)

... am ... abfliegen. (âm ... âp-fleeeg-en.)

(در روز ... عازم شدن [با هواپیما سفر کردن])

... am ... zurückfliegen. (âm ... tsoo-ruek-fleeeg-en.)

(در روز ... [با هواپیما] بازگشتن)

... eine Pauschalreise nach ... buchen. (ayn-e pou-shahl-ray-ze nahH ... boohH-en.) (یک تور مسافرتی به مقصد ... رزرو کردن)

... einen Ausflug nach ... buchen. (ayn-en ous-floohk nahH ... boohH-en.) (برای گردش به ... برنامه‌ریزی کردن)

... ein Hotelzimmer reservieren. (ayn hoh-tél-tsi-mer rê-zér-vee-ren.)

(یک اتاق در هتل رزرو کردن)

بیا یاد کمی صحبت کنیم

خانم برگا می‌خواهد یک تور مسافرتی به جزیره‌ی اسپانیایی Mallorca (may-yor-kâ) (مایورکا) که مقصد گردشگری بسیار محبوبی برای آلمانی‌هاست، رزرو کند. او با یک آژانس مسافرتی تماس می‌گیرد تا سفرش را رزرو کند. (نمونه‌ی صوتی ۲۷)



کودر: محمد

Angestellter: **Reisebüro Kunze, guten Tag!**
ray-ze-bue-rah kaan-tse, gooh-ten tahk!

کارمند: آژانس مسافرتی کونزه، روزبه‌خیر!

Frau Burger: **Guten Tag. Ich möchte eine Pauschalreise für eine Woche nach Mallorca buchen.**
gooh-ten tahk. ih merH-te ayn-e pou-shâl-ray-ze fuer ayn-e woH-e nah may-yor-kâ boohH-en.

خانم برگا: سلام، می‌خواستم یک تور مسافرتی یک‌هفتگی به مقصد مایورکا رزرو کنم.

Angestellter: **Gut. Wann möchten Sie hinfliegen?**
gooht. vâ merH-ten zee hin-fleeeg-en?

کارمند: بسیار خوب، چه زمانی می‌خواهید بروید؟

Frau Burger: **Im Oktober. Aber wie sind die Preise?**
im ok-toh-ber. ah-ber vee zint dee pray-ze?

خانم برگ: قیمت‌ها چطور است؟

Angestellter: **Keine Sorge. Oktober ist Nebensaison. Möchten Sie am 5. Oktober abfliegen?**
kayn-e zohr-ge. ok-toh-ber ist ney-ben-zey-zon. merH-ten zee am fuenf-ten ok-toh-ber ap-fleeg-en?

کارمند: نگران نباشید. اکتبر ماه شلوغی نیست.
مایلید روز پنجم اکتبر سفر کنید؟

Frau Burger: **Perfekt. Das passt ausgezeichnet.**
për-fêkt. dâs pâst ous-ge-tsayH-nêt.

خانم برگ: عالی است. برای من بسیار مناسب است.

Angestellter: **Sehr gut. Ich buche den Flug und die Übernachtung für Sie. Ich empfehle Ihnen das fünf Stern Hotel Eden.**

zeyr gooht. iH boohH-e deyn floohk oont
dee ue-ber-nâHt-oong fuer zee. iH em-
pfeyle een-en dâs fuenf shtêrn hotel
[تلفظ مانند انگلیسی] ey-den.

کارمند: خیلی خوب است. من پرواز و محل اقامت
را برایتان رزرو می‌کنم. پیشنهاد می‌کنم به هتل
پنج ستاره‌ی اِدِن بروید.

Frau Burger: **Danke.**
dân-ke.

خانم برگ: متشکرم.

واژگان

die Reise	dee ray-ze	سفر، مسافرت
reisen	ray-zen	سفر کردن
buchen	boohH-en	رزرو کردن
das Reisebüro	dâs ray-ze-bue-roh	آژانس مسافرتی
die Übernachtung	dee ue-ber-nâHt-oong	محل اقامت

برنامه‌ریزی از قبل: استفاده از زمان آینده

وقتی درباره‌ی چیزهایی صحبت می‌کنید که در آینده رخ می‌دهند، باید از زمان آینده استفاده کنید. زمان آینده در زبان انگلیسی با افزودن کلمه‌ی "will" به فعل ساخته می‌شود. ساخت زمان آینده در زبان آلمانی به ساخت این زمان در زبان انگلیسی نسبتاً شبیه است، به‌جز اینکه شما باید معادل آلمانی فعل "will" را صرف کنید. در واقع باید شکل مناسبی از فعل **werden** (veyr-den) را برگزینید و سپس شکل مصدری فعل دیگر را به آن اضافه کنید. شکل صرف‌شده‌ی فعل **werden** در جایگاه معمول فعل، یعنی جایگاه دوم قرار می‌گیرد و مصدر به انتهای جمله می‌رود. در چنین حالتی، **werden** به‌عنوان فعل کمکی و در معنای «آینده» به کار گرفته شده است (وقتی فعل **werden** به‌تنهایی استفاده می‌شود، به‌معنای (تبدیل شدن، شدن) خواهد بود).

فعل **werden** به‌شکل زیر صرف می‌شود:

صرف فعل	تلفظ
Ich werde	ih veyr-de
du wirst	dooH virst
Sie werden	zee veyr-den
er, sie, es wird	êr, zee, ês virt
wir werden	veer veyr-den
ihr werdet	eer veyr-det
Sie werden	zee veyr-den
sie werden	zee veyr-den

در نمونه‌های زیر کاربرد زمان آینده را می‌بینید. توجه کنید که مصدر همیشه در انتهای جمله قرار می‌گیرد و در صورت نیاز به منفی‌سازی، **nicht** درست پس از **werden** می‌آید.

Wirst du nächstes Jahr nach Kroatien fahren? (virst dooh naiH-stes yahr nahH kroh-ahts-ee-en fahr-en?) (آیا سال آینده به کرواسی می‌روی؟)

Wir werden nicht zum Fest kommen. (veer veyr-den niHt tsoom fêst kom-en.) (ما به مهمانی نمی‌آئیم.)

Frau Meier wird heute Abend zurückfliegen. (frou may-er virt hoy-te ah-bent tsou-ruek-fleeg-en.) (خانم مایا امشب با هواپیما باز خواهد گشت.)



آلمانی‌زبان‌ها خیلی از زمان آینده استفاده نمی‌کنند. آن‌ها کمتر از انگلیسی‌زبانان این زمان را به کار می‌برند. همچنین برخلاف شکل‌های متعدد بیان زمان آینده در زبان انگلیسی، در زبان آلمانی برای بیان این زمان تنها یک روش، آن هم با فعل **werden** وجود دارد. اغلب اوقات، آلمانی‌ها با استفاده از زمان حال ساده در باره‌ی اتفاقات آینده صحبت می‌کنند. اصطلاحاتی مانند **morgen** (*mor-gen*) (فردا) یا **nächstes Jahr** (*naiH-stes yahr*) (سال بعد/آینده) زمان آینده را نشان می‌دهند. جملات زیر همگی به رویدادهایی مربوطند که در آینده رخ می‌دهند، اگرچه فعل تک‌تک آن‌ها در زمان حال صرف می‌شود:

Morgen gehe ich wandern. (*mor-gen gey-e iH vān-dēm.*)

(من فردا به پیاده‌روی خواهم رفت.)

Fährst du nächstes Jahr wieder zum Filmfest Hamburg?

(*fairst dooh naiH-stes yahr vee-der tsoom film-fêst hām-boorg?*)

(آیا سال آینده هم به فستیوال فیلم هامبورگ خواهی رفت؟)

Susanne geht übermorgen zum Konsulat. (*soo-zān-e geyt ue-ber-*

mor-gen tsoom kon-zoo-laht.) (سوزان پس فردا به کنسولگری خواهد رفت.)

توصیف رویدادها در ماه‌های بخصوص

اگر می‌خواهید بگویید که در ماهی بخصوص قرار است اتفاقی رخ دهد، باید نام آن ماه را به همراه حرف اضافه‌ی **im** (*im*) (در) به کار ببرید:

Ich fliege im Januar nach Zürich. (*iH fleeg-e im yān-oo-ahr naiH*

tsuer-iH.) (من در ژانویه (یا هواپیمایم) به زوریخ خواهم رفت.)

Ich fliege im Februar zurück. (*iH fleeg-e im fey-broo-ahr tsoo-ruek.*)

(در فوریه (یا هواپیمایم) باز خواهم گشت.)

Im März werde ich zu Hause sein. (*im mërts veyr-de iH tsooh houz-e*

zāyn.) (ماه مارس در خانه خواهم بود.)

بیان زمان‌های بخصوص در ماه

اگر می‌خواهید به‌شکلی مشخص‌تر درباره‌ی زمان خاصی در یک ماه صحبت کنید، جملات زیر کمکتان می‌کنند:

Anfang Januar (*ān-fāng yān-oo-ahr*) (ابتدای ژانویه)

Mitte Februar (*mit-e fey-broo-ahr*) (اواسط فوریه)

Ende März (én-de mèrts) (پایان مارس)

البته می‌توانید نام هر ماهی را که می‌خواهید پس از کلمات **Mitte, Anfang** و **Ende** بیاورید:

Anfang April fliegen wir nach Berlin. (ân-fâng â-pril fleeg-en veer nahH bêr-leen.) (اولیل آوریل به برلین پرواز خواهیم کرد.)

Ich werde Ende Mai verreisen. (iH vēr-de ên-de may fêr-ray-zen.) (اواخر ماه مه به سفر خواهیم رفت.)

Herr Behr wird Mitte Februar in den Skiurlaub fahren. (hêr beyr virt mit-e fey-broo-ahr in deyn shee-oor-loup fahr-en.) (آقای پر اواسط فوریه برای اسکی کردن به مسافرت خواهد رفت.)

بررسی مجدد تاریخ‌ها

وقتی درباره‌ی **das Datum** (dâs dah-toom) (تاریخ) صحبت می‌کنید، باید توجه داشته باشید که در زبان آلمانی (و بسیاری از زبان‌های دیگر)، ابتدا روز موردنظر بیان می‌شود و سپس ماه، علاوه بر این باید روز را با اعداد ترتیبی بیان کنید و پس از آن یک نقطه بگذارید. برای مثال: **15. Juni 2011** (پانزدهم ژوئن ۲۰۱۱). فصل ۷ اطلاعات بیشتری در مورد اعداد ترتیبی در اختیارتان می‌گذارد.

این جمله طولانی بود، در حالی که اغلب صورت کوتاه‌تر را می‌بینید و می‌شنوید. برای مثال، می‌نویسید **14.10.2000** و می‌خوانید (veer-tsey-n-ter tsey-n-ter tsvey-tou-zênt) **vierzehnter zehnter zweitausend** (چهاردهم اکتبر ۲۰۰۰). باز هم توجه داشته باشید که روز و ماه با اعداد ترتیبی بیان شده و پس از آن‌ها نقطه گذاشته می‌شود.

اگر می‌خواهید تاریخ امروز را بدانید، این سؤال را بپرسید:

Welches Datum ist heute? (vêlt-es dah-toom ist hoy-te?)

(امروز چه تاریخی است؟)

پاسخ این سؤال به یکی از دو شکل زیر خواهد بود:

Heute ist der ... (hoy-te ist dêr ...) (امروز ... است.)

Heute haben wir den ... (hoy-te hah-ben veer deyn ...) (امروز ... است.)



به دو شکل می‌توان سال موردنظر را در جمله بیان کرد. روش حلوای‌تری این است که از حرف اضافه‌ی **im** استفاده کنید و عبارت ... **im Jahr** (**im Jahr**) (در سال ...) را بسازید. در روش دوم که کوتاه‌تر است، این عبارت حذف می‌شود.

جملات زیر مثال‌هایی از هر دو روشی هستند که با آن‌ها می‌توانید درباره‌ی سال وقوع یک اتفاق صحبت کنید:

Im Jahr 2010 arbeitete Herr Diebold in den USA. (im Jahr tsvey-tou-zènt tseyn ár-bay-te-te hêr dee-bolt in deyn ooh-ës-ah.)
(آقای دیبولد سال ۲۰۱۰ در آمریکا کار می‌کرد.)

2008 war er in Kanada. (tsvey-tou-zènt-áHt vâr êr in kâ-nâ-dâ.)
(او سال ۲۰۰۸ در کانادا بود.)

واژگان

das Jahr	dás yahr	سال
der Monat	dêr <u>moh</u> -nât	ماه
die Woche	dee <u>voH</u> -e	هفته
der Tag	dêr tahk	روز
das Datum	dás <u>dah</u> -toom	تاریخ
der Kalender	dêr kâ-lên-der	تقویم

گرفتن پاسپورت و ویزا

هرچند به نظر می‌رسد دنیا، به لطف اینترنت، هر روز کوچک و کوچک‌تر می‌شود، باز هم برای سفر کردن باید کارهای قانونی را انجام دهید. به‌ویژه اینکه به پاسپورت نیاز خواهید داشت، بعد از آن باید به‌دنبال کارهای ویزایتان هم بروید.

پاسپورتی که از هر چیزی مهم‌تر است

قبل از سفر، باید پاسپورتان را چک کنید و مطمئن شوید اعتبار کافی برای مدت اقامتان دارید (برخی از کشورها اجازه‌ی اقامت سه تا شش ماهه می‌دهند). قطعاً نمی‌خواهید کل مدت اقامتان در خارج را دنبال کنسولگری کشورتان بگردید تا

پاسپورتان را تمدید کنید! اگر این مسئله‌ی بسیار مهم را فراموش کرده باشید، چنین جمله‌ای را در باجه‌ی بررسی بلیت فرودگاه یا از آن بدتر، در فرودگاه مقصد خواهید شنید:

Ihr Pass ist abgelaufen! (eer päs ist äp-ge-louf-en!)

(پاسپورتان منقضی شده است!)

در این صورت شما را به نزدیک‌ترین **das Konsulat** (داس کن-زoo-لاht) (کنسولگری) کشور متبوعتان هدایت می‌کند تا کارهای قانونی لازم انجام شود.

در صورتی که متوجه شدید پاسپورتان را گم کرده‌اید، مستقیماً به کنسولگری کشورتان مراجعه کنید تا این مسئله را گزارش دهید. در صورت نیاز، می‌توانید از یک پلیس کمک بگیرید یا برای اعلام مفقودی به کلاتری مراجعه و جمله‌ی زیر را بیان کنید:

Ich habe meinen Pass verloren. (ih hah-be mayn-en päs fér-lohr-en.)

(پاسپورتم را گم کرده‌ام.)

کسب اطلاعات در مورد ویزا

برای رفتن به آلمان و بیشتر کشورهای اروپایی به ویزای شینگن احتیاج دارید. جملات زیر در این راستا به شما کمک می‌کند:

Braucht man ein Visum für Reisen nach ...? (brouht mæn ayn vee-zoom fuer ray-zen nahH ...?) (آیا برای سفر به ... ویزا لازم است؟)

Wie lange ist das Visum gültig? (vee lêng-e ist däs vee-zoom guel-tih?) (ویزا چه مدت اعتبار دارد؟)

Ich möchte ein Visum beantragen. (ih merH-te ayn vee-zoom bê-ân-trah-gen.) (می‌خواهم درخواست ویزا بدهم.)

بیاید کمی صحبت کنیم

جورج پک، آمریکایی ساکن آلمان، می‌خواهد به **Phuket** (fooh-kef) (پوکت) تایلند سفر کند. وقتی او در آژانس مسافرتی مشغول انجام کارهای لازم برای مسافرت است، با کارمند آنجا درباره‌ی ورود به تایلند صحبت می‌کند.

George: **Brauche ich ein Visum für Thailand?**
brouH-e ih ayn vee-zoom fuer tay-länt?

جورج: آیا برای (رفتن به) تایلند ویزا لازم دارم؟

Angestellte: **Nein, für Thailand nicht, aber Sie brauchen natürlich Ihren Reisepass. Ist er noch gültig?**
nayn, fuer tay-lânt niHt, aber zee brouH-en na-tuerliH eer-en ray-ze-pâs. ist êr noH guel-tiH?

کارمند: نه، برای تایلند لازم نیست. اما طبیعتاً به پاسپورتتان نیاز خواهید داشت. اعتبار دارد؟

George: **Ja, doch.**
yah, doll.

جورج: بله.

Angestellte: **Prima! Noch irgendwelche Fragen, Herr Beck?**

pree-mâ! noH eer-gënt-vell-ê frah-gen hêr bêk?

کارمند: عالی است! سؤال دیگری دارید آقای بک؟

George: **Nein, das war's. Vielen Dank.**
nayn, dâs vahrs. fee-len dânk.

جورج: نه. فقط همین. خیلی ممنونم.

Angestellte: **Gern geschehen. Und, Gute Reise!**
gêrn ge-shey-en. oont, gooh-te ray-ze!

کارمند: خواهش می‌کنم، سفره‌خیر!

واژگان

der Reisepass	dêr ray-ze-pâs	پاسپورت
das Visum	dâs vee-zoom	ویزا
beantragen	bê-ân-trah-gen	درخواست کردن
gültig/ungültig	guel-tiH/oon-guel-tiH	معتبر / نامعتبر
verlängern	fêr-lêng-ern	تمدید کردن
ablaufen	âp-louf-en	منقضی شدن
das Konsulat	dâs kon-zooh-laht	کنسولگری
die Botschaft	dee boht-shâft	سفارت



همه‌ی جملات زیر وقایعی را توصیف می‌کنند که در آینده رخ می‌دهند. فعل werden را درست صرف کنید و در جاهای خالی قرار دهید.

1. Wir _____ ans Meer fahren.
2. _____ du mit deiner Familie in die USA fliegen?
3. Ich _____ meinen Urlaub im Reisebüro buchen.
4. _____ ihr mit dem Zug nach Dänemark fahren?
5. Kai _____ ein Visum für Kanada beantragen.
6. Claudia und Bärbel _____ dieses Jahr nach Polen reisen.

فصل ۱۴

سروکارداشتن با پول در یک کشور خارجی

پول قطعاً در مسائل جهان تأثیر زیادی دارد و منطقه‌ی یورو حول محور ارز چندملیتی خود، یورو، می‌چرخد. پس دلارهای سبز رنگ چطور؟ در این فصل می‌خواهیم کمکتان کنیم فرایند تبدیل دلار به اسکناس‌های رنگارنگ یورو را سریع‌تر انجام دهیم. هنوز هم مسئله‌ی کشورهایمانند سوئیس که کماکان ارز ملی خود را حفظ کرده‌اند در جای خود باقی است. چه با افراد مختلف سروکار داشته باشید چه با دستگاه خودپرداز، اصطلاحات درست این فصل کمکتان می‌کند بتوانید به راحتی جیبتان را پر از یورو کنید!

تبدیل ارز

گرفتن ارز محلی در اروپا معمولاً تجربه‌ی ساده‌ای به حساب می‌آید. در واقع همه‌ی بانک‌ها با دریافت دلار، پول رایج آن کشور را ارائه می‌کنند. همچنین به‌سادگی می‌توانید از هر دستگاه خودپردازی پول نقد بگیرید؛ البته به‌شرط اینکه کارت‌های اعتباری مثل ویزاکارت یا مسترکارت داشته باشید و رمز آن را بدانید.

معمولاً تابلویی بیرون از بانک نصب می‌شود که **Wechselkurse** (vèk-sel-koor-z) (نرخ تبدیل) ارز فعلی را نشان می‌دهد. نگاهی به ستون **Ankauf** (ān-kouf) (خرید) آن تابلو بیندازید. سپس به **der Schalter** (dèr shāl-ter) (باجه) مراجعه کنید. **Bankangestellter** (bānk-an-ge-stèl-ter) (کارمند بانک) در باجه‌ی موردنظر، تراکشتان را به‌طور کامل انجام می‌دهد یا شما را نزد **Kasse** (kās-e) (صندوقدار) می‌فرستد.

اغلب در فرودگاه‌ها و ایستگاه‌های بزرگ راه‌آهن کسب‌وکارهایی را می‌بینید که تخصصشان تبدیل ارز است و در زبان آلمانی **Wechselstube** (vêk-sel-stoooh-be) نامیده می‌شوند. مهم نیست کجا بخواهید پولتان را تبدیل کنید؛ این فرایند به‌طور کلی ساده است، چراکه فقط به جملات زیر احتیاج خواهید داشت:

Ich möchte ... Dollar in Euro wechseln/tauschen. (ih merH-te ... dol-är in oy-roh vêk-seln/toush-en.) (می‌خواهم ... دلار را به یورو تبدیل کنم.)

توجه: فعل‌های **tauschen** و **wechseln** هر دو به معنای تبدیل کردن - در اینجا، تبدیل کردن ارز - است.

Wie ist der Wechselkurs? (vee ist dêr vêk-sel-koors?)

(نرخ تبدیل چیست؟)

Wie hoch sind die Gebühren? (vee hohH zint dee ge-buer-en?)

(کارمزد تراکنش چقدر است؟)

Nehmen Sie Reiseschecks? (ney-men zee ray-ze-shêks?)

(چک مسافرتی قبول می‌کنید؟)

زمانی که پولتان را تبدیل می‌کنید، احتمالاً از شما **Reisepass** (ray-ze-pàs) (پاسپورت) می‌خواهند. متصدی به شما می‌گوید:

Haben Sie Ihren Reisepass? (hah-ben zee eer-en ray-ze-pàs?)

(پاسپورت همراهتان است؟)

بعد از اینکه مدرک قانونی را نشان دادید - فرض کنیم چهره‌ی شما با عکس پاسپورتتان مطابقت داشت - احتمالاً متصدی از شما می‌پرسد که پول موردنظر را به چه صورت می‌خواهید:

Welche Scheine hätten Sie gern? (vêlH-e shayn-e hêt-en zee gêrn?)

(اسکناس چقدری می‌خواهید؟/اسکناس با چه مقادیری می‌خواهید؟)

می‌توانید بگویید:

In Zehnern/in Zwanzigern/in Fünzigern/in Hundertern, bitte. (in tsey-n-ern/in tsvân-zig-ern/in fuenf-tsig-ern/in hoon-dert-ern, bi-te.)

(اسکناس‌های دهی/بستی/پنجاهی/صدی لطفاً.)



به خاطر بسپارید

سیستم پرداخت آلمانی



ظرافت‌های
فرهنگی

در آلمان و بسیاری از کشورهای اتحادیه‌ی اروپا (EU)، تقریباً همه‌ی تراکنش‌های منظم مالی به وسیله‌ی پرداخت مستقیم، از طریق پول نقد یا به شکل الکترونیکی، انجام می‌شود. مشتریان هنگام خرید، هم از پول نقد و هم از کارت اعتباری استفاده می‌کنند. بسیاری از آلمانی‌ها ترجیح می‌دهند فقط از پول نقد استفاده کنند. البته کارت اعتباری نیز پذیرفته می‌شود، اما بسیاری از فروشگاه‌ها و رستوران‌ها این کارت‌ها را قبول نمی‌کنند. استفاده از چک در این کشور منسوخ شده است. کارت بانکی الکترونیکی EC بدون هیچ محدودیتی در همه‌ی خودپردازهای اتحادیه‌ی اروپا کار می‌کند.

کارت اعتباری شما که خارج از اروپا صادر شده نیز ممکن است در بعضی کشورها معتبر باشد؛ اما قبل از سفر، بهتر است با شرکت صادرکننده‌ی کارت خود تماس بگیرید و پرسید که آیا کارت اعتباری‌تان در کشور مقصد کار می‌کند و آیا مشمول کارمزد می‌شود یا نه. وقتی می‌خواهید با کارت اعتباری خود از دستگاه‌های خودپرداز پول نقد بگیرید، به رمز چهاررقمی نیاز دارید.

بیا یاد کمی صحبت کنیم

«آن» توریست آمریکایی به بانک می‌رود تا پولش را تبدیل کند. (نمونه‌ی

صوتی ۲۸)



کمی دعد

Bankangestellter: **Guten Morgen.**
gooh-ten mor-gen.

کارمند بانک: صبح به‌خیر.

Anne: **Guten Morgen. Ich möchte 300 US-Dollar wechseln. Wie ist der Wechselkurs, bitte?**
gooh-ten mor-gen. ih merH-te dray-hoon-dert ooh-és dol-är vèk-seln. vee ist dêr vèk-selkoors, bi-te?

آن: صبح به‌خیر. می‌خواهم ۳۰۰ دلار آمریکا را تبدیل کنم. عذر می‌خواهم نرخ تبدیل چقدر است؟

Bankangestellter: **Einen Moment, bitte. Für einen Dollar bekommen Sie 0,78 Euro.**
oyn-en moh-ment, bi-te. fuer oyn-en dol-är be-kom-en zee nool kom-â âHt oont zeep-tsiH oy-roh.

کارمند بانک: یک لحظه لطفاً. به‌ازای هر دلار
۰/۷۸ یورو دریافت خواهید کرد.

Anne: **Können Sie mir bitte Reiseschecks
über 300 Dollar in Euro wechseln?**

kern-en zee meer bi-te ray-ze-shêks ue-
ber dray-hoon-dêrt dol-âr in oy-roh vêk-
seln?

آن: می‌توانید چک مسافرتی ۳۰۰ دلاری را به
یورو تبدیل کنید لطفاً؟

Bankangestellter: **Kein Problem. Haben Sie ihren
Reisepass?**

kayn pro-bleym. hah-ben zee eer-en ray-
ze-pâs?

کارمند بانک: مشکلی نیست. پاسپورت
همراهتان است؟

Anne: **Ja, hier ist er.**
yah, heer ist êr.

آن: بله، بفرمایید.

Bankangestellter: **Für 300 Dollar bekommen Sie
234 Euro. Abzüglich 3,30 Euro
Wechselgebühr macht das 230,70
Euro.**

fuer dray-hoon-dert dol-âr bê-kom-en
zee dâs tsvayhoon-dert-feer-oont-dray-
siH oy-roh. âb-tsueg-liH dray oy-roh
dray-siH vêk-sel-ge-buer mâHt dâs tsvay-
hoon-dert-dray-siH oy-roh zeep-tsiH.

کارمند بانک: به‌ازای ۳۰۰ دلار، ۲۳۴ یورو
خواهید گرفت. منهای ۳/۳۰ یورو کارمزد که
می‌شود ۲۳۰/۷۰ یورو.

Anne: **Vielen Dank.**
fee-len dânk

آن: خیلی متشکرم.

واژگان

Geld tauschen	gêlt <u>tou</u> -en	تبدیل کردن پول
Geld wechseln	gêlt <u>vêk</u> -seln	تبدیل کردن پول
das Bargeld	dâs bâr-gêlt	پول نقد
in bar	in bâr	با پول نقد
einen Reisescheck einlösen	ayn-en ray-ze-shék ayn-ler-zen	نقد کردن چک مسافرتی
eine Gebühr bezahlen	ayn-e ge-buer be- tsah-len	کارمزد پرداخت کردن
der Wechselkurs	dêr <u>vêk</u> -sel-koors	نرخ تبدیل
der Ankauf	dêr ân-kouf	خرید
der Verkauf	dêr fêr-kouf	فروش

استفاده از دستگاه خودپرداز

به جای اینکه برای تبدیل کردن پول خود به یابجی بانک مراجعه کنید، می توانید از **Geldautomat** (gêlt-ou-toh-maht) (دستگاه خودپرداز) استفاده کنید. فقط کافی است روی دستگاه خودپرداز موردنظر به دنبال آرم کارت بانکی تان بگردید تا مطمئن شوید آن دستگاه کارت شما را قبول می کند.

بسیاری از دستگاه های خودپرداز از شما می پرسند که به چه زبانی می خواهید با دستگاه کار کنید، اما اگر در شرایطی خاص فقط گزینه ی آلمانی در دسترس بود، باید از قبل آماده باشید. دستگاه های خودپرداز از جملاتی ساده و کوتاه استفاده می کنند: مصدرهای فعلی مهم ترین بخش این جملات هستند (برای توضیحات بیشتر بحث بعدی را بخوانید). جملات معمول در خودپردازها عبارت اند از:

Karte einführen (kâr-te ayn-fuer-en) (کارت را وارد کنید.)

Sprache wählen (shprahH-e val-len) (زبان را انتخاب کنید.)

Geheimzahl eingeben (ge-haym-tsahl ayn-gey-ben) (رمز را وارد کنید.)

Betrag eingeben (be-trahk ayn-gey-ben) (مبلغ را وارد کنید.)

Betrag bestätigen (be-trahk be-sh té-ti-gen) (مبلغ را تأیید کنید.)

Karte entnehmen (kár-te ént-ney-men) (کارت را بردارید.)

Geld entnehmen (gêlt ént-ney-men) (پول را بردارید.)

تراکنش کامل شد. حالا باید کیف پولتان پر باشد، مگر اینکه چیزی اشتباه پیش رفته باشد. شاید دستگاه خودپرداز خراب باشد که در این صورت چنین پیامی را مشاهده می کنید:

Geldautomat außer Betrieb. (gêlt-ou-toh-maht ous-er be-treep.)

(خودپرداز خارج از سرویس است.)

شاید هم خودپرداز کاررتان را بیرون بفرستد! در این صورت، چنین پیامی دریافت می کنید:

Die Karte ist ungültig./Die Karte wird nicht akzeptiert. (dee kár-te ist oon-guel-tiH./dee kár-te virt niHt ák-tsep-teert.)

(کارت معتبر نیست/کارت قابل قبول نیست.)

بدترین اتفاقی که ممکن است بیفتد، چیست؟ دستگاه کارت شما را ضبط کند و فقط پیامی برای همدردی با شما نمایش دهد:

Die Karte wurde eingezogen. Bitte gehen Sie zum Bankschalter. (dee kár-te voor-de ayn-ge-tsoh-gen. bi-te gey-en zee tsoom bânk-shâl-ter.) (کارت ضبط شد. لطفاً به باجه‌ی بانک مراجعه کنید.)

ارقام اعشاری و ویرگول در اعداد

اعداد در زبان‌های انگلیسی و آلمانی متفاوت نوشته می‌شوند. در یکی از آن‌ها برای نشان دادن اعشار از ویرگول و در دیگری از نقطه استفاده می‌شود. نگاهی به مثال‌های زیر بینمایید تا کاملاً متوجه شوید:

• انگلیسی:	8.4	20.75	490.99
• آلمانی:	8,4	20,75	490,99

عدد ۲۰/۷۵ این‌طور بیان می‌شود:

zwanzig Komma sieben fünf (tsvân-tsiH Kom-mâ zee-ben fuent)

این عدد در زبان انگلیسی با نقطه‌ای بین ۲۰ و ۷۵ نوشته می‌شود.

عدد یک میلیون دلار به انگلیسی و آلمانی این‌طور نوشته می‌شود:

• انگلیسی:	1,000,000 دلار
• آلمانی:	1.000.000 دلار



دستگاه‌های خودپرداز و سایر دستگاه‌ها اغلب از جملاتی کوتاه مثل **Geheimzahl eingeben** (ge-haym-tsayl ayn-gey-ben) (رمز را وارد کنید) استفاده می‌کنند. شاید این جملات خیلی مؤدبانه به نظر نرسند، اما روشی برای خلاصه کردن کلام هستند. برای مثال، روش مؤدبانه‌تر بیان این **Geheimzahl eingeben** است که بگویید:

Bitte geben Sie Ihre Geheimzahl ein. (bi-te gey-ben zee eer-e ge-haym-tsayl ayn.) (لطفاً رمزتان را وارد کنید.)

اگر این مسئله را از دیدگاه دستور زبان بررسی کنیم، چنین جملات کوتاهی در واقع مصدرهایی هستند که حالت امری (دستوری) دارند. هنگامی که باید کاری را طبق دستورالعمل انجام دهید یا زمانی که استفاده‌ی کارآمد از زبان بیشترین اهمیت را برای گوینده یا نویسنده دارد، با این جملات مواجه خواهید شد.

وقتی وارد ساختمانی مانند بانک می‌شوید، اغلب کلمه‌ی **ziehen** (tsee-hen) (کشیدن) را روی در ورودی و کلمه‌ی **drücken** (druék-en) (هل‌دادن) را هنگام خارج شدن می‌بینید. حالا که صحبت از درها شد، شاید توجه کرده باشید که وقتی وارد یک ساختمان یا قطار می‌شوید، گاهی کاغذی روی در چسبانده‌اند که روی آن جمله‌ی **Türen schließen** (tuer-en shlees-en) (درها را ببندید) نوشته شده است. در مترو نیز ممکن است جمله‌ی مشابهی به گوشتان بخورد: **Vorsicht, die Türen werden geschlossen** (for-zitH, dee tuer-en vér-den ge-shlos-en) (مراقب باشید، درها در حال بسته شدن هستند).

بیایید کمی صحبت کنیم

مایک قصد دارد دوستی را به صرف قهوه مهمان کند، اما متوجه می‌شود فقط یک اسکناس ۲۰۰ یورویی در کیف پولش هست. او به بانک می‌رود تا اسکناس را خرد کند.

Mike: **Können Sie bitte diesen 200-Euro-Schein in kleinere Scheine wechseln?**
kern-en zee bi-te deez-en tsayn hoon-dert-oy roh-shayn in klayn-er-e shayn-e vék-seln?

مایک: آیا می‌توانید این اسکناس ۲۰۰ یورویی را خرد کنید؟

Bankangestellte: **Welche Scheine darf ich Ihnen geben?**

vêlH-e shayn-e dârf iH een-en gey-ben?

کارمند بانک: چه اسکناس‌هایی می‌خواهید؟

Mike: **Ich hätte gern einen 50-Euro-Schein, 5**

Zwanziger und 5 Zehner.

*iH hêlt-e gêrn ayn-en fuenf-tsiH-oy-roh-shayn,
fuenf tsvân-tsee-ger oont fuenf tsey-n-er.*

مایک: یک اسکناس ۵۰ یورویی، ۵ تا ۲۰ یورویی و ۵

تا ۱۰ یورویی می‌خواهم.

Bankangestellte: **Bitte. Haben Sie sonst noch einen Wunsch?**

bi-te. hah-ben zee sonst noll ayn-en voonsh?

کارمند بانک: بفرمایید. چیز دیگری هم احتیاج

دارید؟

Mike: **Danke. Das ist alles.**

dân-ke. dâs ist âl-es.

مایک: متشکرم. فقط همین بود.

شناخت یورو و سایر ارزها

پس از معرفی اتحادیه‌ی پولی اروپا در سال ۲۰۰۲، یورو به ارز رسمی دوازده کشور، از جمله آلمان و اتریش تبدیل شد. منطقه‌ی یورو به کشورهای اطلاق می‌شود که یورو را به عنوان ارز رسمی خود پذیرفته‌اند؛ این منطقه اکنون شامل شانزده کشور می‌شود و این رقم در حال افزایش است. سوئیس، انگلستان، دانمارک و لهستان از جمله کشورهایی هستند که هنوز ارز رسمی خودشان را استفاده می‌کنند.

وقتی می‌خواهید **der Euro** (dêr oy-roh) (یورو) را جمع ببندید، دو گزینه پیش رو دارید: **die Euro** یا **die Euros** که هر دو به یک شکل تلفظ می‌شوند: (dêe oy-roh). هر یورو صد **Cent(s)** (سنت) است. علامت اختصاری رسمی یورو EUR است. وقتی از نماد یورو، €، استفاده می‌کنید، باید آن را بعد از عدد قرار دهید: 47€.

ارز رسمی کشورهای دیگر:

«چکسلواکی: *die tschechische Krone* (dee chéH-ish-e kroh-ne)
(کروین چک)

«دانمارک: *die dänische Krone* (dee deyn-ish-e kroh-ne) (کرون
دانمارک)

«لهستان: *der polnische Zloty* (dêr poln-ish-e slo-tee) (زلوتی لهستان)

«سوئیس: *der schweizer Franken* (dêr shvayts-er frân-ken) (فرانک
سوئیس)

«انگلستان: *das Pfund* (dâs pfoont) (پوند)

«آمریکا: *der Dollar* (dêr dol-âr) (دلار)



چه کسی از شمردن پول بدش می‌آید؛ آن هم وقتی مال خودش باشد؟ بشمرید و ببینید چقدر پول در تصاویر زیر نشان داده شده است؛ سپس اعداد آلمانی صحیح را در جاهای خالی بنویسید.



« پرواز کردن: لغات مربوط به فرودگاه

« رانندگی کردن: خواندن نقشه و علائم راهنمایی و رانندگی

« مسافرت با قطار

« سوار شدن به اتوبوس، تراموا، مترو یا تاکسی

فصل ۱۵

گشت و گذار با هواپیما، قطار، تاکسی و غیره

وقتی قرار است به کشورهای آلمانی زبان رفت‌وآمد کنید، گزینه‌های زیادی در دست‌رسان خواهد بود: هواپیما، قطار، تاکسی، قطار شهری، اتوبوس، مترو و خودروی شخصی. در این فصل آنچه برای گفت‌وگو با متصدی فروش بلیت، مسئول گمرک، کارمندان مؤسسه‌ی اجاره‌ی خودرو و کارکنان وسایل نقلیه‌ی عمومی نیاز دارید به شما خواهیم گفت. همچنین به شما نشان می‌دهیم چگونه باید از دیگران کمک بخواهید و در عین حال لب‌خند بزنید و مؤدب و خون‌سرد به نظر برسید.

استفاده از زبان آلمانی در فرودگاه

بیشتر کارمندان خطوط هوایی به چند زبان مسلطند، پس ممکن است بتوانند به انگلیسی هم با شما صحبت کنند. در صورتی که چنین شرایطی برایتان فراهم نبود، با خواندن مباحث پیش رو می‌توانید واژگان موردنیاز برای رفتن به فرودگاه را یاد بگیرید.

برای کسانی که تازه با زبان آلمانی آشنا شده‌اند، باید بگوییم که **das Flugticket/der Flugschein** (dās floohk-ti-ket/dēr floohk-shayn) همان بلیت هواپیماست که ممکن است یک **Rückflugticket** (ruek-floohk-ti-ket) بلیت رفت و برگشت باشد. وقتی مراحل سوار شدن به هواپیما را طی می‌کنید، به **die Bordkarte** (dee bord-kār-te) (کارت پرواز) هم نیاز خواهید داشت.

گرفتن بلیت

اگر نمی‌توانید قبل از رسیدن به فرودگاه از بلیت و کارت پروازتان پرینت تهیه کنید، فقط کافی است سراغ باجه‌ی مربوطه در فرودگاه بروید. خوشبختانه علائم موجود در فرودگاه به‌اندازه‌ی کافی مشخص هستند، اما در صورتی که احساس کردید مثل آلیس در سرزمین عجایب گم شده‌اید و نمی‌دانید باید به کدام طرف بروید، از کارکنان فرودگاه برای پیدا کردن باجه‌ی بلیت راهنمایی بخواهید:

Wo ist der ... Schalter? (voh ist dêr ... shâh-ter?) (باجه ... کجاست؟)

وقتی به باجه‌ی بلیت رسیدید، فقط کافی است با گفتن جمله‌ی زیر، سراغ بلیتتان را بگیرید:

Ich möchte mein Ticket abholen. (ih merH-te mayn ticket âp-hoh-len)
(می‌خواهم بلیتم را بگیرم.)

ورود به هواپیما

وقتی به باجه‌ی چک‌این رسیدید، متصدی از شما چند سؤال می‌پرسد تا مراحل آماده‌سازی برای ورود به هواپیما را انجام دهد:

Haben Sie Gepäck? (hah-ben zee ge-pék?) (آیا چمدان دارید؟)

Wo möchten Sie sitzen, am Fenster oder am Gang? (voh merH-ten zee zits-en, âm fêns-ter oh-der âm gâng?)

(کجا مایلید بنشینید، کنار پنجره یا راهرو؟)

در پاسخ به سؤال مربوط به مکان نشستن می‌توانید بسته به علاقه‌تان، فقط بگویید **am Fenster/am Gang** (â-m fêns-ter/â-m gâng) (کنار پنجره/راهرو).

شاید هم بخواهید سؤالات زیر را از متصدی بپرسید تا جزئیات بیشتری درباره‌ی پرواز بدانید:

Wie lange dauert der Flug? (vee lâng-e dou-êrt dêr floohk?)

(پرواز چقدر طول می‌کشد؟)

Wann fliegt die Maschine ab? (vân fleekt dee mâ-sheen-e âp?)

(پرواز چه ساعتی است؟)

اگر به فرودگاه رفته‌اید تا با شخصی ملاقات کنید که با پرواز دیگری از راه می‌رسد، می‌توانید بپرسید:

Wann kommt die Maschine aus ... an? (vân komt dee mǎ-sheen-e ous ... ân?) (پرواز ... کی می‌نشیند؟)

واژگان

das Flugticket/ der Flugschein	dās floohk-ti-ket/ dēr floohk-shayn	بلیت هواپیما
das Rückflugticket	dās <u>ru</u> ek-floohk-ti- ket	بلیت رفت و برگشت
die Bordkarte	dee bord-kār-te	کارت پرواز
das Gepäck/ Handgepäck	dās ge-pēk/ <u>h</u> ānd- ge-pēk	چمدان / ساک دستی
das Flugzeug/ die Maschine	dās floohk-tsoyk/ dee mǎ-shee-ne	هواپیما
der Flug	dēr floohk	پرواز
abholen	<u>ā</u> p-hoh-ien	گرفتن، دریافت کردن
dauern	<u>do</u> u-ern	طول کشیدن

بیا یاد کمی صحبت کنیم

خانم شولا می‌خواهد با هواپیما به پراگ برود، او در فرودگاه به باج‌دی لوفت‌هانزا مراجعه می‌کند تا کارت پروازش را بگیرد، (نمونه‌ی صوتی ۲۹)



کوش دوم

Frau Schöller: **Guten Morgen. Ich brauche eine Bordkarte. Hier ist mein Ticket.**
*goooh-ten mor-gen. ih brauh-t-e ayn-e bord-
 kār-te. Heer ist mayn ticket.*

خانم شولا: صبح به‌خیر. کارت پرواز می‌خواهم. این هم بلیتم.

- Angestellter: **Ihren Pass, bitte.**
eer-en pās, bi-te.
 کارمند: پاسپورتان لطفاً.
 خانم شولا پاسپورتش را به مسئول باده می‌دهد.
- Frau Schöllner: **Bitte schön.**
bi-te shern.
 خانم شولا: بفرماید.
- Angestellter: **Danke. Wo möchten Sie sitzen, am Fenster oder am Gang?**
dān-ke. voh merH-ten zee zits-en, ām fēns-ter ah-der ām gāng?
 کارمند: متشکرم. مایلید کجا بنشینید، کنار پنجره یا راهرو؟
- Frau Schöllner: **Am Fenster, bitte.**
ām fēns-ter, bi-te.
 خانم شولا: کنار پنجره لطفاً.
- Angestellter: **Sie haben Platz 15A, einen Fensterplatz. Hier ist Ihre Bordkarte. Haben Sie Gepäck?**
zee hah-ben plāts fuenf-tseyen ah, ayn-en fēns-ter-plāts. heer ist eer-e bord-kār-te. hah-ben zee ge-pēk?
 کارمند: شماری صندلی‌تان ۱۵A و کنار پنجره است. این هم کارت پروازتان. چمدان دارید؟
- Frau Schöllner: **Ich habe nur Handgepäck, diese Tasche.**
iH hah-be noohr hānd-ge-pēk, deez-e tāsh-e.
 خانم شولا: فقط یک ساک دستی همین.
- Angestellter: **Dann können Sie direkt zum Flugsteig gehen.**
dān kern-en zee di-rēkt tsoom floohk-shtayk gey-en.
 کارمند: پس می‌توانید مستقیم وارد گیت شوید.
- Frau Schöllner: **Danke.**
dān-ke.
 خانم شولا: متشکرم.

واژگان

der Abflug	dêr âp-flooĥk	عزیمت، خروج
die Ankunft	dee ân-koonft	رسیدن، ورود
der Flugsteig	dêr flooĥk-shtayk	گیت، دروازه
mitnehmen	mit-neym-en	همراه داشتن
einchecken	ayn-chêk-en	چک‌این
fliegen	fleeġ-en	پرواز کردن
abfliegen	âp-fleeġ-en	عازم شدن (هواپیما)
ankommen	ân-kom-en	رسیدن
der Ausweis	dêr ous-vays	کارت شناسایی
verspätet	fêr-shpey-tet	با تأخیر

بررسی مسئله‌ی مهاجرت

وقتی پروازی بر فراز اقیانوس اطلس داشته باشید، مستقیماً به بخش **die Passkontrolle** (dee pâs-kon-trol-e) (کنترل پاسپورت) هدایت می‌شوید. مطمئن شوید پاسپورتان دم‌دست است.

بیشتر اوقات باید یکی از این دو صف را انتخاب کنید: یکی برای **EU-Bürger** (ey-ooĥ-buer-ger) (شهروندان کشورهای اتحادیه‌ی اروپا) و دیگری برای **Nicht-EU-Bürger** (niĥt-ey-ooĥ-buer-ger) (شهروندان کشورهای غیر از اتحادیه‌ی اروپا). بعد از اینکه از بخش کنترل پاسپورت عبور کردید، باید چمدان‌هایتان را بپذیرید و به **der Zoll** (dêr tsol) (گمرک) بروید و آنجا چمدان‌تان را برای بازرسی بیشتر باز کنید.

این مسائل زمانی که با خودرو یا قطار از یک کشور عضو **die europäische Union** (dee oy-roh-pey-i-she oon-ee-yohn) (اتحادیه‌ی اروپا) به کشور دیگری در این اتحادیه سفر می‌کنید، بسیار کمتر است. در حال حاضر ۲۷ کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا هستند و این رقم در حال افزایش است. اگر بخواهید بین این کشورها سفر کنید، کسی از شما بازرسی نخواهد کرد. برای مثال، اگر بخواهید از آلمان به فرانسه بروید، حتی متوجه نمی‌شوید مرز این دو کشور کجاست. فقط زمانی که ببینید همه‌ی علائم جاده به زبان فرانسوی نوشته شده‌اند، متوجه حضور در فرانسه خواهید شد. تقریباً می‌توانید هر تعداد کالایی که خریدهاید با خود از این کشور به آن کشور (در اتحادیه‌ی اروپا) ببرید.



قطعاً بعد از پروازی طولانی، فقط دلتان می‌خواهد هوایما را ترک کنید، اما ابتدا باید دو مسئله را حل کنید. با هدف سروسامان دادن به ذهن آشفته‌تان، کلماتی را که در بخش کنترل پاسپورت لازم دارید، در اینجا فهرست کردیم:

der Reisepass/der Pass (dêr ray-ze-pâs/dêr pâs) (پاسپورت)

EU-Bürger (ey-oooh-buer-ger) (شهروند کشور عضو اتحادیه‌ی اروپا)

Nicht-EU-Bürger (niht-ey-oooh-buer-ger)

(شهروند کشوری غیر از اتحادیه‌ی اروپا)

Ich bin im Urlaub hier. (iH bin im oor-loup heer.)

(من برای تعطیلات به اینجا آمدم.)

Ich bin geschäftlich hier. (iH bin ge-shêft-liH heer.)

(من برای تجارت به اینجا آمدم.)

Ich bin auf der Durchreise nach ... (iH bin ouf dêr doorH-ray-ze nâHH ...) (من در راه ... هستم.)

رفتن به بخش گمرک

مانع اول را پشت‌سر گذاشته‌اید و باید به بخش گمرک بروید. آیا شما هم از آن دسته افرادی هستید که حتی وقتی چیزی برای پنهان کردن ندارید، باز هم احساس ترس می‌کنید؟ مأموران بخش گمرک می‌توانند چنین احساسی در شما به وجود آورند. بهتر است بدانید چطور به سرعت پاسخ سؤالاتشان را بدهید تا هرچه سریع‌تر از این بخش عبور کنید.

در **(dêr tsol) der Zoll** (گمرک) معمولاً باید بین دو گزینه انتخاب کنید: ورودی قرمز رنگ مختص افرادی است که باید برخی از وسایلشان را اظهار کنند و ورودی سبز رنگ برای افرادی که چیزی برای اظهار کردن ندارند.

تا اینجا که مسئله‌ای نیست. البته مأموران بخش گمرک شخصاً از شما می‌پرسند که آیا چیزی برای اظهار کردن و در نتیجه پرداخت هزینه‌ی گمرک دارید یا خیر:

Haben Sie etwas zu verzollen? (hah-ben zee êt-vâs tsooh fêr-tsol-en?)

(آیا چیزی برای اظهار کردن دارید؟)

می‌توانید با جملات زیر به این سؤال پاسخ دهید:

Ich möchte ... verzollen. (iH merH-te ... fêr-tsol-en)

(می‌خواهم ... را اظهار کنم.)

Ich habe nichts zu verzollen. (iH hah-be nihts tsooh fër-tsol-en.)

(من هیچ چیز برای اظهار کردن ندارم.)

علی‌رغم لیختدی که به لب دارید تا نشان دهید می‌خواهید با آن‌ها به خوبی همکاری کنید، باز هم ممکن است یکی از مأموران از شما بخواهد چمدان نه‌چندان مشکوک‌تان را باز کنند.

Bitte öffnen Sie diesen Koffer/diese Tasche. (bi-te erf-nen zee deez-en kof-en/deez-e tash-e.) (لطفاً این چمدان/کیف را باز کنید.)

زمانی که مأمور گمرک از شما می‌پرسد می‌خواهید با وسیله‌ای که خریداید چه کار کنید، می‌توانید با جملات زیر پاسخ دهید:

Es ist für meinen persönlichen Gebrauch. (ës ist fuer mayn-en pèr-sem-liH-en ge-brouH.) (برای استفاده‌ی شخصی است.)

Es ist ein Geschenk. (ës ist ayn ge-shénk.) (هدیه است.)

مسافرت با خودرو

قبل از اینکه بخواهید با خودروی اجاره‌ای در جاده‌های اروپا سفر کنید، باید (in-têr-nâ-tee-oh-nâ-ler fuer-er-shayn) **internationaler Führerschein** (گواهی‌نامه‌ی بین‌المللی رانندگی) بگیرید. حتی در صورت داشتن گواهی‌نامه‌ی بین‌المللی رانندگی باز هم به گواهی‌نامه‌ی معتبر رانندگی احتیاج خواهید داشت. وقتی این‌ها را فراهم کردید، دیگر می‌توانید به کشف قلمروهای جدید بپردازید.

به‌احتمال زیاد هنگام مسافرت، با انواع راه‌های زیر آشنا می‌شوید:

» **die Autobahn** (dee ou-toh-bahn) (آزادراه، چهار تاش بانه)

» **die Bundesstraße** (dee boon-des-shtrah-se) (در آلمان)
/ **Nationalstrasse** (nâ-tee-oh-nâhl-shtrah-se) (در سوئیس)
(بزرگراه دو تا چهار بانه)

» **die Landstraße** (dee lânt-shtrah-se) (بزرگراه دو بانه)

اجاره کردن خودرو

احتمالاً متوجه خواهید شد که اجاره‌ی خودرو، قبل از شروع سفرتان به کشورهای اروپایی، هم آسان‌تر است و هم بی‌دردس‌تر. با این حال، اگر تصمیم دارید در مدت حضورتان در اروپا خودروی اجاره کنید، باید به **Autovermietung**

(ou-toh-fêr-meet-oong) (مؤسسه‌ی اجاره‌ی خودرو) بروید در آنجا می‌توانید با گفتن جمله‌ی زیر درخواستان را بیان کنید:

Ich möchte ein Auto mieten. (iH merH-te ayn ou-toh meet-en.)
(می‌خواهم یک خودرو اجاره کنم.)

در مؤسسه سؤالاتی در مورد نوع خودرو از شما می‌پرسند:

Was für ein Auto möchten Sie? (vâs fuer ayn ou-toh merH-ten zee?)
(چه نوع خودرویی می‌خواهید؟)

می‌توانید این سؤال را با هر کدام از گزینه‌های زیر جواب دهید:

» **ein zweitüriges/viertüriges Auto** (ayn tsvay-tuer-ee-ges/feer-tuer-ee-ges ou-toh) (خودروی دو در/چهار در)

» **einen Kleinwagen** (ayn-en klayn-wah-gen) (خودروی کوچک)

» **mit Automatik** (mit ou-toh-mah-lik) (خودروی اتوماتیک)

» **mit Gangschaltung** (mit gâng-shâlt-oong) (خودروی دنده‌ای)

ممکن است یک یا هر دو سؤال زیر را از شما بپرسند:

Ab wann möchten Sie den Wagen mieten? (âp vân merH-ten zee deyn vah-gen meet-en?) (از کی می‌خواهید خودرو اجاره کنید؟)

Wann/Wo möchten Sie den Wagen zurückgeben? (vân/voh merH-ten zee deyn vah-gen tsoo-ruek-gey-ben?)

(کجا/کی خودرو را برمی‌گردانید؟)

برخی از پاسخ‌های احتمالی:

Ich möchte den Wagen ab dem ... mieten. (iH merH-te deyn vah-gen âp deym ... meet-en.) (خودرو را از (تاریخ) ... اجاره می‌کنم.)

Ich möchte den Wagen am ... zurückgeben. (iH merH-te deyn vah-gen âm ... tsoo-ruek-gey-ben.) (خودرو را در (تاریخ) ... برمی‌گردانم.)

Ich möchte den Wagen in ... zurückgeben. (iH merH-te deyn vah-gen in ... tsoo-ruek-gey-ben.) (خودرو را در (مکان) ... برمی‌گردانم.)

در فرایند اجاره‌ی خودرو کلمات زیر را نیز می‌شنوید:

» **der Führerschein** (dêr fuer-er-shayn) (گواهی‌نامه‌ی رانندگی)

» **die Vollkaskoversicherung** (dee fol-kâs-koh-fêr-zeeH-er-oong)

(بیمه‌ی جامع تصادف)

» **inbegriffen** (in-be-griff-en) (مشمول، شامل شده، گنجانده شده)

» **ohne Kilometerbegrenzung** (oh-ne ki-lo-mey-ter-be-grênts-oong) (مسافت نامحدود)

بیایید کمی صحبت کنیم

«آنکه» تاره به فرانکفورت رسیده است. او بعد از عبور از بخش گمرک، به مؤسسه‌ی اجاره‌ی خودرو می‌رود و با کارمند آنجا مشغول صحبت می‌شود.

Anke: **Guten Morgen. Ich möchte ein Auto mieten.**
gooh-ten mor-gen. iH merH-te ayn ou-toh meet-en.

آنکه: صبح بخیر، می‌خواهم یک خودرو اجاره کنم.

Angestellter: **Was für ein Auto möchten Sie?**
vâs fuer ayn ou-toh merH-ten zee?

کارمند مؤسسه: چه نوع خودرویی می‌خواهید؟

Anke: **Einen Kleinwagen mit Automatik.**
ayn-en klayn-vah-gen mit ou-toh-mah-tik.

آنکه: یک خودروی کوچک (جمع و جور) با دنده‌ی اتوماتیک.

Angestellter: **Wie lange brauchen Sie den Wagen?**
vee lîng-e brouH-en zee deyn vah-gen?

کارمند مؤسسه: خودرو را چه مدت نیاز دارید؟

Anke: **Eine Woche.**
ayn-e voH-e.

آنکه: یک هفته.

Angestellter: **Ein VW Polo kostet für eine Woche ohne Kilometerbegrenzung 299 Euro inklusive Versicherung.**

ayn vou-vey poh-loh kos-tet fuer ayn-e voH-e
oh-ne ki-lo-mey-ter-be-grênts-oong tsvay-hoon-
dêrt-noyn-oont-noyn-tsiH oy-roh in-kloo-zee-ve
fêr-zîH-er-oong.

کارمند مؤسسه: هزینه‌ی اجاره‌ی یک خودروی فولکس
واگن پولو برای یک هفته، بدون محدودیت مسافت و با
بیمه ۲۹۹ یورو می‌شود.

سردر آوردن از نقشه

یک نقشه‌ی خوب حاوی اطلاعاتی فراتر از مسیر رسیدن از نقطه‌ی الف به ب است و می‌توانید مسیر سفرتان را روی آن علامت بزنید. مزیت دیگر نقشه‌ها تصویری بودن آن‌هاست و لازم نیست خیلی زبان بدانید تا بتوانید از نقشه استفاده کنید. با این حال دانستن کلمات مربوط به انواع نقشه‌ها در هنگام خرید نقشه به دردتان می‌خورد:

» die Landkarte (dee lânt-kâr-te) (نقشه‌ی کشور)

» der Stadtplan (dêr shtât-plahn) (نقشه‌ی شهر)

» die Straßenkarte (dee shtrah-sen-kâr-te) (نقشه‌ی جاده‌ها)

در نقشه‌هایی که به زبان آلمانی هستند (همچنین روی تابلوهای راهنمایی‌وراندگی) کلمات زیر را خواهید دید:

» die Altstadt (dee âlt-shtât) (مرکز تاریخی)

» die Ausfahrt (dee ous-fahrt) (رسم خروجی)

» das Autobahndreieck (dâs ou-toh-bahn-dray-êk)

(جایی که مسیر یک آزادراه از آزادراه دیگر جدا می‌شود)

» das Autobahnkreuz (dâs ou-toh-bahn-kroyts) (محل تقاطع دو آزادراه)

» die Einfahrt (dee ayn-fahrt) (رسم ورودی)

» die Fußgängerzone (dee foohs-gên-ger-tsohn-e)

(منطقه‌ی مخصوص عابران پیاده)

» die Kirche (dee kîrch-e) (کلیسا)

» das Parkhaus (dâs pârk-hous) (پارکینگ)

» das Theater (dâs tey-ah-ter) (تئاتر)

آشنایی با علائم جاده‌ای

به احتمال زیاد دوست ندارید به‌خاطر رانندگی با سرعت زیاد در خیابانی یک‌طرفه که به علت ساخت‌وساز بسته شده است، جریمه شوید. برای جلوگیری از بروز چنین

اتفاقی بهتر است با علائم رایج راهنمایی و رانندگی در کشورهای آلمانی زبان آشنا شوید:

- » **Anlieger frei** (ân-lee-ger fray) (دسترسی محلی)
- » **Baustelle** (bou-shtêl-e) (محل ساخت‌وساز)
- » **Einbahnstraße** (ayn-bahn-shtrah-se) (خیابان یک‌طرفه)
- » **Einordnen** (ayn-ord-nen) (بین خطوط برانید)
- » **50 bei Nebel** (fuenf-tsiH bay ney-bel)
(در صورت وجود مه، حداکثر سرعت ۵۰ کیلومتر)
- » **Gesperrt** (ge-shpêrt) (مسنود)
- » **Licht an/aus** (liHt ân/ous)
(چراغ‌ها روشن/خاموش - این تابلوها را در تونل‌ها می‌بینید)
- » **Umleitung** (oom-lay-toong) (مسیر فرعی)
- » **Vorsicht Glätte** (fohr-ziiH glêl-e) (مسیر لغزنده)

سوار قطار شدن

مسافرت با قطار روشی بسیار راحت برای سفر به دور اروپاست. چه بخواهید با **Intercity Express (ICE)** (in-têr-si-tee-êks-prês [ee-tsey-ey]) با سرعت بسیار بالا از اشتوتگارت به پاریس بروید، چه مایل باشید با سرعت کمتر و به‌وسیله‌ی **Interregio (IR)** (in-têr-rey-gee-oh [ee-êr]) شهرهای عجیب‌غریب کنار رود موزل را ببینید، می‌توانید از قطار استفاده کنید.

سفر با قطار در بین اروپایی‌ها بسیار محبوب است، بنابراین توصیه می‌کنیم در زمان اوج سفرها و تعطیلات، از قبل بلیت قطار خود را ارزرو کنید. شاید به بلیت‌های ترکیبی علاقه داشته باشید؛ این بلیت‌ها به شما امکان می‌دهد که از یک ایستگاه راه‌آهن به بعد، مسیر خود را با دوچرخه یا خودروی اجاره‌ای ادامه دهید. اگر می‌خواهید در زمان کم از مکان‌های زیادی بازدید کنید، به‌صورت آنلاین انواع بلیت قطار را بررسی کنید.



راهنمایی

توضیح برنامه‌های زمان‌بندی قطار

در هر ایستگاه راه‌آهن برنامه‌ی همه‌ی قطارهایی که از آن ایستگاه رد می‌شوند، نمایش داده می‌شود. با این حال، شاید با آن حجم زیاد اطلاعات نتوانید برنامه‌ی

قطاری را که می‌خواهید سوار شوید، پیدا کنید. اصطلاحات زیر شما را برای رمزگشایی از برنامه‌ی قطارها یاری می‌کنند:

- » **die Abfahrt** (dee äp-fahrt) (خروج، عزیمت)
- » **die Ankunft** (dee än-koonft) (ورود، رسیدن)
- » **der Fahrplan** (dër fahr-plahn) (برنامه‌ی قطار)
- » **sonn- und feiertags** (zon oont fay-er-tähks) (یکشنبه‌ها و روزهای تعطیل)
- » **über** (ue-ber) (با، به وسیله‌ی)
- » **werktags** (vërk-tähks) (روزهای اداری)

کسب اطلاعات

وقتی در مورد قطاری که می‌خواهید سوار شوید، سوالی دارید به **die Auskunft** (dee ous-koonft) (باجه‌ی اطلاعات) مراجعه کنید و هر کدام از سؤالات زیر را بپرسید:

Von welchem Gleis fährt der Zug nach ... ab?

(fon vëlH-Hem glays fairt dër tsoohk nahH ... ap?)

(قطار به مقصد ... از کدام ریل/ مسیر حرکت می‌کند؟)

Auf welchem Gleis kommt der Zug aus ... an? (ouf vëlH-em glays

komt dër tsoohk ous ... än?) (به کدام مسیر/ ریل وارد می‌شود؟)

Hat der Zug Verspätung? (hât dër tsoohk fër-shpët-cong?)

(آیا قطار تأخیر دارد؟)

خرید بلیت

برای خرید بلیت باید به **(dër fahr-kâr-ten-ou-toh-mât) der Fahrkartenautomat**

(دستگاه فروش بلیت) یا به **(dër fahr-kâr-ten-shâl-ter) der Fahrkartenschalter**

(باجه‌ی فروش بلیت) بروید. به کمک کلمات این مبحث می‌توانید بلیت بخرید و به هر جا که می‌خواهید بروید.

اصول اولیه

وقتی نوبت شما شد که با متصدی فروش بلیت صحبت کنید، فقط کافی است این جمله را بگویید تا بلیتتان را دریافت کنید:

واژگان

der Bahnsteig	dēr bahn-shtayk	سکو
das Gleis	dās glays	ریل
die Verspätung	dee fēr-shpēt-oong	تاخیر
einstiegen	ayn-shtayg-en	سوار شدن
aussteigen	ous-shtayg-en	پایاده شدن
umsteigen	oom-shtayg-en	عوضی کردن قطار (پایاده شدن از یک قطار و سوار قطار یا وسیله نقلیه‌ی دیگری شدن)
abfahren	āp-fahr-en	عازم شدن، راه افتادن
ankommen	ān-kom-en	رسیدن
fahren	fahr-en	سفر کردن، رفتن

Eine Fahrkarte nach ..., bitte. (ayn-e fahr-kār-te nahH ..., bi-te.)

(یک بلیت قطار به مقصد ... لطفاً.)

متصدی فروش بلیت از شما می‌پرسد که بلیت یک‌طرفه می‌خواهید یا رفت‌و برگشت:

Einfach oder hin und zurück? (ayn-fāH oh-der hin oont tsoo-ruek?)

(یک‌طرفه یا رفت‌و برگشت؟)

همچنین او سؤال زیر را از شما می‌پرسد تا بداند بلیت درجه‌یک می‌خواهید یا درجه‌دو:

Erster oder zweiter Klasse? (eyrs-ter oh-der tsvay-ter klās-e?)

(بلیت درجه‌یک یا دو؟)

هزینه‌های اضافی

هزینه‌ی همه‌ی قطارها بر اساس مسافت و درجه‌بندی بلیت‌ها تعیین می‌شود.

علاوه بر این، اگر می‌خواهید از قطارهای پرسرعتی مثل ICE (Intercity Express)،

IC (Intercity) یا EC (Eurocity) استفاده کنید، باید der Zuschlag

روی der Zuschlag (dēr tsooh-shlahk) هزینه‌ی اضافی نیز بپردازید. معمولاً کلمه‌ی

تأیولی اعلام برنامه‌ی قطارها نشان داده می‌شود.

برای قطارهای خیلی شلوغ بهتر است از قبل بلیت خود را رزرو کنید. برای این کار فقط کافی است بگویید:

Ich möchte gern eine Platzkarte für den ... von ... nach ...

(iH merH-te gërn ayn-e pläts-kär-te fuer deyn ... fon ... nahH ...)

(می‌خواهم یک بلیت قطار برای تاریخ ... از مبدأ ... به مقصد ... رزرو کنم.)

واژگان

die Fahrkarte	dee fahr-kär-te	بلیت قطار
die erste Klasse	dee èrs-te kläs-e	بلیت درجه یک
die zweite Klasse	dee tsvay-te kläs-e	بلیت درجه دو
der Zuschlag	dër tsooh-shlahk	هزینه‌ی اضافی
die Rückfahrkarte	dee ruek-fahr-kär-te	بلیت رفت و برگشت
die Platzkarte	dee pläts-kär-te	صندلی رزرو شده
hin und zurück	hin oont tsoo-ruek	رفت و برگشت
einfach	ayn-fâH	یک طرفه

افعال جداشتنی

بسیاری از افعال آلمانی، از جمله افعالی که در این فصل استفاده شدند، ویژگی مشترکی دارند. همه‌ی آن‌ها پیشوندهایی دارند که از ریشه‌ی فعل جدا می‌شود. وقتی می‌خواهید این افعال را در جمله‌ای در زمان حال استفاده کنید، ریشه و پیشوند آن‌ها از یکدیگر جدا می‌شود. شناسه‌ی معمول فعل به ریشه‌ی فعل اضافه شده و فعل در جایگاه همیشگی خود در جمله، یعنی جایگاه دوم قرار می‌گیرد، اما پیشوند به پایان جمله منتقل می‌شود.



نکات دستوری

بهتر است نگاهی به کاربرد این افعال بیندازید. فعل **ankommen** (än-kom-en) (رسیدن) را در نظر بگیرید. توجه داشته باشید که چگونه پیشوند به انتهای جمله منتقل می‌شود و به تعداد کلماتی که بین پیشوند و فعل قرار می‌گیرند، ربطی ندارد:

Der Zug kommt um 18.15 Uhr an. (dër tsoohk komt oom äHf-tsey-n
oohr fuenf-tsey-n än.) (قطار ساعت ۱۸:۱۵ عصر می‌رسد.)

Auf welchem Gleis kommt der Zug aus Dessau an? (ouf véH-em glays komt dér tsoohk ous dés-ou ân?)

(قطار از مبدأ دساتو از کدام خط/ریل/مسیر می‌رسد؟)

از کجا باید بدانید کدام فعل جدانشدنی است؟ دستورالعمل‌های زیر به شما کمک می‌کند:

« کلمه‌ی کوتاهی در ابتدای فعل قرار دارد که به‌عنوان پیشوند عمل می‌کند.

« تکیه‌ی مصدر روی اولین سیلاب (بخش) آن است که همان پیشوند است.

در ادامه تعدادی از افعالی را می‌بینید که از این قاعده پیروی می‌کنند. در کتاب حاضر با چند فعل جدانشدنی دیگر نیز آشنا می‌شوید. توجه کنید که تکیه‌ی این افعال روی بخش اول آن‌هاست:

» **abfahren** (âp-fahr-en) (عازم‌شدن، راه‌افتادن / قطار)

» **abfliegen** (âp-fleeg-en) (عازم‌شدن / هواپیما)

» **anfangen** (ân-fâng-en) (شروع کردن)

» **ankommen** (ân-kom-en) (رسیدن)

» **aufmachen** (ouf-mâH-en) (بازکردن)

» **aufstehen** (ouf-shtey-en) (بلندشدن)

» **aussteigen** (ous-shtayg-en) (پایاده‌شدن)

» **einsteigen** (ayn-shtayg-en) (سوارشدن)

» **zumachen** (tsoo-mâH-en) (بستن)

سیستم افتخار



وقتی در یک کشور آلمانی‌زبان وارد ایستگاه مترو می‌شوید، هیچ در چرخنده یا نرده‌ی گردانی نمی‌بینید. پس مردم چگونه هزینه‌ی سفرشان را پرداخت می‌کنند؟ آن‌ها ابتدا بلیت می‌خرند و با وارد کردن بلیت‌ها به دستگاه اعتبارسنجی، بلیتشان را معتبر می‌کنند. این دستگاه‌ها در ورودی ایستگاه‌ها یا داخل قطارهای شهری و اتوبوس‌ها قرار دارند. پس وقتی بلیت می‌خرید، یادتان باشد که در ابتدا و قبل از سوارشدن به قطار یا مترو یا هنگام استفاده از قطار شهری و اتوبوس، بلیتتان را معتبر کنید. مأموران کنترل بلیت با لباس‌های شخصی گاهی بلیت‌ها را بررسی می‌کنند و اگر شخصی بلیت معتبر نداشته باشد، ممکن است جریمه‌ی سنگینی به حسابش نوشته شود.



وقتی می‌خواهید از افعال جدانشدنی استفاده کنید، ریشه‌ی اصلی فعل با شناسه‌ی مناسب در جایگاه همیشگی افعال قرار می‌گیرد. پیشوند فعل به آخرین کلمه‌ی جمله تبدیل می‌شود. این قانون در مورد زمان حال و گذشته‌ی ساده (و نه مرکب) به کار می‌رود.

استفاده از اتوبوس، مترو و تاکسی

تقریباً همه‌ی شهرهای آلمان سیستم حمل‌ونقل عمومی پیشرفته‌ای دارند. ترکیبی از **Bus** (بووس) (اتوبوس)، **U-Bahn** (ooH-bahn) (مترو)، **Straßenbahn** (shtrah-sen-bahn) (تراموا) و **S-Bahn** (ēs-bahn) (قطار شهری) می‌تواند شما را به جایی که می‌خواهید، برساند.

سوارشدن به اتوبوس

اگر برای سوارشدن به اتوبوس یا قطار مناسب به کمک نیاز دارید، می‌توانید از مأمور حاضر در **Fahrkartenschalter** (fahr-kār-ten-shāl-ter) (باجه‌ی بلیت‌فروشی) یا **der Busfahrer** (dēr boos-fahr-er) (راننده‌ی اتوبوس) یکی از سؤالات زیر را بپرسید:

Welcher Bus fährt ins Stadtzentrum? (vēlH-er boos fairt ins shāt-tsēn-troom?) (کدام اتوبوس به مرکز شهر می‌رود؟)

Ist das die richtige Straßenbahn zum Stadion? (ist dās dee riH-tee-ge shtrah-sen-bahn tsoom shtah-dee-on?)

(آیا این تراموا به استادیوم می‌رود؟)

Muss ich umsteigen? (moos iH oom-shtayg-en?)

(آیا باید [اتوبوس] عوض کنم؟)

Hält diese U-Bahn am Hauptbahnhof? (hēlt deez-e ooh-bahn am haupt-bahn-hohf?) (آیا این مترو در ایستگاه اصلی قطار توقف می‌کند؟)

بیایید کمی صحبت کنیم

بن می‌خواهد با اتوبوس به شهر داری برود، اما کاملاً مطمئن نیست که باید از کدام اتوبوس استفاده کند. به همین دلیل سراغ نوجوانی می‌رود که در نزدیکی او در ایستگاه اتوبوس ایستاده است. (نمونه‌ی صوتی ۳۰)



Ben: **Entschuldigen Sie bitte, hält hier der Bus Nummer 9?**

ênt-shool-dee-gen zee bl-te, hêlt heer dêr boos-noom-er noyn?

بن: ببخشید، آیا اتوبوس شماره‌ی ۹ اینجا توقف می‌کند؟

Teenager: **Nein, hier hält nur die Linie 8. Wohin wollen Sie denn?**

nayn, heer hêlt noohr dee leen-ye âHt. vo-hin vol-en zee dên?

نوجوان: نه، فقط اتوبوس شماره‌ی ۸ اینجا توقف می‌کند.
کجا می‌خواهید بروید؟

Ben: **Zum Rathaus.**
tsoom raht-hous.

بن: به شهرداری.

Teenager: **Fahren Sie mit der Linie 8 bis zum Goetheplatz, und dort steigen Sie in die Linie 9 um.**

fahr-en zee mit dêr leen-ye âHt bis tsoom ger-te-plâts, oont dort shtayg-en zee in dee leen-ye noyn oom.

نوجوان: این اتوبوس را سوار شوید، تا میدان گوته بروید
و از آنجا سوار اتوبوس شماره‌ی ۹ شوید.

Ben: **Wie viele Haltestellen sind es bis zum Goetheplatz?**

vee feel-e hâl-te-shtêl-en zint ês bis tsoom ger-te-plâts?

بن: تا میدان گوته چند ایستگاه است؟

Teenager: **Von hier sind es vier Haltestellen.**
fon heer zint ês feer hâl-te-shtêl-en.

نوجوان: از اینجا چهار ایستگاه.

Ben: **Vielen Dank für die Auskunft.**
feel-en dânk fuer dee ous-koonft.

بن: از راهنمایی‌تان ممنونم.

واژگان

der Bus	dêr boos	اتوبوس
die U-bahn	dee ooh-bahn	مترو
die S-Bahn	dee ês-bahn	قطار شهری
die Straßenbahn	dee shtrah-sen-bahn	تراموا
die Buslinie/ U-Bahnlinie	dee boos-leen-ye/ ooh-bahn-leen-ye	خط اتوبوس / مترو
die Haltestelle	dee hâl-te-shtê-le	ایستگاه
halten	hâl-ten	توقف کردن
die U-Bahnstation	dee ooh-bahn- shtâts-ee-ohn	ایستگاه مترو
das Taxi	dâs tâx-ee	تاکسی
der Taxistand	dêr tâx-ee-shtânt	ایستگاه تاکسی
der Fahrscheinautomat	dêr fahr-shayn-ou- toh-maht	دستگاه فروش بلیت

گرفتن تاکسی

تاکسی گرفتن کار سختی نیست، فقط باید به نزدیک‌ترین **Taxistand** (*tâx-ee-shtânt*) (ایستگاه تاکسی) بروید و سوار اولین خودروی صف شوید. وقتی سوار شدید، **Taxifahrer** (*tâx-ee-fahr-er*) (راننده تاکسی) تاکسی‌تر را روشن می‌کند و می‌پرسد:

Wohin möchten Sie? (*vo-hin merH-ten zee?*) (کجا می‌خواهید بروید؟)

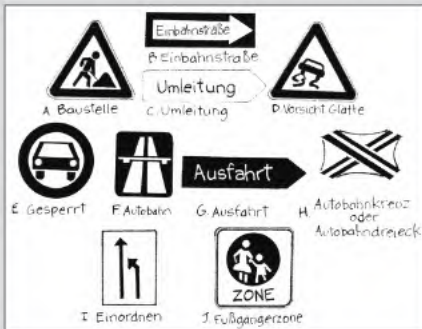
در پایان سفر، مبلغ نشان داده شده روی تاکسی‌تر را به همراه اندکی انعام به راننده بدهید.

بسیاری از آلمانی‌ها ترجیح می‌دهند وقتی به تنهایی تاکسی می‌گیرند، روی صندلی کنار راننده بنشینند. شاید شما هم از این کار لذت ببرید، چراکه بهتر می‌توانید اطراف را ببینید و فرصت پرسیدن سؤالاتان را نیز خواهید داشت.





راندگی با حفظ امنیت کامل مستلزم آن است که علائم راهنمایی و رانندگی را بشناسید و از آن‌ها تبعیت کنید. برای اینکه بدانید چقدر با این علائم به زبان آلمانی آشنا هستید، نام تابلوهای زیر را مقابل معادل فارسی‌شان بنویسید.



۱. _____ خروج
۲. _____ جاده‌ی لغزنده
۳. _____ خیابان یک‌طرفه
۴. _____ جاده مسدود است، ورود ممنوع
۵. _____ محل ساخت‌وساز
۶. _____ بزرگراه
۷. _____ فقط عابر پیاده
۸. _____ نقاط عبور بزرگراه‌ها
۹. _____ بین خطوط برانید
۱۰. _____ مسیر فرعی

فصل ۱۶

یافتن مکانی برای اقامت

چه به دلایل کاری سفر کنید چه برای تعطیلات، بخش مهمی از سفرتان این است که محل تمیز و راحتی را برای اقامت شبانه پیدا کنید. در این فصل کلمات و جملاتی را به شما می‌آموزیم که برای پیدا کردن محل اقامت، سؤال کردن در مورد امکانات، رزرو کردن و ورود به هتل و خروج از آن نیاز خواهید داشت.

پیدا کردن هتل

اگر جزو آن دسته از افرادی هستید که از ماجراجویی در لحظه و تصمیم‌گیری‌های آنی لذت می‌برید یا اگر برای پیدا کردن هتل مناسب نیاز به کمک دارید، می‌توانید از مرکز اطلاعات گردشگری هر شهر، اطلاعات معتبری در مورد انواع هتل‌ها بگیرید. این مراکز را در زبان آلمانی **das Fremdenverkehrsbüro** یا **Fremdenverkehrsamt** (*dás frém-den-fér-kehrs-bue-roh/frém-den-fér-kehrs-ánt*) می‌نامند. این مراکز اغلب در مرکز شهر یا در نزدیکی ایستگاه‌های قطار واقع شده‌اند. شاید بخواهید از افراد دیگری که می‌شناسید یا ملاقات می‌کنید، در مورد هتل مناسب سؤال کنید در چنین موقعیتی بگویید:

Können Sie mir ein Hotel in ... empfehlen? (*kem-en zee meer ayn hotel in ... ém-pfey-len?*)
(آیا می‌توانید یک هتل در ... به من پیشنهاد دهید؟)

هتل‌ها یا مکان‌های اقامت بسیاری در کشورهای آلمانی‌زبان وجود دارد؛ به‌خصوص در مناطق خارج از شهر. از جمله اقامتگاه‌های آلمان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

« **die Ferienwohnung** (*dee feyr-ree-én-vohn-oong*): آپارتمان مبله مخصوص تعطیلات که در مقاصد محبوب گردشگری یافت می‌شود.

« das Fremdenzimmer (dās frēm-dēn-tsi-mer): اقامتگاه با صبحانه که اغلب دارای سرویس بهداشتی و حمام مشترک است.

« das Gasthaus / der Gasthof (dās gäst-hous / dēr gäst-hohf): مهمان‌سرایی که غذا، نوشیدنی و اغلب، جای خواب دارد.

« das Hotel garni (dās hotel gār-nee): هتلی که فقط صبحانه سرو می‌کند.

« die Jugendherberge (die yooch-gēnt-hēr-bēr-ge): هاستل مخصوص جوانان، اما نه فقط برای افراد زیر ۲۵ سال. هاستل گزینه‌ی ارزانی است، اما معمولاً برای اقامت در آن‌ها باید «شماره‌ی کاربری مخصوص هاستل»^۱ را از قبل تهیه کرد.

« die Pension (dee pēn-zee-ohn): اقامتگاهی با جای خواب و صبحانه. ممکن است علاوه بر صبحانه، ناهار و شام نیز در آنجا سرو شود.

« der Rasthof/das Motel (dēr rāst-hohf/dās motel): اقامتگاه یا مئتی که در کنار بزرگراه واقع شده است.

رزروکردن اتاق

بهترین کار این است که برای جلوگیری از بروز مشکلات لحظه‌آخری، اتاق خود را در هتل رزرو کنید، به‌خصوص وقتی در فصلی شلوغ سفر می‌کنید یا وقتی رویداد خاصی در شهر مقصدتان رخ می‌دهد و باعث می‌شود اتاق‌های هتل از ماه‌ها قبل در آن دوره‌ی زمانی ویژه رزرو شوند. اگر نتوانستید اتاقی پیدا کنید، احتمالاً می‌توانید در هتلی خارج از شهر یا دور از مرکز شهر اتاق بگیرید. از **Fremdenverkehrsamt** (*frēm-den-fēr-keys-āmt*) کمک بگیرید. (مبحث قبلی را بخوانید تا بیشتر با این اداره که نامی طولانی هم دارد، آشنا شوید.)

البته می‌توانید به‌صورت آنلاین نیز اتاق موردنظر خود را در هتل رزرو کنید، اما اگر می‌خواهید تماس بگیرید، شاید بهتر باشد قبل از این کار فصل ۱۱ را بخوانید. وقتی تماس گرفتید، جمله‌ی زیر می‌تواند در توضیح دادن هدف‌تان از تماس، به شما کمک کند:

Ich möchte gern ein Zimmer reservieren. (IH mēht-le gēr ayn tsi-mer rê-zēr-vee-ren.) (می‌خواهم یک اتاق رزرو کنم.)

1. Youth Hostel ID

اگر می‌خواهید بیش از یک اتاق رزرو کنید، فقط کافی است عدد مناسب را جای **ein** قرار دهید: **zwei** (دو)، **drei** (سه) و ...

بیان تاریخ و مدت اقامت

شخصی که مسئول رزرو کردن اتاق است، احتمالاً اطلاعاتی از شما خواهد گرفت. از جمله:

Von wann bis wann möchten Sie das Zimmer reservieren?

(fon vân bis vân merH-ten zee dâs tsi-mer rê-zêr-vee-ren?)

(از چه تاریخ تا چه تاریخی می‌خواهید اتاق رزرو کنید؟)

برای اینکه مشخص کنید چند شب در هتل اقامت خواهید داشت یا از چه تاریخی تا چه تاریخی در آنجا خواهید بود، می‌توانید بسته به نیازتان هر کدام از جملات زیر را به کار ببرید (فصل ۴ اطلاعات بیشتری در زمینه‌ی بیان تاریخ دارد):

Ich möchte gern ein Zimmer für ... Nächte reservieren. (iH merH-

te gêm ayn tsi-mer fuer ... naiHt-e rê-zêr-vee-ren.)

(می‌خواهم برای ... شب اتاق رزرو کنم.)

Ich möchte gern ein Zimmer vom 11. 3. bis zum 15. 3. reservieren.

(iH merH-te gêm ayn tsi-mer fom êlf-ten drit-en bis tsoom fuerH-tseyn-ten drit-en rê-zêr-vee-ren.) (می‌خواهم از ۱۱ تا ۱۵ مارس اتاقی رزرو کنم.)

مشخص کردن نوع اتاق

شخصی که اتاق را برای شما رزرو می‌کند، قطعاً سؤال زیر را می‌پرسد تا بداند چه نوع اتاقی می‌خواهید:

Was für ein Zimmer möchten Sie gern? (vâs fuer ayn tsi-mer merH-

ten zee gêm?) (چه نوع اتاقی می‌خواهید؟)

با می‌توانید پیش قدم شوید و با استفاده از جمله‌ی زیر بگویید که چه اتاقی می‌خواهید:

Ich hätte gern ... (iH hêt-e gêm ...) (می‌خواهم) ...

در پایان این جمله می‌توانید هر کدام از موارد زیر (یا ترکیبی از آن‌ها) را قرار دهید تا دقیقاً مشخص کنید کجا می‌خواهید استراحت کنید:

» ein Doppelzimmer (ayn dôp-el-tsi-mer) (اتاقی دوتخته، دبل)

» ein Einzelzimmer (ayn ayn-tsêl-tsi-mer) (اتاقی یک‌تخته)

» ein Zimmer mit ... (ayn tsi-mer mit ...) (یک اتاق با ...)

و سپس از بین گزینه‌های زیر انتخاب کنید:

- Bad (baht) (وان حمام)
- Dusche (dooH-she) (دوش)
- einem Doppelbett (ayn-ëm döp-el-bët) (یک تخت دوفره)
- zwei Einzelbetten (tsvay ayn-tsêl-bêt-en) (دو تخت تک‌نفره)

عبارت مفید? Was für ...



راهنمایی

Was für...? (väs fuer?) (چه نوع ...) عبارت مفیدی است که بهتر است به خاطر بسپارید. این جمله وقتی که می‌خواهید با کارمندان بخش خدمات مشتریان، فروشندگان یا حتی کارمند Fremdenverkehrsbüro (مرکز اطلاعات گردشگری) صحبت کنید، به کارتان خواهد آمد. پاسخ این سؤال به این افراد کمک می‌کند دقیقاً متوجه شوند شما چه چیزی می‌خواهید. برای مثال:

Was für eine Ferienwohnung möchten Sie gern? (väs fuer ayn-e feyn-ree-ën-voht-nong merht-ten zee gër-n?) (چه نوع هتل آپارتمانی می‌خواهید؟)

Was für eine Unterkunft suchen Sie? (väs fuer ayn-e oon-ter-koonft zooht-en zee?) (دنبال چه نوع اقامتگاهی هستید؟)

یادتان باشد که سؤال **Was für ...?** همیشه با حروف تعریف نامعین در وجه اکوزاتیو به کار می‌رود. (برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی حروف تعریف نامعین و وجه اکوزاتیو به فصل ۲ رجوع کنید.)

سؤال کردن درباره‌ی قیمت

احتمالاً مایلید بدانید هزینه‌ی اقامتان چقدر می‌شود. چه بخواهید قیمت اصلی اتاق را بدانید، چه قیمت امکانات ویژه‌اش را، می‌توانید از سؤالات زیر استفاده کنید:

Was kostet das Zimmer pro Nacht? (väs kos-tet däs tsi-mer proh näht?) (هزینه‌ی اتاق به‌ازای هر شب چقدر می‌شود؟)

Was kostet eine Übernachtung mit Frühstück? (väs kos-tet ayn-e ue-ber-näht-oong mit frue-shtuek?)

(هزینه‌ی اقامت به‌همراه صبحانه چقدر می‌شود؟)

Was kostet ein Zimmer mit Halbpension/Vollpension?

(väs kos-tet ayn tsi-mer mit hálp-pân-zee-ohn/foI-pân-zee-ohn?)

(هزینه‌ی اتاق به‌همراه «صبحانه+ناهار/شام» چقدر می‌شود؟)

نهایی کردن رزرو

اگر اتاق موجود بود و قیمتش هم مناسب، می‌توانید رزروتان را با گفتن جملهی زیر نهایی کنید:

Können Sie das Zimmer bitte reservieren? (kern-en zee däs tsi-mer

bi-te rê-zêr-vee-ren?) (ممکن است اتاق را رزرو کنید لطفاً؟)

بیایید کمی صحبت کنیم

کلاوس و اولریکه هوبر می‌خواهند تعطیلاتشان را در **Österreich** (erst-êr-ayH) (اتریش) بگذرانند. آن‌ها هتلی در کنار دریایچه‌ی موندسی پیدا کرده‌اند و می‌خواهند آنجا اقامت کنند. کلاوس با هتل آلپن هوف تماس می‌گیرد و با مسئول پذیرش صحبت می‌کند (نمونه‌ی صوتی ۳۱)



گوشه‌ی

Rezeption: **Hotel Alpenhof, guten Tag.**

hotel [تلفظ مانند انگلیسی] âlp-en-hohf, gooh-ten tahk.

مسئول پذیرش: سلام، هتل آلپن هوف.

Klaus: **Guten Tag. Ich möchte ein Zimmer vom 15. bis zum 23. Juni reservieren.**

gooh-ten tahk. ih merH-te ayn tsi-mer fom fuenf-tsey-n-ten bis tsoom dray-oont-tsvân-tsiH-sten
yooh-nee rê-zêr-vee-ren.

کلاوس: سلام، من می‌خواهم اتاقی را از تاریخ پانزدهم تا بیست‌وسوم ژوئن رزرو کنم.

Rezeption: **Ja, das geht. Was für ein Zimmer möchten Sie?**

yah, däs geyt. väs fuer ayn tsi-mer merH-ten zee?

مسئول پذیرش: بله، مشکلی نیست. چه نوع اتاقی می‌خواهید؟

Klaus: **Ein Doppelzimmer mit Bad, bitte. Was kostet das Zimmer pro Nacht?**

ayn *dôp*-el-tsi-mer mit baht *bi*-te. vâs *kôs*-tet dâs
tsi-mer proh nâht?

کلاوس: یک اتاقی دوتخته با وان لطفاً. هزینه‌ی اتاق
بهارای هر شب چقدر می‌شود؟

Rezeption: **129 Euro für die Übernachtung mit Frühstück.**

ayn-hoon-dert-noyn-oont-tsvân-tsiH *oy*-roh fuer
dee ue-ber-nâht-oong mit frue-shtuek.

مسئول پذیرش: هزینه‌ی اقامت با صبحانه می‌شود ۱۲۹
یورو.

Klaus: **Sehr gut. Können Sie es bitte reservieren?
Mein Name ist Huber.**

zeyr gooht. kern-en zee ês *bi*-te rê-zêr-vee-ren?
Mayn nah-me ist hooch-ber.

کلاوس: خیلی خوب است. می‌توانید آن را رزرو کنید
لطفاً؟ من هوپر هستم.

Rezeption: **Geht in Ordnung, Herr Huber.**

geyt in ort-noong, hêr hooch-ber.

مسئول پذیرش: حتماً، آقای هوپر.

Klaus: **Vielen Dank!**

fee-len dânk

کلاوس: خیلی متشکرم!

واژگان

das Fremdenver- kehrsbüro	dâs frêm-den-fêr- keyrs-bue-roh	مرکز اطلاعات گردشگری
das Einzelzimmer	dâs ayn-tsel-tsi-mer	اتاق یک‌تخته
das Doppelzimmer	dâs dôp-el-tsi-mer	اتاق دوتخته
das Bad	dâs baht	وان حمام
die Dusche	dee dooh-she	دوش
Geht in Ordnung!	geyt in ort-noong!	بسیار خوب، باشد!

ورود به هتل

(rè-tsêp-tsee-ohm) **Rezeption** نرد رسيديد، بايد نرد (em-pfāng) **Empfang** / (مستول پذيرش) فرايند چكاين (ورود به هتل) را انجام دهيد. براي اينكه به مسئول پذيرش بگويد كه از قبل اتاقي را رزرو کرده ايد، جمله ي زير را بيان كنيد:

Ich habe ein Zimmer reserviert. (ih hah-be ayn tsi-mer rê-zêr-veert.)
(من یک اتاق رزرو کرده‌ام.)

البته باید خودتان را نیز معرفی کنید:

Mein Name ist (mayn nah-me ist) (من ... هستم)

سان، مدت اقامت

اگر از قبل رزرو نکرده‌اید یا مسئول پذیرش مجدداً می‌خواهد مدت اقامتان را جویا شود، ممکن است سؤال زیر را بشنوید:

Wie lange bleiben Sie? (vee lāng-e blay-ben zee?) (چه مدت می ماند؟)

برای پاسخ دادن به سؤال درباره‌ی مدت اقامت می‌توانید از جمله‌ی زیر استفاده کنید:

Ich bleibe/Wir bleiben ... (iH blay-be/veer blay-ben ...)

(من/ ما ... صی مانیم.)

سپس جمله را با مدت قیامتان کامل کنید:

nur eine Nacht (noohr ayn-e nâht) (فقط یک شب)

bis zum elften (bis toom élf-ten) (تا یازدهم)

eine Woche (ayn-e voh-e) (یک هفته)

برکردن فرم پذیرش

در بیشتر هتل‌ها باید **der Meldeschein** (دِر مِل-دِ-شاین) (فرم پذیرش) که اغلب آن را **das Formular** (داس فور-موخ-لَهر) (فرم) می‌نامند، طی فرایند پذیرش پر کنید. مسئول پذیرش فرمی را به شما می‌دهد و چیزی شبیه این جمله را می‌گوید:

Bitte füllen Sie dieses Formular aus. (bi-te fuel-en zee deez-ès for-mooch-lahr ous.) (الطُفْلَةُ أَيْضًا تَمْلَأُ هَذِهِ السُّجُودَ.)

فرم پذیرش، همه یا برخی از اطلاعات زیر را از شما می‌خواهد:

- » Tag der Ankunft (takh dêr ân-koonft) (تاریخ ورود)
- » Name/Vorname (nah-me/fohr-nah-me) (نام خانوادگی/نام)
- » Straße/Nummer (Nr.) (shtrah-se/noom-er) (خیابان/پلاک)
- » Postleitzahl (PLZ)/Wohnort (post-layt-tsahl/vohn-ort) (کدپستی/شهر)
- » Geburtsdatum/Geburtsort (gê-boorts-dah-toohtm/gê-boorts-ort) (تاریخ تولد/مکان تولد)
- » Staatsangehörigkeit/Nationalität (stahts-ân-ge-herr-ih-kayt/nâ-tsee-oh-nahl-i-tait) (ملیت)
- » Beruf (bê-roohf) (شغل)
- » Passnummer (päs-noom-er) (شماره‌ی پاسپورت)
- » Ort/Datum (ort/dah-toohtm) (مکان/تاریخ)
- » Unterschrift (oon-ter-shrift) (امضا)

ورود به اتاق

بعد از اینکه مراحل پذیرش را طی کردید، مسئول پذیرش کلید اتاق را به شما تحویل می‌دهد و جمله‌ای مانند جمله‌ی زیر می‌گوید:

Sie haben Zimmer Nummer 203. (zee hah-ben tsi-mer noom-er tsvay-hoon-dert-dray.) (اتاقی شما ۲۰۳ است.)

در برخی هتل‌ها، به‌خصوص هتل‌های قدیمی‌تر، کلید اتاق به یک جاکلیدی بزرگ و فلزی متصل شده است. وقتی می‌خواهید از هتل بیرون بروید، احتمالاً باید کلید را به پذیرش تحویل دهید. وقتی به هتل برگشتید، می‌توانید با استفاده از



ظرف‌های
فرهنگی

چمدان‌تان را به دست بگیرید

به‌احتمال زیاد هنگام سفر نوعی **das Gepäck** (däs ge-pêk) (بار/چمدان) نیز به‌همراه خواهید داشت. بار شما می‌تواند **der Koffer** (dêr kôf-er) (یک چمدان) یا حتی **die Koffer** (dee kôfer) (چند چمدان) باشد. نه، اشتباهی صورت نگرفته است. تنها تفاوت میان شکل مفرد و جمع چمدان در زبان آلمانی، حرف تعریف آن‌هاست. (در فعل ۲ می‌توانید جرئت‌ناپذیری درباره‌ی شناسه‌های جمع برای اسامی پیدا کنید.)

جمله‌ی زیر، کلید خود را پس بگیرید:

Können Sie mir bitte den Schlüssel für Zimmer Nummer ... geben?

(kern-nen zee meer bi-te deyn shlues-ël fuer tsi-mer noom-er ... gey-ben?) (ممکن است کلید اتاق شماره‌ی ... را به من بدهید؟)

سؤال کردن در مورد امکانات و تسهیلات

شاید بخواهید بدانید هتل چه امکاناتی به شما ارائه می‌دهد. آیا اتاقان اینترنت پرسرعت بی‌سیم یا مینی‌بار دارد یا نه؟ یا اینکه هتل خدمات خشک‌شویی دارد؟

اتاق

وقتی می‌خواهید در مورد ویژگی‌های خاص اتاق خود سؤال بپرسید، با این جمله شروع کنید:

Hat das Zimmer ...? (hât dâs tsi-mer ...?) (آیا اتاق ... دارد؟)

سپس جمله را با هر کدام از موارد زیر کامل کنید:

einen Balkon (ayn-en bâl-kohn) (تراس، بالکن)

Satellitenfernsehen/Kabelfernsehen (zâ-tê-lee-ten-fêrn-zey-en/kah-bel-fêrn-zey-en) (تلویزیون ماهواره‌ای/کابلی)

ein Telefon (ayn tê-le-fohn) (تلفن)

Wi-Fi (wee-fee) (وای‌فای، اینترنت پرسرعت بی‌سیم)

eine Minibar (ayn-e minibar) (تلفظ مانند انگلیسی)

هتل

هتل محل اقامتان احتمالاً خدماتی ارائه می‌دهد که می‌توانید فهرست آن‌ها را در بروشور موجود در اتاق پیدا کنید. با این حال، اگر عینک مطالعه‌تان را جا گذاشتید یا اگر خواستید قبل از رسیدن به هتل در مورد امکانات آن سؤال کنید، فقط کافی است بپرسید:

Hat das Hotel ...? (hât dâs hotel ...?) (آیا هتل ... دارد؟)

سپس با قراردادن هر کدام از موارد زیر در پایان جمله‌ی پیش گفته، سؤال خود را کامل کنید:

eine Sauna (ayn-e zou-nâ) (سونا)

ein Schwimmbad (ayn shvim-baht) (استخر)

einen Fitnessraum (ayn-en fit-nes-room) (اتاق بدن سازی)

einen Wäschedienst (ayn-en vesh-e-deenst) (خشک شویی)

eine Klimaanlage (ayn-e klee-mah-ân-lah-ge) (تهویه مطبوع)

eine Hotelgarage (ayn-e hoh-tel-gâ-rah-ge) (پارکینگ، گاراژ)

einen Parkplatz (ayn-en pârk-plâts) (پارکینگ)

در ادامه سؤالاتی را می بینید که به وسیله ی آن ها می توانید اطلاعاتی درباره ی صبحانه یا نظافت اتاق به دست آورید:

Wann wird das Frühstück serviert? (vân virt dâs frue-shluek zêr-veert?) (صبحانه چه ساعتی سرو می شود؟)

Gibt es Zimmerservice? (gipt ês tsi-mer-ser-vis?)

(آیا اتاق نظافت می شود؟)

صبحانه ی هتل

بیشتر هتل های بزرگ بوفه ای برای صبحانه دارند که می توانید از بین انواع غلات صبحانه، تخم مرغ، انواع نان و آبمیوه، مربا، پنیر و غیره انتخاب کنید. در شهرها یا هتل های کوچک تر احتمالاً صبحانه سنتی آلمانی سرو می شود که شامل نان پروتشن و نان معمولی، مربا، تخم مرغ عسل، پنیر یا چند تکه گوشت سرد (مثل ژامبون) است. پس اگر نمی توانید صبحانه چیزی به جز نیروی همزدهی همیشگی نان بخورید، بهتر است از قبل سفارش دهید (اگر برای سفارش دادن مشکل دارید، فصل ۸ را ببینید).

بیا یاد کمی صحبت کنیم

کلاوس و اولریکه هوبر به هتل آلین هوف می رسند. آن ها خودرویشان را جلوی در ورودی پارک می کنند و برای چک این نزد مسئول پذیرش می روند. (نمونه ی صوتی ۳۲)



گوشه دهید

Klaus: Guten Abend! Mein Name ist Huber. Wir haben ein Zimmer reserviert.

gooht-en ah-bent! mayn nah-me ist hooch-ber-veer hah-ben ayn tsi-mer rê-zêr-veert.

کلاوس: عصر به خیر! هوبر هستیم. ما یک اتاق رزرو کرده ایم.

Rezeption: **Ja richtig, ein Doppelzimmer mit Bad. Bitte füllen Sie dieses Formular aus.**

yah riH-tiH, ayn dōp-el-tsi-mer mit baht. bi-te
fuel-en zee deez-es for-mooh-lahr aus.

مسئول پذیرش: بله درست است، یک اتاق دوتخته با
وان. لطفاً این فرم را پر کنید.

Klaus: **Haben Sie eine Garage oder einen Parkplatz?**
hah-ben zee ayn-e gā-rah-ge oh-der ayn-en pārk-
plāts?

کلاوس: گاراژ یا پارکینگ دارید؟

Rezeption: **Jawohl. Der Parkplatz ist hinter dem Hotel. Und hier ist Ihr Zimmerschlüssel, Nummer 203.**

yah-vohl. dêr pārk-plāts ist hin-ter deym hotel.
oont heer ist eer tsi-mer-shlues-êl, noom-er
tsavy-hoon-dert-dray.

مسئول پذیرش: بله، پارکینگ پشت هتل است. این هم
کلید اتاقش، شماره‌ی ۲۰۳.

Ulrike: **Wann servieren Sie Frühstück?**
vān zêr-vee-ren zee frue-shtuek?

اولریکه: صبحانه چه موقع سرو می‌شود؟

Rezeption: **Von sieben bis zehn Uhr.**
fon zee-ben bis tseyn oohr.

مسئول پذیرش: از ساعت هفت تا ده.

Ulrike: **Vielen Dank.**
fee-len dānk

اولریکه: خیلی ممنونم.

انعام‌دادن در هتل



ظرافت‌های
فرهنگی

هرچند معمولاً هزینه‌ی خدمات در قیمت اتاق لحاظ می‌شود، اما باز هم ممکن است بخواهید به کسی که چمدان‌هایتان را تا اتاق حمل می‌کند، (anعام) (das Trink-gelt) das Trinkgold بدهید. در این صورت باید به‌ازای هر چمدان ۱ یا ۲ یورو بدهید. همچنین گاهی پاکت کوچکی را برای انعام کارمندان بخش خانه‌داری (نظافت) در اتاق می‌گذارند. بسته به هتل و کیفیت خدمات آن می‌توانید هفتاعی بین ۱۰ تا ۱۵ یورو انعام بدهید.

واژگان

bleiben	blay-ben	ماندن
das Formular	dās for-mooh-lahr	فرم
ausfüllen	ous-fuel-en	پر کردن
der Schlüssel	dér shlues-ël	کلید
der Zimmerservice	dér tsi-mer-ser-vis	خدمات اتاق
der Parkplatz	dér pàrk-plàts	پارکینگ

خروج از هتل و پرداخت صورت حساب

زبان آلمانی معادل دقیقی برای اصطلاح «چک‌اوت» ندارد. اصطلاحی که آلمانی‌ها برای پرداخت صورت حساب و خروج از هتل به کار می‌برند، **das Zimmer räumen** (dās tsi-mër roy-men) است که به صورت تحت‌اللفظی یعنی تمیزکردن اتاق، اگر می‌خواهید بدانید چه ساعتی باید اتاق را خالی کنید، از مسئول پذیرش بپرسید:

Bis wann müssen wir/muss ich das Zimmer räumen?

(bis vān mues-en veer/moos ih dās tsi-mër roy-men?)

(چه زمانی باید اتاق را خالی کنیم/کنم؟)

درخواست صورت حساب

وقتی زمان خروج از هتل فرا می‌رسد، می‌توان از واژه‌ی رایج **abreisen** (āp-ray-zen) (ترک کردن، تحت‌اللفظی: بارسفرستن) استفاده کرد. وقتی می‌خواهید هتل را ترک کنید، به مسئول پذیرش بگویید:

Ich reise ab./Wir reisen ab. (ih ray-ze āp./veer ray-zen āp.)

(من هتل را ترک می‌کنم/ما هتل را ترک می‌کنیم.)

احتمالاً جمله‌ی قبلی برای اینکه مسئول پذیرش مشغول آماده کردن صورت حسابتان شود، کافی است. با این حال، اگر مجبور شدید بگویید صورت حسابتان را می‌خواهید، جمله‌ی زیر را به کار ببرید:

Kann ich bitte die Rechnung haben? (kān ih bīte dee reh-noong

hah-ben?) (لطفاً صورت حساب را می‌دهید؟)

در فصل ۱۴ اطلاعات بیشتری در مورد صورت حساب‌ها، پرداخت با کارت اعتباری و درخواست رسید پیدا می‌کنید.

چند درخواست کوچک

اگر مجبورید قبل از ادامه دادن به سفرتان، هتل را ترک کنید، شاید بهتر باشد چمدان‌هایتان را چند ساعت در هتل بگذارید (بیشتر هتل‌ها به شما اجازتی این کار را می‌دهند). فقط کافی است بگویید:

Können wir unser/Kann ich mein Gepäck bis ... Uhr hier lassen?
(*kern-en veer oon-zer/kân iH mayn ge-pék bis ... oohr heer lâs-en?*)
(می‌توانیم چمدان‌مان را تا ساعت ... اینجا بگذاریم؟/می‌توانم چمدانم را تا ساعت ... اینجا بگذارم؟)

زمانی که برای گرفتن چمدان‌هایتان برگشتید، باید بگویید:

Können wir/Kann ich bitte unser/mein Gepäck haben? (*kern-en veer/ kân iH bi-te oon-zer/mayn ge-pék hah-ben?*)
(آیا می‌توانیم چمدان‌مان را بگیریم؟/آیا می‌توانم چمدانم را بگیرم؟)

آماده‌ی رفتن به فرودگاه یا ایستگاه راه‌آهن هستید؟ اگر می‌خواهید مسئول پذیرش برایتان تاکسی بگیرد، کافی است بگویید:

Können Sie mir bitte ein Taxi bestellen? (*kern-en zee meer bi-te ayn tax-ee be-shtel-en?*) (ممکن است برای من تاکسی بگیرید؟)

مسئول پذیرش، قبل از اینکه با تاکسی تماس بگیرد، باید بداند کجا می‌روید. به همین خاطر احتمالاً از شما می‌پرسد:

Wo möchten Sie hin? (*voh mer/H-ten zee hin?*) (کجا می‌خواهید بروید؟)
قبل از مراجعه به مسئول پذیرش، مطمئن شوید نام مکان موردنظرتان را می‌دانید.

بیا یاد کمی صحبت کنیم

کلاوس و اولریکه برای رفتن و کشف بخش‌های دیگر کشور آماده‌اند. آن‌ها نزد مسئول پذیرش می‌روند تا از هتل خارج شوند.

Klaus: Guten Morgen! Wir reisen heute ab. Kann ich bitte die Rechnung haben?
(*gooH-ten môr-gen! veer ray-zen hoy-te âp. kân iH bi-te dee rêH-noong hah-ben?*)



راهنمایی

کلاوس: صبح به‌خیر! ما امروز هتل را ترک می‌کنیم.
لطفاً صورت‌حساب ما را می‌دهید؟

Rezeption: **Sicher, einen Moment bitte. Haben Sie gestern abend noch etwas aus der Minibar genommen?**

zIH-er, ayn-en moh-mént bi-te. hah-ben zee gés-tern ah-bent nôH êt-vàs ous dêr minibar gê-nôm-en?

مستول پذیرش: حتماً، یک لحظه لطفاً، دیشب چیزی از
مینی‌بار مصرف کردید؟

Klaus: **Ja, zwei Bier.**
yah, tsvay beer.

کلاوس: بله، دو تا آب‌جو.

Rezeption: **Danke. Also, hier ist ihre Rechnung.**
dân-ke. al-zoh, heer ist eer-e rêH-noong.

مستول پذیرش: متشکرم، این هم صورت‌حساب شما.

Klaus: **Kann ich mit Kreditkarte bezahlen?**
kân iH mit krê-dit-kâr-te be-tsahl-en?

کلاوس: می‌توانم با کارت اعتباری پرداخت کنم؟

Rezeption: **Selbstverständlich. Unterschreiben Sie hier, bitte.**

zêlpst-fêr-shtênt-liH. oon-ter-shray-ben zee heer bi-te.

مستول پذیرش: البته، لطفاً اینجا را امضا کنید.

Klaus: **Vielen Dank und auf Wiedersehen.**
fee-len dânk oont ouf vee-der-zey-en.

کلاوس: خیلی ممنونم و خداحافظ.

Rezeption: **Gute Reise!**
gooh-te ray-ze!

مستول پذیرش: سفر به‌خیر!

واژگان

abreisen	âp-ray-zen	ترک کردن
das Gepäck	dâs ge-pék	چمدان، بار
selbstverständlich	zêlpst-fêr-shtênt-liH	البته
Gute Reise!	gooh-te ray-ze	سفر به خیر!



با استفاده از کلمات مناسب، جاهای خالی را کامل کنید:

Wo Was für Wie Wann Was

1. _____ kostet das Zimmer? (هزینه‌ی اتاقی چقدر است؟)
2. _____ lange bleiben Sie?
(چه مدت می‌خواهید اقامت کنید (بمانید)؟)
3. _____ wird das Frühstück serviert? (صبحانه چه ساعتی سرو می‌شود؟)
4. _____ möchten Sie hin? (کجا می‌خواهید بروید؟)
5. _____ ein Zimmer möchten Sie? (چه نوع اتاقی می‌خواهید؟)

فرض کنید در حال ورود به هتل شلومبرگر هستید و باید Meldeschein (فرم پذیرش) [mèl-de-shayn] زیر را پر کنید. در جاهای خالی معادل فارسی اصطلاحات آلمانی را بنویسید.

Meldeschein		
Hotel Schlumberger	Kirchheimstraße 34	83224 Grassau
1) Tag der Anreise _____		
2) Familienname _____	3) Vorname _____	4) Beruf _____
5) Geburtsdatum _____	6) Geburtsort _____	7) Staatsangehörigkeit _____
8) Straße, Nummer (Nr.) _____	9) PLZ _____	10) Wohnort _____
11) Ort / Datum _____	12) Unterschrift _____	

فصل ۱۷

رسیدگی به امور اورژانسی

امیدواریم هرگز به کلمات و اطلاعات این فصل نیاز پیدا نکنید، اما حادثه خبر نمی‌کند؛ پس لطفاً به خواندن ادامه دهید. علاوه بر اتفاقاتی مانند تصادف و صحبت کردن با پلیس، ممکن است مجبور شوید حوادث اورژانسی دیگری را نیز مدیریت کنید. اگر صبح با حالت تهوع و دل‌پیچه از خواب بیدار شوید، می‌خواهید چه کار کنید؟ این فصل نحوه‌ی رسیدگی به امور مختلف اورژانسی، از جست‌وجو برای کمک‌های پزشکی گرفته تا گزارش سرقت را به شما می‌آموزد.

درخواست کمک

سخت‌ترین بخش رسیدگی به امور اورژانسی این است که خون‌سردی‌تان را حفظ کنید تا بتوانید با آرامش و شفافیت با دیگران ارتباط برقرار کنید؛ حال چه طرف مقابلتان پلیس باشد، چه تکنسین خدمات اورژانس پزشکی و چه یک پزشک. پس اگر لازم شد که این مسائل ناخوشایند را به آلمانی توضیح دهید، وحشت نکنید. همچنین به شما می‌آموزیم در موقعیتی که واقعاً زبان‌تان بند آمده و نمی‌دانید چطور آلمانی صحبت کنید، چگونه کسی را پیدا کنید که انگلیسی صحبت کند.

فریاد کمک

اصطلاحات زیر زمانی به دردتان می‌خورد که بخواهید توجه کسی را به خود جلب کنید تا در شرایط اضطراری به کمک‌تان بیاید:

Hilfe! (hɪlf-el) (کمک!)

Rufen Sie die Polizei! (rooʰf-en zee dee po-li-tsayl)

(با پلیس تماس بگیرید!)

Rufen Sie einen Krankenwagen! (roohf-en zee ayn-en kränk-en-vahg-en!) (آمبولانس خبر کنید!)

Rufen Sie die Feuerwehr! (roohf-en zee dee foy-er-veyrt!)
(با آتش‌نشانی تماس بگیرید!)

Holen Sie einen Arzt! (hohf-en zee ayn-en ärtst!) (دکتر بیایید!)

Feuer! (foy-êrt!) (آتش!)

گزارش دادن یک حادثه

اگر مجبور شدید حادثه‌ای را گزارش کنید یا به دیگران بگویید که خودتان یا شخص دیگری مجروح شده‌اید، جملات ساده‌ی زیر به کارتان می‌آید:

Ich möchte einen Unfall melden. (ih merH-te ayn-en oon-fäl mël-den.)
(می‌خواهم یک حادثه را گزارش کنم.)

Ich möchte einen Autounfall melden. (ih merH-te ayn-en ou-toh-oon-fäl mël-den.)
(می‌خواهم یک تصادف رانندگی را گزارش کنم.)

Ich bin verletzt. (ih bin fêr-lêtst.) (من مجروح شده‌ام.)

Es gibt Verletzte. (ès gipt fêr-lêts-te.) (افرادی مجروح شده‌اند.)

علاوه بر حوادث این چنینی، شما باید برای شرایط اورژانسی دیگری، مانند سرقت یا جیب‌بری نیز آماده باشید:

Ich möchte einen Diebstahl/Raubüberfall melden. (ih merH-te ayn-en deep-shtahl/roup-ue-ber-fäl mël-den.)
(می‌خواهم یک سرقت/دزدی را گزارش کنم.)

Halten Sie den Dieb! (hâl-ten zee deyn deep!) (دزد را بگیرید!)

واژگان

Hilfe!	hîlf-e!	کمک!
Rufen Sie die Polizei!	roohf-en zee dee po-li-tsay	با پلیس تماس بگیرید!
Feuer!	foy-êrt!	آتش!

درخواست کمک به زبان انگلیسی

اگر نمی‌توانید به زبان آلمانی درخواست خود را بیان کنید، می‌توانید این سؤال را بپرسید و در صورت امکان به انگلیسی کمک بخواهید:



به خاطر بسپارید

Spricht hier jemand Englisch? (shpriht heer yey-mänt eng-lish?)

(آیا کسی اینجا انگلیسی صحبت می‌کند؟)

کمک‌های پزشکی

دهان‌تان را باز کنید و بگویید آآ! خوب است. حالا نفس عمیقی بکشید. آرام باشید. یک نفس عمیق دیگر. عالی است! حالا شما، خواننده‌ی عزیز، باید آن قدر آرام شده باشید که بتوانید توضیح دهید چه‌چیزی باعث کسالتان شده است. امیدواریم به کمک‌های پزشکی نیاز پیدا نکنید، اما اگر چنین اتفاقی افتاد، این مبحث به دردتان خواهد خورد.

به چه متخصصی احتیاج دارید؟ کجا می‌خواهید بروید؟ در ادامه کلماتی را می‌بینید که اگر حالتان روبه‌راه نبود یا به خدمات پزشکی نیاز داشتید، برایتان مفید خواهد بود:

» **die Apotheke** (dee ah-poh-tey-ke) (داروخانه)

» **der Arzt/die Ärztin** (dêr ärtst/dee êrts-tin) (پزشک مرد/پزشک زن)

» **die Arztpraxis/die Zahnarztpraxis** (dee ärtst-prâx-is/dee tsahn-ärtst-prâx-is) (مطب پزشک/مطب دندان‌پزشک)

» **der Doktor** (dêr dok-tohr)

(دکتر - هم به‌عنوان شغل و هم به‌عنوان کلمه‌ی خطاب)

» **das Krankenhaus** (dâs kränk-en-hous) (بیمارستان)

» **die Notaufnahme** (dee noht-ouf-nah-me) (اتاق اورژانس)

» **der Zahnarzt/die Zahnärztin** (dêr tsahn-ärtst/dee tsahn-êrts-tin) (دندان‌پزشک مرد/زن)

اگر به کمک پزشکی نیاز داشتید، هم می‌توانید تقاضای پزشک کنید و هم بپرسید نزدیک‌ترین مطب پزشک، بیمارستان یا داروخانه کجاست:

Ich brauche einen Arzt. (ih brouh-e ayn-en ärtst.)

(من به پزشک نیاز دارم.)

Wo ist die nächste Arztpraxis/das nächste Krankenhaus/die nächste Apotheke? (voh ist dee naiH-ste ärtst-prâx-is/dâs naiH-ste krânk-en-hous/ dee naiH-ste ah-poh-tey-ke?)

(نزدیکترین مطب پزشک/بیمارستان/داروخانه کجاست؟)

توصیف دلیل کسالت

چه اتفاقی افتاده؟ تب دارید؟ پاهایتان درد می کنند؟ حالت تهوع دارید یا بدتر؟ پس جای درستی آمده‌اید. اگر می‌خواهید بگویید که حالتان خوب نیست و جایی از بدن‌تان درد می‌کند، جملات زیر را به کار ببرید:

Ich fühle mich nicht wohl. (iH fuel-e miH niHt wohl.) (حالم خوب نیست.)

Ich bin krank. (iH bin krânk.) (بیمار هستم.)

Ich habe Fieber/Durchfall. (iH hah-be feeb-er/doorH-fâl.)

(تب/اسهال دارم.)

Mir tut der Fuß/Bauch/Rücken weh. (meer tooht dêr foohs/bouH/ruek-en vey.) (پایم/شکم/کمرم درد می‌کند.)

Ich habe Schmerzen im Arm/Bauch. (iH hah-be shmërts-en im ärm/bouH.) (در بازویم/در شکم احساس درد می‌کنم.)

Ich habe (starke) Bauchschmerzen/Kopfschmerzen/Zahnschmerzen. (iH hah-be (shTârk-e) bouH-shmërts-en/kopf-shmërts-en/tsahn-shmërts-en.) (دل‌درد/سر‌درد/دندان‌درد (شدیدی) دارم.)

Ich habe Halsschmerzen/Rückenschmerzen. (iH hah-be hâls-shmërts-en/ruek-en-shmërts-en.) (گلویم/کمرم درد می‌کند.)

صحبت کردن درباره‌ی شرایط خاص

بخش مهمی از فرایند درمان این است که به پزشک بگویید به چیز خاصی حساسیت دارید یا از لحاظ پزشکی شرایط خاصی دارید. برای این منظور، حرف‌هایتان را با جمله‌ی زیر آغاز کنید:

Ich bin ... (iH bin ...) (من ... هستم.)

سپس جمله‌تان را با هر کدام از عبارات زیر کامل کنید:

allergisch gegen ... (â-lêr-gish gey-gen ...) (به ... آلرژی دارم.)

behindert (bê-hin-dêrt) (معوق)

schwanger (shvàng-er) (باردار)

Diabetiker (dee-ah-bey-ti-ker) (مبتلا به دیابت)

Epileptiker (ey-pi-lêp-ti-ker) (مبتلا به صرع)

در برخی شرایط خاص لازم است جمله را این طور شروع کنید:

Ich habe ... (iH hah-be ...) (من ... دارم)

و سپس شرایط خود را بیان کنید. مانند:

eine Intoleranz gegen (Penizillin) (ayn-e ín-tol-er-ants gey-gen [pè-ni-tsi-leen]) (حساسیت به آبنی سیلین)

ein Herzleiden (ayn hêrts-layd-en) (بیماری قلبی)

zu hohen/niedrigen Blutdruck (tsooh hoh-en/need-reeg-gen blooh-t-drook) (فشارخون بالا/پایین)

تماس های اورژانسی



تلفات های
فرهنگی

بهتر است همیشه شماره های اضطراری را بدانید تا اگر شرایط اورژانسی پیش آمده هیچ فرصتی را از دست ندهید. اگر در کشورهای اتحادیه ی اروپا از جمله آلمان و اتریش در شرایط اورژانسی قرار گرفتید، شماره ی ۱۱۲ را فراموش نکنید. این شماره حتی در کشورهایی مثل سوئیس و سایر کشورهای خارج از اتحادیه ی اروپا نیز به عنوان شماره ی اورژانس در نظر گرفته شده است. حتی وقتی از طریق موبایل با ۱۱۲ تماس می گیرید، با نزدیک ترین مرکز اورژانس ارتباط پیدا می کنید. این مرکز آماده است نیروهای **Polizei** (پلیس) (po-li-tsay) را اعزام کند، یا **Feuerwehr** (آتش نشانی) (foy-êr-veyr) تماس بگیرد یا با **Rettungsdienst** (اورژانس) (rêl-oong-déens) ارتباط برقرار کند.

اگر در اتوبان می خواهید یک حادثه ی رانندگی را گزارش کنید، باید بدانید که بزرگراه های آلمان، اتریش، سوئیس و بسیاری از کشورهای اروپای غربی در فواصل منظم مجهز به باجه های تلفن اضطراری هستند. این باجه های تلفن کوچک در کشورهای آلمانی زبان با کلماتی مانند **Notruf** (noht-roof) یا **S.O.S** (تماس اضطراری) علامت گذاری شده اند. همچنین روی گاردیل ها یا تابلوهایی که جهت را نشان می دهد فلش هایی وجود دارد که نزدیک ترین باجه ی تلفن اضطراری را نشان می دهد.

معاینه شدن

وقتی وارد اتاق معاینه می‌شوید، باید مطمئن باشید سؤالات و توضیحات پزشک را می‌فهمید. ممکن است پزشک سؤالاتی مانند این‌ها از شما بپرسد:

Was haben Sie für Beschwerden? (vâs hah-ben zee fuer be-shveyr-den?) (چه علائمی دارید؟)

Haben Sie Schmerzen? (hah-ben zee shmérts-en?) (درد دارید؟)

Wo tut es weh? (voh tooht ês vey?) (کجا درد می‌کند؟)

Tut es hier weh? (tooht ês heer vey?) (اینجا درد می‌کند؟)

Wie lange fühlen Sie sich schon so? (vee lāng-e fueł-en zee zih shon zoh?) (چند وقت است چنین احساسی دارید؟)

Sind Sie gegen irgendetwas allergisch? (zint zee gey-gen ir-gènt-ét-vâs â-lér-gish?) (آیا به چیزی حساسیت دارید؟)

در ادامه دستوراتی (نه چندان جالب) فهرست شده‌اند که ممکن است از زبان پزشک بشنوید:

Bitte streifen Sie den Ärmel hoch. (bi-te shtrayf-en zee deyn ér-mel hoch.) (لطفاً آستین‌تان را بالا بزنید.)

Bitte machen Sie den Oberkörper frei. (bi-te mâH-en zee deyn oh-bêr-kerr-per fray.) (لطفاً پیراهن‌تان را درآورید.)

Bitte legen Sie sich hin. (bi-te ley-gen zee zih hin.) (لطفاً دراز بکشید.)

Machen Sie bitte den Mund auf. (mâH-en zee bi-te deyn moont ouf.) (لطفاً دهان‌تان را باز کنید.)

Atmen Sie bitte tief durch. (ahT-men zee bi-te teef doorH.) (لطفاً یک نفس عمیق بکشید.)

Husten Sie bitte. (hooHs-ten zee bi-te.) (لطفاً سرفه کنید.)

Wir müssen eine Röntgenaufnahme machen. (veer mues-en ayn-e remt-gên-ouf-nah-me mâH-en.) (باید رادیوگرافی انجام دهیم.)

Sie müssen geröntgt werden. (zee mues-en ge-remgt vér-den.) (باید رادیوگرافی انجام دهید.)

اعضای بدن

برای پاسخ دادن به سؤال **Wo tut es weh?** (voh tooht ês vey?) (کجا درد می‌کند؟)، می‌توانید کلمات زیر را به کار ببرید:

- » **der Arm** (dêr ârm) (دست، بازو)
- » **das Auge** (dâs oug-e) (چشم)
- » **der Bauch** (dêr bouH) (شکم)
- » **das Bein** (dâs bayn) (پا)
- » **die Brust** (dee broost) (سینه)
- » **der Daumen** (dêr doum-en) (انگشت شست)
- » **der Finger** (dêr fing-er) (انگشت)
- » **der Fuß** (dêr foohs) (قسمت پایین پا)
- » **der Fußknöchel** (dêr foohs-knerH-el) (قوزک پا)
- » **der Hals** (dêr hâls) (گردن)
- » **die Hand** (dee hânt) (دست)
- » **das Herz** (dâs hêrts) (قلب)
- » **der Kiefer** (dêr keef-er) (فک، آرواره)
- » **das Knie** (dâs knee) (زانو)
- » **der Magen** (dêr mah-gen) (معده)
- » **der Mund** (dêr moont) (دهان)
- » **der Muskel** (dêr moos-kel) (ماهیچه)
- » **die Nase** (dee nah-ze) (بینی)
- » **das Ohr** (dâs ohr) (گوش)
- » **der Rücken** (dêr ruck-en) (کمر)
- » **die Schulter** (dee shool-ter) (شانه)
- » **der Zahn** (dêr tsahn) (دندان)
- » **der Zeh** (dêr tsey) (انگشت پا)
- » **die Zunge** (dee tsoong-e) (زبان)

بد نیست کلمات زیر را هم بشناسید:

» das Gesicht (dâs ge-zîht) (صورت)

» das Haar (dâs hahr) (مو)

» der Kopf (dêr kopf) (سر)

» die Lippe (dee lip-e) (لب)

تشخیص بیماری

بعد از اینکه پزشک اطلاعات لازم را گردآوری کرد، نظرش را درمورد بیماری شما بیان می‌کند. جملات زیر برای درک بهتر حرف‌های پزشک کمکتان خواهد کرد:

» die Diagnose (dee dee-âg-noh-ze) (تشخیص بیماری)

» Sie haben ... (zee hah-ben ...) (شما ... دارید.)

» eine Erkältung (ayn-e êr-kêlt-oong) (سرماخوردگی)

» eine Grippe (ayn-e grip-e) (آنفولانزا)

» eine Entzündung (ayn-e ênt-tsuend-oong) (التهاب)

» Blinddarmentzündung (blînt-dârm-ênt-tsuend-oong) (آپاندیس)

» Lungenentzündung (lung-en-ênt-tsuend-oong) (تالریه)

» Mandelentzündung (mân-del-ênt-tsuend-oong) (ورم لوزه)

» Ihr Fußknöchel ist gebrochen/verstaucht/verrenkt. (eer foohs-knerH-êl ist ge-broH-en/vêr-shtouHt/vêr-rênkt.)

(قوزک پای شما شکسته/پیچ‌خورده/در رفته است.)

بیایید کمی صحبت کنیم

اولریش لمپرت چند روزی است حال خوبی ندارد. برای همین از پزشک خود، دکتر گراون، وقت گرفته است. (نمونه‌ی صوتی ۲۲)



Dr. Grawen: Guten Morgen, Herr Lempert. Was haben Sie für Beschwerden?

gooht-en mor-gen, hêr lêm-pêrt. vâs hah-ben zee fuer be-shveyr-den?

دکتر گراون: صبح بخیر آقای لمپرت. چه علائمی دارید؟

Ulrich: **Ich fühle mich seit ein paar Tagen nicht wohl.**
iH *fuel*-e miH zayt ayn pahr tah-gen niHt wohl.

اولریش: چند روزی است حال خوبی ندارم.

Dr. Grawen: **Haben Sie Schmerzen?**
hah-ben zee shmërts-en?

دکتر گراون: درد دارید؟

Ulrich: **Ja, ich habe starke Kopf- und Magenschmerzen.**
yah, iH hah-be stâr-ke kopf- oont mah-gen-shmërts-en.

اولریش: بله، سردرد و دل‌درد شدیدی دارم.

Dr. Grawen: **Bitte setzen Sie sich hier hin und machen Sie den Oberkörper frei.**
bi-te zêts-en zee zîH heer hin oont mâH-en zee deyn oh-bêr-kerr-pêr fray.

دکتر گراون: لطفاً اینجا بنشینید و پیراهن‌تان را درآورید.

دکتر گراون شروع به معاینه‌ی اولریش می‌کند.

Dr. Grawen: **Machen Sie bitte den Mund auf — danke. Atmen Sie bitte tief durch. Husten Sie bitte.**
mâH-en zee bi-te deyn moont ouf — dân-ke. aht-mên zee bi-te teef doorH. haohs-ten zee bi-te.

دکتر گراون: لطفاً دهان‌تان را باز کنید. ممنونم، نفس عمیق بکشید لطفاً. لطفاً سرفه کنید.

Ulrich: **Und, was stimmt nicht mit mir?**
oont, vâs shtimt niHt mit meer?

اولریش: مشکل من چیست؟

Dr. Grawen: **Sie haben eine Grippe. Ich gebe Ihnen ein Rezept. Und bleiben Sie die nächsten Tage im Bett.**

zee hah-ben ayn-e grip-e. iH gey-be een-en ayn rê- tsêpt. oont blay-ben zee dee naiH-sten tah-ge im bêt.

دکتر گراون: آنفولانزا گرفته‌اید. برایتان نسخه می‌نویسم. چند روز آینده را هم استراحت کنید.

واژگان

Ich brauche einen Arzt.	iH brouH-e ayn-en ärztst.	من به دکتر احتیاج دارم.
Ich bin krank.	iH bin kränk.	من بیمار هستم.
Wo tut es weh?	voh tooht ës vey?	کجا درد می‌کند؟
Haben Sie Schmerzen?	hah-ben zee shmërts-en?	درد دارید؟

گرفتن داروها



ظرافت‌های فرهنگی

شاید عادت داشته باشید داروهای تجویز شده را از داروخانه بگیرید اما گرفتن دارو در آلمان متفاوت است. معادل آلمانی درگاه‌استور **Drogerie** (droh-ge-vee) است؛ یعنی جایی که چیزهای زیادی از جمله خمیر دندان، ضد آفتاب و داروهای بدون نسخه، مانند اسپیرین و شربت ضد سرفه نیز عرضه می‌شود. شما باید برای گرفتن داروهای تجویزی **Apotheke** (äpoh-dey-ke) (داروخانه) بروید. خواهید دید که افراد شاغل در این مکان به شما بسیار کمک می‌کنند و حتی اغلب به اندازه‌ی پزشکان اطلاعات دارند. قوانین آلمان در مورد داروهای تجویزی بسیار سخت‌وسخت است و این یعنی بسیاری از داروها (از جمله داروهای ضد حساسیت) که به راحتی می‌توان در سایر کشورها خریداری کرد، در آلمان به نسخه (و در نتیجه ویزیت پزشک) نیاز دارد.

درمان

پزشک بعد از صحبت درباره‌ی مشکلاتان، راهکارهای لازم را ارائه می‌کند. البته ممکن است باز هم سؤالاتی از شما بپرسد تا بهترین درمان ممکن را برایتان در نظر بگیرد:

Nehmen Sie noch andere Medikamente? (ney-men zee noH än-de-re mey-dee-kä-mén-te?) (داروی دیگری هم مصرف می‌کنید؟)

سپس احتمالاً پزشک چنین جمله‌ای می‌گوید:

Ich gebe Ihnen ... / Ich verschreibe Ihnen ... (iH gey-be een-en ... / iH fêr-shray-be een-en ...)

(به شما ... می‌دهم، / ... را برای شما تجویز می‌کنم.)

جمله‌ی قبلی را می‌توان با هر کدام از موارد زیر کامل کرد:

- » Antibiotika (ân-tee-bee-oh-ti-kâ) (آنتی‌بیوتیک)
- » das Medikament/die Medikamente (pl) (dâs mey-dee-kâ-mênt/
dee mey-dee-kâ-mên-te) (دارو)
- » ein Schmerzmittel (ayn shmërts-mil-el) (مسکن، ضد درد)
- » Tabletten (tâ-blét-en) (قرص)

در نهایت ممکن است پزشک بگوید لازم است پس از مدتی باز هم شما را معاینه کند:

Kommen Sie in... Tagen/einer Woche wieder. (kom-en zee in... tah-
gen/ayn-er voh-e vee-der.) (بعد از ... روز/یک هفته تشریف بیاورید.)

پزشک به شما نسخه (dâs rê-tsêpt) (das Rezept) می‌دهد که باید آن را به
die Apotheke (dee âpo-tey-ke) (داروخانه) ببرید تا داروهایتان را بگیرید.

جملات زیر برای استفاده از داروها به شما کمک می‌کند:

Bitte, nehmen Sie ... Tabletten/Teelöffel ... (bi-te ney-men zee ...
tah-blét-en/tey-lerf-el ...) (لطفاً ... قرص / ... قاشق چای‌خوری مصرف کنید.)

dreimal am Tag/täglich (dray-mahl âm tahk/taig-liH) (سه بار در روز)

alle ... Stunden (âl-e ... shtoon-den) (هر ... ساعت)

vor/nach dem Essen (fohr/naH deym ês-en) (قبل/بعد از غذا)

بیایید کمی صحبت کنیم

اولیش بعد از اینکه معاینه می‌شود، نسخه را می‌گیرد و به داروخانه‌ی
محلّه می‌رود و با داروساز صحبت می‌کند.

Ulrich: **Guten Morgen. Mein Arzt hat mir dieses
Rezept gegeben.**
gooh-t-en mor-gen. Mayn ârtst hât meer deez-
es rê- tsêpt ge-gey-ben.

اولیش: صبح بخیر. پزشکم این نسخه را به من
داده است.

Apothekerin: **Einen Moment.**
ayn-en moh-ment.

داروساز: یک لحظه (صبر کنید).

داروساز مشغول پیچیدن نسخه‌ی اولریش می‌شود و پس از لحظاتی باز می‌گردد.

Apothekerin: **So, Herr Lempert. Bitte nehmen Sie dreimal am Tag zwei von diesen Tabletten.**
zoh, hêr lêm-pêrt. bi-te ney-men zee dray-mahl am tahk tsavy fon deez-en tâ-blêt-en.

داروساز: خب آقای لمپرت، لطفاً سه بار در روز، دو عدد از این قرص‌ها را مصرف کنید.

Ulrich: **Vor oder nach dem Essen?**
fôhr oh-der nahH deym ês-en?

اولریش: قبل یا بعد از غذا؟

Apothekerin: **Nach dem Essen.**
nahH deym ês-en.

داروساز: بعد از غذا.

Ulrich: **Wird gemacht.**
virt ge-mâHt.

اولریش: باشد.

Apothekerin: **Gute Besserung, Herr Lempert!**
gooh-te bês-er-oong, hêr lêm-pêrt!

داروساز: امیدوارم بهتر شوید، آقای لمپرت!

صحبت کردن با پلیس

همین چند لحظه پیش متوجه شده‌اید از اتاقتان در هتل سرقت شده است. دزدها خیلی چیزها را از شما دزدیده‌اند؛ اما خوشبختانه کتاب *آموزش زبان آلمانی For Dummies* را با خود نبرده‌اند که البته به ضررشان بوده است!

در ادامه جملات مفیدی می‌بینید که در چنین شرایطی به کار می‌آیند:

Wo ist das nächste Polizeirevier? (voh ist dâs naiH-ste po-li-tsay-re-veer?) (نزدیک‌ترین ایستگاه پلیس کجاست؟)

Ich möchte einen Diebstahl melden. (ih merht-te ayn-en deep-shtahl mël-den.) (می‌خواهم یک سرقت را گزارش کنم.)

توضیح دادن درباره‌ی چیزهای به‌سرقت‌رفته

برای شرح آنچه از شما دزدیده‌اند، بگویید:

Man hat mir ... gestohlen. (mân hât meer ... ge-shtohl-en.)

(یک نفر ... را دزدیده است.)

سپس با اضافه کردن یک یا چند مورد زیر، جمله‌تان را کامل کنید:

» mein Auto (mayn ou-toh) (خودرویم)

» meine Brieftasche/mein Portemonnaie (mayn-e breef-tâsh-e/
mayn port- mon-ey) (کیف پولم)

» mein Geld (mayn gëlt) (پولم)

» meinen Pass (mayn-en pâs) (پاسپورتم)

» meine Tasche (mayn-e tâsh-e) (کیفم)

اگر می‌خواهید بگویید یک نفر (با شکستن پنجره یا قفل) وارد اتاق یا دفتر کارتان شده است، می‌توانید از فعل **einbrechen** (ayn-brêH-en) (به‌زور/با شکستن قفل یا پنجره وارد جایی شدن) استفاده کنید:

Man hat bei mir eingebrochen. (mân hât bay meer ayn-ge-broH-en.)

(یک نفر (با شکستن قفل یا پنجره) وارد [اتاق من] شده است.)

اگر می‌خواهید درمورد خودرویتان صحبت کنید، می‌توانید از فعلی مشابه اما با معنایی نسبتاً متفاوت استفاده کنید: **aufbrechen** (ouf-brêH-en) (به‌زور (با قصد دزدی) وارد خودروی شخصی شدن):

Man hat mein Auto aufgebrochen. (mân hât mayn ou-toh ouf-ge-broH-en.)

(یک نفر به‌زور/با قصد دزدی وارد خودروی من شده است.)

ضمیر نامعین **man** (mân) که به معنای یک نفر، شخص، آدم (در معنای کلی مردم) ضمیر مفیدی است. همچنین استفاده از آن نیز آسان است چراکه همیشه به یک شکل استفاده می‌شود: **man** به مثال‌های زیر توجه کنید:

Man hat seine Tasche gestohlen. (mân hât zayn-e tâsh-e ge-shtohl-en.)

(یک نفر کیف او را دزدیده است.)



کلمات دستوری

Was macht man jetzt? (väs mât-mân yêst?)

(الان آدم باید چه کاری انجام دهد؟)

پاسخ دادن به سؤالات پلیس

اگر حتی یک نظر هم فرد مجرم را دیده باشید، می‌دانید که او قدبلند است یا قدکوتاه، چاق است یا لاغر، پُرموست یا طاس؟ پلیس می‌خواهد همه چیز را بداند. بعد از اینکه یاد می‌گیرید چطور باید دیگران را توصیف کنید، می‌توانید به توصیف ویژگی‌های ظاهری خودتان نیز بپردازید.

پلیس از شما می‌پرسد:

Können Sie die Person beschreiben? (kem-en zee dee pèr-zohn

be-shrayb-en?) (ایا می‌توانید آن شخص را توصیف کنید؟)

می‌توانید پاسختان را با این جمله شروع کنید:

Die Person/Er/Sie hatte ... (dee per-zohn/èr/zie hât-e ...)

(آن شخص/او ... داشت.)

سپس جمله‌تان را با هر کدام از موارد زیر کامل کنید. می‌توانید با افزودن کلمه‌ی **und** «و» بین صفات، چند ویژگی فردی را بیان کنید:

» **blonde/schwarze/rote/graue/lange/kurze Haare** (blon-de/

shvârts-e/ roh-te/grou-e/lâng-e/koorts-e hahr-e)

(موهای بلوند/تیره/قرمز/خاکستری/بلند/کوتاه)

» **einen Bart/einen Schnurrbart/keinen Bart** (ayn-en bahrt/ayn-en

shnoohr-bahrt/kayn-en bahrt) (ریش/سیل/بدون ریش)

» **eine Glatze** (ayn-e glâts-e) (بی‌مو/سر طاس)

» **eine Brille** (ayn-e brîl-e) (عینک)

همچنین می‌توانید جمله‌تان را این طور شروع کنید:

Die Person/ Er/Sie war ... (dee pèr-zohn/èr/zie vahr ...)

(آن شخص/او ... بود.)

و آن را با کلمات زیر کامل کنید:

» **groß/klein** (grohs/klayn) (بلند/کوتاه)

» **schlank/dick** (shlânk/dik) (لاغر/چاق)

» ungefähr ... Meter ... groß (oon-ge-fair ... mey-ter ... grohs)

(حدوثاً ... متر قد)

» ungefähr ... Jahre alt (oon-ge-fair ... yahr-e âlt) (حدوثاً ... ساله)

همچنین پلیس ممکن است سؤالات زیر را از شما بپرسد:

Wann ist das passiert? (vân ist dâs päs-eert?)

(حادثه چه زمانی اتفاق افتاد؟)

Wo waren Sie in dem Moment? (voh vahr-en zee in deym moh-

mênt?) (شما آن موقع کجا بودید؟)

کمک گرفتن از قانون

اذیت شدید؟ اگر واقعاً سروکله‌زدن با قانون برایتان کار سختی است، بهتر است دو جمله‌ی زیر را یاد بگیرید و کار خودتان را راحت‌تر کنید:

Ich brauche einen Anwalt. (iH brouH-e ayn-en ân-vâlt.)

(من به یک وکیل احتیاج دارم.)

Ich möchte das Konsulat anrufen. (iH merH-te dâs kon-zoo-lahf ân-

roohf-en) (می‌خواهم با کنسولگری تماس بگیرم.)



به خاطر بسازید

بیا یاد کمی صحبت کنیم

اریکا برگر باید مدارکی را به دفتر یکی از مراجعه‌کنندگانش تحویل دهد. وقتی نیم ساعت بعد سراغ خودرویش می‌رود، متوجه می‌شود یک نفر به قصد دزدی وارد خودرو شده و کیف او را به سرقت برده است. خوشبختانه یک پاسگاه پلیس در همان نزدیکی وجود دارد.

Erika:

Guten Tag. Ich möchte einen Diebstahl melden. Man hat mein Auto aufgebrochen und meine Tasche gestohlen.

gooht-en tahk. iH merH-te ayn-en deep-shtahl mël-den, mân hât mayn ou-toh ouf-ge-broH-en oont mayn-e tâsh-e ge-shtohl-en.

اریکا: سلام، می‌خواهم یک سرقت را گزارش کنم. یک نفر به قصد دزدی وارد خودروی من شده و کیفم را برده است.

Polizist:	Moment mal. Wie ist ihr Name? moh-mènt mál. vee ist eer nah-me? پلیس: یک لحظه. اسمتان چیست؟
Erika:	Erika Berger. êr-ı-kâ bêr-ger. اریکا: اریکا برگر.
Polizist:	Wann ist das passiert? vân ist dâs pâs-eert? پلیس: این اتفاق چه زمانی افتاد؟
Erika:	Zwischen elf und halb zwölf. tshvish-en êlf oont hâlp tsverlf. اریکا: بین ۱۱ تا ۱۲:۳۰.
Polizist:	Und wo? oont voh? پلیس: و کجا؟
Erika:	Gleich um die Ecke, in der Rothmundstraße. glayH um dee êk-e, in dêr rohr-moont shtrah-se. اریکا: دقیقاً همین کنار خیابان روتموند.
Polizist:	Was war in Ihrer Tasche? vâs vahr in eer-er tâsh-e? پلیس: چه چیزی داخل کیفتان بود؟
Erika:	Meine Briefftasche mit ungefähr fünfzig Euro, meine Kreditkarten und mein Führerschein! mayn-e breef-tâsh-e mit oon-ge-fair fuenf-tsiH oy-roh, mayn-e krê-deet-kârt-en oont mayn fuer-er-shayn! اریکا: کیف پولم با حدود ۵۰ یورو داخل آن، کارت‌های اعتباری و گواهی‌نامه‌ی رانندگی‌ام!
Polizist:	Nun, ich habe noch einige Fragen. Wir erstatten dann Anzeige. noon, ıll hah-be noH ayn-ee-ge frah-gen. veer êr-shtât-en dânn ân-tsayg-e. پلیس: چند سؤال دیگر می‌پرسم و بعد دزدی را گزارش می‌کنیم.



دوستان ما را کوس یک استوپر دسوار حرفه‌ای است. از قضا شما اولین نفری هستید که متوجه می‌شوید او با یک درخت برخورد کرده است. به نظر می‌رسد حالش خوب است، اما برای اطمینان، باید از او درباره‌ی تکتک اعضای بدنش سؤال کنید. برای اینکه مطمئن شوید معادل آلمانی همه‌ی اعضای بدن را می‌دانید، آن‌ها را در جاهای خالی بنویسید.



- | | |
|----------------|----------------------------|
| _____ ۱. سینه: | _____ ۸. بازو: |
| _____ ۲. شانه: | _____ ۹. دست: |
| _____ ۳. چشم: | _____ ۱۰. معده، شکم: |
| _____ ۴. سر: | _____ ۱۱. ران پا: |
| _____ ۵. پستی: | _____ ۱۲. پا (قسمت پایین): |
| _____ ۶. دهان: | _____ ۱۳. قوزک پا: |
| _____ ۷. گردن: | _____ ۱۴. زانو: |



بخش ده تایی ها

در این بخش...

همه‌ی کتاب‌های *For Dummies* با فهرستی ده‌تایی از اطلاعات کاربردی به پایان می‌رسد. این کتاب نیز بخش ده‌تایی‌های بسیار مفیدی دارد. در این بخش، علاوه بر ارائه‌ی نکاتی درباره‌ی یادگیری کارآمدتر آلمانی، حملاتی را به شما می‌آموزیم که باید از بیان آن‌ها پرهیز کنید. همچنین اصطلاحاتی را به شما یاد می‌دهیم که زبان آلمانی‌تان را بهبود می‌بخشد.

Viel Spaß! (خوش بگذرد) (feel shpâst)

فصل ۱۸

ده روش برای یادگیری سریع زبان آلمانی

راحت گفت‌وگو کردن و درک زبان و فرهنگی جدید می‌تواند تجربه‌ی جالب و لذت‌بخشی باشد، اما اگر از توضیحات دستورزبانی خسته شده باشید چه؟ اگر از جزئیاتی مانند جایگاه تک‌تک کلمات در جمله کلافه شده باشید، چه کار می‌کنید؟ نکته‌ی مهم این است که خودتان را بیش از حد درگیر نکنید. صبور باشید. گام‌های کوچک بردارید. در گذشته با همین گام‌های کوچک راه رفتن را یاد گرفتید. درست است؟ برخی یا همه‌ی نکات این فصل را امتحان کنید تا بتوانید زبان آلمانی خود را تقویت کنید. ببینید کدام ایده پرایتان کارایی بیشتری دارد. هر کاری انجام می‌دهید، امیدواریم از یادگیری زبان آلمانی لذت ببرید.

برچسب‌زدن به دنیای اطرافتان

معادل آلمانی وسایل داخل خانه، خودرو یا محل کارتان را روی آن‌ها بچسبانید. این راهکاری ساده و جالب است. از یک فرهنگ لغت آلمانی / فارسی استفاده کنید (حتی می‌توانید از فرهنگ لغات انتهای همین کتاب بهره بگیرید) تا معادل آلمانی کلماتی مثل پنجره (das Fens-ter) (das Fenster)، در (dee tuer) (die Tür)، یخچال (der kühl-schränk) (der Kühlschrank) یا فنجان (eine Tasse) (ein-e tās-e) را پیدا کنید. هر کلمه را روی یک برچسب بنویسید و آن را روی هر وسیله بچسبانید. هر زمان که سراغ آن وسیله رفتید، لمسش کنید و معادل آلمانی‌اش را بخوانید. کسی چه می‌داند شاید خانواده و دوستان‌تان نیز به شما ملحق شدند!

سازمان‌دهی اصطلاحات مفید

اگر می‌خواهید کلمات مربوط به موضوع خاصی را به ذهن بسپارید، فهرستی از اصطلاحات یا جملات مرتبط با آن موضوع تهیه کنید. وقتی سراغ هریک از

فصل‌های این کتاب می‌روید، ده جمله‌ای را که می‌خواهید سریع یاد بگیرید، روی کاغذ بنویسید. برای مثال، جملاتی را بنویسید که برای آدرس پرسیدن بسیار مهم‌اند: (چطور می‌توانم به ... بروم؟) یا (... چقدر با اینجا فاصله دارد؟) یا اگر می‌خواهید به یک رستوران آلمانی بروید، جملاتی مانند (... می‌خواهم) یا (صورت حسابم را می‌آورید لطفاً؟) را به فهرستان اضافه کنید.

سپس در خانه به دنبال یکی دو جای مناسب بگردید تا فهرستان را در آنجا قرار دهید؛ مثلاً روی آینه‌ی میز آرایش. سپس هر بار که به آینه نگاه می‌کنید، اصطلاحات را به ترتیبی منطقی تکرار کنید. خیلی طول نمی‌کشد که همه‌ی آن اصطلاحات مفید را به خاطر می‌سپارید. وقتی این اتفاق افتاد، زمان آن رسیده است که فهرست جدیدی درست کنید.

نوشتن فهرست خرید

روش دیگر برای یادگیری کلمات بیشتر نوشتن فهرست خریدتان به زبان آلمانی است. محض احتیاط بهتر است معادل فارسی آن کلمات را نیز در کنارشان بنویسید تا اگر در فروشگاه معنای کلمه‌ای را فراموش کردید، سردرگم نشوید. مثلاً بنویسید **Birnen** (bîr-nen) (کلابی)، **Karotten** (kâr-rot-en) (هویج) یا **Zwiebeln** (tsvee-beln) (پیاز). با تلفظ کردن هرچیزی که در فروشگاه برمی‌دارید و داخل سبد خریدتان می‌گذارید، این تمرین را یک گام فراتر ببرید. همچنین می‌توانید هنگام خرید جملات کوتاهی بسازید، مانند:

Der Käse ist sehr teuer. (dêr kai-ze ist zeyr toy-er.)

(پنیر خیلی گران است.)

Wo sind die Kartoffeln? (voh vint dee kâr-tof-en?)

(سیب‌زمینی‌ها کجا هستند؟)

Der Fisch ist sehr frish. (dêr fish ist zeyr frish.) (ماهی بسیار تازه است.)

فکر کردن به زبان آلمانی

برنامه‌های روزمره‌تان را به زبان آلمانی بیان کنید تا ملکه‌ی ذهن‌تان شود. برای مثال می‌توانید جملات زیر را بگویید:

Ich gehe in die Küche. (ih gey-e in dee kueH-e.)

(من به آشپزخانه می‌روم.)

Ich mache Kaffee. (iH mâH-e kâf-ey.) (من دارم قهوه درست می‌کنم.)

Das Wetter ist sehr schön. (das wêf-er is zeyr shern.)

(هوا خیلی خوب است.)

Wie viel Uhr is es? Es ist 20.30. (vee feel oohr is ês? Es ist tsvân-

tsiH oohr drays-iH.) (ساعت چند است؟ ۸:۳۰ است.)

استفاده از سی‌دی‌های آموزشی و فایل‌های صوتی

زمانی که به محل کارتان می‌روید یا بازمی‌گردید، سعی کنید به سی‌دی‌های آموزش زبان یا فایل‌های صوتی دانلودشده‌ی آلمانی گوش دهید. فقط گوش کردن زبان آلمانی می‌تواند معجزه‌ای برای یادگیری کلمات و جملات باشد. چند اهنگ به زبان آلمانی دانلود کنید و هروقت حوصله‌اش را داشتید، گوش دهید.

دیدن و شنیدن برنامه‌های تلویزیون و رادیوی آلمان

شبکه‌های تلویزیونی دولتی آلمان مانند **ARD** و **ZDF** روش‌هایی عالی برای دیدن اخباری باکیفیت به زبان آلمانی هستند. فقط کافی است به وبگاهشان سر بزنید (www.ard.de و www.zdf.de) و موضوع موردعلاقه‌تان را انتخاب کنید: سیاست، فرهنگ، ورزش یا البته، **Nachrichten** (nâH-reeH-ten) (اخبار). همچنین می‌توانید سریال تلویزیونی هفتگی **Tatort** (tâht-ort) (مسئله‌ی جرم)، را که سریالی رازآلود و هیجان‌انگیز است از شبکه‌ی **ARD** تماشا کنید. شاید بخواهید گزینه‌های بیشتری در اختیار داشته باشید: شبکه‌ی **Deutsche Welle** (doy-che vêl-e) به آدرس اینترنتی www.dw-world.de هم برنامه‌های رادیویی و هم تلویزیونی را به زبان‌های بسیاری از جمله آلمانی و انگلیسی پخش می‌کند. همچنین می‌توانید برنامه‌های رادیویی باکیفیتی را در **radioWissen** (rah-dee-oh vis-en) «معنای تحت‌اللفظی: رادیو دانش» به آدرس اینترنتی www.br-online.de/bayern2/radiowissen گوش دهید. دنبال چیزهای دیگری به زبان آلمانی هستید؟ فقط کافی است در موتورهای جست‌وجوی اینترنتی، کد بین‌المللی **de**، را برای آلمان، **at**، را برای اتریش و **ch**، را برای سوئیس به انتهای آدرس اینترنتی اضافه کنید.

امتحان کردن یک برنامه‌ی تعاملی آلمانی

برای آشنایی بیشتر با پیچیدگی‌های زبان آلمانی، دوره‌های آموزشی تعاملی موجود در بازار را بررسی کنید. شاید قیمت برایتان مهم باشد، اما برنامه‌های برتر دارای تصاویر باکیفیت، مرحله‌بندی منطقی آموزش زبان و برنامه‌های عالی تشخیص گفتار هستند.

تماشای فیلم‌های آلمانی

روش جالب دیگر برای یادگیری اصطلاحات، لهجه و عادات فرهنگی، تماشای چندین باره‌ی فیلم‌های آلمانی است. یک فیلم در ژانر محبوب خود یا با بازیگران یا کارگردان موردعلاقه‌تان انتخاب کنید و از تماشای آن لذت ببرید.

خواندن نشریات آلمانی

مجله‌های آلمانی بخريد، به‌ویژه آن‌هایی که محتوای تصویری دارند یا از کسی که به یک کشور آلمانی‌زبان سفر کرده بخواهید چندتایی برایتان بیاورد. با خواندن توضیحات زیر عکس‌ها شروع کنید و ببینید آیا متوجه تصویر و متن آن‌ها می‌شوید یا نه. خواندن آگهی‌های تبلیغاتی نیز روشی جالب برای کشف کردن لغات به حساب می‌آید. در پروازهای بین‌المللی، یکی از روزنامه‌های دوزبانه‌ی داخل هواپیما را بردارید (روزنامه‌هایی که یک صفحه‌ی آن‌ها به زبان آلمانی و دیگری به زبان انگلیسی یا سایر زبان‌هاست). کتاب‌های کمیک آلمانی مخصوص کودکان، مانند **Asterix** و **Tim und Struppi** برای بزرگسالان نیز جالب‌اند.

خوردن غذاهای آلمانی

چند غذای اصیل آلمانی نوش جان کنید. شاید در نزدیکی شما یک رستوران آلمانی باشد، اما روش‌های دیگری نیز برای امتحان کردن غذاهای آلمانی وجود دارد؛ مثلاً می‌توانید چند نوع پنیر وارداتی از آلمان یا سوئیس را امتحان کنید. شاید هم فروشگاه مواد غذایی سالم محله‌تان **Sauerkraut** (نوعی کلم‌ترشی مختص آلمان) را داشته باشد. دل به دریا بزنید و چند نوع غذای آلمانی را امتحان کنید. شاید وقتی متوجه شوید بسیاری از غذاهای آلمانی چیزی فراتر از سیب‌زمینی و گوشت هستند، تعجب کنید. **Guten Appetit!** (گوو-تن اَ-پِ-تِی) (نوش جان!).

فصل ۱۹

ده چیزی که هرگز نباید به زبان آلمانی بگویند

هدفمان از این فصل آن است که مانع از سرخ شدن تان شویم. البته منظورمان سرخی ناشی از آفتاب سوختگی نیست، بلکه شرمندگی است. احتمالاً افراد غیربومی ای را دیده‌اید که گاهی از سر ناآگاهی چیزهایی می‌گویند و باعث خنده یا تعجب بومی‌ها می‌شوند. به هر حال احتمال اشتباه همیشه هست. به همین خاطر در این فصل چند نکته به شما گوشزد می‌کنیم تا از وقوع بدترین اتفاقات ممکن جلوگیری کنید!

به کار بردن شکل صحیح خطاب کردن

اگر فصل ۳ را خوانده باشید، می‌دانید که باید یا احتیاط از ضمیر غیررسمی **du** (doo) (تو) استفاده کنید اگر دوست ندارید بی‌سواد یا بی‌ادب به نظر برسید. هیچ‌گاه این ضمیر را خطاب به کسانی که بیش از ۱۶ سال دارند و آن‌ها را به خوبی نمی‌شناسید، به کار نبرید. در عوض از ضمیر رسمی **Sie** (zee) (شما) استفاده کنید و برای مثال به جای جمله‌ی **Möchtest du ins Kino gehen?** بگویید: **Möchten Sie ins Kino gehen?** (merht-tên zee ins kee-noh gey-en?) (می‌خواهید به سینما بروید?).

در اغلب شرایط، احتمالاً ضمیری که باید به کار ببرید مشخص است. اگر به مهمانی‌ای می‌روید که در آن همه شما را با ضمیر **du** خطاب می‌کنند، هم‌رنگ جماعت شوید. البته ممکن است شخصی به شما پیشنهاد بدهد از ضمیر **du** استفاده کنید:

Wir können uns duzen. (veer kern-en oons doohts-en.)

(می‌توانیم به یکدیگر تو بگوییم.)

رد کردن چنین پیشنهادی نیز کار بی‌ادبانه‌ای به حساب می‌آید.

صحیح خطاب کردن ارائه‌کنندگان خدمات

وقتی می‌خواهید یک پیشخدمت یا فروشنده‌ی خانم را صدا بزنید، او را با کلمه‌ی **Fräulein** (فرویلاین، دوشیزه) خطاب نکنید. معنای تحت‌اللفظی **Fräulein** خانم کوچک است (پسوند **lein** یک پسوند تصغیر است) و استفاده از این کلمه برای بسیاری از بانوان توهین‌آمیز است. در بهترین شرایط، آن‌ها این‌طور فرض می‌کنند که شما یا زبان آلمانی آشنایی کافی ندارید و معنای کلمات را نمی‌دانید. معادلی برای این کلمه در زبان آلمانی وجود ندارد و شما مجبورید به **Entschuldigen Sie bitte** (انت‌شودل-دی-جن زee بی‌ته) (ببخشید لطفاً) یا ارتباط چشمی اکتفا کنید.

همین قضیه در مورد خطاب کردن پیشخدمت‌های رستوران نیز صدق می‌کند: آن‌ها **Kellner** (کئل‌نر) (پیشخدمت) صدا نکنید، چراکه اصلاً خوششان نمی‌آید و این کار را ترحم‌آمیز و تحقیرکننده می‌دانند. باز هم کافی است که یا ارتباط چشمی برقرار کنید یا با جمله‌ی **Entschuldigen Sie bitte** توجه آن‌ها را به خود جلب کنید.

گرم یا سرد؟

اگر می‌خواهید بگویید که هوا گرم یا سرد است، این موضوع را با جملات **Ich bin heiß** (ای‌اچ بین هایس) (من گرم‌مزاج هستم) یا **Ich bin kalt** (ای‌اچ بین کالت) (من سردمزاج هستم) بیان نکنید، مگر اینکه واقعاً منظورتان همین چیزها باشد! بادتان باشد که از یکی از اصطلاحات زیر که در هر دوی آن‌ها ضمیر شخصی **mir** (میر) به کار رفته، استفاده کنید:

Mir ist heiß. (میر ایست هایس.) (احساس گرما می‌کنم./گرمم است.)

Mir ist kalt. (میر ایست کالت.) (احساس سرما می‌کنم./سردم است.)

من مست نیستم

اگر شخصی در مهمانی ناهار یا شام از شما پرسید که آیا باز هم غذا میل دارید یا نه و شما کاملاً احساس سیری می‌کردید، به هیچ‌وجه نباید کلمه‌ی "full" انگلیسی را به صورت تحت‌اللفظی ترجمه کنید و بگویید: **Ich bin voll** (ای‌اچ بین فول). چراکه این جمله به معنای «من کاملاً مست هستم» است، مگر اینکه بخواهید به طرف مقابل بگویید که تا حد ممکن نوشیدنی الکلی نوشیده‌اید! اگر احساس سیری می‌کنید و در یک جمع غیررسمی هستید، بگویید **Ich bin satt** (ای‌اچ بین سات) (من سیر هستم).

در غیر این صورت، فقط کافی است از عبارت ساده‌ی **Nein, danke** (nayn dān-ke) (نه، ممنون) استفاده کنید.

صحبت کردن محترمانه درباره‌ی قانون

هرگز یک افسر پلیس را با کلمه‌ی **Bulle** (bool-e) صدا نزنید. ممکن است این کلمه را از زبان بسیاری از مردم بشنوید، اما باید بدانید که این اصطلاح نوعی اصطلاح عامیانه و به معنای گاو نر است. معادل آلمانی مناسب برای پلیس مرد و پلیس زن به ترتیب **der Polizist** (dêr po-li-tsist) و **die Polizistin** (dee po-li-tsis-tin) است.

استفاده‌ی صحیح از واژه‌ی «Gymnasium»

اگر می‌خواهید با گفتن جمله‌ی **Ich gehe zum Gymnasium** (ih gey-e tsoom germ-nahz-ee-oom) به یک آلمانی زبان بگویید که دارید به باشگاه می‌روید، باعث سردرگمی او می‌شوید، چراکه **Gymnasium** مکانی برای ورزش کردن نیست، بلکه «دبیرستان» است. در واقع معنای جمله‌ی قبلی این است که من دارم به دبیرستان می‌روم. سه نوع مدرسه‌ی متوسطه در آلمان وجود دارد و **Gymnasium** بالاترین سطح آن است. کلمه‌ی آلمانی مناسب برای باشگاه **Fitnesscenter** [تلفظ مانند انگلیسی] است.

آشنایی با شکل صحیح فعل «دانستن»

فعل **to know** در زبان انگلیسی به معنای شناختن یک شخص، یک مکان، دانستن یک موضوع و پاسخ یک سؤال است. فعل آلمانی‌ای که باید برای «شناختن اشخاص یا مکان‌ها» به کار ببرید، **kennen** (kên-en) است. مثال:

Ich kenne ihn/sie/sie. (ih kên-e een/zee/zee.)

(من او (مذکر)/او (مؤنث)/آن‌ها را می‌شناسم.)

اما وقتی می‌خواهید بگویید که حقیقت یا نکته‌ای را می‌دانید، باید از فعل **wissen** (vis-en) استفاده کنید که معمولاً با **یَند** پیرو همراه می‌شود. بنابراین باید چنین جمله‌ای را به آلمانی بیان کنید:

Ich weiss nicht, wie viel Uhr es ist. (ih vays nih-t, vee feel oohr ês ist.)
(نمی‌دانم ساعت چند است.)

روشی کوتاه‌تر برای بیان همین جمله:

Ich weiss es nicht. (ih vays ês niht.) (جواب را / نمی‌دانم.)

کمد یا سرویس بهداشتی؟

کلمه‌ی آلمانی **Klosett** (kloh-zéf) (توالت/سرویس بهداشتی) را با closet در زبان انگلیسی (به معنای کمد) اشتباه نگیرید. اگر می‌خواهید کمد را پیدا کنید، نباید پرسید **Wo ist das Klosett?** (voh ist dâs kloh-zéf?) (سرویس بهداشتی کجاست؟)، چون دیگران نگاهی عجیب‌غریب به شما می‌اندازند و سپس به سمت سرویس بهداشتی راهنمایی‌تان می‌کنند. **Klosett** کلمه‌ای قدیمی است که برای توالت به کار می‌رود. معادل آلمانی مناسب برای کلمه‌ی کمد **der Einbauschränk** (dêr ayn-bou-shränk) است. اگر در خانه‌ی کسی هستید و او را با ضمیر غیررسمی **du** (doo) (تو) خطاب می‌کنید، شکل محاوره‌ای پرسیدن مکان سرویس بهداشتی چنین است:

Wo ist das Klo? (voh ist dâs kloh?) (حمام (دستشویی) کجاست؟)

در غیر این صورت، از جمله‌ی رسمی‌تری استفاده کنید:

Darf ich Ihre Toilette benutzen? (dârf ih eer-e toy-lét-e bê-noots-en?) (می‌توانم از سرویس بهداشتی‌تان استفاده کنم؟)

استفاده‌ی صحیح از فعل bekommen

شاید به این نتیجه رسیده باشید که فعل آلمانی **bekommen** (be-kom-en) معادل فعل انگلیسی **to become** (تبدیل شدن، شدن) است؛ اشتباهی که بسیاری از انگلیسی‌زبانانی که آلمانی یاد می‌گیرند (یا برعکس) مرتکب می‌شوند. اگر می‌خواهید به کسی بگویید که «برادران می‌خواهد/قصد دارد پزشک شود»، نباید جمله‌ی **Mein Bruder bekommt einen Arzt** (mayn brooh-der bê-komt ayn-en ârtst) را به کار ببرید. معنای چنین جمله‌ای این است که برادران دارد یک دکتر می‌گیرد یا دریافت می‌کند، مثلاً به عنوان هدیه‌ی تولدش! معادل آلمانی مناسب برای تبدیل شدن فعل **werden** (veyr-den) است؛ پس باید بگویید:

Er wird Arzt. (êr virt ârtst.) (او می‌خواهد پزشک شود/او پزشک می‌شود.)

آلمانی زبان‌ها از فعل **bekommen** در معنای گرفتن/دریافت کردن استفاده می‌کنند.
برای مثال:

Sie bekommen viel Besuch. (zee be-kom-en feel be-zooH.)

(آن‌ها بازدیدکنندگان زیادی دریافت کردند. /به فارسی روان: افراد زیادی از آن‌ها بازدید کردند.)

اگر می‌خواهید یک گیلّاس شراب سفید سفارش دهید، می‌توانید بگویید:

Ich bekomme ein Glas Weisswein, bitte. (iH be-kom-e ayn gläs vays-vayn, bi-te.) (یک گیلّاس شراب سفید می‌خواهم لطفاً.)

استفاده درست از افعال مربوط به «خوردن»

ممکن است در آلمان بشنوید که می‌گویند **Kühe fressen Gras** اما نباید این‌طور نتیجه‌گیری کنید که می‌توانید فعل **fressen** (kue-he frēs-en grahs) را در معنای خوردن در نظر بگیرید و چنین چیزی بگویید: **Ich fresse gern Pommes frites** (ih frēs-e gèrn pom frit.) (دوست دارم سیب‌زمینی سرخ‌کرده بخورم.) با گفتن این جمله، آلمانی‌ها این‌طور برداشت می‌کنند که قرار است با صورت، وارد ظرف بسیار بزرگی از سیب‌زمینی سرخ‌کرده بشوید! فعل **fressen** فقط در مورد حیوانات به کار می‌رود. اگر می‌خواهید به خوردن انسان‌ها اشاره کنید، باید از فعل **essen** (ēs-en) (خوردن) استفاده کنید: **Ich esse gern Pommes frites** (ih ēs-e gèrn pom frit). اگر فعل **fressen** برای انسان‌ها به کار برود، معنای تحقیرکننده و ناخوشایندی خواهد داشت.

فصل ۲۰

ده اصطلاح محبوب آلمانی

بعد از اینکه کمی با زبان آلمانی آشنا شدید، متوجه می‌شوید آلمانی‌زبان‌ها دائماً از چند اصطلاح بخصوص استفاده می‌کنند. در واقع می‌توان این اصطلاحات را چاشنی زبان تصور کرد، چراکه باعث می‌شوند زبان طبیعی‌تر، زنده‌تر و جالب‌تر به نظر برسد. اصطلاحات زیر را به کار ببرید تا زبان آلمانی‌تان را تقویت کنید.

Alles klar!

Alles klar! (âl-es klahr!) به صورت تحت‌اللفظی یعنی همه چیز مشخص/روشن است، اما باید زمانی آن را به کار ببرید که شخصی چیزی را برایتان توضیح داده و شما می‌خواهید بگویید: *گرفته‌ام! باشد! فهمیدم!* همچنین وقتی کسی جزئیات برنامه‌ای را برایتان تعریف می‌کند و شما می‌خواهید موافقت خود را ابراز کنید، می‌توانید این عبارت را به کار ببرید.

Wirklich

می‌توانید از اصطلاح **Wirklich** (virk-lich) (واقعاً) در کنار صفات استفاده کنید تا روی معنای آن‌ها تأکید کنید، مثل «واقعاً جالب». همچنین می‌توانید برای نشان دادن تعجب خود («واقعاً؟!») نیز این اصطلاح را به کار ببرید.

Kein Problem

معنای تحت‌اللفظی **Kein Problem** (kayn proh-bleym) این است: *ایرادی ندارد*./ مشکلی نیست. زمانی این اصطلاح را به کار ببرید که می‌خواهید به شخصی بگویید مسئولیت کاری را قبول می‌کنید. همچنین می‌توانید با این عبارت موافقت خود را درباره‌ی تغییر در برنامه‌هایتان ابراز کنید.

Vielleicht

Vielleicht (fee-layHt) معادل شاید/احتمالاً است و مثلاً می‌توانید آن را به‌عنوان جوابی کوتاه برای یک سؤال در نظر بگیرید. همچنین، این اصطلاح زمانی به کار می‌آید که در ابتدای جمله قرار گرفته و نشان می‌دهد که «احتمال دارد» چیزی در آینده اتفاق بیفتد یا نیفتد که در این صورت باید از **Vielleicht nicht** (fee-layHt niHt) (شاید (این‌طور نشود)) استفاده کنید.

Doch

این کلمه‌ی ساده کاربردهای زیادی دارد. معادل بخصوصی برای آن در زبان انگلیسی نیست، اما باید آن را زمانی استفاده کنید که می‌خواهید رویکرد خود را درباره‌ی یک جمله بیان کنید. از جمله معانی این کلمه چرا (به‌عنوان پاسخ مثبت به سؤال منفی)، بالاخره، واقعاً و با این حال است. وقتی از این کلمه برای ارائه‌ی پاسخ مثبت به سؤال یا جمله‌ای منفی استفاده می‌کنید، به‌معنای چراء البته و اتفاقاً برعکس خواهد بود.

Unglaublich!

Unglaublich! (oon-gloub-liH!) به‌معنای باورنکردنی است. همچنین می‌توانید این کلمه را به‌عنوان قید به صفات اضافه کنید و معنایشان را شدت ببخشید. برای مثال، **Das Wetter ist unglaublich gut!** (dás wê-er ist oon-gloub-liH gooht!) (هو! به‌شکلی باورنکردنی خوب است!)

Hoffentlich

Hoffentlich (hof-ent-liH) یعنی خوشبختانه/به امید خدا. آلمانی‌زبان‌ها مرتب از این کلمه برای ابراز امیدواری استفاده می‌کنند. اگر بخواهید آن را به‌شکل منفی به کار ببرید، باید بگویید **Hoffentlich nicht** که یعنی خوشبختانه نه/به امید خدا نه.

Wie schön!

ترجمه‌ی تحت‌اللفظی عبارت **Wie schön!** (vee shern!) چه زیباست! که معنای درستی دارد. اما گاهی این عبارت را به‌شکلی کنایه‌آمیز و برای نشان‌دادن آزدگی خاطر یا ناراحتی خود به کار می‌برند.

Genau!

Genau! (ge-nouf) به معنای دقیقاً! است. زمانی باید آن را به کار ببرید که می‌خواهید موافقت خود را با گفته‌های طرف مقابل ابراز کنید.

Stimmt's?

Stimmt's? (shtimts?) یعنی درست است؟/ موافق نیستید؟ این اصطلاح را وقتی استفاده کنید که می‌خواهید طرف مقابل حرف‌هایتان را تأیید کند. معمولاً این سؤال را با **Stimmt!** (shtimt!) موافقم/ درست است، پاسخ می‌دهند. وقتی می‌خواهید به پیشخدمت رستوران بگویید پولی که می‌دهید شامل انعام نیز می‌شود، باید بگویید **Stimmt so** (shtimt zoh) باشد، درست است. در فارسی می‌گوییم بقیه‌اش مال خودتان.

فصل ۲۱

ده جمله‌ای که شما را آلمانی نشان می‌دهد

در این فصل اصطلاحات رایجی را گرد آورده‌ایم که تقریباً همه‌ی کسانی که آلمانی صحبت می‌کنند، آن‌ها را می‌شناسند و به کار می‌برند. این عبارات آن قدر آلمانی به حساب می‌آیند که اگر استفاده‌شان کنید، ممکن است شما را با یک فرد آلمانی اشتباه بگیرند.

Schönes Wochenende!

Schönes Wochenende! (*shem-es voH-en-en-del*) یعنی «آخر هفته‌ی خوبی داشته باشید!» این جمله تقریباً از اولین ساعات روز جمعه تا آغاز هفته‌ی بعد بین آلمانی‌ها ردوبدل می‌شود.

Gehen wir!

Gehen wir! (*gey-en veer!*) به معنای *بریم!* است. همچنین اگر این جمله را به حالت سؤالی (لحن خیزان) بیان کنید، می‌توانید نظر اطرافیان‌تان را درمورد رفتن به جایی بدانید.

Was ist los?

سؤال **Was ist los?** (*vàs ist loh?*) چه اتفاقی افتاده؟ اغلب در معنای «مشکل چیست؟» به کار می‌رود.

Das klingt gut!

Das klingt gut! (*dàs klinkt gooh!*) شکل آلمانی جمله‌ی «خوب به نظر می‌رسد» است. با به کارگیری این جمله می‌توانید به فرد مقابل بگویید که پیشنهاد او برای انجام کاری، خوب به نظر می‌رسد.

Keine Ahnung

Keine Ahnung (kayn-e ahn-oong) به معنای «ایده‌ای / نظری ندارم.» است.
این جمله مخفف **Ich habe keine Ahnung** (ih hah-be kayn-e anh-oong) «هیچ ایده‌ای ندارم.» است و معمولاً برای بیان این مسئله به کار می‌رود که فرد چیزی در مورد موضوع مورد بحث نمی‌داند.

Es zieht!

Es zieht! (ès tseet!) جمله‌ای است که وقتی باد سردی از جایی می‌وزد، گفته می‌شود و می‌توان آن را در زبان فارسی معادل «سوز می‌آید!» در نظر گرفت.
به دلایلی، آلمانی‌ها به هوای سرد بسیار حساس‌اند. پس اگر به دلیل باز بودن پنجره‌ی اتاق احساس سرما می‌کنید، این جمله به کارتان می‌آید! ترجمه‌ی کلمه‌به‌کلمه‌ی جمله‌ی **Es zieht!** «آن می‌کشد.» است.

Nicht zu fassen!

جمله‌ی **Nicht zu fassen!** (niht tsooh fās-en!) به معنای «باورم نمی‌شود!» است.
اگر می‌خواهید ناباوری، دغدغه یا هیجان خود را ابراز کنید، این جمله‌ی رایج آلمانی را به کار ببرید.

Du hast Recht! / Sie haben Recht!

اصطلاح غیررسمی **Du hast Recht!** (dooch hâst rêht!) و معادل رسمی‌تر آن **Sie haben Recht!** (zee hah-ben rêht!) به ترتیب به معنای «حق با توست.» / «حق با شماست.» هستند. این جمله روشی معمول برای ابراز موافقت به زبان آلمانی است.

Lass es!

Lass es! (lâs ês!) معادل آلمانی غیررسمی برای «بی‌خیال! / ولش کن!» است.
وقتی می‌خواهید بگویید که «چیزی را به حال خود بگذار / رهاش کن.» می‌توانید از این جمله استفاده کنید.

Nicht schlecht!

Nicht schlecht! (niht shléht!) معادل آلمانی «بد نیست!» است. این جمله، درست مثل فارسی، نه تنها به این معناست که چیزی خیلی بد نیست، بلکه می‌تواند روشی محتاطانه برای بیان تحسین یا موافقت باشد.



در این بخش...

این بخش، اگرچه آخرین بخش است، به هیچ وجه کم اهمیت نیست. پیوست‌هایی در این بخش گنجانده شده که مطمئناً برایتان بسیار مفید خواهد بود. علاوه بر فرهنگ لغات کوچک اما نسبتاً جامع، چند جدول افعال نیز در این بخش آمده است که نحوه‌ی صرف افعال باقاعده و بی قاعده را نشان می‌دهد. همچنین پاسخ‌نامه‌ی تمام فعالیت‌های «بازی و سرگرمی» پایان هر فصل را در این بخش پیدا می‌کنید و راهنمای نمونه‌های صوتی کتاب را نیز می‌بینید. **Deutsch ist doch leicht, nicht wahr?** (doych ist doH layHt, niHt wahr?) (آلمانی آسان است، این طور نیست؟)

فرهنگ لغت آلمانی به فارسی

A

abbliegen (áp-beeg-en)	به سمتی بپایین
Abend (ah-bent) m	عصر، شامگاه
Abendessen (ah-bent-ës-en) n	شام
aber (ah-ber)	اما
abfliegen (áp-flieg-en)	عازم شدن (با هواپیما)
Abflug (áp-flóohk) m	عزیمت، خروج (هواپیما)
abreisen (áp-rayz-en)	ترک کردن
alles (ái-es)	همه
Ampel (ám-pel) f	چراغ راهنمای ورناندگی
an (án)	در
Anfang (án-fàng) m	شروع
Ankauf (án-kouf) m	خرید
Ankunft (án-koonft) f	رسیدن، ورود
Anrufbeantworter (án-rooht-be-ánt-forter) m	مشتی تلفنی
anrufen (án-rooht-en)	تماس گرفتن، تلفن زدن
Anwalt (ahn-vált) m	وکیل
April (á-pril) m	آوریل
Arzt (ártst) m	پزشک
Arztpraxis (ártst-práx-is) f	مطب پزشک

auch (ouht)	همچنین
auf (ouf)	روی
Auf Wiedersehen (ouf vee-der-zey-en)	خدانگهدار
August (ou-goost) m	اوت
Ausfahrt (ous-fárt) f	خارج شدن
ausfüllen (ous-fuel-en)	پر کردن
ausgezeichnet (ous-ge-tsayht-net)	عالی
außer (ous-er)	به جز
Ausstellung (ous-shtel-oong) f	نمایشگاه
Auto (ou-toh) n	خودرو
Autobahn (ou-toh-bahn) f	بزرگراه

B

Bad (baht) n	حمام
Bahnhof (bahn-hoht) m	ایستگاه قطار
Bank (bánk) f	بانک
bar (bahr)	پول نقد
Bart (bärt) m	ریش
Basketball (basketball [لفظاً مانند انگلیسی]) m	بسکتبال
Bauernhof (bou-ern-hoht) m	مزرعه
Baum (boum) m	درخت

beginnen (be-gin-en)	شروع کردن
bei (bay)	نزدیک، در، به وسیله‌ی
beim (baym)	نزدیک، در
Berg (bèrk) m	کوه
Beruf (be-roohf) m	شغل
beschreiben (be-shrayb-en)	توصیف کردن
besetzt (be-zéft)	پر مشغله، مشغول
Besprechung (be-shpréH-oong) f	ملاقات، جلسه
bestätigen (be-shtê-li-gen)	تأیید کردن
Betrag (be-trahk) m	میزان، مقدار
bezahlen (be-fsahl-en)	پرداخت کردن
Bier (beer) n	آبجو
bisschen (bis-Hen)	کمی
bitte (bi-te)	لطفاً
bleiben (blay-ben)	ماندن
Bordkarte (bord-kâr-te) f	کارت پرواز
Botschaft (boht-shâft) f	سفارت
Brief (breef) m	نامه
Briefkasten (breef-kâs-ten) m	صندوق پستی
Briefmarke (breef-mâr-ke) f	تمبر
Brieftasche (breef-tâsh-e) f	کیف پول
bringen (bring-en)	آوردن
Brot (broht) n	نان
Brötchen (brêrt-Hên) n	رول، نان پروتن
Buch (boohH) n	کتاب
buchen (boohH-en)	رزرو کردن

Bus (boos) m	اتوبوس
Bushaltestelle (boos-hâl-te-shtêl-e) f	ایستگاه اتوبوس
Butter (boof-er) f	کره

D

danke (dân-ke)	متشکرم
danke schön (dân-ke shern)	خیلی متشکرم
Datum (dah-toom) n	تاریخ
dein (dayn)	مال تو (غیر رسمی، مفرد)
deutsch (doych)	آلمانی
Dezember (dey-tsém-ber) m	دسامبر
Dienstag (deens-tahk) m	سه‌شنبه
Donnerstag (don-ners-tahk) m	پنجشنبه
Doppelzimmer (dop-el-tsi-mer) n	اتاق دوتخته
Dorf (dorf) n	دهکده، روستا
dort (dort)	آنجا
dritte (drit-e)	سوم
drücken (druék-en)	هل دادن، فشار آوردن
dürfen (duerf-en)	امکان داشتن، اجازه داشتن
durstig (doors-tiH)	تشنه
Dusche (dooch-she) f	دوش

E

einfach (ayn-fâH)	آسان، (بلیت) یک‌طرفه
einladen (ayn-lah-den)	دعوت کردن
Einladung (ayn-lah-doong) f	دعوت
einverstanden (ayn-fêr-shtânt-en)	موافق

Einzelzimmer (ayn-tsèl-tsi-mer) n	اتاقی یک‌تخته
E-mail (email [تلفظ مانند انگلیسی]) f	ایمیل
empfehlen (em-pfey-len)	توصیه کردن
Ende (èn-de) n	پایان
Entschuldigung (ent-shool-di-goong)	ببخشید
Erkältung (èr-kält-oong) f	سرماخوردگی
erste (èrs-te)	اول
essen (ès-en)	خوردن
etwas (èt-väs)	چیزی
Euro (oy-roh) m	یورو

F

fahren (fahr-en)	رفتن، رانندگی کردن، سفر کردن
Fahrkarte (fahr-kär-te) f	بلیت (قطار / اتوبوس)
Fahrrad (fahr-rât) n	دوچرخه
Familie (fâ-mi-lee-e) f	خانواده
Familienname (fâ-mi-lee-en-nâ-me) m	نام خانوادگی
fantastisch (fân-fäs-tish)	عالی
faxen (fâks-en)	فکس کردن
Februar (fey-broo-ahr) m	فوریه
Feld (felt) n	زمین کشاورزی، زمینه، رشته
Fenster (fèns-ter) n	پنجره
Feuerwehr (foy-er-veyr) f	آتش‌نشانی
Fieber (fee-ber) n	تب
Firma (fir-mâ) f	شرکت

Fisch (fish) m	ماهی
Fleisch (flaysh) n	گوشت
fliegen (flee-g-en)	پرواز کردن
Flug (floohek) m	پرواز
Flughafen (floohek-hah-fen) m	فرودگاه
Flugsteig (floohek-shtayk) m	گیت فرودگاه
Flugticket (floohek-ti-ket) n	بلیت هواپیما
Flugzeug (floohek-tsoyk) n	هواپیما
Fluss (floos) m	رودخانه
Formular (for-moo-lahr) n	فرم
fragen (frah-gen)	پرسیدن

Freitag (fray-tahk) m	جمعه
Fremdenverkehrsbüro (frém-den-fér-kèrs- bue-roh) n	مرکز اطلاعات گردشگری
Freund (froynt) m	دوست (مذکر)
Freundin (froyn-din) f	دوست (مؤنث)
früh (frue)	زود
Frühling (frue-ling) m	بهار (فصل)
Frühstück (frue-shtuek) n	صبحانه
für (fuer)	برای
Fußball (foohs-bâl) m	فوتبال

G

Gabel (gah-bel) f	چنگال
Gang (gäing) m	راهرو
ganz (gänts)	کامل، کاملاً
Garten (gár-ten) m	باغ
geben (gey-ben)	دادن

Gebirge (ge-bir-ge) n	رشته کوه	gültig (guel-tih) معتبر
Gebühr (ge-buer) f	تعرفه	gut (gooht) خوب
gefährlich (ge-fair-lih) خطرناک		Gute Nacht (gooht-te nâht) شب بخیر
gefallen (ge-fäl-en) دوست داشتن		Gute Reise (gooht-te ray-ze) سفر بخیر
Gegend (gey-ge)nt f محدوده، منطقه		Guten Abend (gooht-ten ah-bent) عصر بخیر
gegenüber (gey-gen-ue-ber) برخلاف		Guten Morgen (gooht-ten mor-gen) صبح بخیر
Geheimzahl (ge-haym-tsahl) f کد شناسایی		Guten Tag (gooht-ten tahk) سلام (رسمی)، روز بخیر
gehen (gey-en) ران رفتن، رفتن		
Geld (gêlt) n پول		
Geldautomat (gêlt-ou-toh-maht) m دستگاه خودپرداز		
Gemüse (ge-mue-ze) n سبزیجات		
genau (ge-nou) دقیقاً، دقیق		
genießen (ge-nees-en) لذت بردن		
geöffnet (ge-erf-net) باز		
Gepäck (ge-pêk) n چمنان		
geradeaus (ge-rah-de-ous) مستقیم		
geschlossen (ge-shlos-en) بسته، تعطیل		
gestern (gês-tem) دیروز		
getrennt (ge-trênt) جدا		
gewinnen (ge-win-en) پیروز شدن		
Glas (glahs) n لیوان		
Gleis (glays) n ریل راه آهن		
Glück (gluek) n شانس، بخت		
Golf (لفظاً مانند انگلیسی) n گلف		
groß (grohs) بلند، بزرگ		
		H
		Haar (hahr) n مو
		haben (hah-ben) داشتن
		Hafen (hah-fen) n بندرگاه
		Halbpension (hâlp-gên-see-ohn) f اتاق با صبحانه و تالهار / شام
		Hallo (hâ-loh) سلام
		halten (hâlt-en) توقف کردن
		Haltestelle (hâlt-te-shtêl-e) f ایستگاه
		Handy (hên-dee) n موبایل
		Hauptspelse (houpt-shpayz-e) f غذای اصلی
		Haus (house [لفظاً مانند انگلیسی]) n خانه
		heiß (hays) داغ
		heissen (hays-en) نام داشتن
		helfen (hêlf-en) کمک کردن
		Herbst (hêrps) n پاییز
		heute (hoy-te) امروز
		heute Nacht (hoy-te nâht) امشب

hier (heer)	اینجا
Hilfe (hulf-e) f	کمک
hin und zurück (hin oont tsou-ruek)	سفر رفت و برگشت
hinter (hin-ter)	پشت
Hobby (hob-ee) n	تفریح
hören (her-en)	شنیدن
Hotel (تلفظ مانند انگلیسی) n	هتل
Hügel (hue-gel) m	تپه
hungrig (hoong-niH)	گرسنه

I

interessant (in-te-re-sant)	جالب
Internet (internet [تلفظ مانند انگلیسی]) n	اینترنت
Internetanschluß (in-ter-nät-än-shloos) m	اتصال اینترنت

J

ja (yah)	بله
Jahr (yahr) n	سال
Januar (yah-n-oo-ahr) m	ژانویه
jemand (yey-mänt)	کسی، یک نفر
joggen (jog-en)	آهسته دویدن
Jugendherberge (yooch-gent-her-bér-ge) f	هاستل
Juli (yooch-lee) m	ژوئیه
Juni (yooch-nee) m	ژوئن

K

Kaffee (káf-ey) m	قهوه
Kalender (kâ-lân-der) m	تقویم
kalt (kält)	سرد

Karte (kâr-te) f	نقشه، بلیت
Kasse (käs-e) f	صندوق پول
kaufen (kouf-en)	خریدن
kein (kayn)	هیچ
Kellner (kêl-ner) m	پیشخدمت
kennen (kên-en)	شناختن (کسی، جایی)
kennenlernen (kên-en-lêrn-en)	آشنا شدن با
Kino (kee-noh) n	سینما
Kirche (kirf-e) f	کلیسا
klasse! (k/ds-ê!)	عالی!
klatschen (klâch-en)	دست زدن، تشویق کردن
klein (klayn)	کوتاه، کوچک
Klimaanlage (k/ee-mah-ân-lâ-ge) f	تهویه مطبوع
Kneipe (knay-pe) f	بار، رستوران
Koffer (kof-er) m	چمدان
kommen (kom-en)	آمدن
können (kem-en)	توانستن
Konsulat (kon-zoo-lâht) n	کنسولگری
Konzert (kon-tsêrt) n	کنسرت
kosten (kos-ten)	هزینه داشتن
krank (krânk)	بیمار
Krankenhaus (krân-ken-hous) n	بیمارستان
Krankenschwester (krân-ken-shvê-s-ter) f	پرستار
Krankenwagen (krân-ken-vah-gen) m	آمبولانس
Kreditkarte (kre-deet-kâr-te) f	کارت اعتباری

Kreuzung (kroyts-oong) f	چهارراه
Kuchen (koohH-en) m	کیک
Kuh (kooh) f	گاو
kurz (koorts)	کوتاه
Küste (kues-te) f	ساحل

L

lachen (lâH-en)	خندیدن
Land (lânt) n	کشور، حومه‌ی شهر، بیلاق
lang (lâng)	بلند، دراز
langweilig (lâng-vay-ihH)	خسته کننده
laufen (louf-en)	دویدن، راه رفتن، رفتن
leben (ley-ben)	زندگی کردن
legen (ley-gen)	قرار دادن، گذاشتن
leider (lay-der)	متأسفانه
Leitung (lay-toong) f	خط
lesen (ley-zen)	خواندن
letzte (lets-te)	آخرین
links (links)	چپ
Liter (lee-ter) m	لیتر
Löffel (lerf-el) m	قاشق
Luftpost (looft-post) f	پست هوایی

M

machen (mâH-en)	انجام دادن، درست کردن
macht nichts (mâHt nihHts)	اهمیتی ندارد، بی خیال
Mai (may) m	ماه مه

Mannschaft (mân-shâft) f	تیم
Markt (mârkH) m	بازار
März (mêrts) m	مارس
Meer (meyr) n	دریا، اقیانوس
mein (mayn)	مال من
Messer (més-er) n	چاقو
Milch (milH) f	شیر
Minute (mi-nooh-te) f	دقیقه
mit (mit)	با
mitbringen (mit-bring-en)	همراه آوردن
Mittag (mi-tahk) m	ظهر
Mittagessen (mi-tahk-és-en) n	ناهار
Mitte (mit-e) f	وسط، میان
Mittwoch (mit-voH) m	چهارشنبه
möchten (merH-ten)	مایل بودن
mögen (mer-gen)	دوست داشتن
Moment (moh-ménH) m	لحظه
Monat (moh-nâit) m	ماه (های سال)
Montag (mohn-tahk) m	دوشنبه
Morgen (mor-gen) m	صبح
morgen (mor-gen)	فردا
Museum (mooh-zey-oom) n	موزه
müssen (mues-en)	مجبور بودن

N

nach (nahH)	پسوی، به
Nachmittag (nahH-mi-tahk) m	بعدازظهر

Nachricht
(nashH-reeHt) f پیام

nächste (naihH-ste) نزدیکترین

Nacht (nâHt) f شب

Nachtisch
(nashH-tish) m دسر

nah (nah) نزدیک

Name (nash-me) m اسم

Nationalität
(nâ-tsee-oh-nâ-li-tait) f ملیت

natürlich (nâ-tuer-liH) طبعاً

Naturschutzgebiet
(nâ-toohr-shoots-ge-beet) n منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی طبیعی

neben (ney-ben) نزدیک به

nehmen (ney-men) گرفتن

nein (nayn) نه، خیر

nicht
(niHt) عنصر منفی‌ساز فعل و اسم

nie (nee) هرگز

Norden (nor-den) m شمال

Notaufnahme
(noht-ouf-nah-me) f اتاق اورژانس

November
(noh-vém-ber) m نوامبر

nur (noohr) فقط

O

Obst (ohpst) n میوه

öffnen (erf-nen) باز کردن

Oktober
(ok-toh-ber) m اکتبر

Oper (oh-per) f اپرا

Osten (os-ten) m شرق

Ozean (oh-tsê-ân) m اقیانوس

P

Paket (pâ-keyt) n بسته

Park (pârk) m پارک

Parkplatz
(pârk-plâts) m پارکینگ

passen (pâs-en) مناسب‌بودن

Pferd (pfêrt) n اسب

Polizei (po-li-tsay) f پلیس

Portier (por-tee-ey) m دربان

Post (post) f اداره‌ی پست، نامه

Postamt (post-âmt) n اداره‌ی پست

Postkarte
(post-kâr-te) f کارت‌پستال

Postleitzahl
(post-layt-tsahl) f کدپستی

prima! (pree-mâl!) عالی!

pro (proh) بنابراین، هر

Prost! (prohst!) به سلامتی!

pünktlich (puenkt-liH) به‌موقع، سروقت

Q

Quittung (kwit-oong) f رسید

R

Rathaus (rât-hous) n شهرداری

Rechnung
(rêH-noong) f صورت‌حساب

rechts (rêHts) راست

reden (rey-den) صحبت کردن

Regen (rey-gen) m باران

regnen (reyk-nen) باریدن

Reh (rey) n آهو

Reise (ray-ze) f سفر

Reisebüro (ray-ze-bue-roh) n	آژانس مسافرتی	Schule (shooH-le) f	مدرسه
reisen (ray-zen)	سفر کردن	Schwimmbad (shvīm-baht) n	استخر
Reisepass (ray-ze-pās) m	پاسپورت	schwimmen (shvīm-en)	شنا کردن
Reisescheck (ray-ze-shēk) m	چک مسافرتی	See (zey) m; f	دریاچه; دریا
reservieren (rē-zēr-veer-en)	رزرو کردن	segein (zey-gein)	قایق‌رانی کردن
Restaurant (rēs-tuh-ron) n	رستوران	sehen (zey-en)	دیدن
Rezeption (rey-tsēp-tsee-ohn) f	مستول پذیرش	sehr (zeyr)	خیلی
Rückflugticket (ruek-floohk-ti-ket) n	بلیت دوطرفه	sein (zayn)	بودن
S		Sekunde (sē-koon-de) f	ثانیه
Saft (zāft) m	آبمیوه	selbstverständlich (zēlpst-fēr-shrént-liH)	البته، قطعاً
sagen (zah-gen)	گفتن	September (zēp-tēm-ber) m	سپتامبر
Samstag (zāms-tahk) m	شنبه	sich auskennen (ziH ous-kēn-en)	محل یا مسیری را دانستن، بلد بودن
Sänger (zēng-er) m	خواننده	sich erinnern (ziH ér-in-ern)	به یاد آوردن
S-Bahn (és-bahn) f	قطار شهری	sich freuen (ziH froy-en)	خوشحال بودن
Schaf (shahf) n	گوسفند	sich freuen auf (ziH froy-en ouf)	منتظر بودن، چشم‌انتظار چیزی بودن
Schalter (shāl-ter) m	باجه	sich freuen über (ziH froy-en ue-ber)	خوشحال بودن از چیزی
Schauspieler (shou-shpeel-er) m	بازیگر	sich interessieren für (ziH in-te-rē-seer-en fuer)	علاقه داشتن به چیزی
Scheck (shēk) m	چک	sich setzen (ziH zēts-en)	نشستن
Schein (shayn) m	صورت حساب	sich treffen (ziH trēf-en)	ملاقات کردن
schicken (shik-en)	فرستادن	sich unterhalten (ziH oon-tēr-hāl-ten)	صحبت / گفت‌وگو کردن، سرگرم‌شدن
Schlüssel (shīues-el) m	کلید		
Schmerz (shmērts) m	درد		
Schnee (shney) m	برف		
schneien (shnay-en)	برف‌باریدن		
schön (shern)	زیبا		

sich vorstellen (ziH fohr-shtêl-en)	خود را معرفی کردن، تصور کردن
singen (zing-en)	آواز خواندن
Ski fahren (shee fahr-en)	اسکی کردن
Sommer (zom-er) m	تابستان
Sonnabend (zon-ah-bent) m	شنبه
Sonne (zon-e) f	خورشید
Sonntag (zon-tahk) m	یکشنبه
spannend (shpân-ent)	هیجان انگیز
spazieren gehen (shpâ-tsee-ren gey-en)	قدم زدن تفریحی
Speisekarte (shpayz-e-kâr-te) f	منو
Spiel (shpeel) n	بازی
spielen (shpeel-en)	بازی کردن
sprechen (shprêH-en)	صحبت کردن
Stadt (shtât) f	شهر
stattfinden (shtât-fin-den)	رخ دادن، اتفاق افتادن
Straße (shtrah-se) f	خیابان
Straßenbahn (shtrah-sen-bahn) f	تراموا
Stunde (shtoon-de) f	ساعت
Süden (zue-den) m	جنوب
Suppe (zoop-e) f	سوپ
T	
Tag (tahk) m	روز
Tal (tahl) n	دره
tanzen (tân-tsen)	رقصیدن
Tasche (têsh-e) f	کیف
Tasse (tâs-e) f	فنجان

Taxi (tâx-ee) n	تاکسی
Taxistand (tâx-ee-shtânt) m	ایستگاه تاکسی
Tee (tey) m	چای
teilnehmen (tayl-ney-men)	شرکت کردن
Telefon (tê-le-fohn) n	تلفن
Telefonbuch (tê-le-fohn-booH) n	دفترچه تلفن
telefonieren (tê-le-fohn-eer-en)	تلفن زدن
Telefonnummer (tê-le-fohn-noom-er) f	شماره تلفن
Telefonzelle (tê-le-fohn-tsêl-e) f	باجه‌ی تلفن
Teller (têl-er) m	بشقاب
Tennis (tennis [تنیس مانند تنگویی]) n	تنیس
Termin (têr-meen) m	قرار ملاقات
Theater (tey-ah-ter) n	تئاتر
Tisch (tish) m	میز
Toast (tohst) m	نان تست
Toilette (toy-têl-e) f	سرویس بهداشتی
toil! (toil)	عالی!
tragen (trah-gen)	حمل کردن، پوشیدن
trinken (trink-en)	نوشیدن
Trinkgeld (trink-gêlt) n	انعام
Tschüs (chues)	خداحافظ (غیررسمی)
Tür (tuer) f	در
U	
U-Bahnhaltestelle (oon-bahn-hâl-te-shtêl-e) f	ایستگاه مترو
U-Bahnstation (oon-bahn-shtâts-ee-ohn) f	ایستگاه مترو

Übernachtung
(ue-ber-näHt-oong) f اقامت

Uhr (oohr) f ساعت

und (oont) و

Unfall (oon-fäl) m تصادف، حادثه

ungefähr (oon-ge-fair) تقریباً

ungültig
(oon-guel-tiH) نامعتبر

Unterschrift (oon-ter-shrift) f امضا

Urlaub (oohr-loup) m تعطیلات

V

Verbindung
(fêr-bin-doong) f ارتباط

Verkauf (fêr-kouf) m فروش

verletzt (fêr-létst) زخمی، مجروح

verlieren (fêr-leer-en) از دست دادن، گم کردن

verreisen (fêr-räy-zen) سفر کردن

verspätet
(fêr-shpai-tet) دیر، با تأخیر

Verspätung
(fêr-shpai-toong) f تأخیر کردن

verstehen
(fêr-shféy-en) فهمیدن، درک کردن

vielen Dank
(fee-len dänk) خیلی ممنوم

vielleicht (fee-layHt) شاید

Visum (vee-zoom) n ویزا

Vogel (foh-gel) m پرند

Vollpension
(foi-pên-see-ahn) f اتاق با وعده‌های غذایی کامل

vor (fohr) در مقابل

Vormittag
(fohr-mi-tahk) m قبل از ظهر

Vorname
(fohr-nä-me) m نام

Vorsicht (fohr-ziHt) f احتیاط

vorstellen
(fohr-shtêl-en) معرفی کردن

Vorstellung
(fohr-shtêl-oong) f نمایش

Vorwahl (fohr-vâil) f کد شهری

W

Wald (vâlt) m جنگل

wandern
(vân-dem) پیاده‌روی در طبیعت و کوهستان

wann (vân) چه زمانی، زمانی که

warm (vârm) گرم

was (väs) چه چیزی، چیزی که

Wasser (väs-er) n آب

Wechselkurs
(vêk-sel-koors) m نرخ تبدیلی ارز

Weg (veyg) m مسیر، راه

Wein (vayn) m شراب

weit (vây) دور

wer (vêr) چه کسی، کسی که

werden
(vêr-den) فعل آینده‌ساز

Westen (vês-ten) m غرب

wie (vee) چگونه

wieder (vee-der) باز هم، دوباره

wiederholen
(vee-der-hoh-len) تکرار کردن

Wind (vint) m باد

windsurfen
(vint-soorf-en) موج‌سواری کردن

Winter (vin-ter) m زمستان

wirklich (virk-liH) واقعاً

wissen (vis-en) دانستن، بلد بودن

wo (voh)	کجا، جایی که
Woche (vohf-e) f	هفته
wohin (voh-hin)	به کجا
wollen (voh-en)	خواستن
Wurst (voorst) f	سوسیس

Z

Zeit (tsayt) f	زمان
Zentrum (tsén-troom) n	مرکز
ziehen (tsee-hien)	کشیدن
Zimmer (tsi-mer) n	اتاق
Zimmerservice (tsi-mer-ser-vis) m	خدمات اتاق در هتل
Zoll (tsol) m	گمرک
zu Hause (tssooh /du-ze)	در خانه
Zug (tssoohk) m	قطار
Zugabe (tssooh-gâ-be) f	اجرای مجدد موسیقی
zusammen (tsoo-zâ-m-en)	با هم
zweite (tsvay-te)	دوم، دومین (اعداد ترتیبی)

فرهنگ لغت فارسی به آلمانی

		الف	
Übernachtung (ue-ber-nächt-oong) f	اقامت	Oper (oh-per) f	اپرا
Ozean (oh-tsê-ân) m	اقیانوس	Zimmer (tsi-mer) n	اتاق
Oktober (ok-toh-ber) m	اکتبر	Notaufnahme (noht-ouf-nah-me) f	اتاق اورژانس
selbstverständlich (zêlpst-fêr-shtênt-sih)	البته، قطعاً	Halbpension (hâlp-pên-see-ohn) f	اتاق یا صبحانه و ناهار / شام
aber (ah-ber)	اما	Vollpension (fol-pên-see-ohn) f	اتاق یا صبحانه، ناهار و شام
heute (hoy-te)	امروز	Doppelzimmer (dop-el-tsi-mer) n	اتاق دوتخته
heute Nacht (hoy-te nâht)	امشب	Einzelzimmer (ayn-tsêl-tsi-mer) n	اتاق یک تخته
Unterschrift (oon-ter-shrift) f	امضا	Internetanschluss (in-ter-nêl-ân-shloos) m	اتصال اینترنت
dürfen (duerf-en)	امکان داشتن، اجاز داشتن	Bus (boos) m	اتوبوس
machen (mâft-en)	انجام دادن، درست کردن	Zugabe (tsooh-gâ-be) f	اجرای مجدد موسیقی
Trinkgeld (trink-gêlt) n	انعام	Vorsicht (fahr-ziht) f	احتیاط
August (ou-goost) m	اوت	Postamt (post-âmt) n	اداره‌ی پست
erste (êrs-te)	اول، اولین	Post (post) f	اداره‌ی پست، نامه
Haltestelle (hâl-te-shtêl-e) f	ایستگاه	Verbindung (fêr-bin-doong) f	ارتباط
Bushaltestelle (boos- hâl-te-shtêl-e) f	ایستگاه اتوبوس	verlieren (fêr-leer-en)	از دست دادن، گم کردن
Taxistand (tâx-ee- shtânt) m	ایستگاه تاکسی	Pferd (pfêrt) n	اسب
Bahnhof (bahn-hohf) m	ایستگاه قطار	Schwimmbad (shvim-baht) n	استخر
U-Bahnhaltestelle (oo-h-bahn-hâl- te-shtêl-e) f		Ski fahren (shee fahr-en)	اسکی کردن
U-Bahnstation (coh- bahn-shtâts-ee-ohn) f	ایستگاه مترو		

Telefonzelle (tè-le-fohn-tèl-e) f	یاجدی تلفن	E-mail (email [تلفظ مانند انگلیسی]) f	ایمیل
Wind (vint) m	باد	Internet [تلفظ مانند انگلیسی] n	اینترنت
Kneipe (knay-pe) f	بار، رستوران	hier (heer)	اینجا
Regen (rey-gen) m	باران		
regnen (reyk-nen)	باریدن	Wasser (väs-er) n	آب
geöffnet (ge-erf-net)	باز (صفت)	Bier (beer) n	آبجو
Markt (märkt) m	بازار	Soft (zäft) m	آبمیوه
öffnen (erf-nen)	باز کردن	Feuerwehr (foy-er-veyr) f	آتش‌نشانی
Spiel (shpeel) n	بازی	letzte (lets-te)	آخرین
spielen (shpeel-en)	بازی کردن	Reisebüro (ray-ze-bue-roh) n	آژانس مسافرتی
Schauspieler (shou-shpeel-er) m	بازیگر	einfach (ayn-fäh)	آسان، (بلیت) یک‌طرفه
Garten (gär-ten) m	باغ	kennenlernen (kén-en-lèrn-en)	آشناسدن با
Bank (bánk) f	بانک	deutsch (doych)	آلمانی
Entschuldigung (ent-shool-di-goong)	ببخشید	Krankenwagen (krán-kenvah-gen) m	آمبولانس
für (fuer)	برای	kommen (kom-en)	آمدن
gegenüber (gey-gen-ue-ber)	برخلاف	dort (dort)	آنجا
Schnee (shney) m	برف	singen (zing-en)	آواز خواندن
scheien (shney-en)	برفباریدن	bringen (bring-en)	آوردن
groß (grohs)	بزرگ، بلند	April (ä-pril) m	آوریل
Autobahn (ou-toh-bahn) f	بزرگراه	joggen (jog-en [تلفظ حرف j مانند انگلیسی])	آهسته‌دویدن
Paket (pâ-keyt) n	پسته، پاکت	Reh (rey) n	آهو
geschlossen (ge-shlos-en)	پسته، تعطیل		
Basketball [تلفظ مانند انگلیسی] m	بسکتبال		
Teller (tèl-er) m	پشقاب	mit (mit)	با
Nachmittag (nahh-mi-tahk) m	بعدازظهر	zusammen (tsoo-zám-en)	با هم
ja (yah)	بله	Schalter (shâl-ter) m	باجه

bezahlen (be-tsahl-en)	پرداخت کردن
Krankenschwester (krân-ken-shvës-ter) f	پرستار
fragen (frah-gen)	پرسیدن
ausfüllen (ous-fuel-en)	پر کردن
besetzt (be-zêfst)	پر مشغله، مشغول
Vogel (foh-gel) m	پرند
Flug (flooht) m	پرواز
fliegen (fleeg-en)	پرواز کردن
Arzt (ârtst) m	پزشک
Luftpost (looff-post) f	پست هوایی
hinter (hin-ter)	پشت
Polizei (po-li-fsay) f	پلیس
Fenster (fêns-ter) n	پنجره
Donnerstag (don-ers-tahk) m	پنجشنبه
tragen (trah-gen)	پوشیدن
Geld (gêlt) n	پول
bar (bahr)	پول نقد
wandern (vân-der)	پیاده روی در طبیعت و کوهستان
Nachricht (nahht-reeht) f	پیام
gewinnen (ge-vin-en)	پیروز شدن
Kellner (kêl-ner) m	پیشخدمت
Geheimzahl (ge-haym-tsahl) f	پین کد، رمز

ت

Sommer (zom-er) m	تابستان
Datum (dah-toom) n	تاریخ
Taxi (tâx-ee) n	تاکسی
Verspätung (fêr-shpai-toong) f	تأخیر کردن

Karte (kâr-te) f	بلیت
Fahrkarte (fah-kâr-te) f	بلیت (اتوبوس / قطار)
Rückflugticket (ruek-flooht-li-ket) n	بلیت دوطرفه
Flugticket (flooht-li-ket) n	بلیت هواپیما
einfach (ayn-fâH)	(بلیت) یک طرفه
Hafen (hah-fen) m	بندرگاه
sein (zayn)	بودن
wohin (voh-hin)	به کجا
Frühling (frue-ling) m	بهار (فصل)
pro (proh)	به ازای، هر
außer (ous-er)	به جز
Prost! (prohst!)	به سلامتی!
abbiegen (ap-beeg-en)	به سمتی پیچیدن
nach (nahH)	به سوی، به
pünktlich (puenkt-liH)	به موقع، سر وقت
sich erinnern (ziH êr-in-ern)	به یاد آوردن
macht nichts (mâht nihts)	بی خیال، اهمیتی ندارد
krank (krânk)	بیمار
Krankenhaus (krân-ken-hous) n	بیمارستان
zwischen (tswish-en)	بین

پ

Park (pârk) m	پارک
Parkplatz (pârk-plâts) m	پارکینگ
Reisepass (ray-ze-pâs) m	پاسپورت
Ende (ên-de) n	پایان
Herbst (hêrpst) m	پاییز

Mannschaft (mān-shāft) f تیم، گروه

Theater (tey-ah-ter) n تئاتر

ث

Sekunde (sè-koon-de) f ثانیه

ج

interessant (in-te-re-sānt) جالب

getrennt (ge-trént) جداگانه

Freitag (fray-tahk) m جمعه

Wald (vālt) m جنگل

Süden (zue-den) m جنوب

چ

Messer (mès-er) n چاقو

Tee (tey) m چای

links (links) چپ

Ampel (ām-pel) f چراغ راهنمایی و رانندگی

Scheck (shèk) m چک

Reisescheck (ray-ze-shèk) m چک مسافرتی

wie (vee) چگونه

Gepäck (ge-pék) n چمدان

Koffer (kof-er) m چمدان

Gabel (gah-bel) f چنگال

wann (vān) چه زمان، زمانی که

was (vās) چه، چیزی که

Kreuzung (kroyts-oong) f چهارراه

Mittwoch (mit-voh) m چهارشنبه

bestätigen (be-sh té-ti-gen) تایید کردن

Fieber (fee-ber) n تب

Hügel (hue-ge) m تپه

Straßenbahn (shtrah-sen-bahn) f تراموا

abreisen (āp-ray-zen) ترک کردن

durstig (doors-tih) تشنه

Unfall (oon-fāl) m تصادف، حادثه

sich vorstellen (ziH fohr-shtél-en) تصور کردن

Gebühr (ge-buer) f تعرفه

Urlaub (oor-loup) m تعطیلات

Hobby (hob-ee) n تفریح

ungefähr (oon-ge-fair) تقریباً

Kalender (ká-lén-der) m تقویم

wiederholen (vee-der-hoh-len) تکرار کردن

Telefon (té-té-fohn) n تلفن

telefonieren (tè-té-fohn-eer-en) تلفن زدن

anrufen (ān-rochf-en) تماس گرفتن، تلفن زدن

Briefmarke (breef-mār-ke) f نمبر

Tennis [تلفظ مانند انگلیسی] n تنیس

können (kern-en) توانستن

beschreiben (be-shrayb-en) توصیف کردن

empfehlen (em-pfey-len) توصیه کردن

halten (hāl-ten) توقف کردن

Klimaanlage (klee-mah-ān-lā-ge) f تهویه مطبوع

sich freuen über خوشحال بودن از
(ziH froy-en ue-ber) چیزی

Straße (shtrah-se) f خیابان

nein (nayn) خبر

sehr (zeyr) خیلی

د

geben (gey-ben) دادن

haben (hah-ben) داشتن

heiß (hays) داغ

wissen (vis-en) دانستن، بلد بودن

an (ân) در (حرف اضافه)

zu Hause (tsöoh hou-ze) در خانه

vor (fohr) در مقابل

lang (lâng) دراز، بلند

Tür (tuer) f در

Portier (por-lee-ey) m دربان

Baum (boum) m درخت

Schmerz (shmërts) m درد

Tal (tahl) n دره

Meer (meyr) n دریا، اقیانوس

See (zey) m دریاچه

Dezember (dey-tsém-ber) m دسامبر

klatschen (klásh-en) دست زدن،
تشویق کردن

Geldautomat (gêlt-ou-toh-maht) m دستگاه خودپرداز

Nachtisch (nashh-tish) m دسر

Einladung (ayn-lah-doong) f دعوت

einladen (ayn-lah-den) دعوت کردن

wer (vêr) چه کسی، کسی که

etwas (ét-vâs) چیزی

ح

Bad (baht) n حمام

tragen (trah-gen) حمل کردن، پوشیدن

خ

Ausfahrt (ous-fárt) f خارج شدن

Haus (house [بلندا مانند انگلیسی]) n خانه

Familie (fâ-mi-lee-e) f خانواده

Tschüs (chues) خدا حافظ
(غیر رسمی)

Auf Wiedersehen (ouf vee-der-zey-en) خدائگهدار

Zimmerservice (tsi-mer-ser-vis) m خدمات اتاق در هتل

kaufen (kouf-en) خریدن

langweilig (lâng-vay-ilH) خسته کننده

Leitung (lay-toong) f خط

gefährlich (ge-fair-ilH) خطرناک

lachen (lâH-en) خندیدن

wollen (vol-en) خواستن

lesen (ley-zen) خواندن

Sänger (zêng-er) m خواننده

gut (gocht) خوب

sich vorstellen (ziH fohr-shtêl-en) خود را معرفی کردن

Auto (ou-toh) n خودرو

essen (és-en) خوردن

Sonne (zon-e) f خورشید

sich freuen (ziH froy-en) خوشحال بودن

Gebirge (ge-bir-ge) n	رشته کوه
gehen (gey-en)	رفتن
tanzen (fân-tsen)	رقصیدن
Fluss (floos) m	رودخانه
Tag (tahk) m	روز
Brötchen (breit-Hên) n	رول، نان بروتشن
auf (ouf)	روی
Bart (bârt) m	ریش
Gleis (glays) n	ریل راه‌آهن

ز

verletzt (fêr-létst)	زخمی، مجروح
Zeit (tsayt) f	زمان
Winter (vin-ter) m	زمستان
Feld (fêlt) n	زمین کشاورزی، زمینه، رشته
leben (fey-ben)	زندگی کردن
früh (frue)	زود
schön (shern)	زیبا

ژ

Januar (yahh-oo-ahr) m	ژانویه
Juni (yooch-nee) m	ژوئن
Juli (yooch-lee) m	ژوئیه

س

Küste (kues-te) f	ساحل
Stunde (shoon-de) f;	
Uhr (oohr) f	ساعت
Jahr (yahh) n	سال
Gemüse (ge-mue-ze) n	سبزیجات
September (zêp-têm-ber) m	سپتامبر

Telefonbuch (tê-le-fohn-booh) n	دفترچه تلفن
genau (ge-nou)	دقیق، دقیقاً
Minute (mi-nooh-te) f	دقیقه
wieder (vee-der)	دوباره
Fahrrad (fahh-rât) n	دوچرخه
weit (vayt)	دور
Freund (froynt) m	دوست (مذکر)
Freundin (froyn-din) f	دوست (مؤنث)
mögen (mer-gen); gefallen (ge-fâl-en)	دوست داشتن

Dusche (dooch-she) f	دوش
Montag (mohh-tahk) m	دوشنبه
zweite (tsvay-te)	دوم، دومین
laufen (louf-en)	دویدن
Dorf (dorf) n	دهکده، روستا
sehen (zey-en)	دیدن
Verspätet (fêr-shpai-tet)	دیر، با تأخیر
gestern (gês-tern)	دیروز

ر

rechts (rêhts)	راست
fahren (fahh-en)	رانندگی کردن
Gang (gâng) m	راهرو
stattfinden (shât-fîn-den)	رخدادن، اتفاق افتادن
buchen (boohf-en); reservieren (rê-zêr-vee-en)	رزرو کردن
Restaurant (rês-tuh-ron) n	رستوران
Quittung (kvîf-oong) f	رسید
Ankunft (ân-koonft) f	رسیدن، ورود

teilnehmen an
(tayl-ney-men än) شرکت کردن در

Anfang (ân-fâng) m شروع

beginnen (be-gin-en) شروع کردن

Beruf (be-roohf) m شغل

Telefonnummer
(tê-le-fohn-noom-er) f شمارهتلفن

Norden (nor-den) m شمال

kennen (kên-en) شناختن

schwimmen
(shvîm-en) شنا کردن

Sonnabend
(zan-ah-bent) m شنبه (در جنوب
آلمان، اتريش و
بخش آلمانی زبان
سوئیس)

Samstag
(zâms-tahk) m شنبه
(در شمال آلمان)

hören (herr-en) شنیدن

Stadt (shtât) f شهر

Rathaus (rât-hous) n شهرداری

Milch (mîlH) f شیر

ص

Morgen (mor-gen) m صبح

Guten Morgen
(gooh-ten mor-gen) صبح بخیر

Frühstück
(frue-shtuek) n صبحانه

reden (rey-den);
sprechen (shprêH-en) صحبت کردن

sich unterhalten
(ziH oon-têr-hâl-ten) صحبت گفتگو
کردن، سرگرم شدن

Briefkasten
(breef-kâs-ten) m صندوق پستی

Kasse (kâs-e) f صندوق پول

Rechnung (réH-noong)
f; Schein (shayn) m صورت حساب

kalt (kâlt) سرد

Erkältung
(êr-kêlt-oong) f سرماخوردگی

Toilette (toy-lef-e) f سرویس بهداشتی

Botschaft (boht-shâft) f سفارت

Reise (ray-ze) f سفر

Gute Reise
(gooh-te ray-ze) سفر بخیر

hin und zurück
(hin oont tsoo-ruek) سفر رفت و برگشت

reisen (ray-zen);
verreisen (fêr-ray-zen) سفر کردن

Guten Tag
(gooh-ten tahk) سلام (رسمی)،
روز بخیر

Hallo (hâ-loh) سلام (غیررسمی)

Suppe (zoop-e) f سوپ

Wurst (voorst) f سوسیس

dritte (drîf-e) سوم

Dienstag
(deens-tahk) m سه شنبه

Kino (kee-noh) n سینما

ش

Abendessen
(ah-bent-ês-en) n شام

Glück (gluek) n شانس

vielleicht (fee-lâyHff) شاید

Nacht (nahHt) f شب

Gute Nacht
(gooh-te nâHt) شب بخیر

werden (vêr-den) شدن

Wein (vayn) m شراب

Osten (os-ten) m شرق

Firma (fir-mâ) f شرکت

faxen (fäks-en)	فکس کردن
Tasse (täs-e) f	فنجان
Fußball (foohs-bäl) m	فوتبال
Februar (fey-broo-ahr) m	فوریه
verstehen (fêr-shthey-en)	فهمیدن، درک کردن

ق

Löffel (lerf-el) m	قاشق
segeln (zey-geln)	قایق‌رانی کردن
Vormittag (fohr-mi-tahk) m	قبل از ظهر
spazieren gehen (shpā-tsee-ren gey-en)	قدم‌زدن تفریحی
Termin (têr-meen) m	قرار ملاقات
legen (fey-gen)	قرار دادن، گذاشتن
Zug (tsoohk) m	قطار
S-Bahn (ês-bahn) f	قطار شهری

Kaffee (kâf-ey) m	قهوه
--------------------------	------

ک

Kreditkarte (krê-deet-kâr-te) f	کارت اعتباری
Bordkarte (bord-kâr-te) f	کارت پرواز
Postkarte (post-kâr-te) f	کارت پستال
ganz (gänts)	کامل، کاملاً
Buch (boohH) n	کتاب
wo (voh)	کجا، جایی که
Vorwahl (fohr-vâl) f	کد شهری
Postleitzahl (post-layt-tsahl) f	کد پستی
Butter (boot-er) f	کره
jemand (yey-mânt)	کسی، یک نفر

ط	
natürlich (nâ-tuer-lîf)	طبیعتاً

ظ

Mittag (mi-tahk) m	ظهر
---------------------------	-----

ع

abfliegen (âp-fleeg-en)	عازم شدن (با هواپیما)
ausgezeichnet (ous-ge-tsayt-net); fantastisch (fân-tâs-tish)	عالی
primal/klasse/toll (pre-mâl/kâs-el/toll)	عالی است!
Abflug (âp-floohk) m	عزیمت (با هواپیما)
Guten Abend (gooH-ten ah-bent)	عصر بخیر
Abend (ah-bent) m	عصر، شامگاه
sich interessieren für (ziH in-te-rê-seer-en fuer)	علاقه‌داشتن به چیزی
nicht (niht); kein (kayn)	عنصر منفی ساز فعل و اسم

غ

Hauptspeise (houpt-shpayz-e) f	غذای اصلی
Westen (vês-ten) m	غرب

ف

morgen (mor-gen)	فردا
schicken (shik-en)	فرستادن
Formular (for-moo-lahr) n	فرم
Flughafen (floohk-hah-fen) m	فرودگاه
Verkauf (têr-kouf) m	فروشی
werden (vêr-den)	فعل آینده‌ساز
nur (noohr)	فقط

ل

genießen (ge-nees-en)	لذت بردن
bitte (bi-te)	لطفاً
Liter (lee-ter) m	لیتر
Glas (glahs) n	لیوان

م

März (mërts) m	مارس
dein (dayn) (تغییری، مفرد)	مال تو
mein (mayn)	مال من
bleiben (blay-ben)	ماندن
Monat (mah-nât) m	ماه
Mai (may) m	ماه مه
Fisch (fish) m	ماهی
möchten (merht-ten)	مایلم بودن
leider (lay-der)	متأسفانه
danke (dân-ke)	متشکرم
müssen (mues-en)	مجبور بودن
Gegend (gey-geht) f	محدوده، منطقه
sich auskennen (ziH ous-kên-en)	محل یا مسیری را دانستن، بلد بودن
Schule (shooh-le) f	مدرسه
Zentrum (tsên-troom) n	مرکز
Fremdenverkehrsbüro (frêm-den-fêr-kêrs-bue- roh) n	مرکز اطلاعات گردشگری
Bauernhof (bou-ern-hohf) m	مزرعه
geradeaus (ge-rah-de-ous)	مستقیم
Weg (veyg) m	مسیر، راه
Rezeption (rey-tsêp-tsee-ohn) f	مسئول پذیرش

Land (lânt) n	کشور، حومه‌ی شهر، بیلاقی
ziehen (tsee-hen)	کشیدن
Schlüssel (shlues-el) m	کلید
Kirche (kirH-e) f	کلیسا
Hilfe (hilf-en) f	کمک
helfen (hêlf-en)	کمک کردن
bisschen (bis-Hen)	کمی
Konzert (kon-tsêrt) n	کنسرت
Konsulat (kon-zoo-fahf) n	کنسولگری
kurz (koorts)	کوتاه
klein (klayn)	کوچک
Berg (bêrg) m	کوه
Tasche (tâsh-e) f	کیف
Brieftasche (bref-lâsh-e) f	کیف پول
Kuchen (koochH-en) m	کیک

گ

Kuh (kooH) f	گاؤ
hungrig (hoong-rîH)	گرسنه
nehmen (ney-men)	گرفتن
warm (vârm)	گرم
sagen (zah-gen)	گفتن
Golf [تلفظ مانند انگلیسی] n	گلف
Zoll (tsol) m	گمرک
Schaf (shahf) n	گوسفند
Fleisch (flaysh) n	گوشت
Flugsteig (flooHk-shtayk) m	گیت فرودگاه

ungültig (oon-guel-tiH)	نامعتبر	Arztpraxis (ärtst-präx-is) f	مطب پزشک
Brief (breef) m	نامه	gültig (guel-tiH)	معتبر
Brot (broht) n	نان	vorstellen (fohr-shtél-en)	معرفی کردن
Toast (tohat) m	نان تست	Besprechung (be-shpräH-oong) f	ملاقات، جلسه
Mittagessen (mi-tahk-ès-en) n	ناهار	sich treffen (ziH tréf-en)	ملاقات کردن
Wechselkurs (vèk-sel-koors) m	نرخ تبدیل ارز	Nationalität (nâ-tsee-oh-nâ-li-taif) f	ملیت
nah (nah)	نزدیک	passen (pas-en) (to fit)	مناسب بودن
neben (ney-ben)	نزدیک به	sich freuen auf (ziH froy-en ouf)	منتظر بودن
beim (baym)	نزدیک، در	Anrufbeantworter (ân-rooth-be-ânt-for-ter) m	منشی تلفنی
bei (bay)	نزدیک، در، به وسیله ی	Naturschutzgebiet (nâ-toohr-shoots-ge-beet) n	منطقه ی حفاظت شده ی طبیعی
nächste (naih-ste)	نزدیک ترین	Speisekarte (shpayz-e-kâr-te) f	منو
sich setzen (ziH zèts-en)	نشستن	Haar (hahr) n	مو
Karte (kâr-te) f	نقشه	einverstanden (ayn-fêr-shtânt-en)	موافق
Vorstellung (fohr-shtél-oong) f	نمایش	Handy (hên-dee) n	موبایل
Ausstellung (ous-shtel-oong) f	نمایشگاه	windsurfen (vint-soorf-en)	موج سواری
November (noh-vém-ber) m	نوامبر	Museum (mooh-zey-oom) n	موزه
trinken (trink-en)	نوشیدن	Tisch (tish) m	میز
و	و	Betrag (be-trahk) m	میزان، مقدار
und (oont)	و	Obst (ohpst) n	میوه
wirklich (virk-liH)	واقعا	ن	
Mitte (mit-e) f	وسط، میان	Name (nah-me) m; Vorname (fohr-nâ-me) m	نام
Anwalt (ahn-vâlt) m	وکیل	Familienname (fâ-mi-lee-en-nâ-me) m	نام خانوادگی
Visum (vee-zoom) n	ویزا	heißen (hays-en)	نام داشتن
ه	هاستل		
Jugendherberge (yooch-gènt-hêr-bêr-ge) f			

Hotel (تلفظ مانند انگلیسی) n	هتل
nie (nee)	هرگز
kosten (kos-len)	هزینه داشتن
Woche (voH-e) f	هفته
drücken (druék-en)	خُل دادن، فشار آوردن
auch (ouH)	همچنین
mitbringen (mit-bring-en)	همراه آوردن
alles (ál-es)	همه
Flugzeug (floohk-tsoyk) n	هواپیما
spannend (shpán-en)	هیجان انگیز
kein (kayn)	هیچ
ک	
Sonntag (zon-tahk) m	یکشنبه
Euro (oy-roh) m	یورو

جدول افعال

تکته: بسیاری از افعال آلمانی در دسته‌بندی‌های متعددی جای می‌گیرند، اما به‌طور کلی به دو گروه «باقاعده» و «بی‌قاعده» تقسیم می‌شوند. ریشه‌ی افعال بی‌قاعده در یک یا چند زمان دچار تغییر واکه‌ای (تغییر آوای مصوت) می‌شود. برخی از افعال بی‌قاعده در زمان حال کامل با فعل **haben** و برخی دیگر با **sein** صرف می‌شود. این پیوست ویژگی‌های خاص افعال زبان آلمانی را نشان می‌دهد.

افعال باقاعده (بدون تغییر واکه‌ای ریشه‌ی فعل)

تکته: برای ساخت زمان آینده‌ی این افعال باید مصدر آن‌ها را به‌همراه شکل صرف‌شده‌ی فعل **werden** (Will) در زبان انگلیسی) استفاده کنید. زمان گذشته‌ی این افعال با **haben** (داشتن) صرف می‌شود.

مثال: bezahlen (پرداخت کردن)

اسم مفعول: bezahlt (پرداخت‌شده)

	گذشته	حال
ich (من)		bezahle
du (تو، مفرد، غیررسمی)		bezahlst
er/sie/es (او، مذکر و مؤنث/آن)	bezahlt	bezahlt
Wir (ما)		bezahlen
ih2 (شما، جمع، غیررسمی)		bezahlt
sie/Sie (آن‌ها/شما، رسمی)		bezahlen

صرف افعال خاص

فعل haben (داشتن)

(نکته: زمان حال فعل haben به عنوان فعلی کمکی به همراه اسم مفعول افعال دیگر به کار می رود تا زمان گذشته را بسازد.)
اسم مفعول: gehabt (داشته)

حال	گذشته	آینده
ich (من)	habe	habe gehabt werde haben
du (تو، مفرد، غیررسمی)	hast	hast gehabt wirst haben
er/sie/es (او، مذکر و مؤنث/آن)	hat	hat gehabt wird haben
wir (ما)	haben	haben gehabt werden haben
ihr (شما، جمع، غیررسمی)	habt	habt gehabt werdet haben
sie/Sie (آن‌ها/شما، رسمی)	haben	haben gehabt werden haben

فعل sein (بودن)

(نکته: زمان حال فعل sein به عنوان فعلی کمکی به همراه اسم مفعول افعال دیگر به کار می رود تا زمان گذشته را بسازد.)
اسم مفعول: gewesen (بوده)

حال	گذشته	آینده
ich (من)	bin	bin gewesen werde sein
du (تو، مفرد، غیررسمی)	bist	bist gewesen wirst sein
er/sie/es (او، مذکر و مؤنث/آن)	ist	ist gewesen wird sein
wir (ما)	sind	sind gewesen werden sein
ihr (شما، جمع، غیررسمی)	seid	seid gewesen werdet sein
sie/Sie (آن‌ها/شما، رسمی)	sind	sind gewesen werden sein

نکته: برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی فعل **sein** - مثلاً چگونگی استفاده از آن در زمان گذشته - به فصل‌های ۲ و ۱۰ رجوع کنید.

فعل کمکی werden (نشانگر آینده)

(زمان حال فعل werden به عنوان فعلی کمکی به همراه مصدر افعال دیگر به کار می رود تا زمان آینده را بسازد.)

حال	
werde	ich (من)
wirst	du (تو، مفرد، غیررسمی)
wird	er/sie/es (او، مذکر و مؤنث/آن)
werden	wir (ما)
werdet	ihr (شما، جمع، غیررسمی)
werden	sie/Sie (آن‌ها/شما، رسمی)

نکته: برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی ساخت زمان آینده به فصل ۱۳ رجوع کنید.

افعال جداسدنی

مثال: anrufen (تلفن زدن)

اسم مفعول: angerufen (تلفن زده، تماس گرفته)

حال	گذشته	آینده
rufe an	habe angerufen	werde anrufen
rufst an	hast angerufen	wirst anrufen
ruft an	hat angerufen	wird anrufen
rufen an	haben angerufen	werden anrufen
ruft an	habt angerufen	werdet anrufen
rufen an	haben angerufen	werden anrufen

نکته: برای کسب اطلاعات بیشتر درباره‌ی چگونگی استفاده از افعال جداسدنی و فهرست آن‌ها به فصل ۱۵ رجوع کنید.

افعال انعکاسی داتیو

مثال: **sich etwas kaufen** (چیزی برای خود خریدن)

اسم مفعول: **gekauft** (خریده)

	حال	گذشته	آینده
ich (من)	kaufe mir	habe mir gekauft	werde mir kaufen
du (تو، مفرد، غیررسمی)	kaufst dir	hast dir gekauft	wirst dir kaufen
er/sie/es (او، مذکر و مؤنث/آن)	kauft sich	hat sich gekauft	wird sich kaufen
wir (ما)	kaufen uns	haben uns gekauft	werden uns kaufen
ihr (شما، جمع، غیررسمی)	kaufen euch	habt euch gekauft	werdet euch kaufen
sie/Sie (آن‌ها/شما، رسمی)	kaufen sich	haben sich gekauft	werden sich kaufen

افعال انعکاسی اکوزاتیو

مثال: **sich freuen** (خوشحال بودن از، منتظر بودن)

اسم مفعول: **gefremt** (خوشحال شده، منتظر بوده)

	حال	گذشته	آینده
ich (من)	freue mich	habe mich gefremt	werde mich freuen
du (تو، مفرد، غیررسمی)	freust dich	hast dich gefremt	wirst dich freuen
er/sie/es (او، مذکر و مؤنث/آن)	freut sich	hat sich gefremt	wird sich freuen
wir (ما)	freuen uns	haben uns gefremt	werden uns freuen
ihr (شما، جمع، غیررسمی)	freut euch	habt euch gefremt	werdet euch freuen
sie/Sie (آن‌ها/شما، رسمی)	freuen sich	haben sich gefremt	werden sich freuen

نکته: برای اطلاعات بیشتر درباره‌ی افعال انعکاسی داتیو و اکوزاتیو به فصل ۱۲ رجوع کنید.

افعال بی‌قاعده و کمکی وجه‌نما

نکته: برای ساخت زمان آینده‌ی افعال این فهرست، از شکل مصدری آن‌ها به‌همراه شکل صرف‌شده‌ی فعل **werden** (نشانگر آینده) استفاده کنید. بیشتر این افعال در زمان حال کامل با **haben** (داشتن) و برخی از آن‌ها با **sein** (بودن) صرف می‌شود.

	اسم مفعول	حال
beginnen شروع کردن		ich beginne
		du beginnst
	begonnen	er/sie/es beginnt
	(صرف با فعل haben)	wir beginnen
		ihr beginnt
		sie/Sie beginnen

bleiben ماندن، باقی ماندن		ich bleibe
		du bleibst
	geblieben	er/sie/es bleibt
	(صرف با فعل sein)	wir bleiben
		ihr bleibt
		sie/Sie bleiben

bringen آوردن		ich bringe
		du bringst
	gebracht	er/sie/es bringt
	(صرف با فعل haben)	wir bringen
		ihr bringt
		sie/Sie bringen

denken فکر کردن		ich denke
		du denkst
	gedacht	er/sie/es denkt
	(صرف با فعل haben)	wir denken
		ihr denkt
		sie/Sie denken

dürfen اجازه داشتن (فعل کمکی)		ich darf
		du darfst
	gedurft	er/sie/es darf
	(صرف با فعل haben)	wir dürfen
		ihr dürft
		sie/Sie dürfen

	اسم مفعول	حال
essen		
خوردن		
		ich esse
		du isst
	gegessen	er/sie/es isst
	(صرف با فعل haben)	wir essen
		ihr esst
		sie/Sie essen

fahren		
راندن، رانندگی کردن		
با خودرو سفر کردن، رفتن		
		ich fahre
		du fährst
	gefahren	er/sie/es fährt
	(صرف با فعل sein)	wir fahren
		ihr fahrt
		sie/Sie fahren

fliegen		
پرواز کردن		
		ich fliege
		du fliegst
	geflogen	er/sie/es fliegt
	(صرف با فعل sein)	wir fliegen
		ihr fliegt
		sie/Sie fliegen

geben		
دادن		
		ich gebe
		du gibst
	gegeben	er/sie/es gibt
	(صرف با فعل haben)	wir geben
		ihr gebt
		sie/Sie geben

gehen		
رفتن		
		ich gehe
		du gehst
	gegangen	er/sie/es geht
	(صرف با فعل sein)	wir gehen
		ihr geht
		sie/Sie gehen

	اسم مفعول	حال	
halten			
نگه داشتن، توقف کردن، در نظر گرفتن		ich halte	
		du hältst	
	gehalten	er/sie/es hält	
	(صرف با فعل haben)	wir halten	
		ihr haltet	
		sie/Sie halten	

helfen			
کمک کردن، یاری رساندن		ich helfe	
		du hilfst	
	geholfen	er/sie/es hilft	
	(صرف با فعل haben)	wir helfen	
		ihr helft	
		sie/Sie helfen	

kennen			
شناختن، آشنایی داشتن با		ich kenne	
		du kennst	
	gekannt	er/sie/es kennt	
	(صرف با فعل haben)	wir kennen	
		ihr kennt	
		sie/Sie kennen	

kommen			
آمدن		ich komme	
		du kommst	
	gekommen	er/sie/es kommt	
	(صرف با فعل sein)	wir kommen	
		ihr kommt	
		sie/Sie kommen	

können			
توانستن، قادر بودن (فعل کمکی)		ich kann	
		du kannst	
	gekonnt	er/sie/es kann	
	(صرف با فعل haben)	wir können	
		ihr könnt	
		sie/Sie können	

	اسم مفعول	حال
laufen راه رفتن، دویدن		ich laufe
		du läufst
	gelaufen (صرف با فعل sein)	er/sie/es läuft
		wir laufen
		ihr lauft
		sie/Sie laufen

lesen خواندن		ich lese
		du liest
	gelesen (haben با فعل haben)	er/sie/es liest
		wir lesen
		ihr lest
		sie/Sie lesen

liegen قرار دادن		ich liege
		du liegst
	gelegen (haben با فعل haben)	er/sie/es liegt
		wir liegen
		ihr liegt
		sie/Sie liegen

mögen دوست داشتن، خواستن (فعل کمکی)		ich mag
		du magst
	gemocht (haben با فعل haben)	er/sie/es mag
		wir mögen
		ihr mögt
		sie/Sie mögen

müssen مجبور بودن (فعل کمکی)		ich muss
		du musst
	gemusst (haben با فعل haben)	er/sie/es muss
		wir müssen
		ihr müsst
		sie/Sie müssen

	اسم مفعول	حال
nehmen		
گرفتن		
		ich nehme
		du nimmst
	genommen	er/sie/es nimmt
	(صرف با فعل haben)	wir nehmen
		ihr nehmt
		sie/Sie nehmen

schreiben		
نوشتن		
		ich schreibe
		du schreibst
	geschrieben	er/sie/es schreibt
	(صرف با فعل haben)	wir schreiben
		ihr schreibt
		sie/Sie schreiben

sehen		
دیدن		
		ich sehe
		du siehst
	gesehen	er/sie/es sieht
	(صرف با فعل haben)	wir sehen
		ihr seht
		sie/Sie sehen

sitzen		
نشستن		
		ich sitze
		du sitzt
	gesessen	er/sie/es sitzt
	(صرف با فعل haben)	wir sitzen
		ihr sitzt
		sie/Sie sitzen

sollen		
بپزیر بودن، قرار بودن (فعل کمکی)		
		ich soll
		du sollst
	gesollt	er/sie/es soll
	(صرف با فعل haben)	wir sollen
		ihr sollt
		sie/Sie sollen

	اسم مفعول	حال
sprechen صحبت کردن		ich spreche
		du sprichst
	gesprochen	er/sie/es spricht
	(صرف با فعل haben)	wir sprechen
		ihr sprecht
		sie/Sie sprechen

stehen ایستادن، قرار داشتن		ich stehe
		du stehst
	gestanden	er/sie/es steht
	(صرف با فعل haben)	wir stehen
		ihr steht
		sie/Sie stehen

tragen حمل کردن، پوشیدن		ich trage
		du trägst
	getragen	er/sie/es trägt
	(صرف با فعل haben)	wir tragen
		ihr tragt
		sie/Sie tragen

treffen ملاقات کردن		ich treffe
		du triffst
	getroffen	er/sie/es trifft
	(صرف با فعل haben)	wir treffen
		ihr trefft
		sie/Sie treffen

trinken نوشیدن		ich trinke
		du trinkst
	getrunken	er/sie/es trinkt
	(صرف با فعل haben)	wir trinken
		ihr trinkt
		sie/Sie trinken

	اسم مفعول	حال
verlieren		
گم کردن		
		ich verliere
		du verlierst
	verloren	er/sie/es verliert
	(صرف با فعل haben)	wir verlieren
		ihr verliert
		sie/Sie verlieren

verstehen		
متوجه شدن، فهمیدن		
		ich verstehe
		du verstehst
	verstanden	er/sie/es versteht
	(صرف با فعل haben)	wir verstehen
		ihr versteht
		sie/Sie verstehen

wissen		
دانستن (حقیقت)		
		ich weiß
		du weißt
	gewusst	er/sie/es weiß
	(صرف با فعل haben)	wir wissen
		ihr wisst
		sie/Sie wissen

wollen		
خواستن، قصد داشتن (فعل کمکی)		
		ich will
		du willst
	gewollt	er/sie/es will
	(صرف با فعل haben)	wir wollen
		ihr wollt
		sie/Sie wollen

فهرست نمونه‌های صوتی

- نمونه‌ی صوتی ۱: الفبای آلمانی (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۲: تلفظ مصوت‌های زبان آلمانی (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۳: تلفظ مصوت‌های اوملاوت‌دار (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۴: تلفظ مصوت‌های مرکب (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۵: تلفظ صامت‌های زبان آلمانی (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۶: تلفظ «r» و «l» در زبان آلمانی (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۷: تلفظ صامت‌های ترکیبی (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۸: احوال‌پرسی رسمی (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۹: احوال‌پرسی غیررسمی دوستان قدیمی (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۱۰: خداحافظی کردن در ایستگاه راه‌آهن (فصل ۳)
- نمونه‌ی صوتی ۱۱: خریدن غذا و استفاده از واحدهای اندازه‌گیری (فصل ۴)
- نمونه‌ی صوتی ۱۲: صحبت کردن درباره‌ی خانواده (فصل ۵)
- نمونه‌ی صوتی ۱۳: صحبت کردن درباره‌ی شغل‌ها (فصل ۶)
- نمونه‌ی صوتی ۱۴: صحبت کردن درباره‌ی برنامه‌ها و آبوهوا (فصل ۶)
- نمونه‌ی صوتی ۱۵: سؤال کردن درباره‌ی مسیر ایستگاه تاکسی (فصل ۷)
- نمونه‌ی صوتی ۱۶: پیدا کردن هتل محل اقامت یک دوست (فصل ۷)
- نمونه‌ی صوتی ۱۷: نشستن در رستوران (فصل ۸)
- نمونه‌ی صوتی ۱۸: سفارش دادن غذا (فصل ۸)
- نمونه‌ی صوتی ۱۹: پرداخت صورت‌حساب و انعام (فصل ۸)

- نمونه‌ی صوتی ۲۰: خرید بلوز زنانه (فصل ۹)
- نمونه‌ی صوتی ۲۱: امتحان کردن یک بلوز (فصل ۹)
- نمونه‌ی صوتی ۲۲: قرار گذاشتن برای رفتن به سینما (فصل ۱۰)
- نمونه‌ی صوتی ۲۳: صحبت کردن درباره‌ی رقص پاله (فصل ۱۰)
- نمونه‌ی صوتی ۲۴: برقرار کردن یک تماس کاری (فصل ۱۱)
- نمونه‌ی صوتی ۲۵: صحبت کردن درباره‌ی برنامه‌های سفر (فصل ۱۲)
- نمونه‌ی صوتی ۲۶: کسب اطلاعات از دفتر گردشگری (فصل ۱۲)
- نمونه‌ی صوتی ۲۷: رزرو کردن پرواز به کمک آژانس مسافرتی (فصل ۱۳)
- نمونه‌ی صوتی ۲۸: تبدیل کردن پول (فصل ۱۴)
- نمونه‌ی صوتی ۲۹: چک‌این در فرودگاه (فصل ۱۵)
- نمونه‌ی صوتی ۳۰: سؤال کردن درباره‌ی اتوبوسی که باید سوار شوید (فصل ۱۵)
- نمونه‌ی صوتی ۳۱: رزرو کردن اتاق (فصل ۱۶)
- نمونه‌ی صوتی ۳۲: چک‌این در هتل (فصل ۱۶)
- نمونه‌ی صوتی ۳۳: صحبت کردن با پزشک درباره‌ی علائم بیماری (فصل ۱۷)

پاسخنامه

صفحات پیش رو پاسخنامه‌ی فعالیت‌های بازی و سرگرمی در انتهای هر فصل است.

فصل ۳: آشنایی با تلفظ و اصطلاحات اساسی

1. geht, Ihnen, gut, ist, freut, auch; 2. hallo, geht's, mir, selbst, auch; 3. heißt, heiße, du, bin, wer, meine

فصل ۴: اعداد، زمان و واحدهای اندازه‌گیری

1. Montag, acht Uhr, anrufen (تماس‌گرفتن) Herr Hegele; 2. Montag, zehn Uhr dreißig—elf Uhr dreißig, Meeting; 3. Dienstag, neun Uhr fünfundvierzig, Golf; 4. Mittwoch, ICE Zug (قطار) nach (به) Dortmund, vierzehn Uhr einundzwanzig; 5. Donnerstag, fliegen (پرواز کردن) nach (به) Innsbruck, sieben Uhr vierzig; 6. Freitag, Abendessen (شام), zwanzig Uhr; 7. Samstag, Museum Haus der Kunst, zwölf Uhr; 8. Samstag, Theater Faust, neunzehn Uhr dreißig; 9. Sonntag, Cocktail mit (با) Andrea, achtzehn Uhr

فصل ۵: صحبت کردن درباره‌ی خانه و خانواده

A. Bad; B. Schlafzimmer; C. Esszimmer; D. Küche; E. Wohnzimmer

فصل ۶: معرفی خودتان با گفت‌وگویی کوتاه

1. Unwetter, donnert; 2. unter Null, schneit; 3. Temperatur, Regnen; 4. Regen

فصل ۷: پرسیدن آدرس و پیدا کردن مسیر

1. D; 2. G; 3. E; 4. C; 5. H; 6. B; 7. A; 8. F

فصل ۸: بیرون غذاخوردن و رفتن به بازار

A. die Suppe; B. die Serviette; C. die Gabel; D. der Teller; E. das Steak; F. das Kartoffelpüree; G. das Messer; H. die Tasse Kaffee; I. das Glas Wasser; J. der Löffel. (The waiter forgot der Salat.)

فصل ۹: خرید کردن آسان شده است

7th floor: Restaurant; 6th floor: Computer; 5th floor: TV/ Telekommunikation; 4th floor: Schuhe; 3rd floor: Kinderabteilung; 2nd floor: Herrenabteilung; 1st floor: Damenabteilung; Erdgeschoss: Schmuckabteilung; Untergeschoss: Supermarkt

فصل ۱۰: گشت و گذار در شهر

1. Museum; 2. Sinfonie; 3. Film; 4. Ballet; 5. Oper; 6. Party

فصل ۱۱: کسب و کار و ارتباطات از راه دور

1. der Bürostuhl; 2. die Lampe; 3. der Umschlag; 4. der Kalender; 5. der Computer; 6. der Drucker; 7. das Telefon; 8. der Fotokopierer; 9. Der Schreibtisch; 10. das Papier; 11. der Kugelschreiber; 12. der Bleistift; 13. die Unterlagen; 14. die Maus

فصل ۱۲: تفریحات و سرگرمی‌های بیرون از خانه



فصل ۱۳: برنامه‌ریزی برای سفر

1. werden; 2. Wirst; 3. werde; 4. Werdet; 5. wird; 6. werden

فصل ۱۴: سروکارداشتن با پول در یک کشور خارجی

1. fünfhundertzehn Euro, dreißig Cent; 2. zweihundertsechs Euro, sechzig Cent; 3. sechshundert Euro, fünfzig Cent; 4. zwölf Euro; 5. zwei Euro, fünfzig Cent

فصل ۱۵: گشت و گذار با هواپیما، قطار، تاکسی و غیره

1. G; 2. D; 3. B; 4. E; 5. A; 6. F; 7. J; 8. H; 9. I; 10. C

فصل ۱۶: یافتن مکانی برای اقامت

1. Was; 2. Wie; 3. Wann; 4. Wo; 5. Was für

تمرین اول:

تمرین دوم: ۱. تاریخ ورود؛ ۲. نام خانوادگی؛ ۳. نام؛ ۴. شغل؛ ۵. تاریخ تولد؛ ۶. مکان تولد؛ ۷. ملیت؛ ۸. خیابان/پلاک؛ ۹. کدپستی؛ ۱۰. محل زندگی، شهر؛ ۱۱. مکان/تاریخ؛ ۱۲. امضا

فصل ۱۷: رسیدگی به امور اورژانسی

1. die Brust; 2. die Schulter; 3. das Auge; 4. der Kopf; 5. die Nase; 6. der Mund; 7. der Hals; 8. der Arm; 9. die Hand; 10. der Bauch/der Magen; 11. das Bein; 12. der Fuß; 13. der Fußknöchel; 14. das Knie

علوم انسانی

پایان دهم

دانش ماری وایت
مریم گلشادی‌نژاد (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۶۵۰-۷

تاریخ فلسفه

مارتین کوهر
مهدی شفقش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۶۵۰-۸

تاریخ قرن بیستم

دکتر شون لنگ
مهرک ایروانلو (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۱۹-۸۰۰-۶

فلسفه

مارتین کوهر
مهدی شفقش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۱۹-۸۰۲-۷

مصر باستان

شارلوت پوت
عنوشا بهارلو (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۵۳۰-۵

هنر

آموزش طراحی

برندا هادلیت
مهرداد مجیدی (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۱۹-۸۰۹-۹

پایان دهم (مترجم)

ملیک نیلی
گنار نویدان (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۹

تئوری موسیقی (مترجم با لوح فشرده)

مایکل پینلور - مای دی
گنار نویدان (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۱۵۰-۳

طیلسان نویسی

زندی پیکرممن و پتر اکومس
سارا کاتلمی‌منش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۱۵۰-۴

طیلسان نویسی برای کودکان

ایسا روجانی پوجوری و پتر اکومس
سارا کاتلمی‌منش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۲۵۰-۳

طراحی کمیک و کارتون

برایان هیرینگتون
مهرداد مجیدی (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۸

مکسیمی در سفر

سرژ تماشت
علی بهاری (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۸

فلسفه (مترجم با لوح فشرده)

کارن لوکر مرانو
رضا کافلی (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۶

فلسفه

براینل مایکل استوار
پام یزدانی (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۵

فلسفه‌نویسی

لورا شپارد
مهسا ملک مرزبان (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۲

گیتار (مترجم با لوح فشرده)

مارک هلیس‌جانی چیل
پهرام حشمتی (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۹

نمایشنامه نویسی

آنتونی پارا
سارا کاتلمی‌منش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۴

ویژن (مترجم با لوح فشرده)

کوئین نیوورت
امیر حسن طه‌وری و نسیم طه‌وری (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۶

آموزش زبان

برگزاری جلسات به زبان انگلیسی

لارس آم‌بلوندین
سارا کاتلمی‌منش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۳

گفت‌وگرهای کوتاه خصوصی

به زبان انگلیسی
لارس آم‌بلوندین و نیسی هاجس
سمیه گرامی بروجرذی (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۱

مناظرات به زبان انگلیسی

لارس آم‌بلوندین
سارا کاتلمی‌منش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۰۲۲-۳۹۰-۲

مکاتبات انگری و عبری

به زبان انگلیسی
لارس آم‌بلوندین
مهدی شفقش (مترجم)
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۱۱۹-۸۰۳-۳



روشی آسان و مفرح برای یادگیری زبان جذاب آلمانی

گوته تاگ! چه بخواهید فقط در حد سلام و احوالپرسی آلمانی یاد بگیرید چه به عنوان یک دانشجوی تبادلی در کشورهای آلمانی زبان تحصیل کنید، **German For Dummies** با استفاده از رویکرد شناخته شده مؤسسه برلینز، زبان را با تفریح و سرگرمی به شما می آموزد. این کتاب که برای سطح مبتدی طراحی شده است، گرامر پایه و واژگان ضروری را به شما یاد می دهد تا در کوتاه ترین زمان ممکن آلمانی صحبت کنید. بازی های سرگرم کننده ی کتاب، آلمانی تان را روان می کند، فوتیگ کلمات، تلفظان را بهبود می بخشد و کادرهای خاکستری شما را با ظرافت های فرهنگی آشنا می کند.

کتاب را باز کنید و ببینید:

- معیارهای املايي جديد
- فرهنگ لغت کوچک کلمات ضروری
- طبقه بندی موضوعی مباحث
- جدول افعال
- صرف افعال باقاعده و بی قاعده
- تلفظ صامت ها و مصوت های آلمانی
- اصطلاحات و واژگان مورد استفاده در زندگی روزمره
- آداب و رسوم مردم آلمان و کشورهای آلمانی زبان



برلینز

بالغ بر 14۰ سال است که به میلیون ها نفر زبان های مختلف را آموخته است. دکتر پائولینا کریستنسن و آن فاکس از استادان باتجربه ی زبان آلمانی و وندی فاستر استاد زبان و نویسنده ی کتاب **Intermediate German For Dummies** است.

برای دسترسی به نمونه های صوتی مکالمه های کتاب به نشانی زیر مراجعه کنید:

fordummies.ir/go/german

WILEY

کتاب های دامیز مجموعه ای از کتاب های آسان فهم است که توسط انتشارات آوند دانش تحت امتیاز انتشارات وایلی منتشر می شود.



آوند دانش

ISBN 978-622-6661-40-9



9

786226

661409



for
dummies
A Wiley Brand